

كتاب مقدس ترسایان

((ترجمه خاص))

# انجیل یوحنای

مقدمه و توضیحات طبق  
ترجمه بین الکلیسایی کتاب مقدس

سطح عالی

# پیشگفتار

# انجیل یوحنای

## ترکیب و ساختار انجیل

در اینکه مؤلف در نوشتن انجیل چه طرحی داشته و جزئیات آن چه بوده نمی‌توان به طور دقیق مطمئن بود. البته وی بیشتر وقایع را کاملاً متمایز و جدا از یکدیگر روایت می‌کند ولی معلوم نیست این وقایع را به چه ترتیب و توالی ذکر کرده و بر مبنای چه معیارهایی است. این مسئله بدان سبب دقیق و حساس است که برطبق یک نظریه، بخش هائی از آن به هنگام انتشار انجیل جایجا شده‌اند. مثلًاً می‌توان باب پنجم را بین آیات ۱۵:۷ و ۱۶:۷ جای داد و با این تغییر، ترتیب قرار گرفتن مطالب از نظر جغرافیایی منظم و یکنواخت خواهد شد، بدین معنی که پس از اقامات در جلیل فعالیت طولانی در اورشلیم قرار خواهد گرفت (۴۳:۴ و ۵۴:۶-۷). بعضی از منتقدان در مورد این فرضیه فراتر رفته و تصور می‌کنند تعداد زیادی از مطالب جایجا شده و ترکیب و ساختار دیگری برای انجیل پیشنهاد می‌نمایند.

با این همه باید قبول کرد که این نظریه‌ها در روایات متون نقطه اتفاقی ندارند. به علاوه در این نظریه‌ها قوانین قابل انعطاف روایات شفاهی منظور نشده و به موضوع انشای زبان عبری که با روش منطق ما تطبیق نمی‌کند توجه نشده است.

## یک انجیل

انجیل یوحنای بر طبق یکی از سنتهای بزرگ مسیحیان اولیه، روایتگر و قایعی است از ایام پیغمبر تعمید دهنده تا روزی که خداوند عیسی به شکوه پدر گذر نمود (۲۱:۲۲-۲۲). این اثر به عنوان یک شهادت معرفی شده و مسلمًاً یوحنای می‌خواسته انجیلی واقعی بنویسد. مؤلف پس از مقدمه‌ای رسمی و مجلل در باب الهیات (۱:۱-۱۸)، در قسمت اول به بیان وقایع و آموزه‌های مربوط به آن وقایع می‌پردازد (۱:۱۹-۱۲:۵۰) و در قسمت دوم وقایع مربوط به مصائب و مصلوب شدن و ظاهر شدن‌های مسیح برخاسته از مرگ را مفصلًاً روایت می‌نماید (۱:۱۳-۱:۲۱). یوحنای به طوری که در نتیجه گیری کوتاهی توضیح می‌دهد (۲۰:۳۱-۳۰:۳۱)، بعضی از نشانه‌ها را انتخاب کرده و اهمیت و معنی آنها را یادآوری کرده است تا مسیحیانی که انجیل به آنان خطاب شده ایمان خود به عیسی مسیح پسر خدا را عمیق‌تر کرده و بدین گونه مشارکت با خدا را در زندگی خود توسعه دهند. یوحنای برای انجام این کار ضروری دیده که در مقابل انحرافات مختلفی که مسیحیت دوران او را تهدید می‌کرد موضع گرفته و از آن دفاع نماید.

تمام این نظریات جالب به نظر می‌رسند و گاهی ماهراهه و ظریف هستند ولی به ندرت می‌توان نظریه‌ای یافت که کاملاً و از هر حیث رضایت بخش باشد. اصولاً مسلم نیست که یوحنا در انشاء اثر خود از قواعد معینی پیروی کرده باشد یا حتی به طور قطعی انشاء اثر خود را به پایان رسانده باشد. به نظر ما انجیل چهارم حاوی قسمتهایی است که وقایع و آموزش‌هایی را یکی پس از دیگری ذکر می‌کند و گرچه بر مبنای طرحی دقیق نیست با این همه موضوع برخورد تدریجی عیسی و «دنیا» را توضیح داده و تشریح می‌نماید و از سوی دیگر پیشرفت آگاهی و معرفت ایمانداران را که امری دشوار است بدواند در جلیل و سپس در اورشلیم روایت می‌کند.

### ارتباط با انجیل نظری

گرچه یوحنا در نظر دارد به طور کلی یک انجیل بنویسد با این همه اثر وی از بسیاری جهات متمایز از انجیل نظری است؛ در ابتدا تفاوت‌هایی که از نظر جغرافیایی و ترتیب و توالی وقوع حوادث وجود دارد موجب حیرت می‌شود. در انجیل نظری در ابتدا از دورانی طولانی در جلیل یاد شده، سپس یک راهپیمایی کم و بیش طولانی به سوی یهودیه و بالآخره اقامتی کوتاه در اورشلیم آمده است؛ در صورتی که در انجیل یوحنا تغییر مکانهای متعددی از یک منطقه به منطقه دیگر روایت شده و سپس حضوری دراز مدت در منطقه یهودیه و مخصوصاً در اورشلیم آمده است (۱۹:۱-۵؛ ۲:۱۳-۳؛ ۳:۳۶؛ ۵:۱-۷؛ ۷:۴؛ ۱۴:۱-۲؛ ۲۰:۳۱). یوحنا از چندین بار برگزاری عید گذر یاد می‌کند (۲:۱؛ ۵:۱؛ ۶:۴؛ ۱۱:۱۱؛ ۵۵:۱) و بدین سان نشان می‌دهد که رسالت عیسی بیش از دو سال بوده است.

برای کسانی که ترتیب و توالی کنونی مطالب کتاب را می‌پذیرند ترکیب و ساختار انجیل را به طرق مختلفی می‌توان توضیح داد ولی در هر صورت تقریباً پذیرفته شده است که انجیل به دو بخش تقسیم می‌شود و قبل از این دو بخش پیشگفتاری آمده است. ضمناً با توجه به مشخصات جغرافیایی یا ترتیب و توالی وقایع یا تکرار بعضی طرحهای ادبی (روایت - گفتار) به آسانی می‌توان تشخیص داد که متون مجازی متعددی وجود دارد. ولی این متون به چه ترتیبی نسبت به یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ به نظر بعضی از نویسندهای این انجیل بر مبنای طرحی معین و منطقی تنظیم شده و نظریات مهم الهیاتی به شیوه منظمی تشریح گشته است (روشنایی، زندگی، شکوه). کسان دیگری در این کتاب مراحل برخورد و رویاروئی تدریجی مسیح با «دنیا» را می‌بینند و آن را همچون نمایشنامه‌ای غم انگیز یا محکمه‌ای می‌دانند که در جریان وقایع عید گذر به پایان می‌رسد. طرحهای دیگری پیشنهاد شده که بر مبنای موضوعات مربوطه است. طرفداران این طرحها نمی‌پذیرند که در انجیل یوحنا مجموعه‌ای با ترکیب منطقی و دقیق وجود داشته باشد بلکه به نظر آنان این کتاب نوعی نوشته ادبی است که یادآور تغییرات آهنگ موسیقی است. به طوری که نشان داده شده برخی فنون ادبی زبان سامی نظری «ادحال» در این اثر بکار رفته است. بسیاری از داشمندان اهمیت بعضی اعداد و جنبه‌های نمادین آنها را یادآوری کرده و طرحهایی بر مبنای اعداد سه و هفت ارائه داده‌اند. بالآخره برخی ادعای کرده‌اند که جریان وقایع با آنچه در سفر خروج آمده تطبیق می‌کند و بعضی از محققان فرضیه‌ای پیشنهاد کرده‌اند که بر طبق آن انجیل یوحنا تقلید و اقتباس از نوشته‌هایی است که در کیسه‌های قدیم قرائت می‌شد.

این انجیل با اناجیل نظری تفاوت بسیار دارد: اصطلاح «ملکوت خدا» فقط یک بار بکار برده رفته است (۳:۵-۵): یوحنا ترجیح می‌دهد در زندگی و از زندگی جاودان سخن بگوید و موضوعاتی از قبیل دنیا، نور و ظلمت، حقیقت و دروغ، شکوه خدا و شکوه ناشی از انسانها را دوست دارد.

گرچه مطالبی در روایات اناجیل نظری هست که در انجیل چهارم وجود ندارد اما در عوض حاوی اطلاعات جدیدی است: نشانهٔ قانا (۲:۱۱)، گفتگو با نیقودیموس (۳:۱-۱)، گفتگو با زن سامری (۴:۵-۵)، رستاخیز ایلعازر و نتایج آن (۱۳:۱-۱۱)، شستشوی پاها (۱۳:۱۹) و نکات مختلفی در روایت مصائب و مصلوب شدن رستاخیز عیسی. همچنین ملاحظه می‌شود که برای روش شدن وقایع ذکر شده خطابه‌ها و گفتگوهای طولانی آمده است از جمله گفتگو و خطابه مهم نهایی پس از شام آخر (۱۳:۳۱-۱۷) که به استقبال دوران کلیسا می‌رود.

اکنون این سوال پیش می‌آید که یوحنا تا چه اندازه با اناجیل نظری آشنا بی‌داشته است؟ تعداد زیادی از مفسران تصور کرده‌اند که از آنها آگاهی نداشته و فقط روایات مربوط به خداوند را می‌شناخته است چنان‌که اناجیل نظری‌هم به نوبهٔ خود به آنها اشاره و مراجعه کرده‌اند، با این‌همه بین اناجیل چنان ارتباط واضح و روشنی وجود دارد که کاملاً محتمل است یوحنا با انجیل مرقس و مخصوصاً انجیل لوقا آشنا بی‌داشته ولی در مورد انجیل متی موضوع کاملاً روش نیست.<sup>۱</sup> به

همچنین تفاوت‌هایی از نظر شیوهٔ نگارش و طرز انشاء مشاهده می‌شود: در اناجیل نظری اکثراً متنی مختصر، نکات و گزیده‌هایی از حکمت و اندرز یا روایاتی از معجزه‌ها وجود دارد که حاوی اظهارات کوتاهی می‌باشد در صورتی که یوحنا تعداد محدودی از وقایع یا نشانه‌ها را ذکر کرده و اکثراً آنها را با گفتگوها و خطابه‌هایی روش نموده است و در انجام این امر گاهی به لحظاتی دقیق و هیجان‌آور می‌رسد.

همچنین از ویژگی‌های یوحنا آن است که مطالب بدیع و شگفت‌انگیز بکار می‌برد. البته بسیاری از وقایعی را که اناجیل نظری روایت کرده‌اند ذکر می‌کند، نظری فعالیت یحیی تعمید دهنده، تعمید عیسی در رودخانه اردن و فراخواندن نخستین شاگردان (۱:۱۹-۵۱): متن مربوط به بیرون کردن سوداگران از معبد (۲:۲-۲۱)؛ شفای پسر یکی از افسران (۴:۳۴-۵۴)؛ شفای یک مفلوج (۵:۱-۱۵)؛ شفای یک نابینا (۹:۱-۴۱)؛ تکثیر نانها در کنار دریاچه و راه رفتن بر روی آب (۶:۱-۲)؛ مباحثه و مجادله در اورشلیم (۷:۸-۱۰)؛ تدهین در بیت عنیا و جریان وقایع عید گذر (۱۲-۲۱). ولی چنین به نظر می‌رسد که مطالب دیگری از روایات اناجیل نظری در اینجا وجود ندارد مثل وسوسه در صحراء، تجلی مسیح، روایت مربوط به بنیان‌گذاری راز قربانی مقدس، اندوه عیسی در جتسيیمانی، روایات متعددی دربارهٔ معجزات و بسیاری از تعالیم (از خطابه‌روی کوه و اکثر مثل‌ها گرفته تا خطابه دربارهٔ پایان روزگار).<sup>۲</sup> همچنین لحن و زبان در

۱- یافتن نکات و مواردی که در مجموعه انجیل یوحنا با این مطالب تطبیق کنده کار دشواری نیست مثلاً وسوسه از «دنیا» می‌آید، جلی در تمام لحظات و مخصوصاً در رستاخیز مسیح وجود دارد. در مورد اندوه ر. ک: ۱۲:۲۷؛ در مورد راز قربانی مقدس ر. ک: ۶:۱۵.

۲- یو:۸:۵ و مرت:۱:۲؛ یو:۷:۶ و مرت:۶:۳؛ یو:۱۲:۳ و مرت:۱۴:۳؛ یو:۳:۱۲ و لوق:۷:۳۶-۴:۳؛ یو:۲:۱۳ و لوق:۲:۲۷ و لوق:۳:۲۲؛ یو:۲:۲۲ و لوق:۳:۲۲؛ یو:۱۰:۱۰ و مرت:۱۰:۲۴؛ یو:۱۸:۱۱ و مرت:۲۶:۵؛ یو:۲:۲۳ و مرت:۱۸:۱۸.

آرامی وجود ندارد و در ضمن از شیوهٔ نگارش و نکات ادبی که در آن بکار رفته می‌توان نتیجه گرفت که انشای آن یکدست می‌باشد. نکات بسیاری نشان می‌دهد این نویسنده که به زبان یونانی می‌نویسد اصلاً سامی نژاد است یا اینکه ترجمه یونانی عهد عتیق (هفتاد تنان) بر او اثر گذاشته است. البته ممکن است از منابع مخصوصی به ویژه از مجموعهٔ روایات معجزات استفاده کرده باشد ولی آنها را نیز به مانند روایات انجیل نظیر آزادانه و بدون تکلف بسط و توضیح داده است. لازم به یادآوری است که یوحنا وابسته به محافل مسیحی بوده و در بعضی موارد از عبارات و اصطلاحات آیین نیایش و متون موعظه‌های مذهبی استفاده می‌کند، مثلاً چنین می‌نماید که کهن ترین قسمت مقدمه این انجیل از سروید گرفته شده که یادآور نامه‌های دوران اسارت یا نامه‌های رسولی است و گفتار مربوط به نان زندگی طبق گفتارهای مذهبی کاهنان یهود تنظیم گشته است.

### محیط اندیشه

هر اندیشه‌ای از طریق زبان بیان می‌شود و به محیط‌های فرهنگی بستگی دارد. در بیان هر اندیشه‌ای کلمات و مقولاتی بکار می‌رود که انکاسی از نظریات و اشتغال خاطر مردمان آن محیط است. هرگاه اندیشه‌ای تازه و بدیع باشد بیان آن مستلزم ایجاد روابطی جدید بین کلمات و مطالب است و باید به وسیلهٔ مصالحی که از جاهای دیگر به عاریت گرفته می‌شود مطالب تازه‌ای اظهار گردد. کتاب مقدس از این قوانین مستثنی نیست. بنابراین ریشه سخنان و طرز بیان یوحنا را باید در تمدن و فرهنگهای مختلفی جستجو کرد که در نواحی شرقی امپراتوری روم در کنار یکدیگر

هر صورت می‌توان گفت که یوحنا به خوبی می‌دانست مخاطبانش از روایات مهم انجیل نظیر اطلاع دارند.

یوحنا سعی می‌کند مجددًا این روایات را ذکر کرده آنها را با اطمینان و آزادی بیشتر از نویسنده‌گان قبلی توضیح دهد و تشریح نماید. به نظر او امانت در آن است که اهمیت و ارزش وقایع نجات را که در عیسیٰ انجام می‌شود عمیقاً درک نمود و بیان کرد و شاید بتوان گفت چنین امانتی آفریننده است.

### مسائل مربوط به نگارش

آیا عدم وابستگی انجیل یوحنا به روایات انجیل نظیر به معنی استفاده از منابع دیگری است؟ آیا این کتاب از نظر ادبی اثری یکپارچه و یکدست است یا اینکه در نگارش آن از مدارک مختلفی استفاده شده است؟

و قبل از هرچیز این سوال پیش می‌آید که اولین بار به چه زبانی نوشته شده است؟ در این انجیل اصطلاحات متعددی وجود دارد که مختص زبان آرامی است لذا بسیاری از دانشمندان از این فرضیه طرفداری می‌کنند که نسخه اصلی به زبان آرامی بوده و سپس به یونانی ترجمه شده است؛ دانشمندان دیگری چنین پنداشته‌اند که نویسنده یونانی از برخی متون که به زبان آرامی بوده استفاده کرده است ولی با بررسی‌های دقیق تر این فرضیه‌ها کنار گذاشته شدند. انجیل یوحنا از نظر ادبی اثری یکدست و یکپارچه است و مستقیماً به زبان یونانی کم‌مایه ولی صحیح و به قاعده نوشته شده است، با این همه خواننده را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد و این از مختصات انجیل چهارم است. در این کتاب مخصوصاً کلمات و جناس‌هایی بکار برده شده که معادل آنها در زبان

«پسر تن گرفته» در ایمان است. حتی موقعی که همان کلمات بکار می‌رود معانی آنها تغییر می‌کند: مثلاً کلمه لوگوس که یوحنا ذکر می‌کند مخلوق واسطه‌ای بین خدا و جهان نیست بلکه پسر ازلی است که در عمل خدا شراکت کامل دارد.

در آغاز قرن اخیر که اشکال رایج زندگی فلسفی و مذهبی شناخته شد و دریافتند که در آن دوران تا حدی تمایل به ایجاد وحدت بین عقاید و ادیان وجود داشته شبهات‌های دیگری در عبارات و بیان انجیل ملاحظه نمودند. بعضی چنین نتیجه می‌گرفتند که انجیل یوحنا اقدامی گسترده برای انطباق دادن مسیحیت با سایر ادیان است بدین معنی که نظریات مکافشه‌ای و یهودی از آن حذف شده و به صورت عقیده‌ای عرفانی و شخصی تغییر یافته است.

ب) تأثیر و نفوذ یهودیت: ولی دیری نپایید که متوجه شدن انجیل چهارم در عهد عتیق و یهودیت ریشه دارد زیرا شیوه نگارش و تعداد زیاد ترکیب عبارات سامی موجب شده بود تصور کنند که این انجیل در ابتدا به زبان آرامی نوشته شده است. از سوی دیگر یادآوری و تأکید شده که در این انجیل اشاره به عهد عتیق اهمیت فراوانی دارد. گرچه یوحنا به ندرت صریحاً از عهد عتیق نقل قول می‌کند و گرچه در پی آن است که نظام کهن را از نظام نوین کاملاً جدا و متمایز سازد با این همه عبارات و اصطلاحات متعددی را از عهد عتیق بکار می‌برد مخصوصاً موضوعات ادبی که در نوشته‌های حکمت عهد عتیق آمده است نظری آب، مائدۀ آسمانی، من، شبان، درخت مو و معبد، چنانکه گویی یوحنا به موضوعات مذکور کاملاً آشنا بوده و مفاهیم مختلف آنها را می‌دانسته است

قرار داشته‌اند و انجیل در میان آنها به رشته تحریر درآمده است.

به نظر دانشمندان موارد تماس و ارتباط این انجیل با فرهنگ‌های مختلف خیلی زیاد و متنوع هستند. در ابتدا تأثیر تمدن و فرهنگ یونانی و سپس روابط فراوانی که با عهد عتیق و محافل مختلف دارد مشخص شده و حتی دریافتۀ اند که ارتباط‌هایی با جریان‌های فکری گنوosi<sup>۳</sup> وجود دارد.

(الف) نفوذ تمدن یونانی: مسلم است که انجیل یوحنا بیشتر از انجیل نظری با فرهنگ یونانی که در خاورمیانه نفوذ کرده بود در ارتباط است. ابراز علاقه به موضوعات مربوط به شناخت حقیقت، بکار بردن عنوان یونانی Logos (سخن) و مخصوصاً کاربرد فراوان تمثیل، تحقیقات دانشمندان را در این طریق هدایت می‌کند. در این مورد مخصوصاً باید از فیلون اهل اسکندریه باد کرد که در قرن اول میلادی به وسیله اقدامات وسیع و گسترده‌ای سعی کرده بود میراث مذهبی یهود را با تمدن و فرهنگ یونانی هماهنگ سازد. وی هر چند در آثار خود موضوع لوگوس را به طور مبهم ذکر نموده ولی جایگاه مهمی برای آن قائل شده است و این نکته نفوذ تمدن و فرهنگ یونانی را تأیید می‌کند. ظاهرآ چنین به نظر می‌رسد که افکار فیلون در محافل یهودیان خارج از فلسطین (مهاجران یهودی) رواج داشته و موجب ایجاد سبکی در تحقیق و زندگی شده بود ولی دیدگاه کلی کاملاً متفاوت است، بدین معنی که در نوشته‌های یوحنا مدارج شناخت علوم و اندیشه‌های فلسفی منتهی به معرفت «هستی» وجود ندارد: به نظر او موضوع اصلی شناختن

<sup>۳</sup>- نهضت‌های مذهبی که بین قرن اول پیش از میلاد و قرن چهارم میلادی شیوع داشت و نجات را از شناخت و معرفت اسرار الهی می‌دانستند و منکر ارزش‌های دنیوی بودند.

روحیه مکاشفه‌ای بعضی مدارک قمران بدور است مقررات شدید شرعی را که در آن جماعت رعایت می‌کردند نمی‌پذیرد. نقش عیسی به کلی غیر از نقش «استاد عدالت» یا دو مسیح موعود فرقه قمران است. البته می‌توان مطابقت هایی در عبارات و هدفهای آنان پیدا کرد ولی مجموعه گرایشهای این جماعت‌ها اصولاً متفاوت است.

(ج) افکار گنوosi: از دو قرن پیش به این طرف سعی شده که موقعیت انجیل را نسبت به جریان افکار گنوosi تعیین کنند. می‌دانیم که نظریات گنوosi‌ها به طور کلی به صورت آموزشی پنهانی ارائه می‌شد که پیروان خود را پس از چند دوره تصفیه، از طریق معرفت به حقایق مذهبی یا به وسیله خلصه به سوی نجات و رستگاری رهبری می‌کردند و در این عقاید نسبت به حقایق مادی و نفسانی نوعی نفرت واقعی تلقین شده و آنها را شرّ مطلق بشمار می‌آوردن. از طریق متونی که پس از قرن اول میلادی نوشته شده با گرایشهای گنوosi‌ها آشنایی داریم. این متون در اوضاع و احوالی نوشته شده که تحت نفوذ تمدن یونانی و کما بیش تحت تأثیر شرقیان بوده یا در محیطی مسیحی نگارش یافته است. ضمناً می‌توان تصویر کرد که بعضی از روایات گنوosi که مربوط به دوران قدیم تری است با انجیل چهارم تلاقی داشته‌اند.

بررسی این مسئله بدان سبب حساس و دقیق است که منابع مربوطه خیلی نادر بوده و در تاریخهای بعدتری نوشته شده‌اند. چنانچه تسلیم تصویر و خیال نشویم و بر مبنای مدارکی که بعدها نوشته شده قواعد و اصول گنوosi را در نظر بگیریم که بیشتر مخالف مذهبی قرن اول میلادی را در بر می‌گرفته بایستی فقط بر رسالات شاخص «مجموعه قوانین رهبانی» تکیه نماییم. دو تا از

ولی آنها را به طریق شخصی و به نحو بدیعی بکار برده است.

وانگهی متوجه شده‌اند که موارد ارتباط متعددی با یهودیت دوران انجیل نگار وجود دارد (نوع استدلل، روش انشا، اطلاعات و کلماتی که در آن زمان در محافای کاهنان یهود رایج بود). حتی بعضی‌ها تصور کرده‌اند که در این انجیل

اشاراتی از آیین نیایش یهود وجود دارد یا از آن به عاریت گرفته شده است. آنچه مسلم است یوحنا کاملاً در جریان رسوم و عادات و افکار یهودیان فلسطین قرن اول میلادی بوده ولی به اختلافات عمیقی که آن را از مسیحیت جدا می‌کند کاملاً آگاه است. این جدائی عملاً انجام شده بود (ر.ک ۴۲:۹؛ ۴۲:۱۲) و یوحنا که از دنیا می‌متشرعاً یهود و آداب نیایش مربوطه کاملاً فاصله گرفته بود نواوری و تعالی دنیای تن‌گیری پسر خدا را روشن می‌کند.

مدارک قمران که پنجاه سال پیش کشف شده ما را با محیط یهودیان دیگری آشنا می‌کند که با انجیل چهارم قرابت‌هایی دارد. مثلاً مشاهده می‌شود که در زمینه‌های مذهبی و اخلاقی در هر دو طرف نوعی دوگانگی عوامل وجود دارد که در تقابل نور با ظلمت و حقیقت با دروغ بیان می‌شود. هر دو طرف معتقدند که جماعت آنها آغازگر ایام آخر هستند و کوشش دارند معنی مکتوم قرائتی را که در عهد عتیق آمده در ک و کشف نمایند. چه در انجیل یوحنا و چه در اسناد قمران اهمیت زیادی برای «استاد آموزه» قائل شده و در مورد نقش روح حقیقت یا تسلی دهنده تأکید می‌کنند.

ولی در کنار این نکات مشترک، اختلافات متعددی نیز بین دو جماعت وجود دارد و جوّ محیط کاملاً متفاوت است. یوحنا به همان گونه که از

خود می‌زیسته، احتمالاً در یکی از شهرهای بزرگی که در آنجا افکار یونانی با تصوف و عرفان شرقی برخورد و تلاقی داشته و حتی یهودیت هم تغییر یافته و نفوذ خارجی را پذیرفته بود. با این همه نباید اصالت و نوآوری عمیق افکار اورا نادیده گرفت. زیرا اندیشه او به زندگی و گفتارهای جماعتی که بدانها تعلق داشت وابسته است. وی قبل از هرجیز به واقعیت اساسی و بنیادی مسیحیت اشاره می‌کند و از اصطلاحات و مطالبی که در ابتداء برای بیان الهیات مسیحی بکار می‌رفته استفاده می‌نماید. ضمناً ملاحظه شده که بعضی از نکاتی که وی ذکر کرده شبیه نوشته‌های پولس است مخصوصاً نامه‌هایی که وی در زندان نوشته و مدارکی که طبق روایات مربوط به افسس می‌باشد؛ همچنین یوحنا با متون مختلف آیین نیایشی آشنا است.

با این همه و با اینکه انجیل نگار در محیط مسیحیت آن دوران ریشه دارد مانع از آن نبوده که اثری شگفت‌انگیز و بدیع بوجود آورد که پخته و سنجیده و کاملاً مستقل از جریانهای فکری مختلفی باشد که بدانها برخورد کرده و برای آنها ارزش قائل بوده است. یوحنا همه چیز را با توجه به نظریه‌ای پیچیده که در عین حال خیلی ساده است یعنی واقعیت نقش عیسی، مسیح، پسر خدا (۳۰:۲۰) گرفته و تحلیل می‌کند.

## انجیل چهارم و تاریخ

از آغاز قرن نوزدهم میلادی موضوع ارزش تاریخی انجیل چهارم مطرح گردید. همان‌طور که قبلًاً ملاحظه شد انجیل یوحنا از بسیاری جهات متمایز از انجیل نظیر است چنانکه بسیاری از مفسران این سؤال را مطرح کردند که آیا جنبهٔ

این رسالات (شماره ۱ و ۱۳) اصول و ترتیباتی نسبتاً روش را ارائه می‌کنند. بدین شرح که انسانی الهی یا انسان اولیه سقوط کرده و در ماده آلوده و غوطه ور شده است؛ سپس اوضاع و احوال مراحل بالارفتن او به آسمانها توصیف شده که از میان جوّهای اهریمنی و تحت نظرارت سیارات می‌گذرد. در این مدارک خدا به صورت «موجودی» اسرارآمیز، منبع نور و زندگی معرفی می‌شود و زندگی واقعی برای آدمیان آن است که در معرفت فوری و سعادت بخش به او ملحق شوند.

تعیین ارتباط بین نوشته‌های یوحنا و این رسالات دشوار است (و در صورتی که ارتباطی وجود داشته باشد کدام یک بر دیگر اثر گذاشته است؟)، ولی باید پذیرفت که در هر دو نظریات و بعضی عبارات مشترک هستند. یوحنا در محیطی مختلط و در هم پیچیده تربیت شده بود که در آن گرایشهای مختلفی با یکدیگر تلاقی و برخورد می‌کردند و اوضاع و شرایط این محیط او را برانگیخت تا ارتباط بین معرفت و زندگی الهی را که ممکن است به آدمیان ارزانی شود کاملاً روش و نمایان سازد. ولی او به طرز شگفت‌انگیزی عمل کرده زیرا ایمان او به اینکه همه چیز را خدا آفریده منافی با بدینی فلسفه ماوراء‌الطبیعه است و به نظر او تن‌گیری پسر جاودانی به جسم و وضعیت بشری معنی و مفهومی می‌دهد که به کلی با نظریات و افکار گنوی‌ها تفاوت دارد.

د) نوآوری و اصالت یوحنا: با وجود کلیه مقایسه‌های دقیق و حساس نمی‌توان محیطی فکری تعیین کرد که یوحنا نظریات اساسی آن را پذیرفته باشد. چنین به نظر می‌رسد که وی در نقطه تلاقی جریانهای مهم فلسفی و مذهبی دوران

<sup>۴</sup> - تأثیر انجیل یوحنا بر قسمتهایی از رسالت ۱۳ بسیار محتمل است.

در صورتی که پس از جنگ سالهای ۶۶-۷۲ میلادی این اوضاع سپری شده بود. بنابراین یوحنا دقت نموده که به اوضاع و شرایط واقعی تاریخ عیسی وابسته بماند: اکنون در برابر ما افسانه‌ای الهیاتی قرار ندارد بلکه انجیل از کسی سخن می‌گوید که زندگی کرده، مرده و در لحظهٔ دقیق و معینی رستاخیز کرده است (ر. ک ۲: ۲۰) و یوحنا به خوبی به روایات آن آشناست. این مؤلف خود را شاهد می‌نماید یا لااقل او را با این عنوان می‌شناختند (۱۹: ۳۵؛ ۲۱: ۲۴) و این متنضم صحت وقایع است یا اینکه حقایقی را شخصاً شناخته و گواهی کرده باشند. اگر پیام انجیل اساساً این است که «سخن تن گرفت و در میان ما ساکن شد» به طوری که «ما شکوه او را دیده‌ایم» می‌توان اهمیت منحصر به فرد حقیقت تاریخی وقایعی را که ذکر شده درک نمود. یوحنا معنی آنچه را در عیسی مسیح روی داده روشن می‌کند و بدین سبب کتاب او در ابتداء همچون رابطه بین مجموعه‌ای از نشانه‌ها ارائه می‌شود که از میان نشانه‌های بسیار انتخاب شده است (۲۰: ۲۰-۳۱؛ ۲۱: ۲۵). انجیل نگار با انجام این عمل همان روش سنتی کتاب مقدس را بکار می‌برد که سعی می‌کند رابطهٔ خدا و قوم او را مرحله به عنوان روایت اعمال خدا در تاریخ آدمیان بنویسد. اسرائیل همواره برتری وقایع را بر «سخن»<sup>۵</sup> پذیرفته است. (اندیشهٔ عبری که به وسیله کلمات، سنت و روایات تاریخی بیان می‌شود اساساً در جهت تلفیق عملی تفسیر مذهبی مطالبی که دریافت نموده حرکت می‌کند به طوری که ارتباط تاریخی همواره مقدم بر اندیشهٔ مذهبی است.)

الهیاتی این کتاب برای پاسخ دادن به مطالب دیگری غیر از مسائل تاریخی است؟ آیا بکار بردن رموز و اشارات برای آن نیست که خواننده را به ماورای وقایع و گفتارها بدان گونه که در نخستین مرحله درک می‌شود هدایت نماید؟ لذا بسیاری از منتقدان ارزش انجیل چهارم را به عنوان مدرکی تاریخی صریحاً رد کردند و آن را رساله‌ای در بررسی و تحقیق یا حتی «فرضیه الهیاتی» بشمار آوردند. ولی بررسی دقیق تر روش نگارش انجیل نظیر و هدف و منظور آنها، تفکر مجدد درباره روش تاریخی و مطالعه و تأمل در مورد اطلاعاتی که یوحنا داده است خواننده امروزی را وادر می‌کند که نظریه سابق را کنار بگذارد زیرا مسئله بغرنج تراز نظریات مذکور است.

یوحنا وقایع زیادی را ذکر می‌کند که انجیل نظیر به نوعی خود گزارش می‌نمایند و این موضوع مخصوصاً در مورد فعالیت یحیی تعمید دهنده، تعمید در رودخانه اردن و چندین معجزه به ویژه تکثیر نانها صدق می‌کند (۱۹: ۱-۵؛ ۲: ۲-۶؛ ۲۱: ۲-۲۱)؛ همچنین در مورد مجموعه روایات مربوط به مصائب و مصلوب شدن و رستاخیز عیسی (۱۲-۲۱). از مقایسه این قسمتها می‌توان نتیجه گرفت که منظور یوحنا آن است که وقایعی را ذکر نماید که در روایات آمده و شناخته شده است و این عمل را با امانت انجام می‌دهد. حتی در موارد بسیاری نکات تازه‌ای ذکر می‌کند که ارزش تاریخی آنها قابل توجه است مثلاً اطلاعات جغرافیایی و تاریخی و همچنین مطالبی دربارهٔ تشكیلات و تهاده‌های یهودیان و رومیان که نشان می‌دهد شرایط زندگی مردم را در آغاز قرن اول میلادی در فلسطین به خوبی می‌شناخته است.

۵- البته در آینین یهود، در دورانی که مؤخر بر کتاب مقدس است تاریخ را اجرای طرحی می‌دانستند که به وسیله یک سخن بیان شده است.

بنابراین ما در برابر اقدامی قرار داریم که کاملاً تاریخی است ولی با اقدامات و مقتضیات تاریخ نویسان معمولی تفاوت دارد. زیرا تاریخ نویسان وقایع را عیناً گزارش می‌کند ولی به هیچ وجه مفهوم آنها را روشن نکرده و نیز گویند که در مجموعه نظام نجات این وقایع در چه محلی قرار دارند. مفسران جدید ممکن است آن را تاریخ «اعلام منویات خدا» یا «تاریخ کیفی» بنامند. قبلًا مفسران کهن مسیحیت از «انجیل معنوی» نام می‌بردند (کلمان اهل اسکندریه). این ادراک عمیق مسیح و عمل او اکثراً به کمک ارائه تاریخ با رموز و اشارات انجام می‌شود. توجه شاگردان رفته رفته جلب شده و کشف می‌کند که اعمال و سخنان درجات مختلفی دارد و مفهوم آنها همواره ماورای خود اعمال و سخنان است و بدین گونه اهمیت «نشانه» معلوم می‌شود که معانی مختلف و متعدد یک عمل یا یک گفتار را یادآوری می‌کند (۱۴:۳؛ ۱۵:۸؛ ۲۸:۸؛ ۳۲:۱۲). همچنانکه در برابر سخنان رقیبان نوعی تمسخر زیرکانه وجود دارد که ممکن است مفهومی غیر از آنچه می‌خواهد بگویند در برداشته باشد (۵:۷؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۹:۱۲؛ ۳۰:۱۶؛ ۱۸:۱۹). فقط با تحریه روح القدس می‌توان هدف و منظور متن را دریافت.

#### نویسنده

از تمام این ملاحظات نتیجه می‌گیریم که انجیل یوحنا تنها شهادت یک شاهد عینی نیست که فردای وقوع رویدادها به یک باره نوشته شده باشد بلکه بر عکس همه شواهد حاکی است که پس از تعمق طولانی تهیه شده است. با این همه چنین به نظر می‌رسد که کتاب ناتمام مانده زیرا شیوه ارتباط دادن بعضی از

زیرا کافی نیست که انجیل نگار وقایع را فقط به همان گونه که روی داده گزارش نماید بلکه بایستی در معنی و مفهوم آنها تعمق کرده (ر. ک. ۴۱-۱:۹) اهمیت و ژرفای آنها را درک نماید تا شاگردان در راه معرفت پیشرفت کنند و برای زندگی جاودان آماده شوند. این نشانه‌ها روایت شده «تا شما ایمان بیاورید که عیسی، مسیح، پسر خدا است و برای اینکه با ایمان آوردن به نام او زندگی داشته باشید» (۳۱:۲۰). یوحنا به خوبی می‌داند که این شناخت تدریجی را جز توجه به رمز وقایع عید گذر نمی‌توان بدست آورد. برای آنکه معنی عمیق زندگی عیسی و کوچکترین کارهای او روشن شود لازم بود که مسیح به وسیله صلیب به شکوه تمام بگذرد. در عین حال موهبت روح حقیقت که ثمره عید گذر است ضرورت داشت (۳۹:۷؛ ۷:۱۶؛ ۲۲:۲۰): زیرا روح القدس ایمانداران را به شناختن حقیقت و تمام حقیقت می‌رساند یعنی به درک آنچه حقیقت عمل عیسی پسر تن گرفته خدا است (۱۵-۵:۱۶). آنچه یوحنا تذکر داده و یادآوری می‌کند درک و شناسایی کامل تاریخ زندگی عیسی است (۲: ۲۱-۲۲؛ ۱۶:۱۲؛ ۱۶:۱۴؛ ۲۶:۱۴؛ ۲۷-۲۶:۱۵).

برطبق روش و سنت مهمی که در مسیحیت وجود دارد این ادراک به وسیله انتساب و مقایسه وقایع زندگی عیسی با وقایع و گفتارهای پیامبرانه عهد عتیق به دست می‌آید و بدین گونه مفهوم آنها روشن می‌شود (۴۷:۵؛ ۳۷:۷؛ ۱۷:۲؛ ۱۷:۱۲، ۱۶:۱۲، ۴۱-۳۷، ۲۸، ۲۴:۱۹؛ ۳۷-۳۶). یوحنا بیش از هر کس دیگر تازگی حقایقی را که در عیسی تجلی می‌نماید دریافته و این حقایق را برابر طرحهایی که مختص مسیحیت است بیان می‌کند.

هویت او را یکی از پسران زبدی تعیین کرده‌اند که یکی از دوازده رسول بود، ولی متینی از پاپیاس که اسقف هیراپولیس در فریجیه بوده و مربوط به حدود سالهای ۱۴۰ میلادی است در این مورد تردید ایجاد کرده و چنین می‌نویسد: «تردیدی به خود راه نخواهم داد که در تفسیرهای خود چیزی بگنجانم که روزی از قدم‌آموخته و به خوبی در خاطر خود حفظ کرده و از واقعیت آنها اطمینان دارم... حتی اگر کسی می‌آمد که پیرو قدم‌آموخته از گفته‌های قدم‌آطلاع بددست می‌آوردم: مثلاً آنچه آندریاس، یا پطرس، یا فیلیپس، یا توما، یا یعقوب، یا یوحنا، یا متی، یا یکی دیگر از شاگردان خداوند گفته بودند یا آنچه آریستیون و یوحنا پیر شاگردان خداوند می‌گویند» (اوژبیوس، جلد سوم تاریخ کلیسا ۴۳:۳۹-۴۴). بنابراین در نوشته پاپیاس یک نفر به نام یوحنا ذکر شده که رسول و یکی از دوازده تن است و یوحنای دیگری که پیر و شاگرد خداوند است. ولی موضوع نوشته‌ها در کار نیست بلکه پاپیاس مخصوصاً به «سخن زنده و پایدار» علاقمند است. در پایان قرن دوم میلادی ایرنانوس به صراحت می‌نویسد: «سپس یوحنا، شاگرد خداوند، همان کسی که بر سینه او تکیه کرد در مدتی که در افسس می‌زیست انجیلی نوشت.» ایرنانوس خود را شاگرد پولیکارپ معرفی می‌کند که «از روابط خود با یوحنا و سایر شاگردان خداوند سخن می‌گفت...» (اوژبیوس، جلد پنجم تاریخ کلیسا ۲۰:۶-۸). به نظر ایرنانوس منظور یوحنا پسر زبدی و یکی از دوازده تن است. لازم به یادآوری است در این دوران کاملاً گرایش برآن بود که علی‌رغم تردیدهایی که

مطلوب ناشیانه است و حتی بعضی از قطعات ارتباطی با ترکیب و مطالب سایر عبارات ندارد (۱۵:۱؛ ۳۱-۲۱؛ ۳۶-۳۱). وضعیت طوری است که گویی نویسنده احساس نسی کرده هرگز آن را به پایان خواهد رساند و بدین گونه بی ترتیبی نسبی قسمتهای کتاب را می‌توان توضیح داد. محتمل است انجیل را به صورتی که امروزه در دست داریم شاگردان نویسنده منتشر کرده و باب ۲۱ و چندین تذکر به آن افزوده باشند (مثلاً ۲:۴ و شاید ۱:۴؛ ۴:۴؛ ۷:۳۹؛ ۱۱:۲؛ ۱۹:۳۵). و امّا درباره روایت زن زنگار (۷:۳-۸؛ ۱۱:۷)، همه بر این عقیده‌اند که این فطعه از منبع ناشناخته است که بعداً در انجیل گنجانیده شده است (با این همه جزو نوشته‌های رسمی و مورد قبول کلیسا است).

در مورد نویسنده و تاریخ نگارش چهارمین انجیل به هیچ وجه قرینهٔ صریحی در متن این اثر وجود ندارد و شاید تعمداً چنین است زیرا نباید توجه به شخصیت شاهد معطوف گردد بلکه به کسی توجه نمایند که زندگی و اعمال او را اعلام کرده و دربارهٔ او تعمق و نظره نموده است (۳:۱؛ ۱:۸؛ ۴:۲۹). با این همه آیه ۲۱:۲۴ که به انجیل افزوده شده جای شکی باقی نمی‌گذارد که نویسنده انجیل «شاگردی است که عیسی او را دوست می‌داشت» و همان کسی است که چندین بار در جریان وقایع عید گذر از او یاد می‌شود (۱۳:۱۹؛ ۲۳:۲۶؛ ۱۹:۲۰) و یقیناً منظور همان «شاگرد دیگری» است که در چندین متن ذکر شده بدون اینکه نام او آورده شود (۱:۱۸؛ ۳۵-۳۹:۱). این شاگرد از قرن دوم میلادی به بعد در روایات کلیسا به نام یوحنا خوانده شده و

چهارم (۱۸: ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۷) در مصر کشف شده که بهترین متخصصان تاریخ آن را مربوط به سالهای ۱۱۰ تا ۱۳۰ میلادی می‌دانند و بنا بر این منتقدان مجبور شده‌اند به نظریات سنتی بازگشته تاریخ انجیل را حدود اواخر قرن اول میلادی پذیرند. بسیار محتمل است که انجیل در یکی از کلیساهای آسیای صغیر که تحت نفوذ فرهنگ و تمدن یونانی بوده (افسیس) نوشته شده باشد. البته نمی‌توان فرضیه نگارش انجیل را به وسیله خود یوحنا کنار گذاشت ولی اکثر منتقدان این احتمال را نمی‌پذیرند. بعضی از آنان نام مؤلف را ذکر نکرده و او را فردی مسیحی توصیف می‌کنند که به زبان یونانی می‌نوشت و انجیل را در یکی از کلیساهای آسیا به رشته تحریر درآورد، یعنی در محلی که جریانهای مختلف فکری دنیای یهود و دنیای مشرق که تمدن یونانی را پذیرفته بود برخورد و رویارویی داشتند. منتقدان دیگری این نکته را می‌افزایند که نویسنده انجیل وابسته به روایاتی است که مربوط به یوحنا رسول است و بدین سبب در این انجیل برای «شاگردی که عیسی دوست داشت» مقام ممتازی قائل شده‌اند و ضمناً چنین به نظر می‌رسد که این شاگرد را یوحنا پسر زبدی تشخیص داده‌اند؛ شگفت‌آنکه این شاگرد تنها رسول از بین رسولان مهمی است که هرگز نام او ذکر نشده.

### الهیات

اندیشه و افکار یوحنا درباره الهیات را نمی‌توان به شکل یک نظریه کلی و ترکیبی ارائه نمود. وی که به سنت‌های بزرگ کتاب مقدس وفادار است در نظر ندارد مجموعه‌ای

وجود داشت نوشه‌های رسمی و مورد قبول کلیسا را به یکی ازدوازده رسول نسبت دهند. در مورد نویسنده انجیل چهارم به طوری که ملاحظه می‌شود تقریباً اتفاق آراء وجود دارد بدین معنی که تمام نویسنده‌گان کتابهای رسمی کلیسا (فهرست موراتوری، کلمان اهل اسکندریه، اوریجن، ترتویلان) نقش یوحنا را که یکی ازدوازده تن بود ذکر کرده و این موضوع را قطعی می‌دانستند، فقط عده معدودی از مسیحیان روم که در اطراف کشیش کایوس گرد آمده بودند بدون آنکه به روایات استناد کنند اظهار تردید می‌کردند. در آغاز قرن ۱۹ میلادی، منتقدان این نظریه سنتی را مورد بحث قرار داده، تفاوت‌های این انجیل با انجیل نظیر و همچنین نظریات مشروخ الهیاتی در این انجیل را یادآوری کردند. البته وقتی مؤلف را به عنوان شاهد عینی نمی‌پذیرفتند اکثر ارزش تاریخی کتاب او را انکار می‌کردند و او را الهیدانی بشمار می‌آوردند که در حدود اواسط قرن دوم میلادی جریانهای فکری پطرس و پولس را با یکدیگر ترکیب و تلفیق نمود. در آغاز عکس العمل محافل کلیسا خیلی شدید بود زیرا در آن اوقات مسئله منابع انجیل یوحنا و ارزش شهادت او را کاملاً به یکدیگر وابسته می‌دانستند، چیزی نمانده بود که اتساب این متن به شخص یوحنای رسول به صورت مسئله‌ای ایمانی درآید. امروزه ما یادگرفته‌ایم که مسائل را بهتر تشخیص دهیم و با پیشرفت‌هایی که در امر بررسی تاریخ و روشهای آن حاصل شده می‌توانیم از نظریات مختلف گذشته صرف نظر نماییم.

لازم به یادآوری است قطعه‌ای از انجیل

خلال وقایع زندگی عیسی که در عید گذر به اوچ خود می رسد خدا در جهان تجلی می نماید (شکوه)، ولی این ظاهر امری مربوط به دنیا و دنیوی نیست بلکه دنیا را مورد بحث قرار داده و آن را استیضاح می کند. آنان که ایمان می آورند زندگی جدیدی آغاز خواهند کرد ولی دنیا به صورتی که هست آنچه را که متناسب و هماهنگ با او نباشد نخواهد پذیرفت و انجیل نتیجه این برخوردار را که مصائب، صلیب و رستاخیز خواهد بود ذکر می کند. دنیا در «ساعتی» که تصور می کرد ب رکسی که اساساً نمی شناخت پیروز خواهد شد داوری و محکوم گردید.

یوحنا از لی بودن مسیح را توصیف نمی کند و مثلاً گفتگوی آسمانی را که طی آن رسالت خود را دریافت می کند ذکر نمی نماید زیرا در اینجا سخن از افسانه و اسطوره نیست. برای کسانی که به وسیله ایمان و موهبت روح القدس در راه شناخت و معرفت پیش می روند پدر در وجود عیسی تجلی می نماید.

از قواعد و اصول پیشنهاد نماید بلکه می خواهد وقایع مربوط به نجات را روشن کند. در این فکر نیست که یک اصل اساسی مقرر سازد که بر مبنای آن اطلاعات موجود را طبقه بندی نمود بلکه تمام توجه او بر مسیح متمرکز است: بدین معنی که ایمانداران به شرط شناختن او و در همبستگی با او به زندگی جاودان دست یافته پدر را کشف خواهند نمود و در اینجا فقط به ذکر تعدادی از راههای وصول به آن اکتفا می شود.

البته طرح از لی بودن - تنگی پسر خدا مختص به انجیل چهارم نیست. همین موضوع در جاهای دیگر مخصوصاً در سرود فی ۶:۲ - ۱۱ و در کول ۱۵:۱ نیز آمده است ولی در آنجا برای رو در روی هم قرار دادن مصائب و مصلوب شدن مسیح در برابر رستاخیز است. یوحنا نظری وسیع تر دارد که مآل نظری سنتی تر است بدین معنی که مجموعه زندگی عیسی (نشانه ها و گفتارها) را ملاحظه کرده و اهمیت و افری برای جریان این زندگانی در طی زمان قائل می شود (موضوع «ساعت»). از

# انجیل یوحنا

و بدون او هیچ چیز از آنچه پدید آمده

است، پدید نیامد.  
۴ زندگی در او بود،  
و زندگی نور آدمیان بود.  
۵ و نور در تاریکی می درخشید  
و تاریکی بر آن دست نیافت.

a- چنین به نظر می رسد که پیشگفتار انجیل در دو مرحله تنظیم شده است: قسمت اول سرومدی به افتخار مسیح است که به عنوان سخن الهی ستایش می شود و این قسمت شیوه انجام پرستش مسیحیان افسوس را به یاد می آورد (ر. ک کول ۱:۱۵-۱:۱۷؛  
تیمو:۳؛ عبر:۱:۳-۴)؛ سپس انجیل نگار این قسمت را بسط و توسعه داده تا چند موضوع اساسی اثر خود را ارائه نماید.

b- در این عبارت که نخسین کلمات کتاب پیدایش به کار برده شده منظور از «آغاز» شروع دوران جهان نیست بلکه به «ازل» اشاره می کند. سخن به طرز والا و جاودانی وجود دارد و فعل بودن که به صورت ماضی استمراری بکار رفته این نکته را نشان می دهد.

c- در زبان یونانی، مسیح logos نامیده شده که «سخن» ترجمه شده است؛ این واژه را می توان «کلام» یا «گفتار» ترجمه نمود ولی در این طرز بیان بایستی تأثیر نوشته های عهدتیق را که جنبه تهذیب اخلاقی دارند در نظر داشت (امث:۸:۲۳-۳:۲۶؛ حک:۷:۲۲-۸:۲۴؛ بنسی:۱:۲۴-۲۲)؛ همچنین تأثیر نوشته های یهودیانی که نظریات یونانی گرایی داشتند: برابر این عقاید مسیح به عنوان پسر جاودانی بیانگر کامل پدر می باشد (ر. ک کول ۱:۱۵؛ فی:۶:۲-۳؛ درباره وضعیت خدا؛  
عبر:۱:۳؛ درخشش شکوه پدر). پسر خدا از راه تن گیری، ظهور والای خدا در میان بشریت خواهد بود (ر. ک ۱:۱-۲).

d- گاهی ترجمه می کنند: «به سوی خدامعطوف بود» زیرا حرف اضافه یونانی که در این جمله به کار رفته به مفهوم «توجه به سوی کسی» را نیز می رساند. سخن کاملاً از پدر که در اینجا خدا نامیده شده متمایز است ولی در شراکت کامل با او است چنان که انجیل نگار نشان خواهد داد (۳۰-۱:۱۷).

e- قبل از نوشته های عهدتیق، آفرینش جهان به کلام خدا مربوط و واپسی بود (مز:۳:۳-۶؛ ۹:۹-۱:۱۴؛ اش:۴:۲۶-۳:۴؛ حک:۹:۱؛ ر. ک پید:۱:۳) یا اینکه به حکمت الهی مربوط می شد (امث:۸:۲۷-۳:۳۰؛ حک:۷:۴؛ ۸:۱۲؛ ۹:۹). تمام فعالیت های خلق، عمل پدر و پسر است (ر. ک ۱-قرن:۸:۶).

f- فعل یونانی که در این مورد به کار رفته و «نسایان شد» ترجمه شده، همان فعلی است که در پید:۱:۳ آمده و به خوبی مفهوم به وجود آمدن هر چیزی را از «نیستی مطلق» می رساند (ر. ک ۱:۱۷-۲:۲۴). خود ماده هم آفریده شده است، بنابراین اثری از فلسفه ثنویت وجود دو اصل و مبدأ نیست و افکار گنوosi منتظر می باشد.

g- سخن، منبع و منشأ هر چیزی است که آدمیان را قادر می سازد کاملاً و به تمام معنی زندگی کنند، زندگی مادی و جسمانی و همچنین زندگی که در ملاقات با خدا انجام می شود. ضمناً سخن نوری است که به آدمیان راه راستی را که باید ادامه دهند نشان می دهد (۱۲:۸).

h- کلمه یونانی که در اینجا «دست یافتن» ترجمه شده گاهی «دربافتمن» ترجمه می شود: ر. ک ۱:۱۰-۱:۱۳؛ افس:۳:۱؛  
فی:۱۲-۱:۱۳؛ اع:۴:۱۰-۱:۱۳؛ آدمیان نخستین ظهور سخن را که در آفرینش پدیدار شده است درنیافتها دارد (ر. ک ۱-قرن:۱:۲۱؛ روم:۱:۱۹-۲:۲۳؛ حک:۱:۱۳-۹)؛ یا این که برابر یک روایت یونانی که به دوران اوریجن (Origenus) نسبت داده شده می توان چنین درک کرد که آدمیان موفق نشده اند نور را تسخیر کرده بر آن دست یابند (ر. ک ۷:۲؛ ۸:۳۴؛ ۱:۲؛ ۳۵:۱۲).

- <sup>۶</sup> مردی پدیدار شد<sup>۱</sup>، فرستاده از سوی خدا  
که نامش یحیی بود.  
<sup>۷</sup> او برای شهادت آمد تا درباره آن نور  
شهادت دهد،  
تا همگان به وسیله او<sup>۲</sup> ایمان آورند.  
<sup>۸</sup> او خود، آن نور نبود،  
اما درباره نور باید شهادت می‌داد.  
<sup>۹</sup> سخن آن نور راستی بود  
که هر آدمی را روشنی می‌بخشد<sup>k</sup>  
چون به جهان درمی‌آید.  
<sup>۱۰</sup> او در جهان<sup>۱</sup> بود.
- <sup>۱</sup>- تحتاللفظی: مردی بود.  
ج- منظور یحیی تعمید دهنده است (مر:۴:۱ و متون موازی) [«یحیی» یا به عبارت صحیح تر «یوحنا» یعنی «یهوه رحمت کرده است»] که پیامبر شماره‌ی رود و اکنون آموزش او به عنوان شهادت کاملاً ارزش دارد (۱:۱۵؛ ۳:۳۵-۱:۹؛ ۳:۳۵-۲:۳؛ ۳:۲۳-۲:۳۶). در اینجا تفاوت بین یحیی و عیسی که نور و آشکار کننده حقیقت است نشان داده می‌شود. [به احتمال قوی کلمه «عیسی» از اسم «عیسو» برادر یعقوب اقتباس شده که حق نخست زادگی خود را در ازای کاسه‌ای از آش عدس به او فروخت (پیده:۲:۵-۳:۰). در زمان مسیح، اسم «یسوع» یعنی «یهوه نجات می‌دهد» (ر.ک مت:۱ ۲۱) بسیار رایج بود اما یهودیان به سبب دشمنی با سیبیع و کلیسا نام او را به تفسیر «عیسو» یا «عیسی» نهادند].
- <sup>k</sup>- در اینجا سخن به معنی نور و به دقیق ترین مفهوم این کلمه است. هر کس از هر تبار و از هر موقعیتی که باشد می‌تواند و بایستی دستورات او را دریافت کند تا به سوی تحقق و تمامیت زندگی خود هدایت شود. در این متن افزوده شده که از این پس این روشنایی در مسیح است، آن که به جهان می‌آید (ر.ک ۱:۶-۱۴). این عبارت را می‌توان به طریق دیگری که کمتر احتمال دارد ترجمه نمود: هر آدمی را که به جهان می‌آید روشنی می‌بخشد.
- <sup>۱</sup>- کلمه یونانی که جهان ترجمه شده برای یونانیان همین مفهوم گئی و جهان را دارد ولی از نظر یوحنا اکثر<sup>۲</sup> به مفهوم آدمیان آمده است. این کلمه ممکن است آنچه را که مورد محبت خدا است برساند (۳:۱۶) یا اینکه به طریقی تشکیل شود که خدا و الامه‌های او را پیدا نماید (ر.ک ۱:۲-۲:۱۶).
- <sup>m</sup>- قبلًا در عهد عتیق نزدیک فتن «حکمت خدایی» ذکر شده (بار:۱۰-۱:۱۴؛ ۳:۲۳-۳:۳۱؛ ۴:۱؛ ۶:۱۰؛ ۹:۶؛ ۱:۴؛ ۲:۱؛ ۳:۳۰-۳:۳۱؛ ۶:۲۷؛ ۲:۲۸؛ ۱:۲۸؛ ۳:۲؛ ۲:۲۳؛ ۱:۱-۱:۱۸؛ ۵:۲؛ ۳:۱۲؛ ۱:۱-۱:۱۸؛ ۳:۲؛ ۱:۱-۱:۱۸؛ ۳:۵)؛ ولی در اینجا موضوع پذیرفتن سخن جنم یافته است.
- <sup>n</sup>- تحتاللفظی: به ملک شخصی خود آمد. ظاهراً منظور اسرائیل است که از نظر تاریخی مظہر بشریت می‌باشد و به تمامی متعلق به آفریدگار است.
- <sup>۰</sup>- ایمان به «نام پسر» عبارت از آن است که با اعتماد، قدرت شخص پسر را شناخته و به آن توسل جویند. نام، مظہر شخص می‌باشد (ر.ک ۲:۱؛ ۳:۲؛ ۴:۳؛ ۱:۱-۱:۱۸؛ ۳:۲؛ ۱:۱-۱:۱۸؛ ۳:۵)؛ ایمان عبارت از واستگی و روآوردن به مسیح و شناختن او به عنوان پسر خدا و به عنوان مظہر الہامات اوست.
- <sup>p</sup>- «فرزند خداشدن» (۳:۳-۳:۷؛ ۱:۱۱-۱:۱۵؛ ۱:۱۰-۲:۵؛ ۴:۱؛ ۲:۲؛ ۵:۱-۱:۱۰؛ ۳:۱۸-۴:۱) متنضم لیاقت و شایستگی است که از جانب خدا می‌آید.
- <sup>q</sup>- در بعضی از ترجمه‌های لاتین و سریانی و نقل قول‌هایی که پدران کلیسا کرده اند این فعل به صورت مفرد است. در این صورت منظور نولد جاؤدانی سخن یا بارداری عذرایی خواهد بود ولی تطبیق و مقایسه مجموعه نسخه‌های خطی یونانی کاملاً این فعل را به صورت جمع تایید می‌کند.
- <sup>r</sup>- سخن در موقعیت بشری آغاز به هستی نموده است. این واقعه، لحظه‌ی مهم و حساس در تاریخ نجات است و مسیحیان به آن گواهی می‌دهند. درنظر یوحنا کلمه تن به معنی تمام وجود آدمی است که دچار ضعف است و به مرگ منجر می‌شود. احتمالاً این متن عکس العمل بر ضد ظاهرگرایانی است که طبق نظریه آنها تن گیری پسر خدا فقط به صورت ظاهر است (۱:۲-۲:۴).
- <sup>s</sup>- تحتاللفظی: «خیمه خود را برآفراشت». احتمالاً اشاره به معبد است (۱:۲-۱:۵؛ ۲:۲-۲:۴؛ ۴:۲-۴:۳؛ ۸:۲-۸:۳؛ ۲:۲-۲:۳؛ ۳:۴-۳:۵). که محل حضور خدا و ظهر شکوه اوست (خروج:۴:۳۵-۴:۴۰؛ ۱:۱۰-۱:۱۳؛ ۱:۶-۱:۱۶؛ ۴-۴:۱).
- <sup>t</sup>- منظور مردمان به طور کلی است (۱:۱-۹؛ ۵:۵) و مخصوصاً شاگردان یا مسیحیان که این تجربه را در کرده اند.

## شهادت یحیی (متی ۱۲:۱-۳؛ مرقس ۱:۸-۲؛ لوقا ۳:۱۵-۱۷)

۱۹ او چنین است شهادت یحیی به هنگامی مت:۳:۶-۱۵ که یهودیان<sup>c</sup> از اورشلیم، کاهنان و لاویان لو:۱:۶-۱۵ را فرستادند تا از او بپرسند: «تو یوه:۵:۲۳ کیستی؟»<sup>d</sup> ۲۰ و او اقرار کرد، انکار نکرد، اقرار کرد: «من مسیح نیستم.»<sup>e</sup> ۲۱ از او پرسیدند: «پس چه؟ آیا تو الیاس مت:۱:۱۴-۱۷ هستی؟»<sup>f</sup> گفت: «خیر، من نیستم». «آیا تو آن پیامبری؟»<sup>g</sup> پاسخ داد: «خیر.»<sup>h</sup> ۲۲ پس مل:۳:۲۴-۲۳ تک:۸:۲۴ پیش از خود چه آغ:۳:۷-۷:۲۲ مارا فرستاده اند، پاسخ دهیم؟ از خود چه آغ:۳:۸ می گوئی؟»<sup>i</sup> ۲۳ اظهار کرد: «من صدای آن مت:۳:۳ و متومن موای

و ما شکوه<sup>u</sup> او را تماشا کردیم،  
شکوهی که پسری یکتا سرشار از فیض و  
راستی<sup>v</sup> از پدر دارد.

۱۵ یحیی در باره او شهادت می داد و فریاد می زد: «این همان است که گفته ام: آن

که پس از من می آید، پیش از من شده زیرا پیش از من بوده است.<sup>w</sup>

۱۶ زیرا از سرشاری<sup>x</sup> اوهمه ما بهره بردیم و

فیض بیش از فیض.<sup>y</sup>

۱۷ زیرا تورات به وسیله موسی داده شده، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح است.

۱۸ خدا<sup>z</sup> را هرگز کسی ندیده است. یک خدا، [همان] پسر یکتا<sup>a</sup> که در آغوش پدر است وی او را شناسانید.<sup>b</sup>

۱۹-۲۰ در نوشته های عهد عتیق کلمه شکوه به جیزی اطلاق می شود که خدا به آدمیان پدیدار می کند؛ گاهی به معنی نوعی درخشندگی نورانی است که به آنچه مقدس است وابسته است و گاهی وقایعی است که از ورای آنها قدرت خدا ظاهر می گردد، یوحنا فعالیت های مختلف عیسی را که شکوه او را نشان می دهد توصیف خواهد کرد (۱۱:۲) و مخصوصاً واقعه عید گذر (۳۱:۱۳)؛

۲۱ عنوان پسر یکتا، فرزندی مسیح را توصیف می کند که کاملاً جنبه بی همتا و بگانه دارد. این عنوان تأیید می کند که پسر در فیض و راستی کاملاً سهیم است. اصطلاح فیض و راستی از خروج ۶:۳۴ آمده و در آنجا در توصیف احسان خدا می باشد، خدایی که عطاایی خود را با کرم زوال ناپذیر خود می بخشد.

۲۲-۲۳ شهادت یحیی تعمید دهد ارزش همیشگی خود را حفظ می کند. یحیی یادواری می کند که عیسی با آن که از نظر تاریخی پس از آمده اما به دلیل مأموریت و منشأ الهی خود از بنیان پتر از اوست.

۲۴-۲۵ شناختن سخن تن گرفته، جماعت ایمانداران را هدایت می کند که همواره پیش از پیش در تحقیق یافتن نعمت های روحانی که در او و فقط در او وجود دارد شرکت داشته باشد.

۲۶-۲۷ به طوری که از ترکیب عبارت برمی آید منظور آن نیست که فیضی پس از فیض دیگر دریافت شده (مثالاً عهد عتیق و سپس عهد جدید دریافت شده یا این که مسیح و سپس روح القدس) بلکه امکان دریافت فیض خدا که مرتباً بیشتر و بیشتر می شود.

۲۸-۲۹ اصولاً آدمی قادر نیست به تنهایی موفق به شناختن خدا شود (تث:۴:۲؛ مز:۹۷:۲:۵) فقط می تواند اشتیاق و تمایل به شناخت خدا داشته باشد.

۳۰-۳۱ رک:۱۳:۲۳. در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: آن خدا پسر یکتا.

۳۲-۳۳ فقط پسر یکتا که کاملاً و بدون حد و حصر در زندگی پدر سهیم است می تواند آدمیان را به دانش و زندگی هدایت کند.

۳۴-۳۵ عیسی به وسیله هستی و اعمال و گفتار خود مظہر بیان خدا خواهد بود.

۳۶-۳۷ در نوشته های یوحنا کلمه یهودیان گاهی در مورد افراد قوم بی اسرائیل به طور کلی به کار می رود (۲۵:۳:۴؛ ۲۲:۴؛ ۲۵:۳ و غیره)؛ ولی در بیشتر موارد منظور او نمایندگان دنیا بیان داشته باشند: در این معنی منظور از کلمه یهودیان مخصوصاً مقامات رسمی می باشد (۱۸:۲؛ ۱۰:۵؛ ۸:۱۰؛ ۱:۷؛ ۱:۱۳؛ ۲:۹؛ ۲:۲۲ و غیره).

۳۸-۳۹ در اینجا بدون مقدمه به شهادت اصلی پرداخته می شود و در برابر نمایندگان مقامات عالیه شهادت داده شده و نقش شخص

۴۰-۴۱ عیسی در برابر یحیی تعمید دهد تعبیین می گردد و بنسی ۱۰:۴۸ و نوشته های دیگر کتاب مقدس الیاس نبی می بایست مجدد و پیش از داوری نهایی بیاید و برای آخرین بار مردم را به توبه و بازگشت دعوت نماید (ر.ک مت:۱۱:۱۴؛ ۱۰:۱۷). انتظار آمدن پیامبر ایام آخر در محافل مختلف شیوع داشته و شاید مستند به تث:۱۸:۱۵ بوده است (ر.ک:۱۴:۶؛ آع:۲۲:۳).



در باره اش نوشتند ما او را یافته ایم! او عیسی، پسر یوسف از [شهر] ناصره است.»<sup>۴۶</sup> و نتنائیل به او گفت: «آیا ممکن است از ناصره هم چیز خوبی در بیاید؟» فیلیپس به او گفت: «بیا و ببین.<sup>۴۷</sup> عیسی نتنائیل را دید که به سویش می آمد و در باره اش گفت: «اینک به راستی یک اسرائیلی که بی ریا است.»<sup>۴۸</sup> نتنائیل به او گفت: «از کجا مرا می شناسی؟» عیسی در پاسخ به او گفت: «بیش از آنکه فیلیپس تورا بخواند، وقتی زیر درخت انجیر بودی تو را دیدم.»<sup>۴۹</sup> نتنائیل به او پاسخ داد: «ربی، پسر خدا توئی! پادشاه اسرائیل توئی!»<sup>۵۰</sup> عیسی به سخن درآمده به او گفت: «چون به تو گفتم تو را زیر درخت انجیر دیدم ایمان آوردی! باز برتر از این را خواهی دید.»<sup>۵۱</sup> و به او گفت: «آمین، صفح:<sup>۵۲</sup> آهمن، به شما می گویم: خواهید دید که آسمان‌گشوده شده و فرشتگان خدا بر پسر انسان بالارفته و فرود می آیند.<sup>۵۳</sup>

برگشته به آنان گفت: «در جستجوی چه هستید؟» به او گفتند: «ربی - یعنی استاد- کجا می مانی؟»<sup>۵۴</sup> به آنان گفت: «بیانید و خواهید دید.» پس آنان آمدند و دیدند در کجا می ماند و آن روز نزد او مانندند؛ این در حدود ساعت دهم بود.

<sup>۴۰</sup> آندریاس، برادر شمعون پطرس، یکی از آن دو بود که [گفتار] یحیی را شنیده به دنبال [عیسی] رفته بود.<sup>۴۱</sup> او اول، برادرش شمعون را یافته به او گفت: «ما مسیح را یافته ایم!» - که به معنای کریستوس می باشد.<sup>۴۲</sup> اورا نزد عیسی برد. عیسی در او نگریسته گفت: «تو شمعون پسر یوحنا هستی. تو کیفا نامیده خواهی شد» که به معنای صخره است.<sup>P</sup>

<sup>۴۳</sup> روز بعد عیسی خواست به جلیل برود و فیلیپس را یافته به او گفت: «به دنبال من بیا!»<sup>۴۴</sup> فیلیپس اهل بیت صیدا، شهر آندریاس و پطرس بود.<sup>۴۵</sup> فیلیپس، اش:<sup>۴۶</sup> ارتقا ایجاد نتنائیل<sup>۴۷</sup> را یافته به او گفت: «آن کسی را که موسی در تورات و همچنین پیامبران اع:<sup>۴۸</sup>

<sup>۵۰</sup> شکی نیست که یوحنا انجیل خود را خطاب به کسانی نوشت که زبان یونانی را به خوبی صحبت می کردند، با این همه چندین بار (ر. ک ۱۷:۱۹؛ ۱۶:۲۰؛ ۱۷:۲۰؛ ۱۷:۲۱) کلمات عبری یا آرامی آورد که لازم دیده ترجمه کند (ر. ک ۳۸:۱؛ ۴۱). شاید با این روش می خواهد تأکید کند که در لحظه معنی از تاریخ، در فلسطین، واقعاً سخن خدا به صورت بشر درآمده است (۱:۱۴). در اینجا یوحنا ابتدا کلمه عبری مسیح را آورده و ترجمه یونانی آن (کریستوس) را برای خواندنگان ذکر کرده که به معنی کسی است که تدهین شده است؛ بطریق روایات یهود این کلمه عنوان داده جدیدی است (ر. ک ۲۵:۴) که در پایان روزگار انتظار آمدن او را دارند.

<sup>P</sup> عیسی به صورتی اسرا آمیز تمام کسانی را که به او نزدیک می شوند می شناسد (۴:۸؛ ۲:۲۵؛ ۴:۱۶-۱۶:۴). وقتی به شمعون نام جدیدی می دهد (در زبان آرامی کیها، در زبان یونانی پطرس) که هر دو به معنی صخره است) برای او وظیفه جدیدی تعیین می نماید (ر. ک در مورد ابراهیم پیدا: ۵:۱۷).

<sup>۴۹</sup> بیت صیدای جولیا در شمال دریاچه طبریه قرار دارد (ر. ک مر ۸:۲۶-۲۲:۲۶؛ مت ۱۱:۲۱).

<sup>۵۰</sup> بعضی از روایات اورا با برتری ایمان را که به مانند نوشتند می دانستند و مبنای ندارد (ر. ک ۲:۲۰). نتنائیل که ظاهراً در بررسی نوشتند های مقدس کوشش می کرده در مورد اطلاعاتی که می دهنند بعداً نوعی تردید دارد ولی ملاقات با عیسی و شیبدن سخنان او موجب شناختن او و رسالت وی می شود.

<sup>۵۱</sup> - [زیر درخت انجیر بودن] احتمالاً اشاره به زندگی است که به مطالعه نوشتند های مقدس مصروف می شود. این اصطلاح در نوشتند های کاهنان بهود کاملاً شناخته شده است که در آنها درخت شناخت نیک و بد تشییه و مقایسه می شود.

<sup>۵۲</sup> - مسیح در انجیل یوحنا به مانند انجیل نظری عنوان پسر انسان دارد. ولی منظمه زمان آخر که در دان: ۱۵-۹ یاد شده و عیسی در جریان محاکمه در برابر سانحه دین و عده می دهد (مر ۱۴:۶۲؛ ۲۶:۶؛ مت ۲:۶۲؛ ۱۴:۶۲) از دیدگاه انجیل یوحنا از هم اکنون آغاز شده است. با توجه به حضور عیسی بر روی زمین آسمانها گشوده شده اند (اش ۱۹:۶۳؛ مر ۱:۱۰؛ لو ۱:۲؛ مرت ۱۰:۱) و ارتباط با خدا که رؤیای یعقوب اعلام می کرد (پیدا: ۲۸:۱۷) برای ایمانداران به صورت حقیقتی مدام و پایدار درمی آید.

## نخستین نشانه

- <sup>۹</sup> پیش خوان سالار ببرید.» ایشان بردند.  
<sup>۹</sup> وقتی خوان سالار آبی را که شراب شده بود چشید - و نمی دانست از کجاست اما خادمین که آب برداشته بودند می دانستند - خوان سالار داماد را خوانده <sup>۱۰</sup> به او گفت: «همه اول شراب خوب را پیش می آورند و چون سرمهست شدند، شراب کم ارزش تر را. تو شراب خوب را تاکنون نگاه داشته ای!» <sup>۱۱</sup> این چنین بود نخستین از نشانه های <sup>۷</sup> عیسی که آن را در قنای جلیل انجام داد و شکوه خود را نمایان ساخته <sup>۱۲</sup> شاگردانش به او ایمان آوردن. <sup>۱۲</sup> پس از مت آن، وی به کفرناحوم فرود آمد همراه با مادر، برادران <sup>۸</sup> و شاگردانش و چند روز بیشتر در آنجا نماندند.
- <sup>۱</sup> و روز سوم <sup>۷</sup>، عروسی ای در قنای <sup>۲۱:۲</sup> جلیل بود و مادر عیسی آنجا بود.  
<sup>۲</sup> عیسی و همچنین شاگردانش به عروسی دعوت شده بودند. <sup>۳</sup> و چون شراب رو به اتمام بود مادر عیسی به او گفت: «شراب ندارند.» <sup>۴</sup> عیسی به او گفت: «این برای من و تو چیست <sup>۷</sup> ای زن؟ ساعت من هنوز <sup>۳۰:۷</sup> پاد <sup>۱۷:۱۸</sup> فرا نرسیده است.» <sup>۵</sup> مادرش به خادمین گفت: «هرچه به شما بگویید بکنید.» <sup>۶</sup> در مر <sup>۱</sup>: <sup>۲۴:۷</sup> آنچه برای تطهیر یهودیان شش سنگاب بود <sup>۷</sup> عیسی به آنان گفت: «این سنگابها را پر از آب کنید» و ایشان لیالی پر کردند. <sup>۸</sup> و به ایشان گفت: «اکنون از آن بردارید و به

<sup>۷</sup>- روز سوم: سه روز پس از وعده ای که به نتائیل داده شده و لذا هفت روز پس از صحنه بیت عنیا (شهادت یحیی تعمید دهنده، ۲۸:۱) بنا بر این انجیل به مانند کتاب پیدایش (باب اول) با یک هفته آغاز می شود، هفته ای (۱۹:۱، ۳۵، ۲۹، ۴۱، ۴۳:۱۲، ۵۴:۴، ۳۷:۱۲، ۵۴:۴، ۳۱-۳۰:۲۰) که در روز هفتم به ظهور شکوه عیسی می رسد (۱۱:۲).

<sup>۸</sup>- این جمله که عیناً و تحت اللفظی ترجمه شده گاهی [در زبانهای غربی برای تفہیم خوانندگان] این گونه ترجمه می کنند: ازمن چه می خواهی؟ همین جمله در موارد دیگری ممکن است به مفهوم به چه چیزی دخالت می کنی؟ باشد جانانکه در مر <sup>۱</sup>: <sup>۲۴</sup> چنین است. این عبارت در بین یهودیان و همچنین در زبان یونانی متداول بوده و نشان می دهد که بین گفتنگو کنندگان تقاضی وجود دارد. در حقیقت عمل عیسی در سطحی انجام می شود که از انتظار معمول مردم بسیار فراتر است. بکار بردن عبارت «ای زن!» به هیچ وجه نشانه ای از عدم رعایت احترام ندارد (۲۶:۱۹) بلکه مخصوصاً با روش و رسوم یونانیان تطبیق می نماید (همچنین ر.ک <sup>۴</sup>: <sup>۲۱:۸</sup>، ۱۳:۲۰، ۱۰:۸).

<sup>۹</sup>- کلمه ساعت به طور کلی به مفهوم ظهور شکوه عیسی است و در بیشتر موارد منظور از ساعت، زمان گذر از راه صلیب است که زمان گذشتن به سوی شکوه پدر می باشد (۲۳:۱۲، ۲۷:۷، ۱:۱۷، ۱:۱۳، ۴:۲۷). همچنین ممکن است موقعیتی باشد که پدر معین کرده تا شکوه [رستاخیز] از قبل به وسیله نشانه ها ظاهر گردد. عیسی از مادر خود فاصله می گیرد (ر.ک <sup>۴۹:۲</sup>) و بدین وسیله نشان می دهد معجزه ای که شکوه او را ظاهر خواهد ساخت (۱۱:۲) طبق اراده پدر انجام می شود. همین جمله را از نظر دستور زبان یونانی می توان این گونه ترجمه کرد: آیا ساعت من فرا نرسیده است؟

<sup>۱۰</sup>- هر کیل در حدود چهل لیتر است و بنابر مقدار خیلی زیادی می باشد. [سنگاب به معنی خمره سنگی بزرگ می باشد]. <sup>۱۱</sup>- در انجیل نظیر کلمه نشانه در مورد کارهای فوق العاده ای بکار می رود که افتتاح دوران مسیحیاتی را نشان می دهدند (مت <sup>۱۲:۱۲</sup>، <sup>۴:۱-۶</sup>؛ مر <sup>۸:۱۱-۱۲</sup>؛ لو <sup>۱:۱۱-۱۲</sup>؛ <sup>۲۹</sup>)؛ بالعکس برای معجزه کلمه یونانی دیگری بکار برده اند که ترجمه تحت اللفظی آن عمل قدرت می باشد. یوحنای روش عهد عتیق را اختیار کرده (اش <sup>۶:۱۹</sup>) نشانه ها را به عنوان اشارات و رموزی می نگرد که نشان می دهند در عیسی واقعه پایان روزگار روی داده و از همه مردمان دعوت می شود عیسی را به مقام فرزندی خدا درک نمایند. تغییر آب به شراب که در قانا روی داده است احتمالاً اشاره به گذشتن از عهد عتیق به عهد جدید می باشد (ر.ک مر <sup>۶:۲</sup> توضیح <sup>a</sup>).

<sup>a</sup>- ر.ک مت <sup>۱۲:۴</sup> توضیح <sup>b</sup>.

نشانه ای به ما می دهی؟»<sup>d</sup> عیسی در

پاسخ به آنان گفت: «این قدس را ویران مت ۶۱:۲۶؛

کنید، سه روزه آن را قائم خواهم کرد». مرقس ۱۴:۵۸؛

آنگاه یهودیان به او گفتند: «اینک اع

چهل و شش سال<sup>f</sup> کار شده که این قدس

بنا شود و تو سه روزه آن را قائم خواهی

کرد؟»<sup>g</sup> اما او از قدس تن خود<sup>h</sup> سخن ۱-قرن ۶

می گفت. ۲۲ وقتی که از میان مردگان قیام

کرد شاگردانش به خاطر آوردن که این را

می گفت و به نوشته مقدس و به سخن

عیسی که گفته بود ایمان آوردن.<sup>i</sup>

### ایمانی که کافی نیست

۳۳ چون در جشن گذر در اورشلیم بود،

بسیاری با دیدن نشانه هائی که انجام می داد

به نام او ایمان آوردن.<sup>j</sup> اما عیسی به

آنان اعتماد نداشت لزیرا همه آنان را

b- منظور حیواناتی است که مردم برای قربانی کردن می خریدند و سکه هایی که مجاز بودند به معبد تقديم کنند و همه اینها نشانه و مظهر ترکیب و نظامی است که از این پس کهنه شده و اعتباری ندارد. [بعضی از مفسرین به این نکته اشاره می کنند که کلمه ta در زبان یونانی دو معنی دارد: «رو» و «یعنی» که در این ترجمه از معنی دوم استفاده شده که نشان می دهد عیسی از تازیانه فقط برای بیرون راندن گاوان و گوسفندان استفاده کرده و نه آدمیان].

c- شاگردان با یادآوری مز ۶۹:۱۰ (ترجمه هفتاد تنان به زبان یونانی) معنی این واقعه را روشن می کنند. کلیساي اوليه جنبه مسيحياني آن را تشخيص داده و در اين واقعه اعلام رنجها و صليب عیسی را ديده است (بكار بدن فعل به صورت آينده و محتواي کلي مطالب انجل، اين نکته را القا مي نماید).

d- درنظر یهودیان، اقتداری که عیسی در مورد امور معبد ادعای کند با ياستی به وسیله عملی خارق العاده تأیید و ثابت شود (ر. ک مر: ۱۱؛ مت ۳۸:۱۲؛ مز ۱۶:۱؛ لو ۱۱:۱۶، ۱۶:۲۹-۲۰؛ فرن ۱:۲۲-۲۳).

e- عیسی نشانه ای اعلام می کند که به کلی در سطح دیگری غیر از سطح مخابطان او است. عبارتی که انجیل نظر بکار بردۀ اند (مر ۴:۵۸؛ ۱۵:۲۹؛ مز ۲۶:۱۵؛ مت ۴:۲۶-۲۷) تعیير داده شده تا جنبه نمایدي که بعداً آمده تعظیق نماید: یهودیانند که معبد را ویران می کنند و بیسی قادر است آن را در مدت کوتاهی بريا کند.

f- ساختمان معبد هيروديس در سال ۱۹-۲۰ پيش از ميلاد مسيح آغاز شده بود ( فلاويوس ژوفف، آثار باستانی یهود ۳۸۰: ۱۵). انجیل نگار تاریخ فعالیت عیسی را در سالهای ۲۷-۲۸ ميلادي تعیين کرده است. در این تاریخ ساختمان معبد به اتمام نرسیده بود اما قسمت اساسی آن ساخته شده بود.

g- پشريت عیسی جايگاه حضور و تجلی خدا در بين آدميان است، بنابراین عیسی معبد واقعی است و از این پس عبادت و ستایش به او وابسته خواهد بود (۱: ۱۴؛ ۵: ۱؛ ۲۰: ۴؛ ۲۴-۲۰).

h- شاگردان فقط پس از رستاخiz عیسی و اعطای روح القدس، وقایع، سخنان و زندگی زمینی عیسی را در کم می نمایند (۱۶:۱۲؛ ۲۶:۱۵).

i- انجیل یوحنا همانند انجیل نظری شامل مطالب مختصر و جکیده آنها است و اشاره به نشانه هایی کرده که روایت نمی نماید (ر. ک ۳۷: ۱۲؛ مز ۲۰: ۳۰). متی، مرقس و لوقا قسمت اعظم فعالیت های عیسی به استثنای رنجها و صليب را در جلیل ذکر

j- کرده اند در صورتی که یوحنا قسمت بیشتر اعمال او را در اورشلیم روایت می نماید.

z- فعل یونانی که معمولاً ایمان آوردن ترجمه می شود و در آیه ۲۳ به همین معنی آمده گاهی با توجه به ترکیب عبارت و محتواي مطلب به مفهوم /عتماد/ داشتن است.

### پاکسازی معبد

(مت ۱۱:۱۵-۱۷؛ مرقس ۱۱:۱۷-۱۲)

لوقا ۱۹:۴۵-۴۶)

<sup>۱۳</sup> جشن گذر یهودیان نزدیک بود و عیسی به اورشلیم فراز آمد.<sup>k</sup> و در معبد،

فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و همچنین صرافان را یافت که نشسته اند.<sup>l</sup>

<sup>۱۴</sup> از طناب تازیانه ای ساخته همه آنان را از معبد براند یعنی گوسفندان و گاوان را و

نقدينه صرافان را بپراكند و پيشخوان رزک ۲۱:۱۴ ایشان را واژگون کرد.<sup>m</sup> و به فروشندگان

کبوتران گفت: «این را از اينجا برداريد و لو ۴۹:۲۹ دیگر خانه پدرم را خانه سوداگری نکنيد.»

<sup>۱۷</sup> شاگردانش به خاطر آوردن که مكتوب مز ۶۹:۱۰ است: «غیرت خانه تو مرا خواهد خورد.»

<sup>۱۸</sup> یهودیان به سخن درآمده به او گفتند: «برای چنین کارهایی که می کنی چه مت ۱:۱۶

ممکن است انسان زاده شود وقتی که سالخورده باشد؟ آیا می تواند بار دیگر در رحم مادرش وارد شده دوباره زاده شود؟<sup>۱</sup>

<sup>۲</sup> عیسی پاسخ داد: «آمین، آمین، به تو

می گویم: هیچکس نمی تواند وارد مملکوت

مت: ۴۷:۴۲؛ ۳۰:۱۶ می شناخت.<sup>۲</sup> و او نیازی نداشت که

کسی درباره آدمی شهادت دهد: زیرا او خود

می دانست در [باطن] آدمی چیست.

### گفتگو با نیقدیموس

<sup>۱</sup> در میان فریسیان مردی به نام

نیقدیموس بود از بزرگان یهود.<sup>۱</sup>

۳:۵۲-۵۰، ۴۸:۷  
۴:۳-۴۲:۱۲  
۳۹:۱۹

<sup>۲</sup> وی شبانه نزد عیسی آمده به او گفت:

«ربی ما می دانیم که تو از سوی خدا چون

استاد آمده ای زیرا هیچکس نمی تواند این

نشانه ها را که تو انجام می دهی انجام دهد

مگر آنکه خدا با او باشد.»<sup>۲</sup> عیسی در

پاسخ به او گفت: «آمین، آمین، به تو

می گویم: هیچکس نمی تواند مملکوت

خدا<sup>۳</sup> را ببیند مگر آنکه از بالا<sup>m</sup> زاده

یع: ۱۸-۱۷:۱ شود.»<sup>۴</sup> نیقدیموس به او گفت: «چگونه

مت: ۳:۱۸؛ ۲:۲۱؛ ۱:۱۷ توضیح [۱]

- ر. ک: ۱:۴۲ توضیح p. این آیه را می توان به طرق مختلفی درک کرد: ۱- عیسی به ایمان این مردان اعتماد ندارد زیرا شفتنگی

در برابر کسی که اعمال خارق العاده انجام می دهد هنوز ایمان به سخنی که به صورت بشر مجسم شده نمی باشد. ۲- او اعتماد

ندارد زیرا می داند که کسب ایمان، پیمودن راه درازی است و نه هدفی زودگذر و فوری.

۱- این شخص عضو سانه درین بود و به طوری که خواهد آمد تا حدودی از عیسی پیروی می کرد (۴:۲۲-۴:۲۷)؛ و در

تعریف وی نیز شرکت نمود (۳:۱۹). [در مورد سانه درین ر. ک مر: ۲۱:۸ توضیح [۱]

- کلمه یونانی another که در اینجا بکار رفته و «از بالا» ترجیمه شده می تواند معانی مختلف داشته باشد: مثلاً از آغاز،

مجدداً، از بالا... ضمن گفتگوی عیسی با نیقدیموس، یوحنا با استفاده از دو مفهوم اخیر عبارتی بکار برده که معنی دو پهلو

دارد و هم به معنی «از بالا» و هم به معنی «مجدداً» می باشد.

n- مفهوم اصطلاح «ملکوت خدا» که بهودیان به کار می بردند و به کرات در انجیل نظری آمده، معمولاً در نظر یوحنا متضمن اتخاذ

روشی در زندگی است که اصولاً تازگی دارد و این موهبت را نمی توان بذست آورد مگر آنکه از عالم بالا یعنی از سوی خدا

عطای شود. یوحنا آن رازندگی جاودان یازندگی به طور مطلق می نامد. موضوع دیگری که مطرح کرده یعنی تولد دوباره در

تیط:۳:۵-۱-پطر:۲:۲۳؛ ۱-یو:۱:۵؛ ۷:۴؛ ۲:۹؛ ۳:۹؛ ۱:۵؛ ۷:۴؛ ۱:۵ تیز آمده است.

o- ذکر کلمه آب که اشاره به تعتمید می باشد ممکن است یادآور رود ایمانداران جدید به جمعیت شاگردان باشد. [لازم به

یادآوری است کلمه یونانی pneuma که روح ترجمه شده و در آیه ۶ نیز آمده (آنچه از روح زاده شده) می توان روح یا

روح القدس تعبیر کرد چنانکه در زبانهای غربی که حروف کوچک و بزرگ وجود دارد آن را با حروف بزرگ می نویسند.]

p- کلمه یونانی sark که در اینجا تن ترجمه شده به مفهوم طبیعت بشری با امکانات و محدودیت های مربوطه می باشد و به طور

کلی بیانگر زندگی زمینی است بدون اینکه هیچ گونه تحقیری برای آن قائل شود (ر. ک ۴:۱)؛ کلمه روح (pneuma) قدرت

الهی را نشان می دهد، منبع وجود و زندگی مسیحی و روش و رفتاری که متضمن آن است.

q- در نوشته های قدما اکثرا جنبه اسرآمیز باد را با عمل خدابی مقایسه و تشبیه کرده اند (جا ۱:۵؛ ۴:۳۰؛ بنیسی ۲۱:۱۶).

صحتاً کلمه یونانی که در این مورد بکار می رود هم به معنی باد و هم به معنی روح است و این مقایسه را تسهیل می کند.

محبت نموده که پسر خود، آن یگانه را پیدا: ۱۶:۲۲  
داده تا هر که به او ایمان آورد هلاک روم: ۸:۵  
نمود بلکه زندگانی جاودانی یابد. ۱۷ زیرا-۱:۳۷  
خدا، پسر را به جهان نفرستاده تا جهان را داوری کند بلکه تا جهان به وسیله او نجات یابد. ۱۸ آن که به او ایمان آورد، داوری نمی شود، آن که ایمان نیاورد هم اکنون داوری شده است<sup>x</sup> زیرا به نام<sup>y</sup> پسر یگانه خدا، ایمان نیاورده است.<sup>z</sup>  
۱۹ داوری چنین است: نور به جهان آمده و مردم تاریکی ها را بیشتر از نور محبت ۱:۴۸-۱:۱۲-۱:۱۲-۱:۱۱-۹  
کرده اند زیرا عمل ایشان شرورانه بوده است<sup>۱</sup>. ۲۰ زیرا هر کس بدی می کند از افس: ۱۳:۵-۱۷:۱۳-۱۳:۲۴  
نور متغیر است و به سوی نور نمی آید مبادا اعمالش سرزنش شود<sup>a</sup>. ۲۱ اما آن

«تو استاد اسرائیل هستی و این را نمی دانی<sup>b</sup>! آمین، آمین، به تو می گوییم: ما از آنچه می دانیم<sup>c</sup> سخن می گوئیم و به آنچه دیده ایم شهادت می دهیم و شهادت مرا را شما نمی پذیرید.<sup>d</sup> اگر از امور زمینی به شما می گوییم و ایمان نمی آورید، وقتی از امور آسمانی به شما بگوییم چگونه حکم<sup>e</sup>: ۱۶:۶-۱۶:۷  
ایمان خواهید آورد!<sup>f</sup> و هیچکس به آسمان بالا نرفته مگر آن که از آسمان فرود آمده [یعنی] پسر انسان که در آسمان است<sup>g</sup>.<sup>۱۴</sup> و همان گونه که موسی مار را در صحراء بالا برد<sup>۷</sup>، همچنین پسر انسان نیز باید بالا برده شود.<sup>۱۵</sup> تا هر که به او ایمان آورد، زندگانی جاودانی یابد.<sup>۱۶</sup> زیرا خدا جهان را به قدری

-۱ انسان اگر به خود و آگذار شده باشد نمی تواند امور مربوط به روح القدس را بشناسد. دانش اسرائیل هم از شناخت کامل این امر باز می ماند بلکه سخن عیسی لازم است زیرا که فقط او تجربه مستقیم و نزدیک از حقایق الهی دارد (۶:۶۳-۶:۶۲) و این سخن باقیستی در ایمان پذیرفته شود.

-۲ در اینجا که فعل به صورت جمع آمده آیا به سبب عظمت و جلال گوینده است یا انعکاس گفتاری است که به وسیله آن شاگردان به اهمیت تجربه خود شهادت می دهند؟ همچنین می توان این گونه تفسیر کرد که شاگردان به نوبه خود ندای عیسی را منعکس می نمایند (ر.ک:۴:۲۲).

-۳ این آیه را به طرق مختلفی می توان درک و تعبیر نمود: -۱ در درک مکاشفه الهی درجاتی وجود دارد، تا بدین جا عیسی از امور زمینی سخن گفته است یعنی مسائلی که در این دنیا می گذرد (تولد نوین آدمیان در زندگی برطبق روح القدس) ولی لازم است نیقدبیموس فکر و اندیشه خود را بگشاید تا راز عیسی، پسر خدا را شناخته (۱۳:۳) تعالی و شکوه او را برروی صلیب درک نماید (۱۴:۳-۱۵:۱). -۲ امور زمینی عبارت از شهادت عیسی است که جسم پیشوی یافته شاهادت شاگردان او است در صورتی که امور آسمانی مربوط به عیسای صعود کرده و روح القدس می باشد (۱۳:۳).

-۴ در تعدادی از نسخ خطی که مربوط به اسکندریه است عبارت «که در آسمان است» وجود ندارد ولی در نسخه های دیگر و در ترجمه های پدران کلیسا این عبارت آمده است.

-۵ اشاره به مار غرغی است که موسی در صحراء بريا کرده بود و مار زدگانی که با ایمان به آن نگاه می کردند شفا می یافتند (ر.ک اعد ۲۱:۹-۱۰:۶-۱۶:۴).

-۶ عیسی بر روی صلیب بالا برده خواهد شد، صلیبی که محل و نشانه تعالی او در شکوه خواهد بود: ر.ک: ۳۰-۲۸:۱۲-۳۲:۱۸-۳۴:۳۲. چنین می نماید که یوحنا علاقمند است اصطلاحات و عباراتی بکار برد که از آنها چندین مفهوم می توان درک کرد.

-۷ «هم اکنون داوری شده است.» به عقیده یهودیان و برطبق تعداد زیادی از متون عهد جدید داوری نهایی در پایان تاریخ خواهد بود در صورتی که به نظر یوحنا داوری هنگامی انجام می شود که آدمی در حضور عیسی (و مخصوصاً در برابر صلیب او ۱۱:۱۶) قرار گرفته پیام او را نپذیرد (ر.ک:۳:۲۱-۱۹:۱).

-۸ ر.ک: ۱۲:۱، توضیح<sup>۵</sup>.

-۹ آدمیان برطبق این که می پذیرند یا رد می کنند به دو قسم تقسیم می شوند (ر.ک: ۹:۳۹-۱۲:۴-۱۱:۳۷).

-۱۰ کلام خدا، کسی را که بدی می کند افساء می نماید و همین امر، داوری یا محکومیت کسی است که خدا را نمی پذیرد.

به سوی او می آیند!»<sup>۷</sup> یحیی پاسخ داده گفت: «انسان نمی تواند چیزی بگیرد، مگر آنکه از آسمان به او داده شده باشد. عبر:<sup>۴</sup> شما خود شهادت می دهید که گفته ام: "من مسیح نیستم. اما پیش از او فرستاده شده ام."<sup>۹</sup> آن که عروس را دارد، داماد<sup>۸</sup> است. اما دوست داماد<sup>h</sup> که در آنجا ایستاده مت<sup>۱۵:۹</sup> و به او گوش می دهد<sup>i</sup> از صدای داماد بسیار شاد است.<sup>ii</sup> چنین است شادی من که به کمال است.<sup>۱۰</sup> باید که او افزون شود و من<sup>۱۱</sup> کاهش یابم.

### آن که از بالا می آید

«آن که از بالا می آید، برتر از همه است. آن که از زمین است زمینی است و زمینی<sup>j</sup> سخن می گوید. آن که از آسمان می آید<sup>k</sup> برتر از همه است. <sup>۱۲</sup> به آنچه دیده

طو:<sup>۴</sup> یونانی<sup>۱-یو:۱</sup>:<sup>b</sup> کس که راستی را برپا می دارد<sup>b</sup>، به سوی مت<sup>۵:۵</sup> نور می آید، برای آنکه نمایان شود که کارهایش در خدا انجام می گردد.<sup>c</sup>

### یحیی و عیسی

<sup>۲۲</sup> بعد از آن، عیسی با شاگردانش به سرزمین یهودیه آمد و در آنجا با آنان اقامت کرده تعمید می داد.<sup>۲۳</sup> یحیی نیز در <sup>۲-۱:۴</sup>:<sup>c</sup> عینون نزدیک «سالیم» تعمید می داد زیرا در آنجا آب بسیار بود<sup>d</sup> و مردم آنجا حاضر شده تعمید می یافتند.<sup>۲۴</sup> زیرا یحیی هنوز به زندان نیفتداده بود.<sup>۲۵</sup> پس در آنجا بخشی بین شاگردان یحیی و فردی یهودی<sup>e</sup> درباره طهارت درگرفت.<sup>۲۶</sup> و آنان به سوی یحیی<sup>f</sup> آمده به او گفتند: «ربی آن کس که با تو در آن سوی اردن بود، آن که درباره او شهادت داده ای، اینک او تعمید می دهد و همه

- ترکیب این عبارت که یوحنا بکار برد کاملاً یهودی است. در نظر یهودیان این راستی در تورات نشان داده شده است (ر. ک<sup>۱۷:۷</sup> به نظر یوحنا راستی را برپا ساختن بدان معنی است که اراده خدا را به همان نحوی که در ک ر می شود انجام دهنده (ر. ک<sup>۱۸:۳۷</sup>)، بدین گونه به الهام کلام خدا که در عیسی داده شده ایمان آورده و به این ایمان عمل می کنند.

- کسی که عمل خوب انجام می دهد هم اکنون به نحوی در شرکت با خدا است و این شرکت به ملاقات کامل که در پسر او انجام می شود منجر می گردد (ر. ک<sup>۹-۶</sup>).

- یوحنا در اینجا اطلاعاتی را ذکر می کند که در انجیل نظری وجود ندارد: موقعیت [دقیق]<sup>[۱]</sup> این محل معلوم نیست. [کلمه آرامی (عینون)<sup>g</sup> به معنی چشمیه ها است. برخی از مفسرین، این محل را شهر سالیم در ۵ کیلومتری شرق شکیم در سامره می دانند (پید<sup>۱۸:۳۳</sup>؛ یو<sup>۴:۵</sup>). ۹ کیلومتر دورتر از شهر سالیم، چشمیه های (عینون) روذخانه «فارعه» به سوی رود اردن جریان دارد. طبق این تفسیر به نظر می آید که یحیی گاهی اوقات در سامره که چند کیلومتر دورتر از جاه یعقوب بوده فعالیت داشته است، نزدیک به جایی که عیسی با زن سامری ملاقات نمود. این تفسیر بعضی از کلمات عیسی در آن محل را توضیح می دهد (یو<sup>۳۸:۴-۳۷</sup>).

- در تعدادی از نسخ خطی نوشته شده است: بهوهیان.

- یوحنا به کرات به یحیی تعمید دهنده اشاره می کند (ر. ک<sup>۱:۱</sup>، ۹-۶:۱، ۱۵، ۳۴-۱۹، ۱۵، ۳۵:۵؛ ۳۵:۵؛ ۳۵:۱؛ ۳۵:۱)، واورا به عنوان شاهدی معرفی می نماید که گواهی می دهد عیسی پسر خدا است. شکی نیست که این متن انعکاس مشاجره و اختلافی است که با شاگردان یحیی وجود داشته زیرا برخی او را مسیح می دانستند (ر. ک<sup>۱-۷:۱۹</sup>). بنا بر این یوحنا در نوشته های خود به طور غیرمستقیم بحث و استدلال نموده و اظهار می کند که عیسی فرستاده خدا است و یحیی فقط شاهد او است.

- در عهد عتیق گاهی اسرائیل به عنوان زوجه خاوراند بشمار آمده است (هو<sup>۲:۱</sup>؛ حرق<sup>۶:۸</sup>؛ اش<sup>۴:۵</sup>، ۴-۶:۲). در عهد جدید کلیسا زوجه مسیح است (۲-قرن<sup>۱:۱</sup>؛ افس<sup>۲:۲</sup>؛ مکا<sup>۳:۲-۲۵:۵</sup>).

- بروطق رسوم و عادات یهودیان، در جشهای عروسی، دوستان/داماد وظایفی در ترتیب دادن جشن برهمده داشتند.

- یحیی در وضعیت خدمتگزاری است: گوش دادن منضم توجه داشتن و اطاعت کردن است.

- ii- [بحث اللفظی طبق دستور زبان آرامی: از شادی شادمان است].

- در ماورای گواهی یحیی تعمید دهنده، این قسمت شرح و توضیحاتی را که در ۱-۲ داده شده به بیان می رساند. زمین مظهر حیطه مخلوقات و محدودیت های مربوط به آن است و در برابر انسان یعنی خدا است، خدایی که فرستاده او عیسی در موقعیت او سهیم است.

- در تعدادی از نسخ خطی جمله «برتر از همه است» وجود ندارد.

بلکه شاگردانش،<sup>۳</sup> یهودیه را ترک کرد و -قرن ۱:۱۷ مجدداً به سوی جلیل رفت.<sup>۴</sup> می بایست از میان سامرها عبور می کرد.<sup>۵</sup> پس به شهری<sup>۶</sup> از سامرها به نام «سوخار» در نزدیک ملکی پیدا کرد.<sup>۷</sup> چنین که یعقوب به پسرش یوسف داده بود آمد. بوش ۲۲:۲۴ چشممه یعقوب<sup>۸</sup> در آنجا بود، پس عیسی،<sup>۹</sup> خسته از راه روی، کنار چشممه نشسته بود و مر ۲۸:۴ این در حدود ساعت ششم بود.<sup>۱۰</sup> زنی سامری برای کشیدن آب آمد. عیسی به او ۲۸:۱۹ گفت: «به من آب بده». <sup>۱۱</sup> زیرا شاگردانش برای خرید خوراکی به شهر رفته بودند. مر ۳۷:۶ پس زن سامری به او گفت: «چطور! تو<sup>۱۲</sup> لوب ۵۳-۵۲:۹ که یهودی هستی از من که زنی سامری ام<sup>۱۳</sup> عز ۴:۳-۳:۴ آب می خواهی!» زیرا یهودیان با سامریان مراوده ندارند.<sup>۱۴</sup> عیسی در پاسخ او گفت:

«اگر موهبت خدا را می دانستی و کیستی آن که به تو می گوید آب به من بده، خودت از او می خواستی و او به تو آب زندگی<sup>۱۵</sup> مکا ۲۱:۱۰ می دهد.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱</sup> چون خداوند دانست که فریسان<sup>۱۷</sup> شنیده اند که عیسی بیش از یحیی<sup>۱۸</sup> مت ۲۲:۳ شاگرد تعلیم و تعمید می دهد،<sup>۱۹</sup> ۱۷:۱ هر چند خود عیسی نبود که تعمید می داد<sup>۲۰</sup> ۱- ترجمه تحتاللفظی: با مهر تأیید می کند.

<sup>m</sup>- به طوری که در سرتاسر انجل چهارم عیسی فرستاده به اعلی درجه و پسر یکتا است. یوحنا اکثراً این کلمه را در مورد عیسی بکار می برد (ر. ک ۳۰-۱۹:۵).

<sup>n</sup>- می توان این عبارت را چنین درک کرد: فرستاده خدا، روح القدس را به فراوانی به ایمانداران می دهد.

<sup>o</sup>- گاهی ترجمه می کنند: او همه چیز را به دست وی داده است.

<sup>p</sup>- ایمان که عبارت از گراش با توکل به شخص پسر است تنها شرط دریافت زندگانی جاودان می باشد. بالعکس امتناع از ایمان آوردن، آدمی را بالمحافظت در برای خشم خدا فرار می دهد که داردی او بشمار می رود.

<sup>q</sup>- البته عیسی می توانست بدون اینکه از سرزمین سامرها عبور کند به جلیل برود (بدین معنی که در امتداد دره رود اردن بالبرود)، ولی یوحنا می خواهد یکی از وقایع مهم رسالت عیسی را در سرزمین سامرها روایت کند. شاید بدین سبب که جماعت ایمانداران او با محاذیف سامریان ارتباط و نزدیکی داشته یا اینکه ملاقات با زن سامری پیش نمودی از مأموریت کلیسا در مورد ملت های غیریهودی می باشد (ر. ک ۲۷:۴-۳۸:۱۲).

<sup>r</sup>- منظور آبی است که در ته چاهی نسبتاً عمیق غلیان می کند.

<sup>s</sup>- ساعت ششم یعنی ظهر و وسط روز که روشنایی به حد آکثر می رسد.

<sup>t</sup>- انشعاب سامریان در دوران پس از تبعید یهودیان بوجود آمد. این انشعاب عکس العملی بر ضد اصلاحات و سخت گیریهای مربوط به آن بود و منجر به اختلافات شدید بین یهودیان و سامریان شده بود. یک فرد یهودی بایستی از هرگونه تماس با نایاکان خودداری کند و البته به دلیل بالاتر، از آنان خوراکی درخواست ننماید (ر. ک بنسی ۵:۲۵؛ ۲۶:۹؛ لوب ۱۰:۵؛ ۳۳:۱).

<sup>u</sup>- [تحتاللفظی: آب زنده (یعنی آبی که از سرچشممه جاری می شود]. در نوشته های کهن تقاویت آبهای راکد (با آبهای مرده) در برابر آبهای روان (یا آبهای زنده) موضوعی معمولی و شناخته شده است (ار. ۲:۱۳). عیسی نظری موقعي که با نیقدیموس گفتگو می کرد از طریق سلسله مطالبی که در مخاطب خود سوءتفاهم ایجاد می کند خود را به صورت موجودی مرموز و عجیب می شناساند.

۱۱:۳ و شنیده است شهادت می دهد و شهادتش را هیچکس نمی پذیرد. آن کس که شهادتش را می پذیرد تأیید می نماید<sup>۱</sup> که خدا راست است. <sup>۲</sup> درواقع آن کس را که خدا فرستاده است سخنان خدا را می گوید<sup>۳</sup> زیرا خدا روح را به اندازه نمی دهد<sup>۴</sup>. <sup>۵</sup> پدر پسر را محبت می کند و همه چیز را به دست او سپرده است.<sup>۶</sup> آن که به پسر ایمان دارد، زندگی جاودانی دارد. آن که ایمان به پسر را نمی پذیرد زندگی را نخواهد دید بلکه خشم خدا بر او می ماند.<sup>۷</sup>

## گفتگو با زن سامری

### ۴

<sup>۱</sup> چون خداوند دانست که فریسان<sup>۲</sup> شنیده اند که عیسی بیش از یحیی<sup>۳</sup> مت ۲۲:۳ شاگرد تعلیم و تعمید می دهد،<sup>۴</sup> ۱۷:۱ هر چند خود عیسی نبود که تعمید می داد

او گفت: «خداوندا می بینم که تو پیامبر مت ۱۴:۱۶؛ ۴۶:۲۱  
هستی... لار. ۲۰ پدران ما در بالای این کوه<sup>Z</sup> بود: ۷:۱۷-۹:  
پرستش کرده‌اند و شما می‌گویید در اورشلیم جائی است که باید در آنجا  
ترستش کرد.»<sup>۲۱</sup> عیسی به او گفت: «ای یوش ۸:۳۳-۸:  
زن به [سخن] من ایمان بیاور، ساعتی  
فرامی‌رسد که نه بر بالای این کوه و نه در  
اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. اع ۶:۱۴-۶:  
شما آنچه را که نمی‌شناسید پرستش ۲:۲-۳:  
می‌کنید، ما آن را که می‌شناسیم پرستش اش ۳:۲-۴:  
می‌کنیم زیرا نجات از یهودیان می‌آید. روم ۹:۳-۹:  
اما ساعتی فرامی‌رسد - و هم اکنون  
است - که پرستش کنندگان راستین، پدر<sup>a</sup>  
افس ۲:۲۵-۵؛ ۲:۲۱-۲؛ ۱:۱۸-۲؛ ۶:۱۸-۵:  
را در روح و راستی<sup>b</sup> پرستش خواهند کرد. ۱-یو ۱:۱۸-۵:  
زیرا پرستندگانی که پدر می‌جوید چنین  
هستند. ۲۴ خدا روح است<sup>b</sup> و آنانی که او<sup>c</sup>  
روم ۳:۳-۳؛ ۱:۱۲-۱:  
را می‌پرستند باید در روح و راستی<sup>d</sup>  
بپرستند.»<sup>۲۵</sup> زن به او گفت: «می‌دانم که<sup>e</sup> تث ۱۸:۱۸-۲:  
مسیح (که کریستوس می‌نامند) باید بیاید.<sup>f</sup> ۲:۱:۴-۲:۶:  
وقتی او باید همه چیز را به ما نوید خواهد  
داد.»<sup>۲۶</sup> عیسی به او گفت: «من که با تو

می‌داد.»<sup>۱۱</sup> زن به او گفت: «خداوندا<sup>۷</sup>،  
چیزی برای کشیدن آب نداری و چاه عمیق  
است، پس این آب زندگی را از کجا<sup>۸:۳۲-۳۱:۶</sup>  
داری؟<sup>۱۲</sup> آیا تو از پدر ما یعقوب بزرگتر  
هستی که این چاه را به ما داد و خودش و  
پسرانش و دامهایش از آن نوشیدند؟<sup>۹</sup>  
ار ۱۳:۲ عیسی در پاسخ او گفت: «هر که از این  
آب بنوشد، باز تشنۀ خواهد شد.»<sup>۱۰</sup> اما  
آنکه از آبی بنوشد که من به او خواهم داد،<sup>۱۱:۳-۴:۶</sup>  
اش ۳:۴-۴؛ ۱:۴-۶؛ ۱:۱۱:۵-۸  
دیگر هرگز تا به ابد تشنۀ خواهد شد: آبی  
که من به او خواهم داد در او چشمه آبی<sup>۱۲</sup>  
جوشان به سوی زندگی جاودان خواهد  
گردید.<sup>w</sup><sup>۱۳</sup> زن به او گفت: «خداوندا از  
این آب به من بده تا دیگر تشنۀ نشوم و  
برای کشیدن آب به اینجا نیایم.»<sup>۱۴</sup> به او  
گفت: «برو شوهرت را صدا کن و به اینجا  
بیا». <sup>۱۵</sup> زن در پاسخ او گفت: «من شوهر  
ندارم.»<sup>۱۶</sup> عیسی به او گفت: «درست  
گفته که «شوهر ندارم» زیرا پنج شوهر<sup>x</sup>  
داشته‌ای و آن که اکنون داری شوهرت  
نیست. در این باره راست گفته.»<sup>۱۷</sup> زن به

۷- عنوان «خداوند» در اینجا فقط جنبه احترام دارد (ر. ک ۱۱:۴، ۱۹:۴۹؛ ۲۰:۱۵) و می‌توان آن را «ای آفا» ترجمه کرد.  
۸- در این سرزمهین که در جوار صحراء قرار دارد آب مظہر تمام ارزش‌های زندگی است (اش ۳:۳؛ ار ۱۳:۱۲؛ ۱۷:۱؛ ۱۳:۱۷) و مخصوصاً  
مظہر فزانگی (باروخ ۳:۲۴؛ بنسی ۱:۵؛ ۳:۱-۳۰-۲۴) و مظہر شریعت یا روح القدس است (اش ۳:۴-۳؛ یول ۱:۳). یوحنا  
در اینجا به موهبت روح القدس می‌اندیشد که زندگی جاودان می‌بخشد (ر. ک ۳:۷-۳۸).

۹- بعضی از مفسران در این نکته اشاره‌ای به پنج رب النوع سامریان می‌بینند که در ۲-پاد ۱۷:۱۷-۲۹ ذکر شده است.

۱۰- زن سامری متوجه می‌شود که عیسی اسرار زندگی او را می‌داند، پس به او و عنوان یک مرد خدا سلام کرده و درخواست  
می‌کند مسئله مهم و تعیین کننده مربوط به پرستش واقعی را روشن نماید (ر. ک ۱:۴۲-۲:۱ توضیح p).

۱۱- عبادتگاه کوه چریم را که مشرف بر شکیم کهن بود هیرکان در ۱۲:۹ قبل از میلاد مسیح ویران کرده بود. این محل عالی ترین  
مکان پرستش برای سامریان بوده است. [پرستش کرده‌اند در ترجمه تحت الفظی: سجده کرده‌اند].

۱۲- موهبت روح القدس انسان را قادر می‌سازد که خدا را به عنوان پدر شناخته پرستش کند: و پرستش در راستی به همین معنی  
است. این روش پرستش از مشخصات زمان آخر است. از آن پس دوران هر نوع پرستش دیگری و مخصوصاً آنچه در معبد  
اورشلیم برگزار می‌شود کهنه شده و سرآمدده است (ر. ک اع ۷:۴۷-۴:۴۸).

۱۳- در اینجا منظور آن نیست که جنبه غیرمادی خدا یادآوری و تأکید شود بلکه گفته می‌شود که او منبع موهبت‌های روحانی است  
که وجود هر آفریده‌ای را متعالی می‌سازند.

کشترارها را تماشا کنید که برای درو کردن سفید شده اند.<sup>c</sup> از این پس دروگر مز ۱۲:۵-۶:۹ اش<sup>۲:۹</sup> مزدش را دریافت می کند و میوه ای برای زندگانی جاودانی برداشت می کند تا بدرا فشان و دروگر با هم شاد شوند.<sup>۳:۷</sup> زیرا در این مورد راست گفته اند که: یکی بذر می افساند و دیگری درو می کند.<sup>۳:۸</sup> من میک ۱۵:۶:۶ از فرن ۳:۶

شما را فرستاده ام تا آنچه را که برای آن رحمت نکشیده اید درو کنید. دیگران رحمت کشیده اند و شما از رحمت ایشان اع ۱۷-۱۴:۸

بهره می برید.<sup>f</sup> بسیاری از سامریان این شهر به خاطر حرف این زن که شهادت می داد «هر آنچه کرده ام به من گفته است» به او ایمان آوردن.<sup>۴:۰</sup> پس وقتی سامریان لو ۵:۲-۶:۹ مت ۳:۴-۸:۸ اع ۴:۸-۱۰:۱۰ ۲۰:۱۸

نژد او آمدند از او خواهش کردند با ایشان بماند و او دو روز در آنجا ماند.<sup>۴:۱</sup> و کسان بیشتری به خاطر سخن وی ایمان آوردن.<sup>۴:۲</sup> و به آن زن می گفتند: «دیگر به خاطر گفته های تو نیست که ایمان می آوریم. خودمان شنیده ایم<sup>g</sup> و می دانیم که به راستی او منجی جهان است.<sup>h</sup>

<sup>c</sup> عیسی در ماورای اظهاراتی که درباره مسیح بودن خود می نماید پاسخی می دهد که از نظر علم الهی ارزش و دامنه وسیع تری دارد زیرا عبارتی را که خدا به موسی اظهار کرده است: «من هستم»، عیسی در مورد خود بکار می برد (خروج ۳: ۱۵-۱۴: ۱).

<sup>d</sup>- تعجب شاگردان فقط بدین سبب نیست که گفتگوی مردی با زنی برخلاف عادات و رسوم آن دوران بوده بلکه تعجب می کنند که عیسی کلام خدا را به زنی اظهار می نماید، به علاوه این زن سامری است. شاگردان در نیافه اند که عیسی در جستجوی چیزی است که پدر جستجویی کند (ر. ک ۲۳:۴).

<sup>e</sup>- با نگاه به کشترارها به دقت می توان برآورد کرد که چه مدتی تا برداشت محصول مانده است ولی هنگام برداشت محصول زمان آخر آغاز شده و بایستی به تمام مناطق دنیا گسترش یابد (۴:۲-۴). سامریان که نزدیک می شوند نخسین محصول و نوبر آن بشمار می آیند (ر. ک مت ۳:۳۷-۳:۳۸؛ لو ۲:۱۰).

<sup>f</sup>- شاگردان عیسی دروگران زمان آخر خواهند بود. ایشان آنچه را که به قیمت رنج و رحمت دیگران کاشته شده است برمی چینند. این نکته اشاره به بیامیران کهن و مخصوصاً اشاره به [یحیی]، ر. ک ۳:۲۲-۳:۲۳] و عیسی است.

<sup>g</sup>- شهادت زن سامری و نیز شهادت رسولان در اینده، حتیً میجر به ایمان نمی شود مگر اینکه موقعیتی برای ملاقات و برخورد با گفتار و شخص عیسی باشد.

<sup>h</sup>- عنوان منجی گاهی در عهد عتیق به خدا نیست داده شده است (اش ۱:۱۹؛ ۲:۲۰؛ ۳:۴۳) ولی در دنیای یونانی گاهی این عنوان به امپراتور داده می شد. نویسنده گان عهد جدید این عنوان را عموماً در مورد عیسی بکار برده اند (مت ۱:۲۱؛ لو ۱:۲؛ ۱:۱۱؛ ۲:۲۱؛ ۲:۲۷؛ ۲:۲۳؛ ۳:۱۳؛ ۳:۲۲؛ فی ۲:۲۰) یوحنا تنها کسی است که عنوان منجی جهان بکار می برد (۱-یو ۴:۱۴-۱:۱۰) و بدن و سیله جنبه عالمگیری نجات را یادآوری و تأیید می نماید؛ این عنوان که در پایان روایت زن سامری ذکر شده نشان می دهد که روایت ارزش نمادین دارد.

مر ۱:۱۴-۶:۲-۶:۹ سخن می گویند من همان هستم.<sup>c</sup> در ۶:۹-۳:۷ زنی حرف می زد تعجب کردن، با وجود این هیچ یک نگفتند: «چه می خواهی؟» یا «چرا با او حرف می زنی؟»<sup>d</sup> پس زن کوزه اش را گذاشته به سوی شهر رفت و به مت ۲:۲۶-۷ مرت ۲:۲۳-۱۲ مردمان گفت: «بیائید انسانی را بینید که همه آنچه کرده ام به من گفته است. آیا او مسیح نیست؟»<sup>e</sup> آنان از شهر خارج شده به سوی او می آمدند. در این بین شاگردان از او خواهش کرده می گفتند: «ربی بخور».<sup>f</sup> اما به ایشان گفت: «من خوراکی برای خوردن دارم که شما نمی دانید.»<sup>g</sup> آنگاه شاگردان به یکدیگر می گفتند: «آیا کسی برای او چیزی برای خوردن آورده است؟»<sup>h</sup> عیسی به ایشان گفت: «خوراک من این است که اراده آن که مرا فرستاده انجام دهم و عمل اورا تحقق بخشم آیا خودتان نمی گوئید: چهار ماه دیگر موسوم درو می رسد. اینک به مکان ۱:۱۳-۱:۵:۱ شما می گویند: چشمهای را بلند کنید و

نشانه‌ها و کرامات نبینید، ایمان نخواهد آورد.<sup>m</sup> »<sup>۴۹</sup> افسر شاهی به او گفت: «خداوندا پیش از آنکه کودکم بمیرد فرود آی.»<sup>n</sup> عیسی ب او گفت: «برو، پسرت زنده است.» مرد به سخنی که عیسی به او گفته بود ایمان آورده به راه افتاد. <sup>۵۰</sup> چون به پایین می‌رفت بردگانش به استقبال آمدند به او گفتند که کودکش زنده است. <sup>۵۱</sup> پس از آنان سوال کرد در چه ساعتی حالش بهتر شد؟ به او گفتند: «دیروز، ساعت هفتم بود که تبیش قطع شد.»<sup>۵۲</sup> آنگاه پدر دانست که در همان ساعت عیسی به او گفته بود: «... پسرت زنده است» و او و تمام اهل خانه<sup>p</sup> ایمان آوردند. <sup>۵۳</sup> این بود نشانه دوم که عیسی در بازگشت از یهودیه به جلیل انجام داد.

### نشانه دوم قانا

پس از این دوروز از آنجا به جلیل رفت.<sup>۴۴</sup> زیرا خود عیسی تأیید کرده بود <sup>hh</sup> که هیچ پیامبری در موطن خود مورد تکریم نیست.<sup>۴۵</sup> پس هنگامی که به جلیل آمد، جلیلیان از او به خوبی پذیرایی کردند به خاطر همه کارهایی که به هنگام جشن در اورشلیم از او دیده بودند زیرا آنان نیز برای جشن آمده بودند.<sup>۴۶</sup> پس بار دیگر به قانای جلیل که در آنجا آب را شراب کرده بود باز آمد. در آنجا یک افسر شاهی بود که پسرش در کفرناحوم بیمار بود.<sup>k</sup> <sup>۴۷</sup> وقتی شنید که عیسی از یهودیه به جلیل آمد است، به سویش آمد و از او خواهش می‌کرد که فرود آمده<sup>۱</sup> پسرش را شفا دهد زیرا پسرش دم مرگ بود. <sup>۴۸</sup> پس عیسی به او گفت: «اگر

- [تحت الفظی: شهادت داده بود.]

<sup>i</sup>- مفهوم این عبارت میهم است زیرا یوحنا در هیچ مورد اشاره‌ای نکرده که در ناصره، عیسی را از روی بی ایمانی و با تردید پذیرفته باشدند (ر.ک مت:۱۳:۵-۶؛ مر:۶:۴-۵؛ ل:۶:۱۶-۳۰). بنابراین آبای می‌توان تصور نمود که اورشلیم را به عنوان موطن واقعی عیسی بشمار می‌آورد؟ اگر این افسر [ر.ک آیه ۴۶] فرد بت پرستی است می‌توان او را مظہر و نماینده دسترسی مشرکان به زندگی شناخت (منظور از خارجیان و مشرکان افراد غیریهودی هستند) و در مقابل بی ایمانی یهودیان (ر.ک ۱۹:۱).

<sup>j</sup>- ترجمه دیگر: با این همه وقتی به جلیل رسید جلیلیان از او خوب پذیرایی کردند زیرا توانسته بودند همه آنچه را که عیسی کرده بود ببینند چون او هم برای جشن به اورشلیم رفته بود.

<sup>k</sup>- این افسر وابسته به شخص پادشاه هیرودیس آنتیپاس است و در روایتی که در اینجا آورده شده چندین نکته وجود دارد که واقعه ستنتوریون را به یاد می‌آورند (مت:۸:۵-۶؛ ل:۷:۱-۱۰).

<sup>l</sup>- شهر کفرناحوم در کنار دریاچه قرار دارد و در میان دامنه‌های ارتفاعات کاملاً محصور می‌باشد بنابراین برای رفتن به آنجا بایستی مدت زیادی در سرازیری پایین رفت.

<sup>m</sup>- ر.ک ۲۴:۲ توضیح k. ایمانی که محدود به آن باشد که مرتباً تقاضای معجزه کنند کافی نیست بلکه فقط ایمان بدون تردید به عیسی و گفتار او به زندگی منجر می‌شود. در سرتاسر این روایت، ارتباط بین ایمان و زندگی و همچنین تقابل مرگ و زندگی ملاحظه می‌شود: عیسی سرچشمه آب زندگی (۴:۲۶) کسانی را که به او ایمان می‌آورند از مرگ به سوی زندگی منتقل می‌سازد (ر.ک ۳۰:۵-۱۹).

<sup>n</sup>- تحت الفظی: خانه/ش.

به حرکت درمی آید مرا به استخر بیندازد و تا خود به آنجا می روم، دیگری پیش از من فرو رفته است.<sup>۸</sup> عیسی به او گفت: «قیام مت:۶؛ کن! بستر خود را بردار و راه برو!»<sup>۹</sup> در لوع:۲۲؛ همان دم مرد بهبود یافته بستر خود را برداشته راه می رفت. آن روز یک روز ای:۱۴؛ سبت بود،<sup>۱۰</sup> پس یهودیان به آن کس که شفا یافته بود می گفتند: «روز سبت تو ای:۲۷-۲۱؛ مجاز نیستی بستر خود را حمل کنی!»<sup>۱۱</sup> مت:۸-۸؛ اما او به ایشان پاسخ داد: «آن کس که مرا بهبودی داده است او به من گفت: بستر خود را بردار و راه برو»<sup>۱۲</sup> از پرسیدند: «کیست مردی که به تو گفت بستر خود را بردار و راه برو.»<sup>۱۳</sup> اما آن که شفا یافته بود نمی دانست او کیست زیرا عیسی نایدید مت:۱۸؛ شده بود چون در آنجا ازدحام جمعیت بود. مر:۴؛<sup>۱۴</sup> پس از آن عیسی او را در معبد یافت و به یو:۱۷-۱۵؛ او گفت: «اکنون بهبود یافته ای، دیگر گناه مت:۲۹؛ مکن مبادا به تو چیز بدتری برسد!»<sup>۱۵</sup> مرد اع:۳-

## شفای یک مفلوج در اورشلیم

<sup>۱</sup> پس از آن جشن یهودیان<sup>۰</sup> بود و عیسی به اورشلیم فراز آمد.<sup>۲</sup> باری در اورشلیم نزدیک دروازه برهه استخیری<sup>۳</sup> نج<sup>۴</sup> است که به عبری بیت حسد<sup>۵</sup> نامیده می شود که پنج رواق دارد<sup>۶</sup> و در زیر آنها انبوهی از بیماران، کوران، لنگان و عاجزان بسر می برند [که در انتظار غلیان آب می بودند]<sup>۷</sup> زیرا فرشته خداوند گاهگاهی در استخر فرود آمده آب به حرکت درمی آمد، پس اولین کسی که بعد از حرکت آب داخل آن می شد، بیماریش هرچه بود بهبود لوع:۲۹؛ می یافت.<sup>۸</sup> در آنجا مردی بود که سی و هشت سال از بیماریش رنج می برد.<sup>۹</sup>

<sup>۱۰</sup> منظر یکی از جشن های مهم یهودیان است و لی به دشواری می توان تعیین کرد که کدام جشن می باشد. در بعضی از نسخ خطی، آن جشن بطور کلی ذکر شده که باقیستی به مفهوم جشن گذر یهودیان تعبیر شود. در فاصله بین ۵:۴ و ۱:۵ همچنین ۵:۵ و ۱:۶ موضوع طالب سریعاً تغییر می کند، بدین سبب بعضی از مفسران تصور می کنند که باب پنجم در اصل بین باهای ۶ و ۷ یا در بین آیات ۱۴:۷ و ۱۵:۷ قرار داشته است (در این صورت قسمت ۲۴-۱۵:۷ نتیجه گیری مناسبی از مطالب ۱۹-۱۶:۷-۱۷:۷ خواهد بود) و از این رو چشیدن که در ۱:۵ ذکر شده همان جشن گذر خواهد بود که در ۴:۶ آمده است.

<sup>۱۱</sup> نام این محل بیت حسد/ یا بیت زاتا، نام یکی از محله های اورشلیم است که در شمال معبد قرار دارد. در حفاریهای جدید، خواجه های استخر کشف شده ولی از پنج رواق اثری به دست نیامده است. در این محل معبدی مختص سرایپس، رب النوع شفایخش یونانیان قرار داشته است.

<sup>۱۲</sup> پایان آیه ۳ و تسامی آیه ۴ که در داخل قلاع گذاشته شده در تعدادی از نسخ خطی معتبر که خیلی قبیلی هستند وجود ندارد. این مطالب تذکر و توضیحی برای بقیه روایت است.

<sup>۱۳</sup> این روایت از بسیاری جهات موضوع شفای مفلوج در مر:۱-۲ و متون متوازی را به یاد می آورد. [عدد سی و هشت به تث:۲؛ اشاره دارد که زمان سرگردانی قوم برگزیده در صحراست. آیا انجیل یوحنا می خواهد اشاره نماید که این مرد مفلوج، نماینده و سهیل قوم برگزیده است که مسیح او را شفا داد؟]

<sup>۱۴</sup> ر. ک ۱۱:۴ توضیح.<sup>۷</sup>

<sup>۱۵</sup> در میشنا [که مجموعه دستورات و مقررات شرعی یهودیان دکلمه و تشريح شده است] در مورد استراحت روز سبت تصریح گردیده که حمل بار ممنوع می باشد (شیبات:۲).

<sup>۱۶</sup> در این متن اظهار نشده که بین گناه و بیماری ارتباط وجود دارد (ر. ک ۴:۱۱)، [ر. ک ۳:۹] و لی چنین برمی آید که عمل عیسی منحصر به شفای جسمانی نیست بلکه کسی که به معجزه شفا یافته از این پس باید بر طبق موهبتی که دریافت کرده است زندگی کند. [کلمه بهبودی ۷ بار در این مورد و در مورد کور مادرزاد آمده است].

به همان گونه که مردگان را قیام می بخشد و به آنها زندگانی می دهد، به همان گونه پسر نیز به آنانی که بخواهد زندگانی می دهد.<sup>z</sup>  
<sup>۲۲</sup> زیرا پدر هیچکس را داوری نمی کند بلکه همه داوری را به پسر سپرده است  
<sup>۲۳</sup> تا همه پسر را تکریم کنند، چنان که پدر را تکریم می کنند، آن کس که پسر را تکریم نکند، پدری که او را فرستاده است تکریم نمی کند.<sup>۲۴</sup> آمین، آمین، به شما می گوییم: آن که سخن مرا می شنود و به آن که مرا فرستاده است ایمان دارد زندگانی جاودانی دارد و به داوری نمی رود بلکه از مرگ به زندگانی گذر کرده است.<sup>a</sup> آمین، آمین،  
 به شما می گوییم: ساعتی فرامی رسد - و هم اکنون است! - که مردگان<sup>b</sup> صدای پسر خدا را خواهند شنید و آنان که شنیده باشند، زندگانی خواهند کرد.<sup>۲۶</sup> زیرا به همان گونه که پدر زندگانی را در خود دارد، همچنان آن را به پسر داده است که زندگانی را در خود داشته باشد<sup>c</sup> و به او اقتدار داده تا داوری کند زیرا او پسر انسان

برفت و به یهودیان اعلام کرد که عیسی بود که او را بهبودی بخشیده است.<sup>۱۶</sup> به این مت ۱۴:۱۲ سبب یهودیان عیسی را آزار می دادند زیرا این را در روز سبت انجام می داد.<sup>۱۷</sup> اما به ایشان پاسخ داد: «پدرم تاکنون کار می کند، من نیز کار می کنم».<sup>۱۸</sup> به همین سبب یهودیان، بیشتر در جستجوی آن بودند تا او را بکشند زیرا نه فقط [قانون] سبت را می شکست بلکه خدا را هم پدر خود می نامید و خود را با خدا برابر می کرد.<sup>w</sup>

### اقتدار پسر

<sup>۱۹</sup> عیسی به سخن درآمده به ایشان گفت:  
 «آمین، آمین، به شما می گوییم: پسر از پیش خود هیچ نمی تواند بکند مگر آنچه را که می بیند پدر می کند، زیرا آنچه او می کند، پسر نیز به همان گونه می کند.<sup>x</sup> <sup>۲۰</sup> زیرا پدر پسر را محبت می کند و همه آنچه را به جای می آورد به او نشان می دهد و برایش کارهای بس بزرگتر از اینها نشان خواهد داد تا شما شگفت زده شوید.<sup>y</sup> <sup>۲۱</sup> زیرا پدر

- <sup>۷</sup>- ری های یهود فعالیت خلاقه خدا را که در روز هفتم آفرینش پایان یافت (بید:۲) از فعالیت مدام داور متعال که دنیا آدمیان را بسوی تمامیت هدایت می کند تمایز می کردند. عیسی عمل خود را در همان سطح و در داخل عمل مدام پدر قرار می دهد.  
 - اظهارات عیسی متنضم موقعيت الهی او و نیز فرزندی خدا به مفهوم واقعی کلمه است. این اظهارات موجب بحث و مجادله شده و منجر به توضیحاتی می شود که در آیات ۱۹-۳۰ آمده است ولی دورنمای مرگ عیسی نیز بدیدار می شود.  
<sup>X</sup>- پسر در هیچ لحظه ای مستقلانه عمل نمی کند<sup>۲۸:۸</sup>؛ هیچ عملی را به خود منحصر نماید: عمل هر یک کاملاً در داخل عمل دیگری است. بنابراین فعالیت عیسی ظهور و تجلی کامل فعالیت پدر است.  
 - از کارهای رسالت عیسی بر روی زمین، برتر و بالاتر کارهایی است که مربوط به صعود و شکوه یافتن او می باشد یعنی داوری و زندگی جاودانی (ر. ک ۲:۱۵-۱۴:۳۰-۲۱).  
<sup>Z</sup>- برابر روایات یهود، خدای زنده قادر است زندگی بدهد. کلمات «به آنانی که بخواهد» تأکید می نماید که این گزینش رایگان است.  
<sup>a</sup>- کسانی را که پدر به وسیله عیسی فراخوانده و به پدر ایمان می آورند، زندگی خدایی دریافت می کنند و داوری زمان آخر درباره آنان نیست (ر. ک ۱۸:۳).  
<sup>b</sup>- در تمام این قسمت انجیل، نظیر ۱۱-۲۵:۲۶ یوحنا به روش‌های مختلف کلمه «مرگ» را به عنوان نماد بکار می برد و همچنین کلمه «مردگان» درباره کسانی است که دور از خدا زندگی می کنند و در برابر کلام خدا که می تواند به آنان مجدد حیات بخشید مرده اند (ر. ک ۱۱:۲۶ توضیح ۷).

راستی شهادت داده است.<sup>f</sup> اما من شهادت انسان را نمی پذیرم بلکه این را می گویم تا شما ترجیح دارید.<sup>۳۵</sup> او چرا غیب بود که می سوزد و می درخشد<sup>g</sup> و شما را ۱- یو ۹:۵ خوش آمد که دمی به درخشش او شادی<sup>۱</sup> داشت<sup>۱۷-۱۶:۱۳</sup> کنید.<sup>h</sup> من شهادتی بزرگتر از [شهادت]<sup>۳۶</sup> یعنی دارم: کارهای که پدرم به من سپرده تا آنها را انجام دهم، همین کارها درباره من شهادت می دهند که پدر مرا فرستاده است.<sup>۱</sup> ۱- یو ۹:۵ شهادت می دهند که پدر که مرا فرستاده، او درباره من<sup>۳۷</sup> و پدر که مرا فرستاده است. شما هرگز نه صدای او را شنیده اید و نه صورت او را دیده اید.<sup>۱</sup> ۱- یو ۱۴:۲ ۳۸ و سخن او را ندارید تا در شما بماند زیرا شما به کسی که او فرستاده است ایمان ندارید.<sup>۳۹</sup> نوشه های مقدس را کاوش می کنید زیرا می پنداشید که زندگانی جاودانی را در آنها خواهید داشت<sup>k</sup> و همین مکاپر ۱۰:۱-۱۱:۱۹

دان ۱۰:۷-۱۴ است.<sup>c</sup> از این تعجب نکنید زیرا ساعتی فرا می رسد که تمام کسانی که در قبرند،<sup>۱۱:۱۳-۱۴:۱۴</sup> لولا<sup>۱۱:۲۰-۱۳:۲۰</sup> صدای او را خواهند شنید<sup>۱۹</sup> و بیرون خواهند آمد. آنان که نیکی کرده اند برای رستاخیز زندگانی و آنان که بدی کرده اند<sup>۲۷:۱۶-۲۸:۲۵</sup> دان ۱۲:۲ مت ۴:۲۵ برای رستاخیز داوری<sup>d</sup>.<sup>۳۰</sup> من چیزی از پیش خود نمی توانم بگنم، برابر آنچه می شنوم داوری می کنم و داوری من عدالت است زیرا اراده خود را نمی جویم، بلکه اراده آن کس که مرا فرستاده است.

## شهادت‌ها

۱۴-۱۳:۸ ۳۱ اگر من درباره خودم شهادت بدهم،<sup>۱</sup> شهادتم راست نیست.<sup>۳۲</sup> دیگری درباره من شهادت می دهد و می دانم شهادتی که درباره من می دهد راست است.<sup>e</sup> ۳۳ شما کسانی به نزد یحیی فرستاده اید و او به مت ۱۱-۷:۱۱

c- در نبوت‌های مربوط به ایام آخر در مکاشفه‌های یهودیان، «پسر انسان» وظایف داور اعلی را دارد (دان ۷:۱۳؛ خنوح ۴:۲۷-۴:۲۷). رک ۱:۵۱).

d- در آیات ۲۸-۲۹ سخن از رستاخیز در روز آخر است (رک دان ۱:۱۲-۳). یوحنا با آن که قسمت اساسی رستاخیز را که زندگی در شرایط با خدای زنده است در زمان حاضر تعیین می کند با این همه نظره رستاخیز را که کاملاً در ایام آخر تحقق خواهد یافت حفظ می نماید.

e- برابر اصول و قواعد قضایی معمول، مخاطبان حق دارند شهادت کنند که اظهارات عجیب و بی مانند عیسی را تأیید نمایند ولی در این وضعیت فقط شهادت خدا می تواند این اظهارات را تأیید کند (ر.ک مت ۱:۱۳-۱:۱۴).

f- به نظر عیسی شهادت یحیی تعیید دهنده فقط ارزش نسبی دارد با این همه عیسی از آن یاد می کند زیرا یهودیان تا حدی آن را پذیرفته بودند (۱:۱۹-۳:۳۴). ر.ک ۳:۲۲-۳:۳۴ توضیح f.

g- این عبارت بنیسی ۴:۸ را به یاد می آورد.

h- شهادت یحیی، آن طور که باید مورد قبول عامه واقع نشده بود زیرا قاعده‌تاً این شهادت بایستی مردم را به سوی عیسی هدایت می کرد در صورتی که عملاً فقط لحظه‌ای شور و هیجان ایجاد کرده بود.

i- نشانه‌ها و کارهایی که عیسی انجام می دهد متفقًا عمل پدر می باشند: بنا بر این کسانی که اظهارات و ادعای عیسی را مبنی بر مسیح بودن او نمی پذیرند قطع رابطه خود را با خدا نشان می دهند زیرا هیچکس نمی تواند نشانه‌های عیسی را انجام دهد مگر اینکه از سوی خدا آمده باشد (۳:۲، ۹:۱۶، ۳۱). یهودیان می بایست او را به عنوان پسر خدا پذیرنند (رک ۵:۱۹-۱:۳۰).

j- ظهورهای قبلی الهی نظری تجلی خدا در سینا (آیه ۳:۷-۱۶؛ خروج ۱۹:۱۷) و دائمی بودن کلام خدا (آیه ۱:۳۸ الف): خروج ۵:۱۹) به طوری که باید پذیرفته نشده بود و نشانه این امر آن است که یهودیان در عیسی عمل خدا را نشناخته‌اند.

k- نوشه های مقدس، منع زندگی حقیقی هستند (ر.ک تث ۱:۴-۱:۱۸؛ ۳:۳۰-۱۵؛ ۲۰-۲۰:۳؛ ۱:۸) در محافل ربه های یهود که دائماً در نوشه های مقدس کاوش می کنند این موضوع به فراوانی ذکر شده است.

اما اگر به نوشه‌های او ایمان ندارید، لو ۲۷:۱۶-۳۱ م: چگونه به سخنان من ایمان خواهید آورد.

**عیسیٰ جمعیت زیادی را غذا می‌دهد<sup>۹</sup>**  
 (متی ۱۴:۱۳-۲۱؛ مرقس ۶:۳۰-۴۴؛  
 لوقا ۹:۱۰-۱۷)

<sup>۱</sup> پس از آن عیسیٰ به آن سوی مت ۱۳:۱-۲۱ م: دریای جلیل یا طبریه رفت.  
<sup>۲</sup> جمعیت زیادی به دنبال او می‌آمدند زیرا نشانه‌هایی را که برای بیماران انجام می‌داد مت ۴:۲۲-۴:۲۴ م: بیان کردند.  
<sup>۳</sup> عیسیٰ از کوه بالا رفت و در آنجا با شاگردانش نشست. <sup>۴</sup> جشن لوع ۹:۱۱ م:  
 گذر یهودیان<sup>۵</sup> نزدیک بود. <sup>۵</sup> چون چشمها را بلند کرده دید که انبوی از مردم به سویش می‌آیند عیسیٰ به فیلبیس<sup>۶</sup> گفت: «از کجا نان بخیریم تا این مردم بخورند؟» <sup>۶</sup> این را

نوشته‌ها است که درباره من شهادت می‌دهند.<sup>۷</sup> <sup>۷</sup> و نمی‌خواهید بسوی من آئید تا زندگی داشته باشید.<sup>۸</sup> <sup>۸</sup> من شکوهی را که از مردم بباید نمی‌پذیرم، <sup>۹</sup> اما شما را شناختم که محبت خدا در درون شما نیست.<sup>۱۰</sup> <sup>۱۰</sup> من به نام پدرم آمده‌ام و شما

مت ۵:۲۴ م: مرا نمی‌پذیرید، اگر دیگری به نام خودش بباید او را خواهید پذیرفت.<sup>۱۱</sup> <sup>۱۱</sup> چگونه

می‌توانید ایمان بباورید، شما که شکوه را روم ۲:۲۹ م: از یکدیگر می‌جوئید و شکوهی را که از خدای یکتا می‌آید جستجو نمی‌کنید!<sup>۱۲</sup> <sup>۱۲</sup> میندارید که من در مقابل پدر شما را

تث ۲۶:۳۱ م: متهم خواهم کرد، متهم کننده شما موسی است که شما به او امید دارید.<sup>۱۳</sup> <sup>۱۳</sup> اگر به موسی ایمان می‌داشتید، به من هم ایمان می‌آورید، زیرا او درباره من نوشه است.

<sup>۱</sup>- هرگاه نوشه‌های مقدس را در پرتو انسان شدن پسر خدا و صعود وی به آسمان بخوانیم در آنها سخنان و وقایعی ذکر شده که خدا به وسیله آنها آمدن پرسش را اعلام می‌کند تا تمامیت زندگی را بباورد (رک ۱:۴۵؛ ۲:۴؛ ۴:۷-۵؛ ۲:۴-۲۰؛ ۲:۲؛ ۴:۱؛ ۱۲) عیسیٰ یهودیان را سرزنش نمی‌کند که چرا در نوشه‌های مقدس کاوش می‌کنند بلکه بدین سبب که تشخیص نمی‌دهند این نوشه‌ها بر او شهادت می‌دهند.

<sup>m</sup>- به همان گونه که یهودیان کلام خدا را در خود ندارند فاقد محبت واقعی نسبت به او هستند (ر.ک ۲:۲۳، ۲۱). عیسیٰ از قلب‌ها آگاه است (۲:۳-۱۹:۲۵). این آیه را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: اما من دریافته‌ام که شما در خود محبت خدا را ندارید.

<sup>n</sup>- آنان که به نام خودشان سخن می‌گویند به این دنیا تعلق دارند و به زبان دنیا سخن می‌گویند (۷:۶-۱۷)؛ دنیا آنچه را که با او هم‌آهنگ است دوست دارد و در آنها انعکاسی از تصویر خود می‌بیند (۱۵:۱۰-۱۹). شکی نیست که منظور پیامبران دروغین است (۱۰:۸) ولی امکان دارد که منظور یوحنا شیطان باشد (ر.ک ۸:۴-۴۱) و بیشتر متحمل است که در آنجا دستوری کلی بیان می‌کند.

<sup>o</sup>- ریشه عمیق بی‌ایمانی در آن است که در جستجوی افتخار شخصی باشند و دنیا را به خاطر افتخار و شکوهی که در آن بدست آمده و سهمی بر می‌گیرند بپذیرند در صورتی که ایمان ایجاد بدون قید و شرط در صفحه خدا گرفته فقط از او انتظار شکوه و جلال داشته باشند چنانکه خود عیسیٰ چنین کرده است (۷:۸-۱۸؛ ۲:۱۲-۲:۲۳؛ ۲:۲۳؛ ۱:۱۷؛ ۱:۲۱؛ ر.ک ۱-۲:۲۹؛ ۲:۳-۲:۴؛ ۲:۱۳؛ ۳:۱؛ ۲:۹-۲:۱۰). <sup>p</sup>- موسی واسطه و حامی اسرائیلیان در حضور خدا بیشمار می‌آمد. عیسیٰ او را همچون متهم کننده یهودیان معرفی می‌کند زیرا معنی واقعی تورات را در نیازه اند که بایستی ایشان را به شناختن و مکاشفه نهایی در عیسیٰ هدایت نماید (۱:۶؛ ۶:۱۷؛ ۷:۲-۲:۲۲).

<sup>q</sup>- موضوع تکثیر نانها و ماهی‌ها جایگاه مهمی در این انجیل و نیز در انجیل نظری دارد (مر ۶:۴-۳:۵؛ ۶:۹-۱:۱۴؛ ۲:۲۱-۳:۲-۳:۸؛ ۱۵:۱۵-۱۰:۹؛ لو ۱۰:۹-۱۷؛ ۲:۴-۴:۲-۲:۱-۱۰:۹). این نشانه، اوج فعالیت‌های عیسیٰ در جلیل و نقطه پایانی آنها است، موقعي که بایستی بین ایمان آوردن یا نپذیرفتن آن یکی را انتخاب قطعی نمود.

<sup>r</sup>- یوحنا با اصرار یادآوری می‌کند که اعمال مهم عیسیٰ در ایام جشن‌های یهودیان رخ داده است (جشن گذر ۱:۲-۲:۲؛ ۲:۲-۲:۳؛ ۲:۱۱-۱:۱۲؛ ۲:۸-۱:۱۸؛ ۳:۹؛ جشن خیمه‌ها ۲:۷؛ جشن تقطیر و تقدیس معبد که یادآور بیروزی یهودای مکابی بر آنتیوخوس چهارم بود ۲:۱۰). جشن گذر واقعی، به جلال رسیدن پسر، برخدا است؛ جشن‌های یهودیان لحظاتی هستند که در آنها بی‌ایمانی بیشتر جلوه می‌کند (۱۹:۱ توضیح ۵).

مردمان با دیدن نشانه هایی که انجام داده بود می گفتند: «حقیقتاً این همان پیامبری است که باید به جهان بباید!»<sup>۷</sup> <sup>۱۵</sup> پس تث:۱۸-۱۵:۱۸، مت:۱:۱، ۱۱:۳، ۳۷:۷، ۲:۳، ۳۶:۱، ۳۵:۱، ۱۳:۱۲، ۳:۶، ۱۸:۱ که عیسی چون دانست که می آیند تا او را گرفته پادشاه سازند بار دیگر به تنهائی به کوهستان رفت.<sup>۸</sup>

راه رفتن عیسی بر روی دریا (متی:۱۴:۲۷-۲۲؛ مرقس:۶:۴۵-۵۲) <sup>۹</sup> اهنگامی که شامگاه فرا رسید، شاگردانش به سوی دریا پایین رفتند.<sup>۱۰</sup> و سوار قایق شده به آن سوی دیگر دریا به کفرناحوم می رفتند و تاریکی فرا رسیده بود و هنوز عیسی به آنان نپیوسته بود.<sup>۱۱</sup> و دریا بر اثر وزش بادی شدید منقلب بود.<sup>۱۲</sup> پس از آنکه بیست و پنج تا سی استاد<sup>۱۳</sup> پارو زدند، عیسی را می بینند که بر روی دریا راه می رود و به قایق نزدیک می شود، پس ترسیدند.<sup>۱۴</sup> اما او به آنان گفت: «من مت:۲۷:۱۴ هستم لا نترسید!»<sup>۱۵</sup> پس می خواستند او را

برای آن می گفت تا او را امتحان کند، زیرا خودش می دانست چه خواهد کرد.<sup>۱۶</sup> <sup>۷</sup> فیلیپس به او پاسخ داد: «دویست دینار<sup>۱۷</sup> نان هم کفایت نمی کند تا هر یک کمی دریافت کنند.»<sup>۱۸</sup> یکی از شاگردانش، آندریاس برادر شمعون پطرس به او گفت: «در اینجا کودکی هست که پنج قرص نان جو و دو ماهی کوچک دارد، اما برای این همه مردم چیست؟»<sup>۱۹</sup> عیسی گفت: «مردم را بنشانید.» در آن محل علف زیادی بود. پس نشستند، در حدود پنج هزار مرد بودند.<sup>۲۰</sup> پس عیسی نانها را گرفت و شکرگزاری کرده بین هم سفره ها تقسیم کرد. همچنین ماهی های کوچک را هر قدر که می خواستند.<sup>۲۱</sup> وقتی سیر شدند به شاگردانش گفت: «تکه های را که زیادی مانده جمع کنید تا چیزی از بین نزود.<sup>۲۲</sup>» <sup>۱۳</sup> پس، آنها را جمع کردند و دوازده سبد را با تکه های پنج قرص نان جو که پس از خوردن باقی مانده بود پر کردند.<sup>۲۳</sup> پس

<sup>۸</sup>- مسیح به طوری که یوحنا توصیف می کند همه چیز را می داند (۱۱:۱۳؛ ۴:۴؛ ۲۵:۲) ولی سوالی که عیسی می کند برای آن است که طرز نقگر شاگرد آزمایش شود؛ پاسخی که داده می شود عظیمت نشانه را یادآوری و تایید می کند.

<sup>۹</sup>- مقدار پولی که ذکر شده مبلغ مهی شمار می رود زیرا یک دینار اجرت روزانه یک کارگر بوده است (مت:۲:۲۰).

<sup>۱۰</sup>- یوحنا در ذکر این روایت، صورت دعای سپاکسگزاری را حفظ می کند. بنظر او تکثیر نانها قبل از هرچیز عملی است که جنبه نماد دارد و مقدمه گفتاری است که در آیات ۵۸-۲۶ می آید: بدین معنی که عیسی نان حقیقی است که از آسمان فرود آمده و ایمانداران را سیر می کند (۶:۳۳). در آیه ۱۰ ذکر شده که «در آن محل علف زیادی بود». بنابراین واقعه ذکور به احتمال قوی در فصل بهار و نزدیک به عید گذر یهودیان بوده و گفتگوی عیسی با یهودیان بوده (آیات ۳۰-۳۳) بجاست.

<sup>۱۱</sup>- نشانه ای را که عیسی انجام می دهد درباره ساختاری او و رسالتش سوء تفاهمی ایجاد می نماید بدین معنی که اورا به عنوان پیامبر ایام آخر (ر.ک تث:۱۵:۱۸) یا مسیح سیاسی می شناسند که بایستی به جهان آمد آزادی ملت اسرائیل را تأمین کند. بدین سبب در نظر دارند او را پادشاه اعلام نمایند ولی عیسی فقط بر روی صلیب خود را به عنوان پادشاه اعلام خواهد کرد (ر.ک ۱۹:۹).

<sup>۱۲</sup>- عیسی در طی محاکمه خود در برابر پیلاطس از ملکوتی سخن خواهد گفت که به این جهان تعلق ندارد (۳۶:۱۸)، مقام پادشاهی را که جمعیت در نظر دارد نمی پذیرد و از همین موقع با نظریه عمومی درباره پایان جهان و مسیحیابی دنیوی و سیاسی قطع رابطه شده است.

<sup>۱۳</sup>- این مسافت در حدود پنج کیلومتر است و بنابراین می توان گفت در وسط دریاچه بودند.

<sup>۱۴</sup>- ترجمه دیگر: منم، به طوری که در مر:۶:۵۰ ذکر شده عیسی خود را می شناساند. نام الوهیت را که در سفر خروج (۳:۱۴) آمده: «من هستم» یوحنا بیشتر بکار برد و تشریح نموده است و الوهیت عیسی را بیان می نماید (ر.ک ۴:۲۶؛ ۸:۲۶؛ ۸:۲۸، ۱۳:۵؛ ۱۸:۸، ۶:۵، ۸:۵).

«آمین، آمین، به شما می‌گوییم مرا جستجو  
می‌کنید نه به سبب نشانه هائی که دیده اید،  
بلکه به سبب نانها که خوردید و سیر  
شدید.<sup>b</sup> کار کنید نه برای آن خوارا کی<sup>c</sup> ۱۱:۶-۱۲:۶

که از بین می‌رود، بلکه برای خوراکی که اش<sup>d</sup> ۲۰:۵-۲۰:۵

جهت زندگانی جاودانی می‌ماند.<sup>e</sup> همان<sup>f</sup> مت ۱۲:۱۶

که پسر انسان به شما خواهد داد، زیرا<sup>g</sup> ۶:۴-۶:۴

خدای پدر او را مهر کرده است.<sup>h</sup> ۲۸ پس<sup>i</sup> ۵۸:۵-۵۸:۶

به او گفتند: «برای بجا آوردن کارهای خدا  
چه باید بکنیم؟»<sup>j</sup> عیسی در پاسخ به<sup>k</sup> ۲۹

ایشان گفت: «کار خدا آن است که به کسی<sup>l</sup> مت ۱۱:۱۶-۱۲:۱۶

که او فرستاده ایمان بیاورید.<sup>m</sup> ۳۰ پس به<sup>n</sup> ۱۱:۲-۱۲:۱

او گفتند: «تو چه نشانه‌ای می‌دهی تا<sup>o</sup> ۱-۱۰:۱

ببینیم و به تو ایمان بیاوریم؟ چه کاری<sup>p</sup> ۲۴:۷-۲۴:۷

انجام می‌دهی؟»<sup>q</sup> ۳۱ پدران ما در صحراء<sup>r</sup> ۱۰:۵-۱۰:۵

خروج<sup>s</sup> ۱۶:۴-۱۶:۴

«من» خوردن همان طور که نوشته شده<sup>t</sup> ۱۳:۴-۱۳:۴

است: به ایشان برای خوردن، نانی رسیده<sup>u</sup> ۱۱:۹-۱۱:۹

نخ<sup>v</sup> ۱۵:۹

به قایق سوار کنند، اما همان دم قایق به  
جائی که می‌رفتند رسید.<sup>z</sup>

### عیسی، نان زندگانی

۲۲ روز بعد جمعیتی که در آن سوی دریا<sup>a</sup>  
ایستاده بودند، دیدند که در آنجا جز یک  
قایق کوچک وجود نداشت و عیسی با<sup>b</sup>  
شاگردانش سوار قایق نشده بود و تنها  
شاگردانش رفته بودند.<sup>c</sup> ولی قایق هائی  
از طبریه به نزدیک جائی آمدند که پس از<sup>d</sup>  
شکرگزاری خداوند<sup>e</sup> نان خورده بودند.<sup>f</sup>

۲۴ وقتی جمعیت دیدند که نه عیسی و نه<sup>g</sup>  
شاگردانش در آنجا نیستند سوار قایق های  
کوچک شده به کفرناحوم در جستجوی<sup>h</sup>  
مر<sup>i</sup> ۳۷:۱ عیسی برآمدند.<sup>j</sup> و او را در آن سوی دریا<sup>k</sup>  
یافته به او گفتند: «ربی کی به اینجا  
رسیده ای؟»<sup>l</sup> عیسی در پاسخ ایشان گفت:

z- پرخی از مفسرین این را پنجمین نشانه انجیل یوحنا می‌دانند (ر. ک مز ۱۰:۷-۱۰:۸).

a- کلمات «شکرگزاری خداوند» در بسیاری از نسخ خطی حذف شده است. این کلمات منظرة سپاسگزاری [یعنی راز شام آخر] را که در تمام این بخش وجود دارد تشدید و تأکید می‌کنند.

b- در جریان واقعه تکثیر نان قدرت عیسی را شناختند و پذیرفتد و بلا فاصله به معنی واقعی آن پی ببرند و لی بهره برداری فوری که می‌توانستند از آن بکنند علاوه آنان را جلب کرد. در صورتی که بالعکس ایمان بر اثر شناختن اعمال عیسی به عنوان نشانه بوجود می‌آید (ر. ک ۱۱:۲).

c- نیایستی تنها به خوردن نان اکتفا کرده شفته کسی باشد که نانها را تکثیر نموده است بلکه بایستی در پایه این عمل نماد و نشانه چیست. بایستی درمی یافت عیسی آن کسی است که غذا می‌دهد و زندگی می‌بخشد. در نظر یوحنا زندگی ابدی متعلق به کسانی است که با پدر آشنازی کرده اند و در صمیمیت با او زندگی می‌کنند. و در این معنی ایمان و زندگی چیز واحدی هستند.

d- پس از آسمان می‌آید و نشانه‌هایی که انجام می‌دهد اعمالی هستند که به وسیله آنها خدا اصالت رسالت او را تضمین می‌نماید (۳:۳)، همچنین امکان می‌دهد که آدمیان به وسیله او زندگی جاودان یابند. بعضی از مفسران در این عبارت «مهر کرده است» اشاره ای به تعیید یافتن عیسی تشخیص داده اند و چنین استدلال می‌کنند که همین کلمات در معنی تعیید بر طبق الهیات بکار برد (ر. ک افس ۱:۱۳-۱:۱۳؛ مکا ۳:۴-۳:۴).

e- مخاطبان در پی آنند که کارهای خدامی انجام دهند در صورتی که عیسی می‌خواهد ایمان بیاورند و آنچه به ایشان عطا شده است پیدا نمایند. همین نکته تفاوت مهم بین دو فعل انجام کار و ایمان آوردن را نشان می‌دهد.

f- تنها روش کارکردن برای خدا این است که با او همکاری کنیم با ایمان آوردن به کسی که او را فرستاده است.

g- بنظر یوحنا تنها کسی واقعاً می‌بیند حقیقت کامل آن شخص را که نشانه های انجام می‌دهد و کشف کند و شخص توسط ایمان می‌بیند. نماشای بزرگترین کارهای شکفت انگیز چشمها را باز نمی‌کند و تقاضایی که از عیسی می‌کنند همواره موجب همین سوء تقاضا می‌شود: بدین معنی که از او انتظار دارند ادعاهای مسیح بودن خود را با معجزه هایی توجیه و ثابت کند و معجزه های او از آنچه قوم اسرائیل در گذشته شناخته بود فراتر رود در صورتی که در برابر نشانه ها بی بصیرت می‌مانند.

نزد من می آید او را بیرون نخواهم افکند.<sup>۱</sup>  
 مت: ۲:۱۷، ۸:۶  
 زیرا من از آسمان نازل شدم، نه برای اع: ۱۴:۱۶  
 آنکه اراده خود را انجام دهم بلکه اراده آن: ۳۰:۵، ۳۴:۴  
 کس که مرا فرستاده است<sup>m</sup>.<sup>۳۹</sup> باری: ۳۶:۱۴، مرت: ۴۲:۲۲  
 چنین است اراده آن کس که مرا فرستاده که عیبر: ۹:۱۰  
 از آنچه به من داده است، هیچ چیز را از: ۳۵:۳  
 دست ندهم<sup>n</sup> بلکه در واپسین روز: ۵۴:۴۴، ۹:۱۸، ۱۲:۱۷  
 برخیزانم.<sup>۴۰</sup> زیرا اراده پدر من چنین است: ۲۴:۵، ۲۴:۱۱  
 که هر کس پسر را می بیند و به او ایمان می آورد زندگانی جاودان داشته باشد و من او را در واپسین روز برخیزانم.<sup>۴۱</sup>  
 پس یهودیان درباره او زمزمه می کرددند<sup>p</sup>، زیرا گفته بود: «من نانی هستم که از آسمان نازل شده ام»<sup>۴۲</sup> و می گفتند: «آیا او عیسی پسریوسف نیست که ما پدر و مت: ۵۵:۱۳، مرت: ۳:۶  
 مادرش را می شناسیم؟ چگونه اکنون لور: ۲۲:۴

از آسمان داده است<sup>h</sup>.<sup>۴۳</sup> پس عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می گویم، موسی نیست که به شما آن نانی داد که از آسمان می آید بلکه پدر من به شما آن نان راستین را که از آسمان می آید می دهد.<sup>۴۴</sup> زیرا نان خدا، آن است که از آسمان نازل می شود و به جهان زندگانی می دهد.»

پس به او گفتند: «خداؤندا از این نان همیشه به ما بده.»<sup>۴۵</sup> عیسی به ایشان گفت: «من آن نان زندگی هستم، آنکه به سوی من می آید گرسنه نخواهد شد و آنکه به من ایمان آورد هرگز تشننه نخواهد شد.»<sup>۴۶</sup>  
 اما به شما گفته ام: شما مرا دیده اید و ایمان نمی آورید.<sup>k</sup><sup>۴۷</sup> هر آنچه پدر به من می دهد به سوی من خواهد آمد و آنکه به

- بنظر بسیاری از حکماء یهود، عطیه روزانه مائده آسمانی «من» که در صحرای سینا می رسید بزرگترین واقعه شگفت انگیز دوران خروج بشمار می آمد (خروج ۱:۱۵، اعد: ۱:۱۱، تث: ۳:۸، حک: ۲۰:۱۶). یوحنا جمله ای از مز ۲۴:۷۸ یا نح ۱۵:۹ را نقل می کند. [کلمه من هو به معنی این چیست به استناد خروج ۱۵:۱۰ که در ترجمه قدیم من ترجمه شده. ر.ک. یو: ۴:۱۶، عبر: ۴:۹، مکا: ۱۷:۲]

- وعده های پیمان و عهد عتیق در عیسی تحقق می یابد. به این ترتیب موسی (۱:۱۷، ۵:۴، ۱۹:۷، ۲۴، ۴۵:۵، ۴:۴) یعقوب (۴:۴)، و ابراهیم (۳۱:۸، ۳۱:۵۹) به نظام کهنه تعلق دارند که دوران آن سپری شده است با توجه این که شهادت داده اند که نجات در عیسی می آید. به نظر نخستین مسیحان عهد عتیق قبل از هر چیز بششگویی تن گیری پسر خدا می باشد.

- ترجمه تحت الفظی من هستم آن نان زندگی. یوحنا با رها این ترکیب کلام را بکار می برد که در آن عیسی خود را به عنوان کسی معرفی می کند که در خود کمال عطیه را برای ایمانداران می آورد (ر.ک: ۸:۲۷، ۱۰:۱۲، ۱۱:۷، ۱۱:۲۵، ۱۴:۶، ۱۵:۱). عیسی نان زندگی است (ر.ک: ۶:۵)، زیرا ایمان آوردن به او شرکت در زندگی حقیقتی است.

- ر.ک: ۳۰:۶ توضیح<sup>g</sup>، عیسی شهادت می دهد کس که حقیقتاً به او ایمان دارد می تواند مفهوم واقعی آنچه را همه دیده بودند دریابد زیرا ایمان قدرت نفوذ دید را تشدید می کند (ر.ک: ۹:۴۱).

- کسانی که رو به سوی عیسی می آورند در حقیقت کسانی هستند که پدر به پسر عطا کرده است و بدین سبب پسر آنان را پذیرفته و حفظ می نماید (۱۷:۶-۱۵). یوحنا مجددًا اقتدار کامل و رایگان بودن فیض خدای پدر را تأیید می کند (ر.ک: ۶:۲۹، توضیح<sup>e</sup>: ۶:۲۹).

- ر.ک: ۳۰-۱۹:۵، ۴:۳۴-۱۹:۵. در هر مورد که یوحنا ذکر می کند پسر را پدر فرستاده است (ر.ک: ۳:۳۴ توضیح<sup>m</sup>) یا از محبت پدر نسبت به پسر سخن می گوید مجددًا وحدت عیسی و خدا را بیان کرده و عیسی را به فرزندی خدا تائید می نماید.

- همین نکه در بیان ۱۰:۲۸-۲۹، ۱۷:۱۲، ۱۸:۱۹؛ ذکر شده است، ر.ک مت: ۸:۱۴.

- یوحنا در عین حال که درباره کنونی بودن رستاخیز و زندگی جاویدان اصرار دارد منظرة انتظار برای رستاخیز نهائی را حفظ می کند.

- نظری آنچه در خروج ۱۶:۲-۸ آمده است جمعیت با زمزمه و بحث کردن ها بی ایمانی خود را ابراز می کند.

<sup>۴۸</sup> من نان زندگانی هستم. <sup>۴۹</sup> پدران شما در صحراء «مَنَا» خوردن و مردند. <sup>۵۰</sup> چنین است نانی که از آسمان نازل می‌شود، کسی که از آن می‌خورد نمی‌میرد.  
<sup>۵۱</sup> من آن نان زنده هستم، نازل شده از آسمان. اگر کسی از این نان بخورد جاودانه زندگی خواهد کرد و <sup>۵۲</sup> نانی که من خواهم داد، تن<sup>x</sup> من است برای زندگانی جهان<sup>y</sup>.  
<sup>۵۳</sup> پس یهودیان با هم مجادله کرده می‌گفتند: «چگونه این مرد می‌تواند تن خود را برای خوردن به ما بدهد؟» پس عیسی به ایشان گفت: «آمين، آمين، به شما می‌گویم اگر تن پسر انسان<sup>z</sup> را نخورید و خون او را ننوشید در خود زندگانی می‌شود<sup>۵۴</sup>».

می‌گوید: از آسمان نازل شده ام<sup>۵۵</sup>?  
<sup>۴۳</sup> عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «بین هم زمزمه نکنید. <sup>۴۴</sup> هیچکس نمی‌تواند به سوی من آید اگر پدر که مرا فرستاده است او را به سوی خود نکشد<sup>۵۶</sup> و من او را در واپسین روز برخواهم خیزانید.<sup>۴۵</sup> در اش<sup>۵۷</sup>:۳۴-۳۳:۳۱ [كتابهای] پیامبران نوشته شده است: و همه بوسیله خدا آموزش خواهند یافت.<sup>۵</sup> هر کس پدر را شنیده و آموزش او را خرید<sup>۵۸</sup>:۲۰-۳۳ دریافته است به سوی من می‌آید.<sup>۴۶</sup> هیچکس پدر را ندیده است مگر آن کس که از نزد خدا می‌آید: او پدر را دیده است.<sup>۴۷</sup> آمين، آمين، به شما می‌گویم آن که ایمان دارد<sup>۵۹</sup> زندگانی جاودانی<sup>۷</sup> دارد.

۹- یهودیان نمی‌توانند موقعیت پسری عیسی را با اصل و منبع خدایی او که اظهار می‌کند با یکدیگر سازش دهند: فقط ایمان که موهبتی خدایی است (۱۷:۷) درک آن را مقدور می‌سازد. در اینجا اشاره‌ای به آبستنی عذرایی نشده ولی اگر یوحنا این روایت را که متنی و لوقا ذکر کرده اند می‌شناسد (و بعضی از مسیحیان یهودی‌الاصل با آن مخالفت داشته‌اند) در اینجا کنایه‌ای استهزا آمیز وجود دارد که نظیر نکته‌ای است که در ۴۱:۷ آمده است.  
۱۰- زمزمه و بحث‌ها بجایی نمی‌رسد بلکه عمل پدر، طرفداران خود را به جانب کسی می‌کشاند که در او تمامیت الهام خدا عرضه می‌شود (۲۱:۳)، ر. ک ۲۷:۶ توضیح ۱.

۸- این عبارت توضیحی از اش<sup>۵۴</sup> گرفته شده است (رک ار ۳۱:۳۱-۳۳:۳۱؛ ۱-تسا<sup>۹</sup>:۴).  
۹- رک ۱۸:۱، یوحنا مفهوم غلطی را که ممکن است در تفسیر این عبارت درک شود رو می‌نماید: زیرا به وسیله عیسی که بدون واسطه و کاملاً پدر را می‌شناسد و عده‌ای که داده شده تحقیق می‌پذیرد.  
۱۰- در تعدادی از نسخ خطی معتبر نوشته شده است: آن کس که به من ایمان دارد.  
۱۱- ر. ک ۲۵:۵ توضیح b: ۲۶:۱۱ توضیح ۷.

۱۲- آخرین قسمت گفارنار (قسمت آخر آیه ۵۱-۵۸ و احتمالاً ۴۸-۵۸) صریحاً به راز نماز و شام آخر تخصیص داده شده است. با اینکه عموم مفسران بطور کلی در ترکیب عبارات این قسمت انشای یوحنا را تشخیص می‌دهند ولی ممکن است که آیات مذکور بعداً به بقیه باب افزوده شده باشد یا بالعکس یوحنا آنها را از روایت کهن تری گرفته باشد.  
۱۳- کلمه یونانی sarx تن به مفهوم آن چیزی است که واقعیت پسر را با امکانات و ناتوانیهای او می‌رساند (رک ۱۴:۱؛ ۶:۳؛ ۱۵:۱-۲:۴). ممکن است یوحنا روایت مستقلی را که مربوط به سنت نیایشی بوده حفظ کرده و کلمه‌تن ترجمه تحت‌اللفظی کلمه آرامی besra باشد که عیسی در طی شام واپسین به کار برده است. یوحنا در مورد ارزش نجات بخش راز تن گیری اصرار می‌نماید.

۱۴- یوحنا به روش خود عبارت سنتی را حفظ کرده که بیان می‌کنند مرگ عیسی برای بازخرید گناهان جهان است. ضمناً بین این نکته که عیسی منبع زندگی جاودان است و واقعه مرگ او را بطریه‌ای وجود دارد. بدین سبب موضوع نانی که خواهد داد مطرح است (رک ۱۰:۱۱؛ ۱۱:۱۵؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۱۵؛ ۱۳:۱۵؛ ۵۲-۵۰:۱۱؛ ۱۴:۱۸؛ ۱۹:۱۷؛ ۱۳:۱۵؛ ۱۶:۳-یو<sup>۱۶</sup>:۳).

۱۵- در اینجا موضوعاتی که در قسمت قبلی ارائه شده مجدداً ذکر می‌شود و در مقابل مجموعه نکاتی که قبلاً تشریح گردیده به صورت آداب دعای سپاسگزاری درمی‌آید.

### تصمیم درباره ایمان

۶۰ پس بسیاری از شاگردانش پس از شنیدن، گفتند: «این گفتار سخت است! چه کسی می‌تواند آن را گوش کند.»<sup>۶۱</sup> اما عیسی که در درون خود می‌دانست که شاگردانش در این باره زمزمه می‌کنند به آنان گفت: «آیا این برایتان موجب لغزش است؟<sup>۶۲</sup> پس اگر ببینید پسر انسان را به زندگانی بخش است، تن را فایده ای نیست. سخنانی که من به شما گفته ام روح‌اند و زندگانی‌اند<sup>۶۳</sup>، اما در بین شما هستند کسانی که ایمان نمی‌آورند.»<sup>۶۴</sup> زیرا عیسی از همان آغاز می‌دانست چه کسانی ایمان نمی‌آورند و چه کسی او را تسلیم خواهد کرد.<sup>۶۵</sup> پس گفت: «بدین سبب

نخواهید داشت.<sup>۶۶</sup> هر که تن مرا می‌خورد<sup>a</sup> و خون مرا می‌نوشد زندگانی جاودانی دارد و من او را در واپسین روز برخواهم خیزانید.<sup>b</sup><sup>۶۷</sup> زیرا تن من خوارک راستین و خون من نوشیدنی راستین است.<sup>c</sup><sup>۶۸</sup> هر که تن مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد در من می‌ماند و من در او.<sup>d</sup><sup>۶۹</sup> همان‌گونه که پدر، آن زنده، مرا فرستاده و من به واسطه پدر زندگی می‌کنم، به همان‌گونه آن کس که مرا می‌خورد او هم به واسطه من زندگی خواهد کرد.<sup>e</sup><sup>۷۰</sup> چنین است نانی که از آسمان نازل شده، نه همچون نانی که پدر انتان خوردنده و مردنده. هر که این نان را بخورد جاودانه زندگی خواهد کرد.<sup>f</sup><sup>۷۱</sup> این سخنان را هنگامی که در کنیسه کفرناحوم آموخت می‌داد گفت.

a- ترجمه تحت الفظی این کلمه جویدن است. یوحنا مخصوصاً در آداب دعای سپاسگزاری کلماتی به کار می‌برد که جنبه مادی و حقیقی دارند. بدین وسیله به خوانندگان بر ضد کسانی که برای رسالت عیسی فقط جنبه تصوری و غیر واقعی قائل بودند هشدار می‌دهد. ضمناً برای رسوم متداول، بهودیان می‌باشند فصح خود را به خوبی جویده و می‌خورند.

b- پسر انسان از آسمان می‌آید و باز به آسمان بالای رود و بنابراین آنانی که به او ایمان دارند و در این راز شرکت می‌کنند در زندگی آسمانی که در اوست با او سهیم خواهد بود. راز سپاسگزاری مایه رستاخیز کسانی است که ایمان دارند (ر.ک ۳۹:۶، ۴۰:۵؛ ۲۹:۲۹).

c- در طی شام واپسین نان و شراب یعنی جسم و خون مسیح به طرز والایی هدف و منظور این غذا و آشامیدنی را که زندگانی می‌باشد تحقق می‌بخشد.

d- زندگی کردن یعنی مشارکت کامل با پسر و بنابراین با پدر. این مبادله که با علم و شناسایی و محبت مقابله انجام می‌شود به طرز مطمئن و قاطعی و عده داده شده است و در حال حاضر شرکت در شام آخر در زمان حال نشانه ممتاز این مشارکت می‌باشد.

e- این عبارت ناتمام مانده است. مصروف شدن عیسی در عین اینکه منتهای رسواهی است در نظر اینسانداران به عنوان بازگشت عیسی در شکوه و جلال پدیدار می‌شود، شکوهی که پیش از آفرینش از آن او بوده است (۱:۱۵، ۵:۱۷). بدین سان کلماتی که قیلاً بیان شده با توجه به شکوه یافتن عیسی و موهبت روح القدس که از آن ناشی می‌شود (۳۹:۷) تمام معنی و مفهوم خود را خواهند یافت. باستی از ورای موقعیت زمینی عیسی و مصروف شدن او (ر.ک ۷:۱۳) شکوه او را تشخیص داد و حقیقت و قدرت سخنان و رفتار او را باز شناخت. اگر آیات ۵۱-۵۸ جزء اصلی این گفتار باشد (ر.ک ۵۱:۶ توضیح (W)) می‌توان چنین درک کرد که برای شاخنین قدرت زندگی یخش آیین سپاسگزاری باشیستی قبلاش شکوه و جلال عیسی را درک گشته است.

f- یوحنا که تن را در برابر روح آورده، در وجود آدمی دو قسمت تشخیص نمی‌دهد بلکه دو نوع زندگی کردن را توصیف می‌نماید. تن، انسانی است که با محدودیت امکان خود به خودش واگذار شده است. این انسان نمی‌تواند به خودی خود مفهوم عمیق سخنان و نشانه‌های عیسی را درک نماید و نمی‌تواند ایمان بیاورد (ر.ک ۳۷:۶ توضیح (I)) در صورتی که روح قدرت زندگانی است که آدمی را هدایت نموده چشمانش را باز می‌کند و اورا قادر می‌سازد کلام خدا را که در عیسی بیان شده است تشخیص دهد. [می‌توان روح القدس را در نظر گرفت.]

## بی ایمانی برادران عیسی

۱ پس از آن عیسی در جلیل  
۲ می گشت زیرا نمی خواست در  
یهودیه بگردد، چون که یهودیان می خواستند  
او را بکشند.<sup>۳</sup> ۲ جشن خیمه های <sup>k</sup> یهودیان  
نزدیک بود. <sup>۳</sup> پس برادرانش <sup>۱</sup> به او گفتند:  
مت ۴۸:۴۶-۴۷ از این جا حرکت کن و به یهودیه برو تا  
شاغرداشت نیز کارهای را که می کنی  
مشاهده کنند.<sup>۴</sup> زیرا اگر کسی در جستجوی  
آن است که شناخته شود در خفا رفتار  
نمی کند. چون تو این کارها را می کنی خود  
را به جهان نمایان کن!<sup>m</sup><sup>۵</sup> زیرا برادرانش  
هم به او ایمان نمی آوردند.<sup>۶</sup> پس عیسی به  
ایشان گفت: «وقت من هنوز نرسیده اما  
وقت شما همیشه وقت مناسب است.<sup>n</sup>  
<sup>۷</sup> جهان نمی تواند از شما متنفر باشد، اما  
مرا منفور می دارد، زیرا درباره اش شهادت

به شما گفته ام هیچکس نمی تواند به سوی  
من آید اگر این از پدر به او داده نشده  
باشد.»<sup>۶</sup>

لو ۶۲:۹ از آن به بعد بسیاری از شاگردانش از  
او روگردان شدند و دیگر با او نرفتند.  
لو ۶۷:۲۲ پس عیسی به آن دوازده تن گفت: «آیا  
شما نیز می خواهید بروید؟»<sup>۷</sup> شمعون  
پطرس به او پاسخ داد: «خداآندا نزد چه  
کسی بروم؟ سخنان زندگی جاودانی نزد  
توست.»<sup>۸</sup> ما ایمان آورده ایم و دانسته ایم  
که تو قدوس خدا هستی.<sup>۹</sup> عیسی به  
ایشان پاسخ داد: «آیا من شما دوازده تن را  
برنگزیزیده ام؟ و یکی از شما ابلیس  
است.<sup>۱۰</sup>»<sup>۱۱</sup> او از یهودا [پسر] شمعون  
اسخربوطی سخن می گفت زیرا هم او بود  
که باید او را تسلیم می کرد، او که یکی از  
آن دوازده تن بود!

g- ر. ک ۴۲:۱ توضیح p. اگر ایمان در برابر بیانات عیسی که موجب لغزش می شود مقاومت نکند بیهوده است. / و می دانست  
چه کسی او را تسلیم خواهد کرد: در اینجا یوحنا خیانت یهودا را اعلام می کند (۱۳:۱۱، ۱۸:۱۱-۲۱). در انجیل یوحنا عیسی  
حریان مصائب و مصلوب شدن خود را هدایت می کند و ساخت آن را می داند (۱۱:۴-۱۳؛ ۱۸:۴-۶) و به پیشواز آن می رود  
(ر. ک ۴:۲ توضیح x: ۲۷:۱۲ توضیح k).

h- در برابر رفتار کسانی که عیسی را ترک کردند، ایمان واقعی عبارت از گرویدن بدون قید و شرط به کسی است که سخنانش  
زنندگی جاودان را وعده داده و می بخشند: او حقیقتاً فرستاده ای است که خدا او را تقدیس کرده (ر. ک ۱۰:۳۶-۱۷:۱۷-۱۸:۹).  
این صحنه اعتراض و ایمان پطرس را به باد می آورد (مت ۱۶:۲۲-۲۳؛ مر ۸:۲۷-۲۸؛ مر ۸:۲۷-۲۸:۹).  
۱- انتخاب دوازده تن توسط عیسی (۱۶:۱۵) آزادی آنان را سلب نمی کرد و مانع از آن نبود که یکی از آنان به عیسی خیانت کند.  
کسی که خیانت می کرد آلت دست شیطان شده است (۲۷:۲، ۱۳:۱۲؛ ر. ک ۴:۸).  
j- ر. ک ۱۸:۵، ۱۹:۷، ۲۰، ۲۵:۱۱؛ ۳۷:۸، ۳۰:۴؛ ۵۳:۱۱؛ در این قسمت طولانی انجیل که وقایع در اورشلیم روی می دهد در همه  
جا تهدید مرگ وجود دارد.

k- جشن خیمه ها در اواخر تابستان در موسم انگور چینی برگزار می شد (ر. ک ۱۶:۱۳-۱۶:۱۶؛ تث ۳:۲۳-۲۴؛ ۳:۳۳-۳۴؛ خروج ۲:۲۳-۲۴)  
و مدت هشت روز ادامه داشت (اعد ۶:۱۲-۳:۳۹-۲:۲-۱:۱۰-مک ۶:۱-۲). در این جشن عمل نجات بخش خدا را در حریان خروج از  
مصر بادآوری و در ضمن برای برداشت محصول سالیانه شکرگزاری می کردند. این جشن جنبه نبوی داشت و نعمت های  
پربرکت دوران مسیحیان را اعلام می کرد (زک ۱۴:۱۶-۱۶:۱۶).

l- ر. ک مت ۱۲:۴۶ توضیح n.

m- طبق برداشت اشتباه امیز دنوی، فقط ابراز قدرتی فوق العاده کافی خواهد بود تا اعتماد و احترام مردم به فرستاده مسیحیان  
جلب شود (ر. ک ۱۸:۲-۴؛ ۴:۱۸؛ ۳۰:۶-۴:۲؛ مت ۱۲:۱۲-۳:۳۸-۴:۳۰).

n- ترجمه تحتاللفظی: اما وقت شما همیشه آماده است. مراحل مختلف عمل عیسی به وسیله پدر که او را فرستاده تعیین شده و  
مخصوصاً لحظه مناسب در اورشلیم برای عمل قطعی که عیسی آن را ساعت خود می ماند (۲:۴-۶؛ ۷:۲۸، ۵:۲۵؛ ۷:۲۰؛ ۸:۷؛ ۱۲:۲۷، ۲:۲۳؛ ۱۳:۱۷؛ ۱:۱۷؛ ۱۴:۳۵-۴۱). بالعکس مردمانی که از این دنیا هستند وقت را در اختیار خود دارند.

«چطور این مرد بدون آنکه درسی خوانده باشد باسواند است؟»<sup>۱۶</sup> پس عیسی در پاسخ به آنان گفت: «آموزش من از من نیست بلکه از آن کسی است که مرا فرستاده است.<sup>۱۷</sup> اگر کسی بخواهد اراده او را بجا آورد خواهد شناخت که آیا این آموزش از خداست یا اینکه من از خود حرف می‌زنم.<sup>۱۸</sup> کسی که از خود حرف می‌زند، شکوه خود را می‌جوید، اما کسی که شکوه فرستنده خود را می‌جوید او راستین است و در او بی عدالتی<sup>۱۹</sup> نیست.<sup>۲۰</sup> مگر تورات را موسی به شما نداده است؟ حال هیچکدام از شما به تورات رعایت نمی‌کنید! چرا در جستجوی آن هستید عمل نمی‌کنید؟<sup>۲۱</sup> عیسی در پاسخ به آنان گفت: مت ۲۷-۲۴:۱۲ تو دیو داری، چه کسی در جستجوی کشتن تو است؟<sup>۲۲</sup> عیسی در پاسخ به آنان گفت: «من فقط یک کار انجام داده ام<sup>۲۳</sup> و شما همگی از آن شگفت‌زده هستید.<sup>۲۴</sup> موسی لاید ۱۳-۱۰:۳؛ روم ۱۱:۴؛ روم ۱۱:۷؛ روم ۱۷:۲؛ روم ۲۳-۲۴:۱۷؛ روم ۵:۳؛ روم ۲۴-۴۱:۵؛ روم ۵۰:۸؛ روم ۴۴-۵۷:۱۳؛ روم ۴۷:۲؛ روم ۱۳:۴؛ روم ۱۰:۱۴؛ روم ۴۹:۱۳؛ روم ۲۸:۷؛ روم ۵۷-۵۴:۱۳

می‌دهم که کارهایش شرورانه است.<sup>۲۵</sup> شما به جشن فراز آئید، من به این جشن فراز نمی‌آیم زیرا وقت من هنوز نرسیده است.<sup>۲۶</sup> این را گفت و خودش در جلیل ماند.<sup>۲۷</sup> وقتی برادرانش به جشن فراز آمدند، او هم نه نمایان بلکه در خفا فراز آمد.<sup>۲۸</sup>

### آموزش‌هایی در طی جشن خیمه‌ها

۱۱ پس به هنگام جشن، یهودیان او را جستجو می‌کردند و می‌گفتند: «او کجاست؟»<sup>۲۹</sup> و در بین مردم درباره او بسیار زمزمه می‌شد. برخی می‌گفتند: «مرد خوبی است»، دیگران می‌گفتند: «خیر، بلکه جمعیت را گمراه می‌کند».<sup>۳۰</sup> با این همه، هیچکس، از ترس یهودیان درباره او آشکارا اظهاری نمی‌کرد.<sup>۳۱</sup>  
۱۴ هنگامی که هنوز در میانه جشن بودند عیسی به معبد فراز آمده آموزش می‌داد.<sup>۳۲</sup> ۱۵ پس یهودیان شگفت‌زده می‌گفتند:

- فعالیت عیسی کینه دنیا را برمی انگیزد (۱۵:۱۸-۲۵) زیرا این فعالیت خباثت واقعی اعمال دنیوی را بر ملا می‌کند (۳:۲۰-۲۱).

p- ر. ک ۴:۲ توضیح X. عیسی نه از درخواستهای مبهم مردمان بلکه از اراده پدرش پیروی می‌کند.  
q- ر. ک ۲:۹؛ ۲۲:۱۲؛ ۴۲:۶؛ ۴۲:۱۲؛ ۲:۶. بعد از این بایستی ایمان برترس از مجازات‌های یهودیان غالب شود. شکی نیست که در اینجا یوحنا اشاره به اقداماتی می‌کند که پس از سال ۷۰ میلادی، کنیسه بر ضد کسانی که به انجیل می‌پیوستند به عمل می‌آورد (ر. ک ۲۲:۹ توضیح ۱۱ و ۴۷:۱۱ توضیح d).

r- ترجمه تحت الفظی: حروف الفبا را می‌شناسد: این اصطلاح [نظیر اصطلاح فارسی باسواند] بدوان در تحصیلات مقدماتی (یعنی خواندن و نوشن) به کار می‌رفت و بعداً بتدریج مجموعه آموزش‌های مدرسه‌ای را دربرمی‌گرفت. از سوی دیگر چون در آموزش‌های مدرسه‌ای در مورد شناختن قوانین تورات و روایات کمالاً تأکید می‌شد این اصطلاح به مفهوم آموزش متدابول عالمان و کاتیان درآمد.

s- عیسی نه واسطه به سبک آموزش‌های مدرسه‌ای است و نه وابسته به تحصیلاتی که پیش خود کرده باشد. آموزشی که او می‌دهد از شناسایی کامل و بلاواسطه پدر ناشی می‌شود. (ر. ک ۳:۱۱-۱۳؛ ۳۶-۳۱؛ ۳۶-۱۹:۵؛ ۳۶-۱۹:۵؛ ۲۳-۱۹:۵). t- فقط کسانی که می‌پذیرند اراده پدر را انجام دهنند آمادگی دارند مکافهفه راز الهی را پذیرفته و منشآ خدایی مشخص عیسی و آموزش او را قبول کنند.

u- گاهی این کلمه را احادعه یا شیادی ترجمه می‌کنند. [بی عدالتی]  
v- کسانی که قصد دارند عیسی، فرستاده پدر را پذیرفته و او را بکشند، نشان می‌دهند که اصولاً به قوانین تورات که به آن می‌بالند ایمان ندارند (ر. ک ۴۷:۵؛ ۴۹:۷؛ ۴۷:۸؛ ۵۱، ۴۹:۷). w- ظاهراً اشاره به شفای مفلوجی است که در ۱۵:۱ روایت شده است.

می دانید از کجا هستم! ولی از طرف خودم نیامده‌ام<sup>a</sup>، اما آن کسی که مرا فرستاده راست است و شما او را نمی‌شناسید.<sup>b</sup>

من او را می‌شناسم زیرا از او می‌آیم و اوست که مرا فرستاده است.<sup>c</sup> پس من او را در جستجوی آن بودند تا او را بگیرند اما هیچکس بر او دست دراز نکرد زیرا ساعت او هنوز نرسیده بود. از میان جمعیت بسیاری به او ایمان آورده می‌گفتند: «آیا وقتی مسیح بباید نشانه‌های بیشتری انجام خواهد داد از آنچه این یکی انجام داده است؟»

پون فریسان شنیدند که مردم درباره او چه زمزمه می‌کنند، کاهنان اعظم و فریسان نگهبانانی فرستادند تا او را بگیرند.<sup>d</sup> پس عیسی گفت: «اندک زمانی هنوز با شما هستم<sup>e</sup> و به سوی آن کس می‌روم که مرا فرستاده است.<sup>f</sup> شما مراعات خواهید کرد و نخواهید یافت و

ختنه را به شما داده است - نه آنکه ختنه مت:۱۲:۵، از موسی باشد، بلکه از نیاکان<sup>X</sup> است - و لوم:۱۲:۱۱ شما در روز سبت آدمی را ختنه می‌کنید. چون انسان در روز سبت هم ختنه می‌شود تا تورات موسی بی حرمت نگردد، شما بر من آشفته اید چونکه انسانی را به تمامی در اش:۱۱:۳؛ روز سبت بهبودی بخشیده‌ام!<sup>۲۴</sup> دیگر به ظاهر داوری نکنید بلکه به عدالت داوری یو:۸:۵ یو:۹:۷ کنید.»

پس برخی از اهالی اورشلیم می‌گفتند: «آیا او همان کسی نیست که در جستجوی کشن وی هستند؟<sup>۲۶</sup> اینک آشکارا سخن می‌گوید و چیزی به او نمی‌گویند! آیا به راستی رؤسا<sup>۲۷</sup> دانسته‌اند که او مسیح است؟<sup>۲۷</sup> ولی ما می‌دانیم که او از کجاست در صورتی که وقتی مسیح بباید هیچکس نخواهد دانست از کجاست.<sup>۲۸</sup> پس در حالی که عیسی در معبد آموزش می‌داد ندا کرده گفت: «شما مرا می‌شناسید و

X- ترجمه تحت اللفظی: پدران. ر. ک پید:۱۷:۱؛ روم:۴:۱۱. در خط ۲۳ عیسی طبق عادت ریبون بیان می‌دارد: یهودیان ختنه را به عنوان شفا، برای یک عضو خاصل در نظر می‌گرفتند پس اگر شفا دادن (ختنه کردن) یک عضو روز سبت مجاز بود صورت گیرد چقدر و بیشتر شفا دادن به یک انسان «به تمامی» می‌باشد مجاز باشد.

۱- روایت مکتوب در این مورد قطعی و مشخص نیست: در بعضی نسخه خطی به جای کلمه رؤسا، کاهنان/اعظم و در نسخ دیگر مشایخ نوشته شده است. در دو نسخه خطی دیگر این کلمه حذف شده است.

۲- در این متن مجدداً انعکاس بحث و مجادله‌ای که در قرن اول میلادی بین یهودیان و مسیحیان ادامه داشته به نظر می‌رسد ضمیماً این عبارات نوعی لحن استهزاً میز دارند: از یک دیدگاه اصل و تبار او مشهور است (ر. ک ۴۲:۶) چون انسان است از طرف دیگر اصل و تبار آسمانی او را هیچ کس نمی‌تواند در کند.

a- گاهی این سخنان را چنین ترجمه می‌کنند: شما مرا می‌شناسید، می‌دانید از کجا هستم! با این همه از طرف خودم نیامده‌ام.

b- پون نمی‌توانند اورا به عنوان فرستاده خدا بشناسند و این نشان می‌دهد که واقعاً خدا را نمی‌شناسند.

c- فقط کاهن اعظم نگهبانانی در اختیار داشته است. بنابراین مقامات رسمی در جریان وقایعی وارد شده‌اند که به کشن عیسی منتهی خواهد شد. ضمناً چنین به نظر می‌رسد که طرز رفاقت و نظر نسبتاً مساعد جمعیت درباره او موجب شد مقامات رسمی در اتخاذ تصمیم خود تسریع نمایند (ر. ک ۱۱:۴۵-۴۶؛ ۱۲:۱۱-۱۸؛ ۱۲:۵۷).

d- روجهای عیسی در جریان هصائب و صلیب او به طوری که در انجیل یوحنا وجود ندارد. عیسی عزیمت و بازگشت خود را به سوی پدر (۳۳:۲۱؛ ۳۳:۲۱؛ ۳۳:۲۲-۲۱) در انجیل یوحنا اعلام می‌نماید (۳:۱۴؛ ۸:۲۲؛ ۸:۲۲؛ ۹:۶) و برافرازی خود را به آسمان اعلام می‌نماید (۳:۱۴؛ ۳:۲۲).

e- ر. ک ۸:۱۰، ۱۱؛ ۲۱:۲۲-۲۱، ۳۳:۱۳؛ ۳۶:۴؛ ۱۴:۳؛ ۱۰:۱۷، ۱۱:۱۷، ۱۱:۱۶، ۵:۱۶، ۵:۱۷، ۱۰:۵، ۸:۲۸، ۲۱:۸، ۲۱:۳)،

بنوشد.<sup>۳۸</sup> آن که به من ایمان دارد برابر آنچه در نوشته مقدس گفته شده از بطن او نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد.<sup>k</sup><sup>۳۹</sup> این را درباره روح گفت که آنانی که به او ایمان می‌آورند بایستی دریافت کنند اع<sup>۱</sup> ۷:۱۶؛<sup>۲</sup> ۲۲:۲۰؛<sup>۳</sup> ۴:۲ چون هنوز روح نبود زیرا عیسی هنوز شکوه نیافته بود.<sup>۱</sup>

<sup>۴۰</sup> پس در میان جمعیتی که این سخنان را شنیده بودند گروهی می‌گفتند: «به راستی او آن پیامبر است!»<sup>m</sup><sup>۴۱</sup> دیگران می‌گفتند: «این مسیح است!» برخی دیگر<sup>۱۸:۱۵-۱۵:۱۸</sup> می‌گفتند: «آیا مسیح باید از جلیل بیاید؟»<sup>۲۰:۳؛۲۲:۳؛۲۷:۷</sup> آیا نوشته مقدس نگفته که مسیح از تبار<sup>۲۶:۷؛۲۹:۴</sup> داد و از بیت لحم، روستائی که داد از<sup>۲۲:۹؛۲۷:۹</sup> روم<sup>۳:۱</sup> داده است!

این سخن که عمدتاً به طور دو پهلو بیان شده موجب تعبیرهای نیشدار و کنایه‌آمیز خواهد شد، با این همه نبوت واقعی که بعداً

تث<sup>۲۹:۴</sup>؛<sup>f</sup> امث<sup>۲۸:۱</sup>؛<sup>f</sup>

بیاید.

پس یهودیان با خود گفتند:

«به کجا خواهد رفت که ما او را نخواهیم

یافت؟ آیا به میان کسانی که در بین

یونانیان<sup>g</sup> پراکنده‌اند خواهد رفت و به

یونانیان<sup>h</sup> آموزش خواهد داد؟»<sup>i</sup> معنی این

گفتار چیست که گفت: مرا جستجو نکرد و

نخواهید یافت و به آنجائی که من هستم

شما نمی‌توانید بیاید؟»<sup>j</sup>

لار<sup>۳۶:۲۳</sup>؛<sup>۳۱:۱۹</sup> مکا<sup>۳۲:۲۱</sup>؛<sup>۳۱:۶</sup>

اش<sup>۱۷:۲۲</sup>؛<sup>۳:۱۲</sup> اش<sup>۳:۲۰</sup>؛<sup>۴:۳</sup>

حرق<sup>۱:۵۸</sup>؛<sup>۱:۵۵</sup> ایستاده ندا برآورد:

«اگر کسی تشنه است به سوی من بیاید و

زک<sup>۱:۳</sup>؛<sup>۱:۱</sup> امث<sup>۴:۱۸</sup>

## آخرین روز جشن

<sup>۳۷</sup> در آخرین روز که روز بزرگ جشن بود<sup>۱</sup> عیسی در آنجا ایستاده ندا برآورد: «اگر کسی تشنه است به سوی من بیاید و

به سوی آغاز می‌شود (ر.ک<sup>۱:۳۸-۳۵:۴</sup>؛<sup>۲۰:۱۲</sup>)

- این سخن که عمدتاً به طور دو پهلو بیان شده موجب تعبیرهای نیشدار و کنایه‌آمیز خواهد شد، با این همه نبوت واقعی که بعداً

به وقوع خواهد پیوست.

- با در جامعه مهاجرنشین یونانیان.

<sup>h</sup>- کمله یونانی در اینجا دو معنی دارد. خواه یهودیانی که در میان بت پرستان زندگی می‌کرده اند و یونانیان یهودی تبار بوده اند از جمله بت پرستانی بودند که به ایمان یهود گرویده اند. خواه به خود یونانیان: ر.ک<sup>۲۰:۱۲</sup>؛<sup>۲۰:۲۰</sup>؛<sup>۱۱:۱۱</sup>؛<sup>۱۶:۱۶</sup>؛<sup>۲۹:۹</sup>). بیشتر محتمل است که منظور یوحنا معنی اخیر باشد. رسالت در بین خارجیان از مختصات دورانی است که پس از گذر عیسی به سوی آغاز می‌شود (ر.ک<sup>۱:۳۸-۳۵:۴</sup>؛<sup>۲۰:۱۲</sup>).

<sup>i</sup>- منظور روز هفتم و احتمالاً روز هشتم ایام جشن است که مدت هشت روز ادامه داشته و روز آخر را سوکاح می‌نامیدند. در این روزها مراسم پاشیدن آب انجام می‌شد و شکنی نیست که بدین سبب در سخنان عیسی آب به عنوان نماد و نشانه به کار برده شده است.

<sup>j</sup>- ترجیمه دیگری امکان پذیر است، «اگر کسی تشنه باشد نزد من بیاید و بنوشد. از کسی که به من ایمان دارد طبق گفته نوشته مقدس، نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد» ما در اینجا طبق قدیمی ترین سنت کلیسا که بیشتر با طرز نوشتن یوحنا تطبیق دارد این گونه می‌فهمیم: عیسی چشمی آب زنده می‌باشد برای کسانی که تشنه اند و به او ایمان می‌آورند. قسمت مهم سنت عربی نقطه آخر جمله چنین در ک می‌شود که: «به سوی من بیاید و بنوشد» و سخن کتاب مقدس چنین به ایمان دار اطلاق می‌شود که خود چشمی آب زندگانی می‌گردد (ر.ک<sup>۱:۴:۴</sup>).

<sup>k</sup>- چنین به نظر می‌رسد که در اینجا نقل قول معینی نیست بلکه چکیده‌ای از متون مختلف می‌باشد که در آنها عطایای آسمانی را آب زندگانی بشمار آورده اند (ر.ک<sup>۱:۱۰-۱۵</sup>؛<sup>۸:۱۴</sup> توضیح <sup>u</sup>). می‌توان به زک<sup>۱:۱۵</sup> اندیشید که در برگزاری آداب مذهبی جشن یهود به کار می‌رفته است.

<sup>l</sup>- ر.ک<sup>۱:۴</sup> توضیح <sup>u</sup>. به نظر یوحنا شکوه عیسی عبارت از چیزی است که او را به عنوان پسر خدا (۱۴:۱) و فرستاده پدر ظاهر می‌کند. عیسی شکوهمندی خود را از آدمیان دریافت نمی‌کند (۴:۱؛<sup>۱:۵</sup>) بلکه از پدر (۵:۸؛<sup>۱:۴</sup>) و پیش از آفرینش جهان دریافت می‌نماید (۵:۱۷). این شکوه در طی رسالت زمینی عیسی تجلی می‌نماید (۱۴:۱؛<sup>۱:۱۱</sup>؛<sup>۱:۱۲</sup>؛<sup>۱:۲۳</sup>؛<sup>۳:۹</sup>؛<sup>۷</sup>). برترین لحظه شکوهمندی عیسی مرگ و رستاخیز او است (۱۷:۱۷؛<sup>۳:۳۲-۳۱</sup>؛<sup>۱:۱۳</sup>؛<sup>۲:۲۳</sup>؛<sup>۱:۱۶</sup>) که یوحنا آن را به طور کلی بارها با کلمات بلند شدن و سرافرازی ذکر کرده است (ر.ک<sup>۱:۸</sup> توضیح <sup>۱</sup>). در هر لحظه شکوه پدر بر روی پسر و شکوه پسر بر روی پدر انتقال یابد می‌کند (۱۱:۱۱؛<sup>۳:۳۲-۳۱</sup>؛<sup>۱:۱۳</sup>؛<sup>۲:۲۸</sup>؛<sup>۲:۲۳</sup>؛<sup>۱:۱۲</sup>؛<sup>۲:۲۳</sup>؛<sup>۱:۱۷</sup>؛<sup>۱:۱۳</sup>؛<sup>۱:۱۴</sup>).

- ر.ک<sup>۱:۱۴-۱:۶</sup>؛<sup>۲:۲۱</sup>

«آیا تو هم از جلیل هستی؟ تفحص کن و خواهی دید که از جلیل پیامبری برنمی خیزد؟»<sup>۹</sup> هر یک به خانه خود رفتند.

**زن زناکار**  
لو ۲۱: ۳۸-۳۷:۲۱  
۱ اما عیسی به کوه زیتون رفت.  
▲ ۲ ولی صبحدم باز در معبد حاضر مت ۵۵:۲۶  
شد و همه مردم به سوی او می آمدند و نشسته به ایشان آموختش می داد.<sup>۳</sup> کتابان و فریسیان زنی را که در حین زنا گرفتار شده بود، نزد وی آوردند و او را در میان قرار داده<sup>۴</sup> به او گفتند: «ای استاد، این زن در حین ارتکاب زنا گرفتار شده است؛<sup>۵</sup> باری موسی در تورات به ما حکم کرده<sup>۶</sup> که این لاؤ<sup>۷</sup> ۲۰:۲۰-۲۲:۲۲ تث ۲۴:۲۲-۲۴:۲۰

چنین زنان را باید سنگسار کرد. پس توجه می گوئی؟»<sup>۸</sup> این را می گفتند تا او را مت ۱۵:۲۲-۱۵:۲۲ دانسته باشد چه می کند؟ آیا از قبل او را محکوم می کند؟»<sup>۹</sup> در پاسخ به او گفتند:

آنجا بود باید بباید!<sup>۱۰</sup> به این ترتیب به خاطر او در بین جمعیت تفرقه افتاد.<sup>۱۱</sup> برخی از آنان می خواستند او را بگیرند اما کسی بر او دست دراز نکرد.<sup>۱۲</sup> پس نگهبانان به سوی کاهنان اعظم و فریسیان آمدند و آنان به ایشان گفتند: «چرا او را نیاوردید؟»<sup>۱۳</sup> پس نگهبانان پاسخ دادند: «هرگز انسانی چنین سخن نگفته که این انسان می گوید!»<sup>۱۴</sup> پس فریسیان در پاسخ پاسخ گفتند: «آیا شما نیز گمراه شده اید؟»<sup>۱۵</sup> آیا در بین روئا یکی هست که مت ۳۲:۲۱-۳۲:۲۱ به او ایمان آورده باشد؟ یا از بین فریسیان؟<sup>۱۶</sup> اما این انبوه که تورات را نمی شناسند، ملعون اند.<sup>۱۷</sup> نیقدیموس یکی از آنان، آن کس که قبلاً نزد عیسی آمده بود به ایشان گفت:<sup>۱۸</sup> «تورات ما بدون آنکه [اظهار] کسی را شنیده و تث ۴:۱۷-۴:۱۶:۱ این را می گفتند تا او را دانسته باشد چه می کند؟ آیا از قبل او را محکوم می کند؟»<sup>۱۹</sup> در پاسخ به او گفتند:

- ر. ک ۲-سزو ۱۲:۱۷-۱۲:۷؛ مز ۵:۴-۵؛ ار ۳:۲۳-۲:۸؛ مز ۸:۹-۸:۱۰؛ ار ۳:۵-۴:۵؛ در مورد بیت لحم میک ۵:۱. به نظر می رسد که رقیبان عیسی موضوع تولد او را در بیت لحم نمی دانند. آیا می توان تصور کرد که یوحنا به کنایه و سخره این مطالب را نوشته است؟ به هرسورت باید توجه داشت که یوحنا در هیچ مورد از تولد عیسی در بیت لحم سخن نگفته است.

- مکافشه ای که در عیسی به ظهور می رسد موجب ایجاد تفرقه بین آدمیان می شود بسته به اینکه ایمان می آورند یا نه (ر. ک ۳:۹-۳:۱۹؛ ۱۹:۱۰-۱۶:۱).

- پ- بیشتر کسانی که ایمان می آورند افراد توده عوام هستند (کسانی را که علمای دین یهود مردم زمین یا دهاتی می نامیدند) در صورتی که بی ایمانی طبقه برگزیده رهبران یهود تشدید می شود. در مورد تحقیر مردمان جاهل طبقه پایین (ر. ک ۴:۱-۴:۲۱-۲۱:۳-۳:۹؛ ۱۹:۳-۱۹:۱؛ ۱۶:۹) نوشته های ریبون یهود بسیار است.

- ۹- در تمام این قسمت از انجیل یوحنا، مقامات رسمی اورشلیم، جلیل و اهالی جلیل را پست می شمارند تا جایی که برای آنان هیچ نقشی در تاریخ اسرائیل قائل نیستند (ر. ک ار ۴:۶). نیاستی فراموش کرد که اهالی یهودیه مسیحیان را اکثر<sup>۲۰</sup> به نام جلیلیان می نامیدند. ضمناً گاهی با افراد فرقه غوران به همین گونه رفتار می کردند.

- ۱۰- در تعدادی از نسخه های بسیار کهن خطی، قطعه ۱۱:۸-۱۱:۷ وجود ندارد؛ در نسخه های دیگری این قطعه پس از آیه ۳۶ یا آیه ۴۴ یا در آخر انجیل آمده است. در نسخه های دیگری پس از لو ۳۸:۲۱ قرار گرفته است. چنین به نظر می رسد که پدران یونانی کلیسا از وجود این قسمت اطلاع نداشته اند. ضمناً در متن این قسمت نیز تفاوت هایی مختلف دیده می شود و فاقد مشخصات شیوه نگارش یوحنا است. بدین سبب می توان گفت که این قسمت در ابتدا جزو انجیل یوحنا نبوده و روایت مستقلی است که بعداً به انجیل یوحنا افروده شده است؛ به هر صورت در مورد اصالت آن و مورد قبول کلیسا بودن تردیدی وجود ندارد.

- ر. ک لاؤ ۲۰:۲۰؛ تث ۲۲:۲۲-۲۴:۲۰.



هستم. شما از این جهان هستید، من از این جهان نبیشم.<sup>h</sup> <sup>۲۴</sup> پس من به شما گفته ام که در گناهان خود خواهید مرد زیرا اگر ایمان نیاورید که «من هستم» شما در گناهاتتان <sup>۱۹:۱۳:۱:۱</sup> خواهید مرد.<sup>۲۵</sup> <sup>۲۶</sup> پس به او می گفتند: «تو اش کیستی؟» عیسی بـ آنان گفت: «همان که [مکرر] به شما می گوییم.<sup>j</sup> <sup>۲۶</sup> درباره شما گفتنی و داوری بسیار دارم، اما آن کس که مرا فرستاده راست است و من آنچه از او شنیده ام به جهان می گوییم.<sup>k</sup> <sup>۲۷</sup> آنان ندانستند که به ایشان از پدر می گفتند.<sup>۲۸</sup> پس عیسی بـ آنان گفت: «وقتی پسر انسان را بالا ببرید، بدان هنگام خواهید دانست که «من هستم» و من از خود هیچ نمی کنم، بلکه برابر آنچه پدر به من آموخته است سخن می گوییم<sup>۱</sup> <sup>۲۹</sup> و آن کس که مرا <sup>۳۰:۱۰:۱۶:۸</sup>

<sup>e</sup>- مردم مجاز نبودند به ساختمانی که گنجینه معبد در آن حفظ می شد وارد شوند ولی نام گنجینه به محوطه ای که در اطراف ساختمان بود اطلاق می شد؛ مگر اینکه در اینجا منظور محلی در میدان زنان باشد که در آنجا صندوق های مخصوص جمع آوری پیش کشها قرار داشت (ر.ک مر ۲:۴۳-۴۱:۱۲؛ لو ۱:۲۱-۲۰).

<sup>f</sup>- فقط پذیرفتن واقعی عیسی به وسیله ایمان می توانست آنان را از مرگ که نتیجه گناه است بپرون آورد (در مورد کلمه مرگ ر.ک ۲۵:۵ توضیح b). بـ ایمانی یا عدم ادراک کنونی هلاکت و گمراهی ایشان را فقط می کند؛ نجات یعنی ایمان داشتن به عیسی و گذشتن با او به نزد پدر (ر.ک ۳:۷-۴:۱۹؛ ۱۰:۱:۳-۱۴:۱۷).

<sup>g</sup>- یهودیان تصور می کنند که عیسی خودکشی خواهد کرد و این امر در آینین یهود یکی از گناهان مهم به شمار می رود. چنانکه بارها در انجیل یوحنا آمده این عبارت مبهم و دوپهلو است (ر.ک ۳:۵:۷)؛ این سخنان را که گویندگان بدون آنکه مفهوم واقعی آنها را بدانند بـ زبان می رانند خواننده درک می نماید بدین معنی که عیسی واقعاً زندگی خود را خواهد داد (۱:۱۰-۱:۱۲). ضمناً در اینجا یوحنا با ظرفت از زبان یهودیان درباره عیسی پیشگویی می کند چنانکه بعدها از زبان دیگران نظری قیافا (۱۴:۱۸؛ ۵:۱:۱۱) و پیلاطس (۲۲:۱۹) خواهد کرد.

<sup>h</sup>- در مورد دو نوع زندگی ر.ک ۳:۳-۳۱:۳.

<sup>i</sup>- آزاد شدن از گناه و رهایی از مرگ منحصر است به آن است که در اینجا عیسی را پذیرفته و بشناسید. در اینجا عیسی خود را با جمله مرموز: من هستم توصیف و معروف می کند. شاید می خواهد عبارات قبلی را یادآوری نماید که در طی آنها عمل خود را نجات آدمیان توصیف کرده است (نان، روشنایی). ولی بیشتر متحمل است که این عبارت، ترکیب کلامی را یادآوری نماید که بیشتر در ترجمه یونانی کتاب مقدس به کار برده شده است (اش ۳:۴۱-۱:۱۰:۴۳؛ ۴:۴۶-۴:۴۸؛ تث ۳۹:۳۳-۱۲:۴۸). در اش ۱۰:۴۳ عبارت مذکور بدین معنی است: من (تا / بد) همین هستم، ممکن است اشاره به اظهارات مهمی است که در کوه سینا شده است: من مستم که خواهم بود (خر ۲:۱۶-۱۴:۳)؛ در این صورت این عبارت وجود خدایی عیسی را بـ این می کند که در سطح پدر قرار دارد و بـ این مطلقاً امین و مورد اعتماد است.

<sup>j</sup>- این جمله را به طرق مختلف ترجمه کرده اند: از همان آغاز مرتباً به شما گفته ام؛ روی هم رفته از چه چیزی سخن بگویی؟؛ بدلو آنچه به شما می گوییم؛ از همان چه به شما گفتم؛ عیسی در مورد هویت و رسالت خود مرتبا همان آموزش را بـ این می کند ولی شنوندگان به طور کلی نشان می دهند که قادر به درک و شنیدن سخنان او نیستند.

<sup>k</sup>- ر.ک ۷:۱۷؛ ۱۲:۴۹؛ ۱۰:۱۴.

<sup>l</sup>- عیسی که بر روی صلیب بالا برده می شود در شکوه و جلال نیز بالا برده می شود (۳:۱۴-۳:۱۵؛ ۱:۱۵-۱:۱۶) و الوهیت او نظیر حقیقت سخنان او بر همگان آشکار می گردد (ر.ک ۷:۳۹).

عیسی پاسخ داد: «شما نه مرا می شناسید و نه پدرم را. اگر مرا می شناختید، پدرم را نیز می شناختید». <sup>۲۰</sup> این سخنان را در «خرانه»<sup>e</sup> هنگامی که در معبد آموزش می داد <sup>۲۱:۱۲</sup> بر زبان راند. کسی بر او دست دراز نکرد <sup>۳۰:۷</sup> زیرا ساعتش هنوز نرسیده بود.

### عزیمت عیسی و داوری

<sup>۲۱</sup> پس عیسی باز به آنان گفت: «من می روم و شما مرا جستجو خواهید کرد و در گناه خود خواهید مرد. به جائی که من می روم شما نمی توانید بیایید.<sup>f</sup> <sup>۲۲</sup> پس یهودیان می گفتند: «آیا می خواهد خود را بکشد<sup>g</sup> که می گوید به جائی که من می روم شما نمی توانید بیایید؟» <sup>۲۳</sup> او به آنان می گفت: «شما از پائین هستید، من از بالا

<sup>۲۴</sup>- مردم مجاز نبودند به ساختمانی که گنجینه معبد در آن حفظ می شد از طی آنچه ای که در اطراف ساختمان بود اطلاق می شد؛ مگر اینکه در اینجا منظور محلی در میدان زنان باشد که در آنجا صندوق های مخصوص جمع آوری پیش کشها قرار داشت (ر.ک مر ۲:۴۳-۴۱:۱۲؛ لو ۱:۲۱-۲۰).

<sup>g</sup>- فقط پذیرفتن واقعی عیسی به وسیله ایمان می توانست آنان را از مرگ که نتیجه گناه است بپرون آورد (ر.ک ۳:۷-۴:۱۹؛ ۱۰:۱:۳-۱۴:۱۷).

روم ۱۹:۶-۱۷:۶  
 پطر ۱۹:۲-۱:۱  
 یوحنان ۸:۳-۱:۱  
 پیدا ۱۰:۲-۱:۱  
 خروج ۲:۲۱-۲:۲۱  
 تث کتاب ۱۲:۱-۱:۲  
 ارسطو ۱۵:۱-۲:۳  
 غلا ۳:۳-۳:۳  
 روم ۲۲:۶-۲:۲  
 فرن ۲:۲-۲:۳  
 ۲۳:۷

به شما می‌گوییم هر کس گناهی مرتکب شود بردگه گناه است.<sup>۳۵</sup> باری برده برای ابد در خانه نمی‌ماند، پسر برای ابد [در آنجا] می‌ماند.<sup>۳۶</sup> پس اگر پسر شما را آزاد کند، شما به راستی آزاد خواهید بود.<sup>۳۷</sup> می‌دانم که شما از تبار ابراهیم می‌باشید<sup>t</sup> اما در جستجوی کشتن من هستید زیرا سخن من در شما نفوذ ندارد.<sup>۳۸</sup> آنچه من نزد پدرم دیده‌ام، همان را می‌گویم و شما آنچه را از پدر خود شنیده‌اید انجام می‌دهید.<sup>۳۹</sup> پاسخش داده گفتند: «پدر ما ابراهیم است.» عیسی به آنان گفت: «اگر فرزندان ابراهیم هستید کارهای ابراهیم را بکنید.<sup>۴۰</sup> بلکه در عوض در جستجوی کشتن من هستید. من انسانی هستم که راستی را که از

فرستاده با من است<sup>m</sup>، مرا تنها نگذاشته زیرا همواره من چنان می‌کنم که خوشایند او باشد.»<sup>۴۱</sup> چون این مطالب را می‌گفت بسیاری به او ایمان آوردنند.<sup>n</sup>

## فرزنдан واقعی ابراهیم

پس عیسی به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند می‌گفت: «اگر شما در سخن من بمانید<sup>۰</sup>، شما به راستی شاگردان من هستید.<sup>۳۲</sup> و راستی را خواهید شناخت<sup>p</sup> و راستی شما را آزاد خواهد کرد.<sup>۹</sup>»<sup>۳۳</sup> به او پاسخ دادند: «ما از تبار ابراهیم هستیم و هرگز برده کسی نبوده ایم<sup>۱</sup>، تو چگونه می‌توانی بگویی: شما آزاد خواهید شد؟» عیسی به آنان پاسخ داد: «آمین، آمین،

<sup>m</sup>- عیسی عبارتی را که در عهدتیق آمده در مورد خود به کار می‌برد. در آنجا گفته شده که خدا همراه و بشتبان کسانی است که به رسالت مأمور می‌نماید (خرج ۱۲:۳؛ سمو ۱:۱؛ ارسطو ۱۴:۵؛ عا ۸:۱؛ ار ۱:۵؛ یو ۳:۸؛ ۳۰:۴).

<sup>n</sup>- یعنی اگر به کسی که اظهار می‌کند کلام خدا یعنی حقیقت است بیرونندند: ر.ک ۳۷:۸؛ ۳۸:۵؛ ۵۶:۶؛ ۷:۱۵-۲:۹. <sup>p</sup>- به نظر یوحنا حقیقت یعنی واقعیت خدا زیرا خدا تمامیت زندگی حقیقی است و می‌تواند آدمیان را که آفریده در آن سهیم کند. این حقیقت در عیسی متظاهر می‌شود، بنا بر این آیات به او شناختن و پذیرفتن حقیقت است (۱:۱۴؛ ۱:۱۷؛ ۶:۱۷؛ ۱۷:۱۳؛ ۱۷:۱۶؛ ۲۶:۲۶؛ ۱۷:۱۷؛ ۱۸:۱۹-۱۷:۳۷؛ ۱۸:۲-۸؛ ۶:۱؛ ۱:۱-۱:۱۵).

<sup>q</sup>- در اینجا منتظر یوحنا نه آزادی سیاسی و نه استقلال درونی می‌باشد که فرد عاقلی با تفکر درباره وجود بشری خود می‌تواند به این استقلال برسد. آزادی نسبت به دروغ (۴:۸) و در برابر مرگ (۵۱) قابلیت زندگی کردن به تمامیت (۱۰:۱۰) در همیستگی با پسر و پدر است (۳:۱۷). این آزادی که مربوط به سرنوشت نهایی بشر است عطیه‌ای می‌باشد و به حقیقتی که از عیسی دریافت می‌شود وابسته است.

<sup>r</sup>- یهودیان به خوبی در کرده‌اند منتظر آن آزادی است که در ارتباط با خدا حاصل می‌شود (زیرا از نظر سیاسی اغلب اوقات تحت تسلط دیگران بوده‌اند)، ولی این آزادی عطیه‌ای است که بایستی در ایمان به دست آید: فقط به سبب تعلق داشتن به تبار ابراهیم نمی‌توان خود را برتر از دیگران دانست زیرا آنان که به عیسی ایمان دارند ذریت واقعی ابراهیم را تشکیل می‌دهند (ر.ک مت ۳:۹؛ روم ۴:۹؛ ۲۱:۲۱-۲۱:۳۱).

<sup>s</sup>- آزادی یک از جنبه‌های شرایط فرزندی و مخالف بردگی است. گناه که عبارت از عدم شناسایی خدا و جدایی از اوست حالت بردگی یا دیوانگی را می‌رساند. تنها پسر در موقعیت همیستگی با پدر به طور قطعی و مطمئن در خانه است (در مورد اختلاف پسر و خدمتگزار ر.ک پیدا ۲۱:۱۰؛ ار ۱۴:۲؛ ۳:۲۲؛ ۲۲:۶؛ ۱:۵) و می‌آید تا ایمانداران در موقعیت او سهیم شوند.

<sup>t</sup>- تبار/ابراهیم تنها یک واقعیت از نظر زیست شناسی یا جامعه شناسی نیست (یعنی کسانی که فقط فرزندان تنی ابراهیم بوده یا به سبب وابستگی به جامعه یهود از نسل او به شمار آیند) بلکه ایجاب می‌کند که رفشاری برابر رفتار آن پیامبر داشته باشند. این برای بایستی در عمل ابراز شود و اکنون با شناسایی و پذیرفتن فرستاده خدا بیان گردد (ر.ک روم ۴:۱۱؛ ۲۵:۱۱؛ ۷:۹؛ ۱۶:۶). بالعکس اقداماتی که برای کشتن عیسی انجام می‌دهند نشانه آن است که عوامل این اقدامات فقط از نظر جسمانی از تبار ابراهیم می‌باشند.

نمی آورید.<sup>۴۶</sup> چه کسی از بین شما می تواند درباره گناه مرا سرزنش کند؟<sup>۷</sup> اگر من راستی را می گویم چرا به من ایمان نمی آورید؟<sup>۴۷</sup> آن که از خداست، گفتار خدا را می شنود. شما نمی شنوید زیرا از خدا نیستید.<sup>۴۸</sup> یهودیان در پاسخ به او گفتند: «آیا ما درست نمی گوییم که تو سامری هستی<sup>a</sup> و دیو داری؟»<sup>۴۹</sup> عیسی پاسخ داد: «من دیو ندارم، اما به پدرم احترام می گذارم و شما به من بی حرمتی ملا می کنید.<sup>۵۰</sup> من شکوه خود را نمی جویم.<sup>۱</sup> پطر کسی هست که در پی آن است و داوری می کند.<sup>۵۱</sup> آمین، آمین، به شما می گوییم اگر کسی سخن مرا نگاه دارد، هرگز تا به ابد مرگ را نخواهد دید.<sup>c</sup><sup>۵۲</sup> یهودیان به عبر او گفتند: «حال می دانیم که تو دیو داری.<sup>۷</sup> ابراهیم مرده است، پیامبران هم و تو اع<sup>b</sup> ۲۲:۲

خدا شنیده ام به شما گفته ام. این را ابراهیم نکرده است.<sup>۵۳</sup> شما کارهای پدرتان را تیک<sup>۶:۶</sup> می کنید.» به او گفتند: «ما روسیی زاده ملا<sup>۸:۶</sup> نیستیم<sup>۷</sup>، ما فقط یک پدر داریم که خدا باشد.»<sup>۴۲</sup> عیسی به آنان گفت: «اگر خدا پدرتان می بود، به من محبت می داشتید زیرا من از خدا برون شده و می آیم، زیرا از خود نیامده ام بلکه او مرا فرستاده است.

۴۳ چرا گفتار مرا درنمی باید؟ زیرا مت<sup>۷:۳</sup> روم<sup>۷:۸</sup> نمی توانید سخن مرا بشنوید.<sup>w</sup> <sup>۴۴</sup> شما، پدرتان ابلیس است و می خواهید هوی و حک<sup>۴:۳</sup> روم<sup>۲:۴</sup> هوشهای پدرتان را انجام دهید. وی از همان آغاز قاتل بود<sup>x</sup> در [طريق]<sup>y</sup> راستی نمانده بود زیرا در او راستی نیست، وقتی دروغ می گوید از خودش می گوید زیرا او دروغگو و پدر دروغ است.<sup>۴۵</sup> اما چون من غلا<sup>۸:۵</sup> راستی را می گویم، به من ایمان

۱۱- براهیم نمونه کسانی است که به کلام خدا ایمان دارند: ر. ک پید ۱۵:۶؛ بنی ۱۵:۴؛ ۲۱-۲۰:۴؛ ۲۰:۳؛ روم ۳:۴؛ ۱۸، ۱۸:۲؛ ۲۰:۱؛

۷- یهودیان که خدا را منشا قوم خود می شمارند، خدا را پدر خود می خوانند و تولدی را که بر اثر عمل فعشای است رد می کنند: عمولاً پرستش بنتها و عدم وفاداری قوم را نسبت به خدا با کلمه فحشاً توصیف می کردنند (هو ۱:۳-۴؛ اش ۷:۵-۷؛ اش ۱۳:۱۶؛ حز ۳۳:۱۳)؛ با این همه دین ایشان بت پرستی است زیرا با اینکه تصور می کنند به خدا وفادار می باشند از او جدا شده اند و اکنون شیطان پدر ایشان شده است (ر. ک ۱۵:۱۹).

۸- این وضعیت که قادر نیستند حقیقت سخنان عیسی را بشناسند نشان می دهد که به دنبای خدا تعلق ندارند (ر. ک ۳۷:۱۸).<sup>z</sup>  
۹- مخالفت با خدا در این نکته ابراز می شود که تصمیم دارند زندگی را که به انسان داده شده از بین ببرند (ر. ک پید ۲۴:۲؛ ۱۶:۱؛ ۱۳:۱؛ ۱۲:۱؛ ۱۰:۱-۱؛ یو ۳:۸-۱۵). قصد کشتن عیسی از همین میل به از بردن زندگی ناشی می شود.

۱۰- پدر دروغ است، [اصطلاحی مختص زبانهای سامی چنانکه در زبان عربی هم اصطلاحاتی نظیر ابن الوقت، ابن السبیل، ابو جهل... به کار می بردند و منظور آن است که دروغ گفتن خصیصه ذاتی او می باشد.] گاهی این عبارت را در زبانهای غربی ترجمه می کنند: پدر دروغگو است. ابلیس به وسیله نپذیرفتن حقیقت مشخص می شود زیرا قادر نیست پای بند به حقیقت باشد و دروغ نشانه اعمال او است (مکا ۹:۱۲).

۱۱- در اینجا گناه عبارت از خطأ و دروغ می باشد زیرا نپذیرفتن حقیقت (۲۴:۱۵) و نپذیرفتن خدا است. ر. ک ۹:۴ توضیح<sup>t</sup>. در نظر یهودیان فرد سامری نمونه انسانی است که از قوم برگزیده جدا شده و تحت نفوذ فساد و هرگز<sup>g</sup> قرار دارد.

۱۲- اتهام دیو داشتن اتهامی عادی و معمولی است: ر. ک مت ۱۲:۱۲-۲۴:۹؛ ۳۷:۱۱؛ ۳۴:۹؛ ۱۸:۱۱؛ ۱۹-۱۸:۱۱؛ لو ۱۱:۱۵-۱۵:۱؛ و همچنین ر. ک ۷:۲۰؛ ۲۰:۱؛ ۲۰:۱۰.

۱۳- ر. ک ۸:۲۴؛ ۱۱:۳۱، ۲۴:۸.

شود" من هستم.<sup>g</sup>" پس سنگها<sup>۱۰</sup>:<sup>۳۹</sup>،<sup>۳۱</sup>:<sup>۱۰</sup> برداشتند تا بر او پرتاب کنند، اما عیسی<sup>۱۱</sup>:<sup>۸</sup> لو<sup>۴</sup>:<sup>۴</sup> خود را پنهان کرده از معبد بیرون رفت.

### شفای کور مادرزاد

<sup>۱</sup>چون می گذشت انسان کور اع<sup>۲:۳</sup>:<sup>۸</sup> مادرزادی را دید. <sup>۲</sup> و شاگردانش از او پرسیدند: «ربی، چه کسی گناه کرده خروج<sup>۵:۲۰</sup>:<sup>۵</sup> است، خودش یا والدینش تا اینکه کور حرق<sup>۸:۰</sup>:<sup>۴</sup> زاده شود؟»<sup>۳</sup> عیسی پاسخ داد: «نه او و<sup>۴:۱۱</sup>:<sup>۴</sup> لو<sup>۱۳</sup>:<sup>۲</sup> نه والدینش، بلکه تا کارهای خدا در او نمایان شود!<sup>۴</sup> تا روز است مازی باید در کارهای آن کس که مرا فرستاده کار کنیم.<sup>۳۴:۴</sup> شب خواهد رسید که کسی نمی تواند کار کند.<sup>۵</sup> مدامی که در جهان هستم، من<sup>۱:۱۰</sup>:<sup>۹</sup> اش<sup>۱:۱۲</sup>:<sup>۶</sup> مر<sup>۱:۱۲</sup>:<sup>۳</sup> نور جهان.<sup>۱</sup> <sup>۶</sup>این را گفت و آب دهان به زمین اندادخته با آن گل ساخت و گل را بر

می گوئی: اگر کسی سخن مرا نگاه دارد، هرگز تا به ابد مرگ را نخواهد چشید.<sup>d</sup> <sup>۷</sup>آیا تو از پدر ما ابراهیم که مرده است مت<sup>۱۲:۴</sup>:<sup>۱۲</sup> بزرگتر هستی؟ پیامبران نیز مرده اند. تو خود را که می دانی؟<sup>e</sup> <sup>۸</sup>عیسی پاسخ داد: «اگر من خود را شکوه دهم، شکوه من هیچ است، پدرم مرا شکوه می بخشد، همان که شما می گوئید: «این خدای ماست.» <sup>۹</sup>وشما او را نمی شناسید، اما من او را می شناسم و اگر می گفتم او را نمی شناسم همچون شما دروغگو بودم. اما من او را می شناسم و سخن او را نگاه می دارم.<sup>f</sup> <sup>۱۰</sup>پدرتان ابراهیم از فکر دیدن روز من<sup>۱۱:۲۷</sup>:<sup>۱۷</sup> به وجد آمد و آن را دید و شاد گردید.<sup>g</sup> <sup>۱۱</sup>پس بهودیان به او گفتند: «تو هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده ای؟» <sup>۱۲</sup>عیسی به آنان گفت: «آمین، آمین، به اش<sup>۱۳:۴۳</sup> شما می گوییم پیش از آنکه ابراهیم پدیدار

d- گاهی ترجمه می کنند: هرگز مرگ را تجربه نخواهد کرد (ر. ک عبر<sup>۹:۲</sup>).

e- در نوشته های عهدتینق سخن از روز خداوند، روز داروی و استقرار ملکوت مسیحیانی است (اع<sup>۵:۱۸</sup>: اش<sup>۶:۱۳</sup>: حرق<sup>۳:۳۰</sup>: بول<sup>۱:۱۵</sup> و غیره). این اصطلاح در مورد آمدن عیسی به کار می رود (ر. ک لو<sup>۱:۲۴</sup>: قرن<sup>۱:۵</sup>:<sup>۵</sup>:<sup>۵</sup>:<sup>۵</sup>-۲:۴:۱۷).

f- شاید منظور روایی پیامبرانه است که ابراهیم در انتظار و امید آمدن مسیح آن را تا اندازه ای دریافته باشد (ر. ک ۱:۱۲: قرن<sup>۱:۱۰</sup>:<sup>۱۱</sup>:<sup>۱۲</sup>) در مورد اشعیا که شکوه او را دیده است: ولی امکان دارد که ابراهیم اکنون آمدن عیسی را می بیند که امید او را برآورده می کند (ر. ک لو<sup>۱:۱۶</sup>:<sup>۱۷</sup>).

g- ر. ک. ۱:۱: ۱۹: ۲۸: ۳-۳. تأکید روشن و صریح بر وجود قبلی پسر جاودانی نسبت به ابراهیم که یک فرد بشري بود.

h- بنابر عقیده ای که در دنیا کهنه شایع بود ارتباط نزدیکی بین گناه و نقص عضو جسمانی وجود دارد (خرق<sup>۱:۶</sup>:<sup>۶</sup>:<sup>۲:۲۷</sup>: حرق<sup>۱:۱۸</sup>:<sup>۶</sup>). در مورد کودکانی که ناقص الخلقه بدینی می آمدند بعضی از کاهان این امر را به خطای والدین کودک نسبت می دادند و کاهان دیگری آن را به خطای خود کودک در بططن مادر مربوط می دانستند.

i- عیسی بی آنکه نظریه تازه ای ابراز نماید عقاید معمولی را رد می کند. او فقط نقص عضو را ملاحظه کرده و اقدامی می نماید تا تمامیت سلامت جسمانی این مرد تأمین شود. عیسی با این عمل نشانه ای ارائه می کند که منشا الهی او را نشان داده و از آنان دعوت خواهد کرد نور حقیقت را دریافت کنند. ضمناً تحویل از کور بودن به بینایی اشاره ورمزی از بی ایمانی و مرگ به ایمان و زندگی است. در این معنی مرد کور (که تنها مورد کورد مادرزاد در عهدجديد است) ممکن است به عنوان نمونه کسانی باشد که به ایمان دست می یابند.

j- ضمیر جمع «ما» که در این مورد به کار برده شده کاملاً مورد تأیید می باشد و نشان می دهد که جامعه مسیحیان عمل خود را اداهه عمل مسیح می دانسته است: ر. ک ۱:۱۰: ۱۱-۱۲.

k- اغلب اوقات دوران زندگانی و فعالیت انسان با یک روز کاری مقایسه شده است، به همین گونه فعالیت عیسی را که روشنایی جهان است می توان با یک روز مقایسه کرد.

l- فعالیت پدر برای صلاح و نجات آدمیان در عیسی تجلی می کند که تنها وسیله نجات می باشد (۳۵:۱۲: ۸).

خود را شستم و می بینم.»<sup>۱۶</sup> پس برخی از فریسیان می گفتند: «این مرد سبیت را رعایت نمی کند، پس از نزد خدا نمی آید.» دیگران می گفتند: «چگونه یک مرد گناهکار می تواند چنین نشانه هائی انجام دهد؟» و در بین آنان تفرقه افتاد.<sup>۱۷</sup> باز به کور گفتند: «تو درباره او چه می گوئی از آن که چشمان تو را باز کرد؟» گفت: «او پیامبر است.<sup>۹</sup>»<sup>۱۸</sup> پس یهودیان پیش از آنکه والدین او را بطلبند ایمان نیاوردن که کور بوده و بینائی خود را باز یافته است.<sup>۱۹</sup> از ایشان پرسیده گفتند: «آیا این پسر شماست که خود می گوئید کور به دنیا آمده است؟ پس اکون چگونه می بیند؟»<sup>۲۰</sup> پس والدینش پاسخ داده گفتند: «ما می دانیم که او پسر ما است و کور به دنیا آمده<sup>۲۱</sup> اما اکنون چگونه می بینند، ما نمی دانیم؛ یا چه کسی چشمان او را باز کرده است از آن هم چیزی نمی دانیم. از خودش بپرسید!»<sup>۲۲</sup> والدینش رسیده، از خودش بپرسید!<sup>۲۳</sup> چنین گفتند زیرا از یهودیان می ترسیدند، چونکه یهودیان از پیش مقرر کرده بودند اگر کسی او را مسیح بشناسد از کنیسه

چشمان کور مالید<sup>m</sup> و به او گفت: «برو اش:۸؛ در استخر شیلوحا - یعنی فرستاده<sup>n</sup>- خود را بشوی. پس او رفت و خود را شست و بینا بازگشت.

اع:۳<sup>۱۰</sup> همسایگان و کسانی که او را پیشتر دیده بودند - زیرا او گدا بود- می گفتند: «آیا این همان نیست که نشسته گدائی می کرد؟»<sup>۹</sup> بعضی می گفتند: «همان است!» برخی دیگر می گفتند: «خیر، ولی شبیه است.» خودش می گفت: «من همان هستم.»<sup>۱۰</sup> پس به او می گفتند: «پس چگونه چشمهاش تو باز شد؟»<sup>۱۱</sup> پاسخ داد: «مردی که او را عیسی می نامند گلی ساخت و به چشمانم مالید و به من گفت: "به شیلوحا برو و خود را بشوی" من رفتم، خود را شسته بینائی خود را باز یافتم.»<sup>۱۲</sup> به او گفتند: «او کجاست؟» جواب داد: «نمی دانم.»

آن را که قبلاً کور بود به نزد فریسیان آوردند.<sup>۱۳</sup> آن روز که عیسی گل ساخته و چشمان او را باز کرده بود، روز سبت بود.<sup>۱۴</sup><sup>۱۵</sup> پس مجدداً، فریسیان نیز از او پرسیدند که چگونه بینائی خود را باز یافته بود. به آنان گفت: «به چشمهاش من گل نهاد و من

- در دوران کهن برای آب دهان خواص درمانی قائل بودند؛ عیسی این عمل متداول را انجام داده که اثربخشی جدید به آن می دهد (ر. ک ۳۳:۷-۲۳:۸).

- استخر شیلوحا در داخل شهر قرار داشته است (۲-پاد:۲۰:۲-اش:۸:۶-نح:۳:۱۵): یوحنا که اهمیت فراوانی برای موضوع رسالت قائل است با همه کار بردن و اژده «فرستاده» چنین تلقین می کند: به همان گونه که آب استخر فرستاده بینایی می دهد فرستاده مسیحی بی نور کلام خدا را می آورد. [کلمه سیلوحا که از کتاب مقدس فارسی قدیم گرفته شده غلط فاحش است و بهتر است شیلوحا نوشته شود زیرا: ۱- در زبانهای: آرامی، سریانی و کلدانی و همچنین زبان عبری شیلوحا نوشته و تلفظ می شود. ۲- این کلمه از ریشه ثلاثی مجردد ش لح آمده که به معنی فرستادن است و کلمات شیلوحا و شیحعا اسم مفعول و به معنی مرسل، فرستاده و... است.]

- معالجه و درمان بیماران در روز سبت به حز در موارد خطرات شدید ممنوع بود (ر. ک ۹:۵).

ر. ک تث:۱۳:۶.

- ر. ک ۱۹:۴؛ در اینجا نخستین مرحله از تفسیر نشانه ای است که عیسی انجام داده: او را به عنوان مرد خدا می شناسند که نیروی موفق امکانات بشری دارد (لو:۲۴:۱۹). همچنین ر. ک ۳۷:۵ توضیح.<sup>۱</sup>

هستیم.<sup>۲۹</sup> ما می‌دانیم که خدا با موسی تکلم کرده اما این یکی را مانمی‌دانیم از کجاست!<sup>۳۰</sup> مرد پاسخشان داد و گفت: «جای تعجب همین جا است که شما نمی‌دانید او از کجا است در حالی که چشمان مرا باز کرده است.<sup>۳۱</sup> ما می‌دانیم که خدا گناهکاران را مستحب نمی‌کند<sup>۷</sup> مز ۱۵:۳۴-۱۸:۶۶ امش ۱۵:۱ اش ۱۵:۱ مز ۲۹:۱۵ امش ۱۵:۱۵ مز ۷»<sup>۳۲</sup> هرگز می‌دهد او را مستحب می‌کند.<sup>۷</sup> هرگز شنیده نشده است که کسی چشمان کور مادرزادی را باز کرده باشد!<sup>۳۳</sup> اگر این شخص از جانب خدا نبود، هیچ نمی‌توانست بکند.<sup>۳۴</sup> به او پاسخ داده گفتند: «تو از هنگام تولد در گناه هستی و تو به ما درس می‌دهی!» و او را بیرون راندند.

<sup>۲۳</sup> رانده خواهد شد.<sup>۲۴</sup> بدین سبب بود که والدینش گفته‌ند: «او به سنی رسیده، از خودش پرسید.»

<sup>۲۴</sup> پس یهودیان یک بار دیگر مردی را که کور بود خواستند و به او گفته‌ند: «خدا مکث ۱۳:۱۱-۱۹:۷»<sup>۲۵</sup> ما می‌دانیم که این مرد گناهکاراست.»<sup>۲۶</sup> پس پاسخ داد: «اگر او گناهکاراست من نمی‌دانم. فقط یک چیز می‌دانم: من کور بودم و اکنون می‌بینم.»<sup>۲۷</sup> پس به او گفته‌ند: «به توجه کرد؟ چطور چشمان تو را باز کرد؟»<sup>۲۸</sup> به آنان پاسخ داد: «قبلابه شما گفتم و شما گوش ندادید. چرا می‌خواهید دوباره بشنوید؟ مگر شما نیز می‌خواهید شاگردان او بشوید؟»<sup>۲۹</sup> و ایشان دشمنش داده گفته‌ند: «تو شاگرد این مردی. ما شاگردان موسی ۲۸-۲۷:۷ مز ۷-۵:۵۱ مز ۲:۹ مز ۷-۵:۷-۵:۱۵ مز ۲:۳

۳- در دوران عیسی یهودیان برای طرد بعضی از مخالفان و مجرمان اقداماتی به عمل می‌آوردند ولی اخراج واقعی مسیحیان فقط در اواخر قرن اول میلادی آغاز شد؛ محتمل است یوحنا اقداماتی را که یهودیان به تازگی اعمال می‌کردند (ر. ک ۴۲:۱۲)؛

۴- و شاید در مورد بعضی از خواندنگانش اجرا شده بود به زمان گذشته مربوط کرده و نسبت داده است.

۵- معمولاً به این ترتیب از کسی دعوت می‌کردند تا در زیر نظر خدا حقیقت را اظهار نماید بدون اینکه از اشکالات شخصی که احیاناً در بی داشته باشد اندیشناک باشد.

۶- ر. ک ۱۹:۱ توضیح: یوحنا در این روایت از شخصیت مرد نایبنا استفاده کرده تا بریشند و طنز به اختلافات بین یهودیان و مسیحیان اشاره نماید.

۷- ر. ک ۴۲:۶-۷:۲۷، ۴۲، ۵۲:۷:۲۷ را ملاحظه کنید. با توجه به اینکه در آینین یهود قانون تورات اهمیت شایانی یافته بود برای موسی به عنوان قانوننگذار اعتبار و منزلت زیادی قائل می‌شدند. فریسیان او را استاد و مربی عقاید و نظریات یهود به شمار می‌آورند. چون عیسی حامل مکافنه کلی و قطعی می‌باشد بنابراین با موسی اختلاف خواهد داشت (ر. ک ۳۲:۶-۷ توضیح ۱).

۸- ر. ک ۳۷:۵ توضیح ۱. این موضوع حقیقتی معمولی و عادی است (اش ۱:۱۵؛ مز ۶:۶۶-۱۰:۹؛ امش ۱۵:۱؛ ایوب ۹:۲۷؛ ۱۳:۳۵: ۱۶:۱-۱:۲۷-۲۳:۱-۱:۳۵-۲۲-۲۱:۳).

۹- یوحنا مختصات تقوی و پرهیزکاری را که یونانیان معتقد بودند با آنچه در کتاب مقدس به عنوان کمال مطلوب است و بیشتر در مورد اطاعت از خدا تأکید می‌نماید به هم آمیخته و یک جا آورده است.

۱۰- در طو ۷:۱۱-۱۳:۱۴ سخن درباره کور مادرزاد نیست چنانکه روایات انگلیل نظری موضوع کور مادرزاد نمی‌باشد (مر. ۸:۲۶-۲۲:۲۰-۲۹:۳۴-۳۶:۱۰-۱۱:۵۲-۴۶-۴۶:۱۰-۱۱:۴۳-۳۵: لو ۱:۱۸). تحول از کوری به بینایی رمز و نشانه ای از گذشتن از بی ایمان و از ظلمات به روشنایی است، بنابراین نشانه ای که عیسی انجام داده تصویری از مجموعه رسالت او می‌باشد (ر. ک ۳۶:۶).

۱۱- در اینجا مرحله تازه ای در طریق ایمان است که نایبنا سبق که قبلاً عیسی را به عنوان پیامبر شناخته بود (۱۷:۹) اعلام می‌کند تاکنون هیچکس در اسرائیل به مانند او مرد خدا نبوده است؛ به این ترتیب از عناؤین کهن فراتر می‌رود.

## مثل شبان نیکو

<sup>۱</sup> «آمین، آمین، به شما می‌گویم  
<sup>۲</sup> آن کس که از در به آغل گوسفندان میک <sup>۱۲:۲</sup>  
<sup>۳</sup> وارد نشود<sup>c</sup> بلکه از جای دیگر بالارود او  
<sup>۴</sup> دزد و راهزن است.<sup>d</sup> بر عکس آن که از در  
<sup>۵</sup> وارد شود شبان گوسفندان است.<sup>e</sup> در بان،  
<sup>۶</sup> برای او در را می‌گشاید و گوسفندان  
<sup>۷</sup> صدایش را می‌شنوند و او هر یک از <sup>۷:۹۵</sup>  
<sup>۸</sup> گوسفندانش را به نام صدا می‌کند<sup>e</sup> و آنها <sup>۱:۴۳</sup>  
<sup>۹</sup> را با خود بیرون می‌برد. وقتی همه آنها را  
<sup>۱۰</sup> بیرون برده، پیشاپیش آنها راه می‌رود و  
<sup>۱۱</sup> گوسفندان به دنبال او می‌روند زیرا  
<sup>۱۲</sup> صدایش را می‌شناسند.<sup>f</sup> به دنبال بیگانه <sup>۲۷:۱۰</sup>  
<sup>۱۳</sup> نخواهند رفت، بلکه از او فرار خواهند کرد  
<sup>۱۴</sup> زیرا صدای بیگانگان را نمی‌شناسند.»  
<sup>۱۵</sup> عیسی این مثل <sup>f</sup> را به آنان گفت اما  
<sup>۱۶</sup> نفهمیدند از چه با آنان حرف می‌زد.<sup>g</sup> پس <sup>۲۵:۱۶</sup>  
<sup>۱۷</sup> عیسی بار دیگر گفت: «آمین، آمین، به

<sup>۱۸</sup> عیسی چون شنید که او را بیرون مت <sup>۲۰:۸</sup> رانده‌اند، او را یافته گفت: «آیا تو به پسر انسان<sup>z</sup> ایمان داری؟»<sup>۲۱</sup> او پاسخ داده گفت: «خداؤندا او کیست تا من به وی ایمان آورم؟»<sup>۲۲</sup> عیسی به او گفت: «هم تو او را دیده‌ای و هم آن کس که با تو سخن مت <sup>۲۶:۴</sup> می‌گوید همان است.»<sup>۲۳</sup> او اعلام کرد: «خداؤندا ایمان آوردم» و در برابر ش سجده کرد.<sup>۲۴</sup> عیسی گفت: «برای یک داوری من به این جهان آمده‌ام، تا آنکه آنان که نمی‌بینند، بینا شوند و آنان که می‌بینند، کور شوند.<sup>۲۵</sup> فریسانی که با او بودند این را شنیده به او گفتند: «آیا ما هم کور هستیم؟»<sup>۲۶</sup> عیسی به آنان گفت: «اگر کور بودید، گناهی نداشید اما اکنون چون می‌گوئید ما می‌بینیم گناهتان می‌ماند.<sup>b</sup>

Z- در مرحلهٔ نهایی این واقعه، کوری که بر اثر معجزه شفا یافته شهادت خود را تا به آخر ادامه می‌دهد و مورد ستم و آزار قرار می‌گیرد، نظیر کلیساپی که یوحنا بنیان می‌گذارد و در آینده سرنوشت مشابهی خواهد داشت (ر. ک ۱:۱۵-۲:۶؛ ۴:۴؛ ۶:۳؛ ۷:۶).

بدین معنی که عیسی با او برخورد می‌کند و خود را به عنوان پسر انسان به او آشکار می‌کند، یعنی کسی که از آسمان می‌آید تا مردمان را گرد آورده به آنان تعالی دهد تا در زندگی خدا شوند (۱:۱۵-۲:۶؛ ۴:۳؛ ۵:۱).

a- رسالت عیسی تغییر واقعی وضعیت‌ها را در این دنیا مشخص می‌کند. این موضوع در دو مورد در سطوح مختلف بیان می‌شود: بدین معنی که تایپیانی که به عیسی ایمان می‌آورند شفا یافته و به درک و شناسایی کلام خدا دست می‌یابند؛ بر عکس آنانی که به خود می‌بالند که دانشمند هستند (ر. ک ۱:۶-۹، ۲:۲، ۲:۴، ۲:۹، ۳:۳)، حتی نمی‌توانند بینند (۲:۹) کسی را که نور رستگاری و نجات را می‌آورد (۲:۸؛ ۵:۶؛ ۹:۹)؛ این افراد خود را برای ابد در ظلمات و گمراهی زندانی می‌کنند (ر. ک ۱:۷-۳؛ ۲:۱-۱۱؛ ۴:۱۱-۱۲).

b- اگریه مانند تایپیانی که شفا یافته‌اند کور بودند گناهی نداشتند؛ ولی آنان، پرمدعا بر مبنای آنچه قبلاً داشتند به عیسی ایمان نمی‌آورند در صورتی که فقط او می‌تواند ایشان را از ورطه گناه بیرون بکشد (ر. ک ۳:۳-۶).

c- به هنگام شب معمولاً گوسفندان را در محوطه‌ای که دور آن دیوار کوتاهی کشیده شده بود می‌گذاشتند و نگهبانی از آنها حفاظت می‌کرد.

d- مثل اول (۱:۵-۱۰) در مقابل شبان که به طور معمولی وارد آغل گوسفندان می‌شود زیرا مأموریت یافته است به کسانی اشاره دارد که برخلاف قاعده عمل می‌کنند و می‌خواهند فقط منافع خود را تأمین نمایند و منظور فرسیان متشرعی هستند که در آیه ۳۱:۹ از آنان سخن به میان آمده و در ادامه بخش ۱۱-۱۸ می‌آید که با سخن عیسی: «من شبان نیکو هستم» آغاز می‌شود. در مثل دوم (۱:۷-۱۰) اظهارات عیسی مبنی براینکه: «من در هستم» بحث و بررسی می‌شود؛ ر. ک ۹:۶ توضیح h.

e- در میان اسرائیل دو نوع انسان وجود دارد: آنان که واقعاً به شبان تعلق دارند و فقط به صدای او پاسخ می‌دهند و آنانی که پاسخ نمی‌دهند زیرا هر گز به او تعلق نداشته‌اند. ر. ک ۱:۴-۷ یا ۱۰:۱۰.

f- این سخنان اسرائیلیز با نمایین مبهم است. به نظر یوحنا این مثل طرز بیان مختص رسالت عیسی در این دنیا است؛ و آن را واقعاً نمی‌توان در ک کرد مگر به وسیله ایمان و در پرتو اظهارات نهایی در هنگام صعود عیسی و عطای روح القدس.

گوسفندان از آن او نیستند چون ببیند که گرگ می‌آید گوسفندان را گذاشته می‌گریزد و گرگ آنها را گرفته می‌پراکند <sup>۱۳</sup> زیرا مزدور است و در پروای گوسفندان نیست. <sup>۱۴</sup> من شبان نیکو هستم و گوسفندان خود را می‌شناسم و گوسفندان من مرا می‌شناسند <sup>۱۵</sup> همچنان که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم <sup>۰</sup> و من جان خود را به خاطر گوسفندان می‌دهم. <sup>۱۶</sup> گوسفندان دیگر نیز دارم که از این آغل نیستند، آنها را نیز باید راهنمائی کنم. آنها صدای مرا خواهند شنید و آنگاه بطری خروج <sup>۲۳:۳۴</sup> فقط یک رمه خواهد بود و یک شبان <sup>p</sup>. <sup>۲۴:۳۷</sup>

<sup>۱۴:۶</sup> مز ۲۰:۱۱۸ شما می‌گوییم من در گوسفندان هستم. <sup>۸</sup> تمام کسانی که پیش از من آمده‌اند، دزد و از ۲:۱۰-۲:۲۳ راهزنان هستند <sup>g</sup> اما گوسفندان به آنان حرق ۳:۲-۳:۳ گوش نکرده‌اند. <sup>۹</sup> من در هستم <sup>h</sup>، اگر کسی از راه من وارد شود نجات خواهد یافت <sup>۱</sup> و <sup>۱۰:۹-۱۰:۲۳</sup> اش اعد ۱۷:۲۷ به درون آمده و بیرون خواهد رفت <sup>۲</sup> و <sup>۱:۱۰-۲:۱۱</sup> چراگاهی خواهد یافت <sup>k</sup>. <sup>۱۰</sup> دزد جز برای دزدی و ذبح کردن و هلاک کردن نمی‌آید. <sup>۱:۱۱-۱:۱۲</sup> اش ۱:۱۵:۳۴ من آمده‌ام تا آنکه زندگانی داشته باشد و <sup>۱:۱۳-۱:۱۸</sup> پنسکی ۱:۱۷:۷ آن را به فراوانی داشته باشند <sup>۱</sup>. <sup>۱:۱۸-۱:۱۹</sup> یو ۱:۲۱:۱۵ <sup>m</sup> شبان نیکو، <sup>۱:۱۶-۱:۱۷</sup> ۱۱ من شبان نیکو هستم. <sup>۱:۱۷-۱:۱۸</sup> زک ۱:۲۰:۲۹ <sup>n</sup> جان خود را به خاطر گوسفندانش <sup>۱:۲۰-۱:۲۱</sup> ۱ پظر ۲:۲-۳ مزدور که شبان نیست و <sup>۱:۲۲</sup> مزدور <sup>n</sup>.

<sup>g</sup>- منظور پیامبران عهد عتیق نیستند بلکه مردانی که در دنیا یهودیا در بین مشرکان مدعی بودند با وسائل خودشان شناخت امور الهی و نجات را برای آدمیان می‌اورند.

<sup>h</sup>- در روایات یهود موضوع دری که راه وصول به حقایق آسمانی شود فراوان است (پید ۲:۲۸-۲:۲۷؛ مز ۷:۷۸؛ خروج ۷:۷۲) چنانکه در انجیل نظیر هم آمده است (مت ۷:۲۳-۷:۲۴؛ لوم ۱:۱۰-۱:۲۵؛ مز ۱:۱۳-۱:۱۴)؛ در انجیل یوحنا، خود عیسی به وسیله تن گیری، محل کشف و پذیرفتن عطایی‌ای الهی است و مفهوم مثل دوم (آیات ۷-۱۰) همین است.

<sup>i</sup>- مسیح آدمیان را از مرگ نجات می‌دهد (ر. ک ۱:۱۱-۱:۲۶) توضیح <sup>۷</sup> و همچنین از هر چیزی که موجب هلاکت آدمی است (۱:۱۷-۱:۱۸).

<sup>j</sup>- شاگرد و پیرو عیسی که نجات یافته به آزادی و امنیت می‌رسد (ر. ک ۳:۲-۳:۳۶).

<sup>k</sup>- گاهی ترجمه می‌کنند: و خوارکی خواهد یافت.

<sup>l</sup>- در صورتی که نجات دهنده‌گان دروغی اصولاً در صدد هلاکت و پراکنده کردن هستند، عیسی مأموریت شاگردانش را در زندگانی پدر سهیم ساخته و بدین وسیله آنان را کاملاً خشنود می‌کند.

<sup>m</sup>- تصویر شبان که گله را هدایت و محافظت می‌نماید گاهی در نوشته‌های عهد عتیق در مورد خدا بکار رفته است (مز ۲:۲۳-۱:۲۳).

<sup>n</sup>- اش ۱:۱۱-۱:۱۲؛ ار ۹:۳۱-۹:۳۲)، گاهی در مورد مسیح پادشاه (مز ۷:۷-۷:۸؛ حرق ۷:۰-۷:۲؛ حرق ۷:۲-۷:۴؛ حرق ۷:۸-۷:۹؛ ار ۸:۲-۸:۳؛ ۲:۱-۲:۲؛ ۱:۱۰-۱:۱۱؛ لوم ۱:۱۰-۱:۱۱؛ ۲:۵-۲:۶؛ مز ۱:۱۴-۱:۱۵؛ مز ۹:۳۶-۹:۳۷؛ ۱۲:۱۸-۱۲:۳۶؛ ۲۵:۲۶-۲۵:۳۲؛ ۱:۱۵-۱:۱۶). عیسی کاملاً وظیفه شبانی را تحقق می‌بخشد زیرا پسر انسان است که در اوضاع و شرایط آدمیان شرکت نموده تا آنان را به زندگانی جاودان هدایت نماید.

<sup>o</sup>- ترجمه تحت اللفظی: جان خود را به خاطر گوسفندانش می‌گیرد. این اصطلاح نزدیک به عبارتی است که مرقس در ۴:۱۰-۴:۱۱؛ ۵:۲-۵:۱۱؛ ۱۴:۱۸ مز ۴:۱۰-۴:۱۱؛ ۵:۲-۵:۱۱؛ ۱۴:۱۸ آورده و دادن جان خود نوشته و چنین می‌نماید که از اش ۵:۲-۵:۱۲ گرفته شده باشد. در صورتی که مزدور گوسفندان را به خاطر نفع خود فدا می‌کند عیسی وجود خود را تا مرگ تسليم خواهد کرد تا شاگردان و پیروانش زندگی یابند (ر. ک ۵:۱۶-۵:۱۷).

<sup>p</sup>- در روایات کتاب مقدس از شناسایی بین اشخاص متضمن وجود محبت بین آنان است: منبع و سرچشمه شناسایی که عیسی را با کسانش مربوط می‌کند در محبتی است که پسر را با پدر می‌پیوندد. مرگ بر روی صلیب والا ترین ابراز این محبت می‌باشد (۱:۱۳-۱:۱۵).

<sup>q</sup>- این عبارت اشاره به رسالت جهانی (ر. ک ۴:۳۵-۴:۳۸) و عمل مسیح است همچنان که اشاره به فعالیت او در فلسطین می‌باشد (ر. ک ۱:۱۷-۱:۲۰)؛ آنان که در سرتاسر جهان از هم اکنون به طرز اسرآمیزی کسان او بشمار می‌آیند (۵:۱۱-۵:۲۰) صدای او را در سخنان فرستادگان خواهند شناخت. وحدت آدمیان اعم از یهودی و یونانی به وسیله عیسی تحقق خواهد پذیرفت (ر. ک ۱:۱۱-۱:۱۳).

در معبد در زیر رواق سلیمان<sup>۱</sup> می‌گشت. اع:۱۱:۳  
 ۲۴ یهودیان او را احاطه کرده به او گفتند: زیرا من جانم را می‌دهم تا آن را بازگیرم.<sup>۲</sup>  
 «تا به کی جان مارا در تردید نگاه اهیچکس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه فی:۹-۸:۲ به خواست خود آن را می‌دهم.<sup>۳</sup> من اقتدار دارم که آن را بدهم و اقتدار دارم تا آن را بازگیرم. این فرمانی است که از پدرم یافته ام.»<sup>۴</sup>

۲۵ عیسی به آنان پاسخ داد: «این را به شما گفته ام و ایمان نمی‌آورید. کارهائی را که من به نام پدرم انجام می‌دهم خود بر من شهادت می‌دهند. اما شما یهودیان تفرقه افتاد. بسیاری از آنان نیستید!»<sup>۵</sup> ۲۶ گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند و من، آنها را می‌شناسم و آنها به دنبال من می‌آیند<sup>۶</sup> و من به آنها زندگانی چرا به او گوش می‌دهید؟»<sup>۷</sup> ۲۷ دیگران جاودان می‌دهم و هرگز تا به ابد هلاک نیست. آیا دیو می‌تواند چشمان کوران را باز کند؟»<sup>۸</sup>

۲۸ عیسی به آنها را از دست پدرم ربود.<sup>۹</sup> ۲۹ پدرم که آنها را به من داده از همه بزرگتراست و هیچکس نمی‌تواند [چیزی] از دست پدرم برباید.<sup>۱۰</sup> ۳۰ من و پدر یک هستیم.<sup>۱۱</sup>

۱۷ به همین سبب پدر مرا محبت می‌کند، زیرا من جانم را می‌دهم تا آن را بازگیرم.<sup>۱۲</sup>  
 ۱۸ هیچکس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه فی:۱۰-۹ به خواست خود آن را می‌دهم.<sup>۱۳</sup> من اقتدار دارم که آن را بدهم و اقتدار دارم تا آن را بازگیرم. این فرمانی است که از پدرم یافته ام.»<sup>۱۴</sup>

۱۹ به سبب این سخنان باز در بین یهودیان تفرقه افتاد. بسیاری از آنان می‌گفتند: «او دیو دارد و مجذوب است!»<sup>۱۵</sup> ۲۰ مرت:۲-۲:۳ مر:۲۲:۲-۲:۳ مت:۱۸:۱۱ لول:۳۳-۷:۷ اع:۲۴:۲۶ ۲۱ دیگران می‌گفتند: «این سخنان از دیوانه‌ای ۳۳-۳۰:۳:۲:۳ نیست. آیا دیو می‌تواند چشمان کوران را باز کند؟»<sup>۱۶</sup>

## اظهارات رسمی و اتهام کفرگویی

۲۲ آنگاه در اورشلیم جشن تقدیس [معبد]<sup>۱۷</sup> فرا رسید. زمستان بود<sup>۱۸</sup> و عیسی

۹- در نظر عیسی، رستاخیز او با جان دادن بر روی صلیب کاملًا به هم پیوسته است.

۱۰- در روایتی که یوحنا وقایع صائب و صلیب عیسی را ذکر می‌کند را ذکر می‌کند مخصوصاً آزادی مطلق عیسی را تأکید و یادآوری می‌نماید.

۱۱- در اواخر ماه دسامبر یهودیان به یادبود بازسازی و تقدیس معبد جشن می‌گرفتند. توضیح آنکه پس از پیروزی بهودیان مکابی بر آنتیوخوس چهارم، معبد را ترمیم و احیا کرده بودند (ر. ک-۱ مک:۲-۳۶:۵-۵۹:۲-۲). این عید را حنوكاچ می‌نامیدند که تقليدی از جشن خیمه‌ها بود و در آن چراغانی مقام مهمی داشت. در مورد جشن هایی که در انجیل یوحنا آمده ر. ک:۶-۴ توضیح ر. ک:۶-۴ توضیح ر.

۱۲- مسیحیان اورشلیم اغلب در این محل جمع می‌شدند (ر. ک:۱۱:۳-۱۲:۵).

۱۳- بار دیگر مقامات یهود، صریح تر از همیشه، از عیسی درخواست می‌کنند آشکارا و در ملاعه عام جنبه مسیحیان رسالت خود را تصدیق نماید (ر. ک:۱۸:۲-۱:۶:۵-۲۵:۸). مجدد در اینجا شیوه نگارش طنزآمیز یوحنا مشاهده می‌شود زیرا عیسی از آغاز رسالت خود این موضوع را مرتباً تکرار کرده است. در انجیل شیوه نگارش طنزآمیز یوحنا مشاهده می‌شود زیرا عیسی از آغاز مشابهی وجود دارد (ر. ک:۲۶:۲۶-۶۳:۶-۶۱:۲۲-۶۷:۲۲). جنین به نظر می‌رسد که در روایات یوحنا در تمام مدت زندگی عیسی محاکمه او جریان داشته و از این لحظه به بعد اتهام کفرگفتگی منتشر شده و تصمیم به کشتن عیسی ابراز گردیده است.

۱۴- عیسی اظهارات خود را به روشنی بیان کرده است ولی بدین سبب جنبه واقعی رسالت او را درک نمی‌کنند که ایمان ندارند یا به عبارت دیگر به گله‌ای که پدر برایش آماده کرده تعلق ندارند (ر. ک:۸:۶-۶۴:۶-۵۹:۲۴:۸).

۱۵- هیچ قدرت زمینی نمی‌تواند جایگزین نیروی مسیحیانی شبان بشود و بنا بر این ایمان‌داران اطمینان کامل دارند.

۱۶- ر. ک:۱۳:۴-۳:۱۰. در نسخ خطی دیگری این عبارت چنین است: پدرم آنچه را به من داده از همه بزرگتر است.

۱۷- عیسی می‌تواند برای طرقداران خود حمایت مطلقی فراهم کند زیرا بدون هیچ گونه حد و حصری در قدرت پدر سهیم است (ر. ک:۵:۱۷-۱۹). این سخنان که تعمداً غیرصريح و میهم هستند وحدت و یگانگی عمیق تری را می‌رسانند (ر. ک:

به من ایمان نیاورید.<sup>۸</sup> اما اگر آنها را به جا می آورم، حتی اگر به من ایمان نمی آورید به کارها ایمان آورید تا بدانید<sup>:۱۱-۱۰:۱۴</sup> و بشناسید که پدر<sup>e</sup> در من است و من در پدر.<sup>۹</sup> باز در جستجوی دستگیری او برآمدند و او از دست آنها بدر شد.<sup>۱۰</sup> باز به آن سوی اردن به جائی که یحیی قبلًا<sup>:۳۰:۷</sup> در آنجا تعمید می داد رفت و در آنجا ماند.<sup>۱۱</sup> و بسیاری نزدش آمده می گفتند:<sup>مت:۱۹:۱۰</sup> ایمان آوردن.<sup>۱۲</sup>

### عیسی مرده‌ای را زنده می‌کند

**۱۱** <sup>a</sup>بیماری بود به نام ایلیازر<sup>g</sup>، اهل بیت عنیا<sup>h</sup> که روستای مریم و لو خواهرش مرتا<sup>i</sup> بود.<sup>۱۳</sup> این مریم همان بود که در اینجا مرتا<sup>j</sup> بود.<sup>۱۴</sup>

**۳۱** بار دیگر یهودیان برای سنگسار کردند، سنگها آوردند<sup>۳۲</sup> عیسی به آنان پاسخ داد: «بسیار کارهای نیکو از سوی پدر به شما نشان داده ام. برای کدام یک از این کارها مرا سنگسار می کنید؟»<sup>۳۳</sup> یهودیان به او پاسخ دادند: «برای کار نیکونی، بلکه به سبب کفر تو را سنگسار می کنیم، زیرا تو که انسانی خود را خدا می کنی<sup>z</sup>.»<sup>۳۴</sup> عیسی به آنان پاسخ داد: «آیا در تورات<sup>a</sup> شما نوشته نشده است: "من گفته ام: شما خدا باینید"<sup>b</sup> اگر [تورات] کسانی را که سخن خدا خطاب به آنان بوده، خدایان نامیده است - و نوشته مقدس البته ممکن نیست نقض شود! -<sup>c</sup> کسی را که پدر تقدیس کرده و به جهان فرستاده، شما می گوئید: "تو کفر می گوئی"<sup>d</sup> زیرا گفته ام من پسرخدا هستم.<sup>۳۵</sup> **۳۷** اگر من کارهای پدرم را به جا نمی آورم،

**Z**- اگر مقررات احکام شرعی در نظر گرفته شود کفر گفتن در صورتی است که نام خدا ذکر شود (سانه‌درین ۵:۷). ولی در اینجا علت چنین اتهام مهمی آن است که عیسی در اظهارات خود به طور ضمنی ادعای موقعیت خدایی کرده و سپس صریحاً اعلام شده است (ر.ک مر:۱۴-۶۱ و متن متوافق).

**a**- کلمه‌ای که «تورات» ترجمه شده در اینجا به مفهوم مجموعه نوشته‌های مقدس است (ر.ک ۲۵:۱۵؛ ۳۴:۱۲؛ ۴۹:۷). در مورد کلمه «شما» که درباره آن بحث می شود ر.ک ۱۹:۱ توضیح <sup>c</sup> و ۳۲:۶ توضیح <sup>d</sup>.

**b**- مز:۸:۶. مفسران یهودی معتقد بودند که این سخن نه تنها به داوران بلکه به عموم اسرائیلیان خطاب شده است لذا به دلیل بالاتر در مورد والاترین فرستاده صدق می کنند. بتایران دلیل وجود ندارد که سخن از کفر گفتن در میان باشد.

**c**- فرستاده منتخب خدا به طریق ممتازی در قدوسیت خدا سهیم است؛ ر.ک ار:۱:۵؛ بنسی ۷:۲۹؛ یو:۶:۶؛ ۱۷:۱۷؛ ۱۹:۱۷. **d**- عیسی بدون درنگ اظهار می کند که عنوان پسرخدا / دارد. ضمناً با توجه به طرز عمل عیسی و عباراتی که وحدت او را با پدر بیان می نماید این عنوان اهیت جدیدی خواهد داشت (۳۸:۳۰؛ ۳۰:۱).

**e**- ر.ک ۱۰:۱-۱۱؛ ۱۱:۱۷؛ ۲۱:۱۷-۲۱؛ ۱-۱۵:۳؛ ۲۴:۳-۴. **f**- ر.ک ۳:۲۶ توضیح <sup>f</sup>. عیسی به پره عزیست می نماید (ر.ک ۲۸:۱). یوحنا در اینجا یعنی روز قبیل از مرحله قطعی رسالت عیسی لازم می بیند گواهی یعنی را یادآوری نماید (ر.ک ۱۹:۱-۹؛ ۳۵:۳-۳۰؛ ۲۲:۳؛ ۳۰-۳۳:۵). **g**- نام ایلیازر که گاهی آن را به صورت مخفف لازار می گویند از نظر لغوی یعنی «خدا یاری می کند» [متراffد نامهای الهیار و خدایار در زبان فارسی]. این نام در قرن اول میلادی نسبتاً شایع بود و در مثل لو ۱۶:۱۹-۳۱ نام فقیری است که پس از مرگ اجر و پاداش یافته است.

**h**- منظور قصبه‌ای در پره نیست بلکه دهکده‌ای در شرق کوه زیتون در نزدیکی اورشلیم است (مت:۲۱:۱۷؛ ۲۶:۶؛ مر:۱۱:۱۱-۱۲؛ لو:۹:۱۹؛ ۲۴:۹). **i**- لوقا نام این دو خواهر را در ۱۰:۳۸-۴۲ ذکر کرده است. در روایتی که یوحنا بیان می کند مریم زنی است که عیسی را با عطر تدهین کرده بود.

دوازده ساعت نیست؟<sup>m</sup> اگر کسی در روز  
راه ببرود [پایش] نمی‌لغزد زیرا نور این مت ۲۳:۶-۲۲:۶  
جهان را می‌بیند<sup>n</sup>، اما اگر کسی شب راه ۱۲:۳-۵:۱۲  
برود می‌لغزد زیرا در او نوری نیست<sup>o</sup>.<sup>۱</sup>  
۱۱ این را گفت، بعد به آنان گفت:  
ایلعاذر دوست ما خفته است<sup>p</sup>. اما من  
می‌روم تا او را از خواب برخیزانم.<sup>۱۲</sup> پس مت ۲۴:۹-۲۷:۵  
شاگردان به او گفتند: «خداوندا اگر خفته ۳:۵-۵:۲  
است، نجات خواهد یافت.»<sup>۱۳</sup> عیسی از ۵:۸-۶:۰  
مردن او گفته بود اما آنان می‌پنداشتند که ۷:۶-۱۱:۱  
وی از آرامش خواب سخن می‌گوید. <sup>۱۴</sup> پس  
آنگاه عیسی آشکارا به ایشان گفت:  
ایلعاذر مرده است.<sup>۱۵</sup> به خاطر شما ۱۱:۲  
خوشنودم؛ اگر آنجا نبودم برای این بود که مر ۳:۱-۵:۱۴  
ایمان باورید. اما به نزد او برویم.<sup>۱۶</sup> تو ما روم ۲:۹-۲۴:۲۰  
ملقب به «دیدیموس» (توام)<sup>۹</sup> به شاگردان ۳:۲-۳۲:۱۳؛ ۲۸:۲؛  
دیگر گفت: «ما نیز برویم تا با او بمیریم.<sup>r</sup>

- ۱:۱۲-۱:۱۱ روایت خواهد کرد (۱:۱۲-۱:۱۱) و خوانندگان کاملاً از این موضوع اطلاع داشته اند (مت ۱۳:۶-۶:۲۶؛ مر ۹:۳-۱۳:۶؛ لو ۵۰-۳۶:۷).

- k چون بیماری ایلعاذر خطرناک است و چون عیسی در این مورد بهترین نشانه معرف خود را انجام می‌دهد موقعیتی خواهد بود تا شکوه خدا را که شکوه خود او است نیز ظاهر سازد؛ برخاستن ایلعاذر از مرگ آشکار می‌کند که عیسی پسر خدا است (ر. ک ۱۱:۲). ضمناً این بیماری نقطه‌آغاز جریانی است که عیسی را به سوی مرگ رهبری می‌کند (۱:۱۱) (۵۴-۴۵:۱۱) یعنی به سوی شکوهمندی بر روی صلیب و به وسیله صلیب. بدین گونه به کلیه ایمانداران امکان شرکت در رستاخیز عطا خواهد شد زیرا به وسیله صلیب کاملاً تجلی شکوه در پایان روزگار تحقق خواهد یافت (ر. ک ۱۶:۱۲، ۱۳:۲۳؛ ۱۷:۱۳؛ ۱۷:۳۲-۳۱:۱۳؛ ۵:۱-۱۷:۵).

- l ر. ک ۱:۱۰، ۱:۷؛ ۱۸:۵؛ ۲۰-۱۹:۸؛ ۲۵، ۳۷:۸-۸:۲۵. رفتاری که عیسی در نظر دارد مخصوص خطر مرگ است و عیسی آن را عالیاً و در کمال آزادی می‌پذیرد (۱:۱۰-۱:۱۰).

- m مدت کار روزانه از طلوع آفتاب تا غروب دوازده ساعت است؛ عیسی بایستی انجام رسالت خود را تا به پایانی که پدر معین کرده ادامه دهد، تا ساعتی که شب با ظلمات فرامی‌رسد (۸:۷، ۱۷:۳؛ ۱۳:۲۳، ۱:۱۷؛ لو ۵۳:۲-۲۲:۱).

- n عیسی برای آدمیان نوری می‌آورد تا بتوانند در کمال امتنی گام بردارند. خطر واقعی آن نیست که شاگردان تصور می‌کنند بلکه آن است که نتوانند نوری را که اکنون می‌درخشند بینند یا اینکه مانع از اجرای عمل او تا به پایان باشند.

- o روشنایی خارجی که عیسی می‌آورد با روشنایی باطنی و درونی ممکن یکدیگرند (ر. ک مت ۲:۳-۶:۲۳؛ لو ۳۵:۱-۱۷:۳). کلام خدا را فقط فرزندان روشنایی درمی‌یابند (ر. ک ۲۱-۱۹:۳-۲۱:۳).

- p آرمیدن: در زبانهای یونانی و عبری به جای کلمه مردن که زننده است واژه آرمیدن بکار برده می‌شود. یوحنا که از خواب سخن می‌گوید در صورتی که ایلعاذر مرده است یادآوری می‌نماید که سوءتفاهمی وجود دارد. ضمناً این نکته را تذکر می‌دهد که عیسی برای مردن مفهوم جدیدی می‌آورد (ر. ک ۷:۲۶؛ ۲:۱۱؛ مر ۲:۹-۲۴:۷؛ لو ۵:۵-۷:۲۶).

- q کلمه یونانی didyme به معنی توأم است. این شاگرد که فقط نام او در فهرست اسامی دوازده رسول آمده (مت ۳:۱۰-۱:۱۰). مر ۱:۱۸-۳:۱؛ اع ۱۳:۱؛ اع ۱۵:۶؛ لو ۱:۱۵-۲:۱۳) نقش مهمی در انجیل یوحنا دارد (۴:۱۴؛ ۲:۲۱؛ ۲:۲۹-۲۴:۲۰).

- r در اینجا یوحنا نمی‌خواهد سرنوشت آینده شاگردان را اعلام کند بلکه اشتباه تو ما را یادآوری می‌کند که متوجه نیست برخاستن ایلعاذر از مرگ موقعیتی برای شکوهمندی عیسی خواهد بود.

خداآند را به روغن معطر تدهین نموده پاهایش را با موهای خود خشک کرده بود.<sup>۱۲</sup>

همان بود که برادرش ایلعاذر بیمار بود.

<sup>۱۳</sup> خواهران کسانی نزد او فرستاده تا بگویند: «خداآند، اینک آن دوست تو بیمار است.»

<sup>۱۴</sup> چون عیسی شنید گفت: «این بیماری تا به مرگ نیست بلکه برای شکوه خداست

که به وسیله آن پسر خدا شکوه یابد.<sup>k</sup>

<sup>۱۵</sup> باری عیسی به مرتا، خواهرش و ایلعاذر محبت داشت.<sup>۱۶</sup> پس چون شنید که او بیمار

است، باز دو روز دیگر در همانجا که بود ماند.<sup>۱۷</sup> سپس بعد از آن به شاگردان گفت:

«باز به یهودیه برویم.»<sup>۱۸</sup> شاگردان به او

<sup>۱۹</sup> لу ۳:۱۰؛ ۵۹:۸ ۲۸:۲۲ می‌گویند: «ربی به تازگی بهودیان در حستجوی سنگسار تو بودند؛ و تو دوباره به آنجا می‌روی!»<sup>۱۹</sup> عیسی پاسخ داد: «آیا روز

z- موضوع تدهین در بیت عنیا را که طبق روایات قبل از هفته مصائب و صلیب روی داد یوحنا بعداً روایت خواهد کرد (۱:۱۲-۱:۱۱)

(۱۸) و خوانندگان کاملاً از این موضوع اطلاع داشته اند (مت ۱۳:۶-۶:۲۶؛ مر ۹:۳-۱۳:۶؛ لو ۵۰-۳۶:۷).

- k چون بیماری ایلعاذر خطرناک است و چون عیسی در این مورد بهترین نشانه معرف خود را انجام می‌دهد موقعیتی خواهد بود تا شکوه خدا را که شکوه خود او است نیز ظاهر سازد؛ برخاستن ایلعاذر از مرگ آشکار می‌کند که عیسی پسر خدا است (ر. ک ۱۱:۲). ضمناً این بیماری نقطه‌آغاز جریانی است که عیسی را به سوی مرگ رهبری می‌کند (۱:۱۱) (۵۴-۴۵:۱۱) یعنی به سوی شکوهمندی بر روی صلیب و به وسیله صلیب. بدین گونه به کلیه ایمانداران امکان شرکت در رستاخیز عطا خواهد شد زیرا به وسیله صلیب کاملاً تجلی شکوه در پایان روزگار تحقق خواهد یافت (ر. ک ۱۶:۱۲، ۱۳:۲۳؛ ۱۷:۱۳؛ ۱۷:۳۲-۳۱:۱۳؛ ۵:۱-۱۷:۵).

ایمان دارم که تو مسیح، پسر خدا هستی که مرتا این را گفته باید به جهان بباید<sup>۷</sup> ». ۲۸ مرتا این را گفته رفت تا خواهرش را فرا خواند و در نهان به او گفت: «استاد اینجاست و تورا می خواند». ۲۹ همین که شنید فوراً قیام کرد و نزد او آمد. ۳۰ زیرا عیسی هنوز به روستا نیاماً بود بلکه همچنان در همان جائی بود که مرتا او را دیدار کرده بود. ۳۱ یهودیانی که با او در خانه بودند تا او را تسلي دهد مریم را دیدند که به سرعت بلند شده بیرون رفت. پس چون پنداشتند که به سوی قبر می رود تا در آنجا بگردید به دنبال او روان شدند. ۳۲ وقتی مریم به جای آمد که عیسی در آنجا بود، با دیدن او به پاهایش افتاد و به او گفت: «خداوندا<sup>x</sup> اگر اینجا می بودی برادرم نمی مرد!» ۳۳ عیسی وقتی دید که او می گردید و یهودیانی که او را همراهی کرده بودند نیز می گریند روحًا<sup>y</sup> مرتتعش شد و به هم برآمده<sup>۳۴</sup> گفت: «او را کجا نهاده اید؟» به او گفتند: «خداوندا بیا و بین». ۳۵ عیسی<sup>z</sup> لعله<sup>۳۶</sup> این را در حدود سه کیلومتری اورشلیم بوده است.

<sup>۸</sup>- [استاد واحد طول که در حدود ۱۸۵ متر می باشد، بنا براین] بیت عیبا در حدود سه کیلومتری اورشلیم بوده است.  
<sup>۹</sup>- در محافلی که تحت تأثیر فریسیان بودند عقیده و امید به رستاخیز در پایان روزگار توسعه یافته بود (دان ۱۲:۳-۲:۲-۲:۷).  
<sup>۱۰</sup>- عیسی از پدر این قدرت را دریافت می کند تا کسانی را که به او ایمان می آورند به زندگی کامل و بنا براین به رستاخیز در پایان روزگار برساند (۵:۲۶-۶:۳۹-۶:۲۹).  
<sup>۱۱</sup>- فعل مردن در آیه ۲۵ به معنی درگذشتن و پایان زندگی زمینی آدمی است در صورتی که در اینجا اشاره به زندگانی بدون ایمان است که از خدا قطع رابطه شده و مرگ واقعی باشد ر. ک. ۵:۲۵ توضیح b. به نظر یوحنا برخاستن ایلعازر از مرگ تاکید می نماید که عیسی درست همان کسی است که ما را از مرگ به زندگی می گذراند.  
<sup>۱۲</sup>- مرتا با اعتراف و گواهی براین که عیسی، مسیح و پسر خدا است می پذیرد که او منشأ هر رستاخیزی است. آن کسی است که باید به جهان بباید: ر. ک. ۱:۶-۱:۹؛ مت ۱:۱۱-۱:۱۹؛ لعله ۷:۱۹-۷:۲۱.  
<sup>۱۳</sup>- مریم در هنگام رسیدن به عیسی همان سخنانی را بربازان می آورد که مرتا گفته بود. ضمناً افتادن به پاهای عیسی و تعظیم در برابر او نوعی پذیرایی دیگر است.  
<sup>۱۴</sup>- گاهی ترجمه می کنند: باطنًا مرتتعش شده... این کلمه ممکن است به مفهوم خشمگین شدن در برابر ناله های کسانی که ایمان نداشته یا نویید هستند تعبیر شود یا اینکه به معنی تأثر شدید در برابر اندوه باشد. ر. ک. ۱۱:۳۸.

برآورد: «ایلعازر بیرون! اینجا بیا!» ۲۷:۵  
 ۴۴ مرده بیرون آمد، دستها و پاهایش نواریچ بود و صورتش را دستمالی پوشانده ۴۰:۱۹  
 ۷-۶:۲۰ بود. عیسی به آنان گفت: «او را باز کنید و بگذارید برود.»

(متی ۱:۲۶-۵؛ مرقس ۱:۱۴؛  
 لوقا ۲-۱:۲۲)

۴۵ بسیاری از یهودیان که به نزد مریم  
 ۴۲:۱۰؛ ۳۰:۸ آمده و آنچه را عیسی کرده بود، دیده  
 ۴۲:۱۱؛ ۱۲:۱۱ بودند به او ایمان آوردن. ۴۶ اما برخی از  
 ۳۱:۱۶ لوقا میان ایشان نزد فریسیان رفته آنچه را عیسی  
 کرده بود به آنان گفتند.<sup>c</sup> ۴۷ پس کاهنان اعظم و فریسیان شورائی<sup>d</sup> گردآورده مت ۵:۳-۲۶  
 ۱۸:۲۷ گفتند: «چه کنیم؟ این مرد نشانه های زیادی انجام می دهد. ۴۸ اگر این گونه اع:۱۵  
 ۱۴-۱۳:۶ رهایش کنیم، همه به او ایمان خواهند آورد و رومیان خواهند آمد و مکان مقدس<sup>e</sup> و  
 ملت ما را از بین خواهند برد.» ۴۹ یکی از میان آنان، «قیافا» که در آن سال  
 ۱۳:۱۸ مت ۳:۲۶ لوقا

اشک ریخت. ۳۶ آنگاه یهودیان می گفتند: «بیینید چقدر او را دوست می داشت.» ۳۷ اما برخی از آن میان گفتند: «او که چشمان کور را باز کرد آیا نمی توانست [کاری کند] که این هم نمیرد؟» ۳۸ پس عیسی بار دیگر در درون خود متعش شده مت ۶:۲۷؛ ۴۰:۶ به سر قبر آمد و این غاری بود که سنگی بر آن گذاشته بودند.<sup>f</sup> ۳۹ عیسی گفت: «سنگ را بردارید!» مرta خواهر متوفی به او گفت: «خداؤندا، چون روز چهارم است دیگر بوگرفته است.» ۴۰ عیسی به او گفت: «آیا به تو نگفتم اگر ایمان بیاوری شکوه خدا را خواهی دید؟» ۴۱ پس سنگ را برداشتند. عیسی چشمان خود را بلند کرده<sup>a</sup> گفت: «ای پدر تو را شکر می کنم که مرta مستجاب کرده ای. ۴۲ من می دانستم که همواره مرta مستجاب می کنم<sup>b</sup>. اما به خاطر این جمعیت اطراف من سخن گفته ام تا ۱:۱۷  
 ۱:۱۹؛ ۱۴:۱۴-۱۸:۱۸-۳۶:۲۳-۳۷ ۱-پاد ۱۴:۵ آنان ایمان بیاورند که تو مرta فرستاده ای.» ۴۳ و این را گفته با صدای بلند فریاد

z- قبر ایلعازر ظاهرآ حفره یا غار کوچکی است که در دیواره صخره ای کوه قرار دارد (ر. ک ۱:۲۰).

a- یهودیان بیشتر روی خود را به طرف معبد می کردند؛ بلند کردن چشمان به سوی آسمان، تا اندازه ای جزو آداب مذهبی مسیحیان خواهد بود (۱:۱۷؛ مر ۴۱:۶؛ لو ۱۳:۱۸؛ اع ۵۵:۷).

b- چون همبستگی پدر با پسر دائمی و مستمر است بنابراین پدر در هر لحظه درخواست عیسی را شنیده و مستجاب می کند؛ و به همان گونه که به اطرافیان خود اعلام کرده در او امکان تعیین سرنوشت نهایی جهان تحقق می یابد (ر. ک ۳:۱۴؛ ۱۶:۷؛ ۱۵:۷؛ ۱:۱۶-۲۳:۱۶-یو ۳:۲۲-۲۱:۵). این نیایش نشان می دهد که با برخاستن ایلعازر از مرگ، ارتباط فرزندی عیسی نسبت به خدا را می توان دریافت. [ترجمه تحتاللفظی مستجاب کردن: شنیدن.]

c- نشانه هایی که عیسی انجام می دهد و اکتشاهای مختلفی ایجاد می کنند: کسانی ایمان می آورند و کسان دیگری شدیداً مخالفت می نمایند (ر. ک ۳۴:۷؛ ۱۶:۹؛ ۱۰:۱۹). آخرین نشانه موجب خواهد شد در اورشلیم تصمیم به کشتن عیسی گرفته شود.

d- این کلمه را می توان سانه‌دارین ترجمه کرد. در اینکه آیا اجتماع کاهنان اعظم و تعدادی از فریسیان بوده و آیا این مجمع جنبه رسمی داشته است یا خیر؛ باید توجه داشت که پس از انهدام معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی فریسیان رهبری یهودیان را به دست گرفتند. ر. ک ۲۲:۹ توضیح.<sup>r</sup>

e- ترجمه تحتاللفظی: محل، که ممکن است منظور مجموعه شهر اورشلیم و یا منحصراً معبد باشد (۲-مک ۳:۱۸، ۱۲:۳؛ ۳۰:۶-۱۳:۶اع ۷:۷؛ ۱۴:۱۴).

## تدهین در بیت عنیا

(متی:۲۶:۱۳-۶:۱۴؛ مرقس:۱۴:۳-۹؛

(ر.ک لوقا:۷:۳۸-۳۶)

[جشن] گذر یهودیان<sup>k</sup> نزدیک بود وبسیاری از مردم از روستاهای پیش از گذر<sup>۱۳-۱۲:۲</sup>برای تطهیر خود به اورشلیم فراز آمدند.<sup>۱۴:۶</sup>در جستجوی عیسی بودند و در معبد<sup>۱۳-۶:۹</sup>ایستاده به یکدیگر می گفتند: «چه<sup>۱۲:۷</sup>می پنداشید؟ آیا اصلاً به جشن نخواهد<sup>۱۱:۷</sup>آمد؟»<sup>۱۵:۷</sup> اما کاهنان اعظم و فریسان دستورداده بودند: اگر کسی بداند که او کجاست<sup>۱۶:۶</sup>

باید خبر دهد تا او را دستگیر کنند.

<sup>۱</sup> پس شش روز پیش از جشن گذر،

## ۱۲

عیسی به بیت عنیا آمد، جائی که<sup>۱:۱۱</sup>ایلعازر بود و عیسی او را از میان مردگان<sup>۱:۱۰-۴:۳</sup>قیام بخشیده بود.<sup>m</sup><sup>۲</sup> در آنجا برایش شامیتهیه کردند و مرتا خدمت می کرد و ایلعازر<sup>۱:۱۱-۲:۱۰</sup>

یکی از کسانی بود که بر سر سفره با او

کاهن اعظم بود<sup>f</sup> به آنان گفت: «شما هیچنمی دانید،<sup>۱۵:۵</sup> مگر فکر نمی کنید که برایشما مفیدتر است یک انسان در راه قوم<sup>۱۵:۶</sup>بمیرد، تا همه هلاک شوند؟»<sup>g</sup><sup>۱۵:۷</sup>از خود نگفت اما چون در آن سال کاهن<sup>۱۵:۸</sup>اعظم بود، نبوت کرد<sup>۱۵:۹</sup> که عیسی باید برای<sup>۱۵:۱۰</sup>ملت بمیرد.<sup>۱۵:۱۱</sup> و نه تنها برای ملت، بلکه<sup>۱۵:۱۲</sup>همچنین تا فرزندان خدا که پراکنده اند<sup>۱۵:۱۳</sup>در یگانگی گرد هم آیند.<sup>۱۵:۱۴</sup> از همان روز<sup>۱۵:۱۵</sup>تصمیم به کشتن او گرفتند.<sup>۱۵:۱۶</sup> عیسیدیگر در میان یهودیان آشکارا رفت و آمد<sup>۱۵:۱۷</sup>نمی کرد بلکه از آنجا به ناحیه ای نزدیک<sup>۱۵:۱۸</sup>بیابان به شهری به نام افرائیم<sup>۱۵:۱۹</sup> رفت و با<sup>۱۵:۲۰</sup>شاگردانش در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۱</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۲</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۳</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۴</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۵</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۶</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۷</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۸</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۲۹</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۰</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۱</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۲</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۳</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۴</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۵</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۶</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۷</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۸</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۳۹</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۴۰</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۴۱</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۴۲</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۴۳</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۴۴</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۴۵</sup>شما هیچ در آنجا ماند.<sup>۱۵:۴۶</sup>

به خاطر عیسی بلكه همچنین برای دیدن ایلعازر که از میان مردگان او را قیام بخشیده بود.<sup>۱۰</sup> اکاهنان اعظم تصمیم به کشتن ایلعازر نیز گرفتند.<sup>۱۱</sup> زیرا بسیاری از یهودیان به خاطر وی می‌رفتند و به عیسی ایمان می‌آوردن.<sup>۱۲</sup>

### ورود پیروزمندانه عیسی به اورشلیم (متی ۱۱:۲۱-۱۱:۲۱؛ مرقس ۱۱:۱۱-۱۱:۲۱؛ لوقا ۱۹:۲۸-۲۸:۱۹)

<sup>۱۲</sup> روز بعد جمعیت زیادی که برای جشن آمده بودند، وقتی دانستند که عیسی به اورشلیم می‌آید<sup>۱۳</sup> شاخه‌های نخل برداشته<sup>۷</sup> به استقبال او ببرون شدند و فریاد مز: ۲۵-۲۵:۱۱۸ می‌آوردند: «هوشیاعنا!» «مبارک باد مر: ۳۲:۱۵»<sup>۸</sup> آنکه به نام خداوند می‌آید<sup>۹</sup> و «پادشاه میکائیل<sup>۱۰</sup> مکا: ۵۱:۱۰»<sup>۱۱</sup> مکا: ۹:۷

لو ۳۷:۷-۳۸:۷ بود.<sup>۱۲</sup> پس مریم رطلى<sup>n</sup> از عطر سنبل واقعى<sup>۰</sup> گرانبها برداشته پاهای عیسی را تدهین نمود و با گیسوانش پاهای او را ۷۱:۶ خشک کرد<sup>p</sup> و خانه را بوی عطر فرا گرفت.<sup>۹</sup> یهودای اسخربوطى<sup>t</sup>، یکی از شاگردانش، آن کس که او را تسليم می‌کرد گفت:<sup>۵</sup> «چرا این عطر را به سیصد دینار<sup>s</sup> نفروختند تا به بیوایان داده شود؟»<sup>۱۴</sup> این مز: ۲۱:۱۹-۲۱:۱۰<sup>۱۵</sup> لغو نه از آن رو گفت که در غم بیوایان بود،<sup>۱۶</sup> بلکه چون او دزد بود و کیسه پول را در ۱۳:۱۰-۱۳:۱۳<sup>۱۷</sup> دست داشت آنچه را در آن می‌انداختند می‌ربود.<sup>۷</sup> پس عیسی گفت: «او را بگذار، این عطر را برای روز تدفین من نگاه داشته<sup>۸</sup> زیرا بیوایان را همیشه با خود<sup>۱۸</sup> دارید اما مرا برای همیشه ندارید<sup>۱۹</sup>».<sup>۲۰</sup> پس بسیاری از یهودیان دانستند که [عیسی] در آنجاست. پس آمدند نه تنها

n- کلمه یونانی که رطل ترجمه شده واحد رومی و برابر ۴۵/۷۴/۷ گرم است.  
۰- این کلمه که فقط در مر: ۳:۳ و در اینجا بکار برده شده گاهی ناب و خالص ترجمه می‌کنند و در مورد مفهوم آن مفسران توافق ندارند. ظاهراً در زبان یونانی این کلمه از همان ریشه ایمان می‌آید و لذا می‌توان واقعی با حقیقی ترجمه نمود ولی ممکن است نام گیاهی باشد که از آن عطر گرفته‌اند.

p- طبق انجیل متی و مرقس، مریم عطر را بر سر عیسی می‌ریزد در صورتی که در اینجا بر روی پاهای عیسی ریخته و با خشک کردن با موها بش فروتنی و محبت کامل خود را ابراز می‌کند.

q- در ادبیات یهود عطری را که رایجه اش منتشر می‌شود با پرت و درخشندگی زندگی عادلانه تشییه و مقایسه کرده‌اند. ذکر این نکته که رایجه عطر فضای خانه را پر می‌کند ممکن است با مت: ۲۶:۱۳ و مر: ۱۴:۹ مقایسه شود که در آنجا گفته شده در هر جایی که انجیل موعظه شود این عمل مریم شناخته خواهد شد.

r- ر.ک ۷۱:۶. یوحنا توجه را به یهودای اسخربوطی جلب کرده و این اظهارات را به او نسبت می‌دهد در صورتی که مرقس گوینده این سخنان را بعضی‌ها و حتی شاگردان ذکر کرده است.

s- کلمه ای که دیبار ترجمه شده واحد پول و احتمالاً برابر مزد روزانه یک کارگر بوده است. ر.ک ۷:۶ توضیح t و مر: ۱۴:۵.

t- ترجمه دیگر: او را به حال خود بگذارید! این رسم را به خاطر تدفین من رعایت می‌کنند. ولی معنی دقیق این عبارت مشخص نیست. به نظر بعضی از مفسران یوحنا که شکستن شیشه عطر را ذکر نکرده در نظر داشته عطر برای تدفین خواهد شد. به نظر بعضی دیگر منظور بیاد نگهداشت خاطره این عمل است که پیشاپیش مراسم تدفین را نشان می‌دهد. متی و مرقس در این مورد اهمیت حضور عیسی و فوریت شناختن او را در ایمان تذکر و یادآوری می‌کنند. ر.ک ۱:۱۲ توضیح m.

u- ر.ک مت: ۱۱:۲۶ مر: ۱۴:۷.

v- این روش ورود پیروزمندانه سلاطین است، ر.ک ۱-۱۳:۵۱:۵-۲ مک: ۱۰:۲-۱ مک: ۷:۷.

w- ر.ک مز: ۲۶-۲۵:۲۶. هوشیاعنا به مت: ۹:۲۱ توجه c توضیح توجه نمایید. این کلمات را که از مزمور ۱۱۸ گرفته شده برای تقدیس رؤسایی که در رأس ملتزمین خود به معبد فراز می‌آمدند بکار می‌برند. همین عبارت در مورد عیسی بکار برده شده که کاملاً والاترین کسی است که می‌آید (۱۴:۶: ۱۱: ۲۷) و با داشتن قدرت خدایی مأمور رسالت می‌باشد.

گفتند: «می بینید که هیچ فایده‌ای نمی برد، همه دنیا به دنبال او می‌رود!»<sup>c</sup> اع ۲۸:۵

## شکوه و صليب

در آنجا چند یونانی بودند، از آنانی که به هنگام جشن برای پرستش<sup>d</sup> فراز<sup>e</sup> می‌آمدند.<sup>f</sup> پس اینان به سوی فیلیپس که از بیت صیدای جلیل<sup>g</sup> بود پیش رفتند و از او درخواست کردند گفتند: «ای سرور می‌خواهیم عیسی را ببینیم.»<sup>h</sup> فیلیپس<sup>i</sup> آمده آن را به اندربیاس<sup>j</sup> گفت. اندربیاس و فیلیپس آمده آن را به عیسی گفتند.<sup>k</sup> عیسی در پاسخ ایشان گفت: « ساعتی که پسر انسان باید شکوه یابد فرا رسیده است!<sup>l</sup> آمن، آمن به شما می‌گویم: اگر

اسرائیل<sup>x</sup>!»<sup>m</sup> اما عیسی کره الاغی یافته بر آن نشست، برابر آنچه نوشته شده است:<sup>n</sup>  
 ای دختر صهیون مترس: اینک پادشاه تو، سوار بر کره الاغی می‌آید.<sup>o</sup> اول شاگردانش این چیزها را نفهمیدند، اما وقتی عیسی شکوه یافت<sup>p</sup>، بدان هنگام به یاد آوردند<sup>q</sup> که این درباره وی نوشته شده بود و این چیزها را برای او کرده بودند.<sup>r</sup> پس جمعیتی که با او بودند به هنگامی که ایلعازر را از قبر به بیرون خوانده و او را از میان مردگان قیام بخشیده بود شهادت می‌دادند.<sup>s</sup> همچنین جمعیتی نیز بدین سبب به استقبال او می‌آمدند: زیرا شنیده بودند که او این نشانه را انجام داده است.<sup>t</sup> پس فریسان درین یکدیگر

X- موضوع عنوان پادشاه اسرائیل در سرتاسر انجیل آمده است مخصوصاً در قسمتی که راجع به مصائب عیسی و مصلوب شدن او است (۴۹:۱۰-۱۵:۶-۳۳:۱۸-۳۷، ۳۳:۱۹-۳۹، ۱۴، ۱۲، ۳:۱۹).

Y- یوحنا نظیر انجیل نگاران دیگر که این روایت را آورده اند خلاصه پیام سروش مسیحی<sup>u</sup> زک ۹:۹ را ذکر کرده و بدین وسیله روایت را مفهوم و روشن می‌کند. [ترجمه تحت الفظی: کره خریک خرماده].

Z- عیسی به وسیله صلیب و صعود به آسمان شکوهمند شده است (ر. ک ۳۹:۷-۱۱:۱۷).

a- یوحنا به مانند انجیل نگاران دیگر (مر. ۱۴:۲۶-۲۷:۷-۲۲:۶-۶:۲۴-۲۲:۶) متوجه است که بیشتر گفتارها و اعمال عیسی در مدت زندگی زمینی او درک نشده یا به خوبی آنها را درنیافته بودند. پس از مصلوب شدن عیسی و صعود او توانستند این وقایع را درک نموده و به معنی واقعی آنها بی بیزند و نبوت هایی را که در نوشته های مقدس آمده است به طرز جدیدی دریابند. این تذکر و یادآوری یوحنا بر اثر عمل روح القدس انجام می شود (۲۲:۲-۲۶:۱۴-۲۶:۱۵-۱۲:۱۶-۱۵:۱۲).

b- فاعل این جمله یا شاگردان است که قسمتی از این وقایع را آماده کرده بودند (ر. ک مت ۱:۷-۷:۱) یا منظور جمعیت است که برای عیسی احتراماتی بجا می‌آورند.

c- روش نگارش یوحنا آمیخته با طنز و استهزا است بدین معنی که خود فریسان متوجه جبهه جهانی عمل عیسی می‌باشد (ر. ک ۳۲:۱۲-۱۲:۳-مر ۱:۳۷).

d- این اشخاص که فرهنگ یونانی داشتند و نسبت به تزاد یهود بیگانه بودند جدیداً به آیین یهود گرویده یا اینکه فقط به آن علاقمند بودند و به اورشلم می‌آمدند تا در مراسم زیارت جشن گذر شرکت نمایند (۱۰:۲۱، ۲:۱۶-۱۳:۳۵-۲۶). تمایل به پرستش خدای حقیقی (ر. ک ۲۱:۴-۲۳:۲۳) آنان را هدایت می‌کرد که عیسی را ملاقات کنند (یا به عبارت بهتر او را ببینند).

e- ر. ک ۴:۱ و ۶:۸. فیلیپس و اندربیاس تنها شاگردانی هستند که نام یونانی دارند. ر. ک ۴:۳-۲۷:۴-۴۲:۴ توضیح h.

f- منظور لحظه‌ای قطعی است که عیسی در شکوه وارد می‌شود و شاگردانش را در آن سهیم خواهد کرد (۱:۱۷-۵، ۲:۲۲-۲۴).<sup>۱۶</sup> شکوهی که پدر تعیین کرده و فرا رسیدن آن در پیان فعالیت زمینی عیسی است (۴:۲-۲:۱۶، ۲۲:۱۳-۱۶:۱۳).<sup>۱۷</sup> همچنین قبل از هر چیز ساعت خدمت تا مرگ بر روی صليب است (قبل‌اً در مر. ۱:۳-۳۵، ۳۷، ۴۱ آمده است).

بده! اما به سبب همین تا این ساعت آمده‌ام.<sup>k</sup> ای پدر، نام خود را شکوهمند گردان!<sup>l</sup> پس ندایی از آسمان رسید: «[او را] شکوه داده ام و باز شکوه خواهم داد». <sup>m</sup> پس جمعیتی که آنجا ایستاده بودند، شنیده گفتند که غرش مر<sup>n</sup>: لوه<sup>o</sup> تذری بود. دیگران گفتند: «فرشته‌ای با او حرف زده است».<sup>p</sup> عیسیٰ پاسخ داده اع<sup>q</sup>: چون خاطر شما رسیده است.<sup>r</sup> اکنون<sup>s</sup> داوری<sup>t</sup> این جهان<sup>u</sup> است. اکنون رئیس این جهان بیرون افکنده خواهد شد.<sup>v</sup> ۳۲ و من چون از زمین بالا برده

دانه گندم که به زمین افتاده نمیرد، تنها می‌ماند اما اگر بمیرد، میوه بسیار می‌آوردد.<sup>g</sup> هر که جان خود را دوست دارد آن را از بین می‌برد و هر که از جان خود در این جهان نفرت دارد آن را برای زندگانی جاودان نگاه خواهد داشت.<sup>۲۶</sup> اگر کسی به من خدمت می‌کند، پس مرا هم پیروی کند و در آنجا که من هستم خادم من نیز همانجا خواهد بود.<sup>۲۴</sup> اگر کسی به من خدمت کند پدر اورا محترم خواهد داشت.

<sup>۲۷</sup> اکنون جان من مضطرب است و چه بگوییم؟ ای پدر، مرا از آن ساعت نجات عبور<sup>۲۵</sup>

- تصویر دانه بذری که می‌میرد برای آن که محصول فراوانی بدست آید در موقعه‌های انگلی تصویری معمولی است (مر:۴:۴-۳:۴) علی‌اکبر<sup>۳۱</sup> می‌مذکور می‌یهوه و پولس رسول (۱-قرن ۱۵:۳۵-۳۵:۴۲) این تصویر را در مورد صعود و شکوه یافتن بکار برده‌اند. مصلوب شدن و مصائبی که عیسیٰ متتحمل خواهد شد منجر به باروری رستاخیز او می‌شود تا کاملاً یهودیان و یونانیان در جامعه‌ای مسیحی‌ای گرد هم آیند.

- ترجمه تحت الفظی: نفرت داشتن. فعلی که در آنجا آمده برابر روشی که در زبانهای سامی بکار می‌رود در مقابل دوست داشتن است و اکثراً به مفهوم کمتر دوست داشتن و به عنوان ارزشی والا بشمار نیاوردن است. [بنابراین می‌توان ترجمه کرد: هر کس در این جهان از جان خود دست بشوید] (پید:۲۹:۳۱-۳۱:۲۹). ترتیب<sup>۲۶</sup> ۱۵:۲۱ تا ۱۵:۲۶. لوه<sup>۲۶:۱۴</sup> ۲۶:۱۴ تا ۲۶:۱۵. لوه<sup>۱۴:۳</sup> ۲۸:۲۸ تا ۲۸:۲۸. مکا<sup>۱۴:۳</sup> ۱۴:۲۰ تا ۱۴:۲۰. لوه<sup>۳۲:۱۸</sup> ۳۲:۱۸ تا ۳۲:۱۸).

- ر. ک مر:۴:۳۵; می:۱۶:۲۵؛ لوه<sup>۹:۲۵</sup>: شاگرد باستی زندگانی خود را برطبق زندگی جدیدی که استاد بر او آشکار و به او عطا کرده است بکی کند و هماهنگ سازد.

- رابطه بین خدمت کردن و به دنبال عیسی رفتن نکته اساسی در روایات انگلی است (ر. ک مر:۴:۳۴؛ می:۱۰:۳۸؛ لوه<sup>۱۴:۲۷</sup>: ۲۷:۲۷).

- خدمت عیسی متضمن آن است که شاگرد به روش خود در مرگ و رستاخیز او سهیم خواهد بود (ر. ک مر:۴:۳۵-۳:۴۵).

- k در آنجا یوحا احساس اضطراب عیسی را در برابر مرگی که فرامی‌رسد ذکر می‌کند (ر. ک ۱۱:۱۱؛ ۳:۸-۳:۳). اختصار اورا در جتسیمانی روایت نخواهد کرد (مر:۱:۴؛ ۳:۲-۳:۲؛ ۴:۲-۴:۳؛ ۴:۶-۴:۶؛ ۴:۲۶-۴:۲۶؛ ۱۱:۲۹). یوحا مخصوصاً علامتی است اطاعت کامل عیسی را یادآوری کند که با شکوهمند کردن پدر، در کمال آزادی دوران مصائب و مصلوب شدن خود را آغاز می‌کند (ر. ک ۱۰:۱۸؛ توضیح<sup>r</sup>).

- نام مظہر و بیان تجلی شخص می‌باشد. عیسیٰ که درخواست می‌کند نام پدر شکوهمند باشد می‌خواهد که خدا به عنوان پدر تجلی نماید (۳:۱۶؛ ۲:۲۶، ۱۲:۱۷).

- پس از تظاهر شکوه که با فعالیت زمینی عیسی و نشانه‌ها انجمام می‌شود (۱:۱۱؛ ۲:۳۸؛ ۵:۴؛ ۱۰:۳:۲۶-۴:۱۱) تجلی کامل به وسیله مرگ و رستاخیز (۱:۱۷؛ ۲:۳۲-۳:۲۱؛ ۱۰:۱:۱۴) و اعطای روح القدس خواهد رسید.

- جمعیت بلاfaceله ارزش و اهمیت دخالت خدا را درنیافتد، با این همه قاعده‌تاً باستی بدين وسیله معنی و قایع نجات را تشخیص می‌دادند و گرنه عیسی که با پدر یکی است نیازی به توضیح ندارد.

- o در آنجا داوری به معنی محاکومیت است (ر. ک ۳:۱۹:۲:۲۱؛ توضیح<sup>c</sup>: ۲۹:۵).

- p در روایات مکائیه ای/ین جهان در مقابل جهان آینده است که در آن خدا حکمرانی خواهد کرد. این اصطلاح همچنین به مفهوم دنیای کنونی است که در آن قدرتهای مخالف فرمانروایی خدا تسليط دارند و در انجیل یوحنایا به ناهای مختلف مجسم شده‌اند: مثلاً ابلیس (۶:۱۳؛ ۸:۴؛ ۲:۱۳)، شیطان (۱۳:۱۲)، سلطان این دنیا (۱۴:۱۰؛ ۱۰:۳:۳)،

- q برابر بعضی نسخ خطی پایین افکنده خواهد شد. البته عیسی نه برای داوری بلکه برای نجات آمده است (۳:۱۷-۲:۲۱؛ ۱۷:۳-۲:۴۷)؛ با این همه پیروزی او به وسیله صلیب و بر روی صلیب به معنی شکست شیطان و انصصال از تسليط بر جهان است.

## خاتمه کتاب نشانه‌ها. شرایط ایمان حقیقی

<sup>۳۷</sup> هر چند آن همه نشانه‌ها را در برابر شان <sup>۱۱:۲</sup> کرده بود، به او ایمان نمی‌آوردند <sup>۳۸</sup> تا گفتار مت <sup>۲۰:۱۱</sup> اشیاعی پیامبر به تحقق رسد که گفت: <sup>۲۰:۱۶</sup> عیر <sup>۲:۴</sup>

«خداؤندا چه کسی به پیام ما ایمان آورده و بازوی خداوند به چه کسی الهام گردیده است؟» <sup>۳۹</sup> به همین جهت نمی‌توانستند ایمان بیاورند زیرا باز اشعیا گفته است:

<sup>۴۰</sup> «چشمانشان را کور کرده و دلشان را سنگ گردانیده تا با چشم ان خود نبینند و با دلهاشان نفهمند و باز نگردنند تا من آنان را <sup>۱۸:۸</sup> شفا دهم.» <sup>۴۱</sup> اشعیا این را گفته است زیرا شکوه او را دیده و از او سخن گفته است.<sup>a</sup>

<sup>۴۲</sup> با وجود این حتی در بین رؤسا بسیاری به او ایمان آوردندا اما به سبب فریسیان بروز <sup>۴:۲۳</sup> نمی‌دادند مبادا از کنیسه رانده شوند.<sup>b</sup> <sup>۱۱:۱۲</sup>

شوم<sup>c</sup>، همه را به سوی خود خواهیم کشید.<sup>d</sup>

<sup>۳۳</sup> این را گفت تا نشان دهد به چه مرگی می‌باشد بمیرد.<sup>e</sup> <sup>۳۴</sup> پس جمیعت پاسخ دادند: «از تورات<sup>f</sup> شنیده ایم که مسیح جاودان می‌ماند<sup>g</sup>، پس تو چگونه می‌گویی که: «پسر انسان باید بالا برده شود؟» این پسر انسان کیست؟» <sup>۳۵</sup> پس عیسی به آنان گفت: «اندک زمانی نور در بین شماست<sup>h</sup>، تا وقتی نور را دارید راه بروید مبادا تاریکی‌ها شما را دربر گیرند. و آن که در تاریکی‌ها رود نمی‌داند به اش<sup>i</sup> از این<sup>j</sup> کجا می‌رود. <sup>۳۶</sup> تا وقتی نور را دارید، به نور ایمان بیاورید تا شما پسران نور شوید.<sup>k</sup> عیسی چنین گفت و از آنجا رفت و از ایشان پنهان شد.

- ر. ک ۱۴:۳ و ۲۸:۸؛ بالارفتن بر روی صلیب را ایمانداران باید به عنوان بالارفتن در شکوه به نزد پدر درک کنند. به طوری که اکثر مشاهده می‌شود یوحنا اصطلاحاتی بکار می‌برد که معنی دو پهلو دارند.

- ر. ک ۴۴:۶ که در آنجا پدر به سوی پسر می‌کشد.  
- ر. ک ۸:۳۲:۸

- کلمه یونانی قانون که در اینجا تورات ترجمه شده به مفهوم مجموعه نوشته‌های مقدس و روایات است.

- در تأیید این سخنان می‌توان اش<sup>i</sup> مز ۹:۶؛ دان ۱۴:۷ را ذکر کرد ولی بر طبق عقیده عمومی یهودیان تحقیر و سرشکستگی بر روی صلیب قابل تصویر نبود.

- ر. ک ۱۲:۸؛ ۱۲:۹؛ ۴:۹؛ ۵:۴؛ ۳:۳؛ ۳:۳؛ ۷:۹؛ ۹:۱

- منظور از پسران نور کسانی هستند که به وسیله ایمان در قلمرو نور وارد شده و زندگی می‌کنند (افس ۸:۵-۱-تسا ۵:۵). این عنوان در نوشته‌های فرقه اسنيان که در قمران کشف شده فراوان است و در آنجا منظور برگزیدگانی هستند که تورات را دقیقاً بررسی کرده و عمل می‌نمایند.

- این عبارت که در ابتدای وحی درباره خدمتگزار رنجور است (اش<sup>i</sup> ۱:۱) یادآوری و تأکید می‌نماید کلام و عمل خدا که اشعیا بیان خواهد کرد نشیده و بی مانند است. یوحنا این عبارت را در ستایش مسیحیت بکار می‌برد (ر. ک روم ۱۰:۱۶).

- یوحنا سخنان اشعیا<sup>i</sup> ۱۰:۹-۶ (۱۰) را که نخستین الهیانان مسیحی اکثراً بکار برده‌اند (مر ۴:۱۲-۱۱؛ مز ۱۱:۱۰؛ لوقا ۱۰:۸؛ مر ۱۸:۸؛ اع ۲۶-۲۷) به روش مخصوص خود گرفته و مفهوم آن را تشدید کرده است. اشعیا پیامبر در پیام خود اعلام می‌کند که کوری مانع از آن است دل خود را به عمل خدا بگشایند و مسیحیان بر مبنای این پیام ایمان نیاوردن اسرائیل را تفسیر می‌کرددند (ر. ک ۳۹:۹-۱۹:۳؛ ۴۱-۲۱:۹؛ ۱:۹-۱۱).

- به نظر یوحنا شکوه الهی که به اشعیا آشکار می‌شد همان است که از این پس در عیسی خواهد درخشید (ر. ک ۸:۱-۵؛ ۵:۶-۴).

- ایمان ارزش ندارد مگر در صورتی که بدون هیچ ملاحظه و پرواپی باشد تا به جایی که در ملاعیم بیان و اظهار شود که ممکن است منجر به اخراج از جامعه اسرائیل گردد (ر. ک ۹:۲۲-۲۱؛ ۱:۱۶-۴).

سخنی که من گفته ام در واپسین روز بر او داوری خواهد کرد.<sup>g</sup> زیرا من از طرف خودم سخن نمی‌گویم بلکه پدری که مرا فرستاده است او مرا به من آنچه باید بگوییم و بیان کنم، فرمان داده است.<sup>h</sup> و می‌دانم که فرمان او زندگانی جاودان است. پس آنچه من می‌گوییم همان است. بطریکه پدر به من گفته است و من به همان طور می‌گویم.

### شام آخر و شستشوی پاها<sup>h</sup>

<sup>۱</sup> پیش از جشن گذر<sup>i</sup> عیسی که <sup>k</sup> می‌دانست ساعت او برای گذشتن <sup>j</sup> مت ۱۳:۴۵-۱۷:۲۶ می‌باشد. غلام ۲۰:۲۲:۱ یو:۱۶:۱

<sup>۴:۵</sup> زیرا شکوه آدمیان را بیشتر از شکوه خدا دوست داشتند.<sup>c</sup>

<sup>۴:۵</sup> عیسی ندا داده<sup>d</sup> گفت: «هر که به من ایمان آورد، نه به من بلکه به فرستنده من

<sup>۹:۷-۱۷</sup> ایمان آورده است<sup>e</sup> و هر که مرا می‌بیند، فرستنده مرا می‌بیند.<sup>f</sup> من، آن نور، به

<sup>۱۳:۸-۱۹</sup> جهان آمده ام تا همه کسانی که به من ایمان آورند، در تاریکی نمایند.<sup>g</sup> و اگر کسی

<sup>۱۱:۳-۱۷</sup> سخنان مرا می‌شنود و آنها را رعایت <sup>۱۵:۸</sup> نمی‌کند، اورا داوری نمی‌کنم زیرا من

<sup>۱۱:۲-۲۸:۱۱</sup> برای داوری جهان نیامده ام، بلکه برای <sup>۱۳:۲۳-۱۸</sup> مت نجات دادن جهان.<sup>h</sup> هر که مرا طرد کند <sup>۸:۴-۷</sup> لو:۱۶:۲۰ <sup>۸:۳۷</sup> تث ۳۱:۲۶-۲۹ و سخنان مرا نپذیرد داوری کننده ای دارد:

ر. ک: ۵:۴-۶:۴.

<sup>d</sup>- این مجموعه کوچک سخنان که مخصوصاً از گفتارهای عیسی است ظاهراً نتیجه گیری نخستین بخش انجیل است و به اظهارات عیسی در میان مردم خاتمه می‌دهد.

<sup>e</sup>- عیسی به خودی خود و به تنها یک چیز نیست: ارتیاط او با پدر بر این مبنای است که کسی که او را می‌آورد ضمانتاً ایمان خود را به پدر می‌دهد؛ یا به همین گونه می‌توان گفت کسی که او را می‌بیند در او پدر را می‌بیند (ر. ک ۱۰:۳۸:۱۰-۱۳:۳۸:۳۰-۱۹:۵; ۱۴:۱-۷:۱۱).

<sup>f</sup>- کلام مستلزم توجه و اطاعت مستمر و مداوم است (ر. ک مت ۷:۲۷-۲۴:۶ لو:۶:۴-۷). رسالت عیسی منحصراً به خاطر نجات است (۱۵:۸-۱۷:۳) ولی کسی که این رسالت را نمی‌پذیرد خود را به گمراهی محکوم می‌نماید؛ زیرا واقعاً راه دیگری برای رسیدن به خدا وجود ندارد (۵:۲۲-۲۷:۸، ۱۶:۸).

<sup>g</sup>- آنچه را یهودیان درباره قانون تورات گفته و اظهار می‌کردند که قانون تورات در روز داوری میزان محکومیت خواهد بود یوحنا در مورد کلام عیسی می‌گوید (ر. ک ۳۸:۸-۶:۳).

<sup>h</sup>- باهای ۱۲ الی ۱۷ انجیل یوحنا مجموعه ادبی گسترده‌ای است که در آن مطالب مختلفی گردآوری شده است. در ابتداء روایت آخرین شامی که عیسی با شاگردانش صرف نمود و ارتباطی که با موضوع شستن پاها دارد (۱۳:۱-۳۰)، سپس مذاکره طولانی عیسی با اطرافیانش آمده است (۱۳:۱۳-۳۱:۱۷). در این بخش موضوعات متنوعی در کنار یکدیگر قرار گرفته اند: مثلاً به خوبی روشن است که آیات ۱۴-۲۷:۳۱ در ابتداء پایان گفتار وداع بوده و پس از آن بایستی موضوع آمدن اشخاصی که مأمور دستگیری عیسی هستند ذکر شود (۱۸:۱-۱۱). یوحنا باهای ۱۵-۱۷ را در این بخش وارد کرده تا نخستین مذاکره وداع را تشریح نماید (۱۳:۱۳-۳۱:۱۴-۱۲). در باهای ۱۳ الی ۱۷ عیسی به شاگردان خود و از ورای ایشان به ایمانداران همه دورانها خطاب می‌نماید. برای ایشان توضیح می‌هدد در دورانی که با صعود شکوهمند او آغاز می‌شود وضعیت و شرایط آنان چگونه خواهد بود. بنابراین یوحنا بعضی از نگرانیهای مهم مخاطبان را دقیقاً تشریح خواهد کرد و لذا تعجبی ندارد اگر در تعدادی از نکات این باها تقدیم و تأخیر تاریخی تطبیق نمی‌کند. مثلاً یوحنا از زبان عیسی نظر یک فرد ایماندار را پس از رستاخیز بیان می‌نماید که چگونه در بیان قرن اول میلادی با مشکلات کلیسا مواجه است.

<sup>i</sup>- در مورد جشن‌های یهودیان که در انجیل یوحنا ذکر شده به ۴:۶ توضیح مراجعت نمایید. عموماً این شام را که یوحنا روایت می‌کند برابر آخرین شامی بشمار می‌آورند که در انجیل نظیر آمده است. با این همه در اینجا موضوع غذای جشن گذر یا برقراری دعای سپاسگزاری صریحاً ذکر نشده است. دلیل اینکه چرا یوحنا این نکته را ذکر نکرده، نمی‌دانیم. چنین می‌نماید که مخصوصاً ترجیح داده در این باره در باب ششم به تفصیل توضیح دهد.

۶ پس چون به سوی شمعون پطرس آمد،  
وی به او گفت: «خداؤندا، تو پاهای مرا  
می شوی!»<sup>۷</sup> عیسی در پاسخ او گفت:  
«آنچه من می کنم اکنون در ک نمی کنی اما  
۲۶:۱۴؛۱۲:۱۳ بعداً خواهی دانست.»<sup>۸</sup> پطرس به او گفت:  
«نه، هرگز تا به ابد پاهای مرا نخواهی  
شست!» عیسی به او پاسخ داد: «اگر تو را  
نشویم با من سهمی نخواهی داشت.<sup>۹</sup>» ۲- سمو  
۱۰ شمعون پطرس به او گفت: «خداؤندا،  
پس نه تنها پاهایم بلکه همچنین دست‌ها و  
سر را!»<sup>۱۰</sup> عیسی به او گفت: «آن که  
شستشو کرده نیازی به شستن خود ندارد<sup>۱۱</sup>  
بلکه کاملاً پاک است.<sup>۱۲</sup> شما نیز پاک  
۱۳:۱۵ هستید اما نه همه.»<sup>۱۳</sup> چون می دانست  
۴۸:۱ ۷۱-۷۰، ۶۴:۶

از این جهان به سوی پدر فرارسیده است.<sup>۱۴</sup>  
چون به خاصان خود که در این جهانند  
محبت داشت تا پایان محبت نمود.<sup>۱۵</sup> و در  
۲۷:۱۳؛ ۲۰:۲۶ طی شام، چون قبلًاً ابليس به دل یهودای  
۱- یو:۳ اسخريوطی [پسر] شمعون انداخته بود که  
۲۷:۱۳؛ ۲۰:۲۶ او را تسليم کند<sup>m</sup> و [عیسی] می دانست  
که پدر همه چیز را به دست او داده<sup>n</sup> و او از  
۱۴، ۳:۲۲ خدا می آید<sup>o</sup> و به سوی خدا می رود.<sup>p</sup> از  
۳:۳۵:۳؛ ۱:۱ لوسیون پاک شد.<sup>۱۶</sup> مت ۲۷:۱۱  
۲۸:۱۶ سر شام قیام کرده، لباسش را به کناری  
۲۲:۱۰ لوسیون پاک شد.<sup>۱۷</sup> از  
۳:۷:۱۲ گذاشت و حوله ای برگرفته، آن را به  
کمرش گره زد.<sup>۱۸</sup> سپس در طشتی آب ریخته  
۴:۷ شروع به شستن پاهای شاگردان کرد<sup>۱۹</sup> و آنها  
۳:۱۲ را با حوله ای که به کمرش گره زده بود  
خشک کرد.

۱- عیسی کاملاً آگاه است که ساعت او فرامی‌رسد (۴:۲؛ ۲۷، ۲۳:۱۲؛ ۶:۷) و اهمیت و دامنه و قابعی را که آغاز می‌شود  
به خوبی می‌داند و آنها را در کمال آزادی خواهد پذیرفت (۲۸:۱۹؛ ۴:۱۸؛ ۱۰:۱).

۲- کلمه عربی که در زبانهای غربی «عید پاک» ترجمه می‌کنند به معنی عبور و گذر است (خروج ۱۲:۱۲؛ ۱۳-۱۴). چنین به نظر  
می‌رسد وقایعی که عیسی را از وضع حاضر به وسیله گذشت از مرگ به سهم شدن در شکوه پدر می‌رساند در نظر یوحنا (و در  
نظر اطراف‌انش) گذر واقعی است و غیر از عید گذر یهودیان می‌باشد (۱۳:۲؛ ۴:۶؛ ۱۱:۱؛ ۵:۵).

۳- از اینجا به بعد یوحنا تأکید خواهد کرد که معنی و مفهوم عمل عیسی و مخصوصاً مصائب و صلیب او محبت است (۳:۱۳).  
۴- یو:۹:۱۷؛ ۲۳:۱۷-۱:۱- ۱۶:۳-۱؛ ۲۰-۲:۱۶؛ ر. ک ۲۰:۲-۲:۱۷-۱:۱۷؛ قرن ۱۴:۵؛ روم ۸:۵؛ ۳۵:۸؛ افس ۱۹:۳؛ ۲-۱:۵). و قاعی عید گذر آخرین  
صحنه و نشانه والا این محبت است که نجات می‌دهد. [جمله «تا پایان محبت نمود» را می‌توان «به حد کمال محبت  
نمود» ترجمه کرد.]

۵- یوحنا در پشت صحنه تاریخ، حضور قارت فعل شیطانی را نشان می‌دهد (ر. ک ۶:۷؛ ۷:۱؛ ۴:۸؛ ۳:۱؛ ۱۲:۲۷؛ ۱۳:۲؛ ۲۷:۱۳؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۱:۱؛ ۳:۲۲).

۶- ر. ک ۳:۲۵:۳؛ ۲۰-۱۹:۵؛ ۲۰-۱۹:۶؛ ۳۶:۲؛ ۳۷:۶؛ ۲۹:۱۷؛ ۱۷:۱۱؛ مت ۱۱:۲؛ ۲۷:۱۰؛ ۲۲:۱۰.

۷- ر. ک ۲:۸؛ ۴:۲؛ ۲۷:۱۶؛ ۲۸:۱۷؛ ۲۸-۲۷:۱۶؛ ۸:۱۷.

۸- ر. ک ۷:۳۴-۳۳:۳؛ ۲۸:۱۶؛ ۱۵-۱۳:۳؛ ۶:۶.

۹- شستن پاهای کسی عملی پست و موہن بشمار می‌آمد به طوری که حتی این عمل را به برده‌ای یهودی تحمیل نمی‌کردند ولی  
همین عمل در مورد پدر یا نسبت به استاد به عنوان ابراز منتهای تقوی بشمار می‌رفت. رفتار عیسی را در این مورد می‌توان با  
طرز عمل نموده بیامیران مقایسه و تشییه نمود و در اینجا نشانه محبت عیسی است و مرگ او را اعلام می‌نماید (ر. ک آیه ۷).

۱۰- پطرس که بر طبق موازین پیری قضاویت می‌کند (۲۴:۷؛ ۱۵:۸) اجرای این عمل را نسبت به خود نمی‌پذیرد زیرا برخلاف  
تصویری است که از مسیح موعود دارد (ر. ک مت ۲۲:۱۶).

۱۱- پطرس اکنون با پذیرفتن عمل محبت‌آمیز و فروتنی عیسی خود را در خدمت او می‌گذارد (چنانکه جان خود را در این راه  
خواهد داد) و به این ترتیب زندگی جدید را در ک کرده و در آن سهم خواهد شد.

۱۲- در نسخه خطی آمده است: هیچکس نیازی به شستن ندارد به جز پاها: هرچند این متن کوتاه تأیید نشده ولی بیشتر با روش  
نگارش و افکار یوحنا تطبیق می‌کند. در این مورد ممکن است که پطرس جنبه مادی عمل عیسی را در نظر می‌گیرد در صورتی  
که هدف این عمل پاک شدن نیست بلکه مفهوم آن را به وسیله ایمان باشی دریافت. ضمناً امکان دارد در اینجا اشاره ای به  
تعیید وجود داشته باشد.

۱۳- کلمه یونانی که در این مورد بکار رفته هم به معنی «پاک» و هم به معنی «خالص» است.

می خورد پاشنه خود را علیه من بلند کرده است.<sup>a</sup> از هم اکنون آن را به شما می گویم، قبل از آنکه پیش آید، تا ایمان بیاورید من هستم وقتی که فرا رسید.<sup>b</sup> آمین، آمین، به شما می گویم هر که فرستاده مرا بپذیرد، مرا پذیرفته است و هر که مرا بپذیرد، فرستنده مرا را پذیرفته است.<sup>c</sup>

مت:۴۰:۱۰؛ لوق:۳۷:۹؛ غلا:۱۲:۴

**خیانت یهودا**  
(متی:۲۶:۲۰-۲۶؛ مرقس:۱۴:۲۱-۲۱؛  
لوقا:۲۲:۲۱-۲۳)

عیسی این را گفت، روحًا مضطرب گردید<sup>d</sup> و اظهار کرده گفت: «آمین، آمین، به شما می گویم که یکی از شما مرا تسليم خواهد کرد.»<sup>e</sup> شاگردان سردرگم به یکدیگر می نگرند: از چه کسی سخن می گوید.<sup>f</sup> بر سر سفره، یکی از شاگردانش که عیسی او را محبت

یکی او را تسليم می کند. برای همین بود که گفت: «همه شما پاک نیستید.<sup>g</sup>» ۱۲ پس وقتی پاهای آنان را شسته بود لباس خود را در برکرده دوباره نشست و به آنان گفت: «آیا آنچه برایتان کرده ام فهمیدید؟<sup>h</sup> ۱۳ شما مرا استاد و خداوند می نامید و نیک می گویید زیرا همان هستم. ۱۴ پس اگر من که خداوند و استاد هستم پاهای شما را شسته ام، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشوئید.<sup>i</sup> ۱۵ زیرا این نمونه ای است که به شما داده ام تا همچنان که با شما کردم، شما نیز همان کنید.<sup>j</sup> ۱۶ آمین، آمین، به شما می گویم، خادم بزرگتر از خداوند خود نیست و نه فرستاده بزرگتر از فرستنده خود.<sup>k</sup> ۱۷ چون این را بدانید، خوش بر شما اگر چنین کنید!<sup>l</sup> ۱۸ آنچه می گویم درباره همه شما نیست، من آنانی را که برگزیده ام می شناسم.<sup>m</sup> اما برای آنکه نوشته مقدس به تحقق رسد: آن که نان مرا افس:

۷ عمل شستن پاهای که عیسی انجام می دهد متضمن پاک شدن نیست چنانکه یهودا با آنکه شسته شد واقعًا پاک نگردید (ر.ک. ۱-قرن:۲۶:۱۱).

۸- عمل شستن پاهای اشاره و کنایه ای به قسمت اساسی زندگی عیسی و مصائب و صلیب او است، محبت ورزیدن به اندازه ای که پایین ترین خدمت را به خاطر نجات آدمیان می پذیرد. این طرز زندگی مینا و پایه ای برای شاگردان است که چگونه در انجام وظیفه از خداوند پیروی نماید (ر.ک. ۱۲:۱۵؛ ۳۴:۱۳).

۹- ر.ک. مت:۱۰:۲۴؛ لوق:۴:۳۰-۲۴:۲۲ و ضعیت شاگرد یا فرستاده الزاماً بایستی نظری وضعیت عیسی باشد به طوری که آنان را برانگیزید جان خود را در خدمت به برادران خود بدهنند.

۱۰- ر.ک. مت:۷:۲۱، ۲۲:۲۷-۲۴؛ روم:۱۳:۲؛ یوحنا:۲۲:۲۵. یوحنا دانستن را با انجام دادن کاملاً به یکدیگر می پیوندد (ر.ک. ۱۷:۷؛ ۲۱:۳).

۱۱- یعنی آنان را که واقعًا برگزیده ام (و یهودا از آنان نیست)، یا اینکه: من دلهای آنان را که برگزیده ام می شناسم و آنچه را که آماده می شود می دانم (که بیشتر محتمل است چنین تفسیر شود. ر.ک. ۷۰:۶).

۱۲- یوحنا به روش مخصوص خود مز:۱۰:۱۰ را بکار می برد: «آن کس که نان مرا می خورد» یعنی آن کسی را که من پذیرا شده ام و با من زندگی می کند (ر.ک. مر:۱۴:۱۸). «پاشنه خود را علیه کسی بلند کردن» یعنی رفتاری خصمانه داشتن و در صدد نابودی برآمدن.

۱۳- گرچه خیانت یکی از شاگردان موجب حیرت و شگفتی است، این نکته که عیسی آن را اعلام می کند شاگردان دیگر را دلگرم می کند زیرا نشان می دهد که عیسی همه چیز را می داند و زندگی او با مشیت خدا که در نوشته های مقدس آمده تطبیق می نماید. (درمورد عبارت «من هستم» ر.ک. ۲۴:۸؛ ۲۸:۲۸).

۱۴- ر.ک. مت:۱۰:۴۰؛ مر:۹:۳۷؛ لوق:۱۶:۱۰؛ رسانیت شاگردان کاملاً در ادامه رسالت عیسی است (۲۱:۲۰).

۱۵- ر.ک. ۳۳:۱۱؛ ۲۷:۱۲. [عبارت «اظهار کرده» را می توان «شهادت داده» ترجمه نمود].

پنداشتند که عیسی ب او گفته بود: «آنچه برای جشن لازم داریم بخریما چیزی به بینوایان بد». <sup>۳۰</sup> همین که لقمه را خورد، خارج شد. شب بود.<sup>h</sup>

لو ۵۳:۲۲؛ ۱۲:۸

## آخرین گفتگو

<sup>۳۱</sup> پس وقتی که او خارج شد، عیسی گفت: «اکنون پسر انسان شکوه یافته و خدا در او شکوه یافته است<sup>i</sup>؛ <sup>۳۲</sup> اگر خدا مت در او شکوه یافته است، خدا نیز او را در خود شکوه خواهد داد<sup>j</sup> و به زودی او را شکوه خواهد داد<sup>k</sup>. <sup>۳۳</sup> ای فرزندان کوچک، اندک زمانی<sup>۱</sup> باز با شما هستم. <sup>۳۴-۳۳:۷</sup> مرا جستجو خواهید کرد و همچنان که به

می کرد<sup>e</sup> به عیسی تکیه دارد.<sup>f</sup> <sup>۲۴</sup> پس <sup>۲۰:۲۶؛ ۱۹:۲۰</sup> شمعون پطرس به او اشاره می کند تا بداند آن کیست که درباره اش حرف می زند. <sup>۲۵</sup> او بر سینه عیسی خم شده می گوید: «خداوندا او کیست؟» <sup>۲۶</sup> پس عیسی پاسخ می دهد: «همان که برایش لقمه را خیسانده و به او خواهم داد<sup>g</sup>.» پس لقمه را خیسانده آن را به یهودا [پسر] شمعون اسخريوطی <sup>۲۷</sup> می دهد. <sup>۲۰:۲۱؛ ۱۷:۵</sup> و بعد از لقمه، شیطان در او <sup>۳:۲۲</sup> داخل شد. پس عیسی به او گفت: «آنچه می کنی هر چه زودتر بکن». <sup>۲۸</sup> اما هیچ یک از آنانی که سر سفره نشسته بودند نفهمیدند چرا این را به او گفت. <sup>۲۹</sup> چون <sup>۱۲:۶</sup> یهودا کیسه پول را با خود داشت برخی

- این شاگرد که نام او هرگز ذکر نشده ظاهراً مورد محبت عیسی بوده و بنابراین به نیات او وارد است. این شاگرد بی نام در چندین جای انجیل یوحنا در ذکر وقایع مهم و اساسی دیده می شود (<sup>۲۰:۷، ۷؛ ۲۱:۲۰؛ ۲۷-۲۶:۹؛ ۲۰:۲-۲۰؛ ۱۵:۱-۱۵؛ ۱۶:۱؛ ر.ک ۲۹:۱-۱۹؛ ۳:۳۷:۵؛ ۲:۹؛ ۳:۳۸، ۳۵:۱۰؛ ۲:۹؛ ۱۷:۵؛ ۱۷:۹). چهره او مرموز و معتمای است: نمونه فرد ایماندار (تنها شاگردی که در لحظه مرگ عیسی پای صلیب است) و اکثراً او را در ارتباط با پطرس یا در همچشمی با او ذکر کرده اند (ر.ک ۲۰:۲-۲۰). معلوم نیست آیا انجیل نگار چهره ای نمونه و ممتاز بوجود آورده یا به وسیله او شخصیتی را ارائه می نماید که نقش مهم تاریخی ایفا کرده است.</sup>

- ترجمه تحت الفظی: در کنار عیسی دراز کشیده بود. بنا به رسوم رومیان و یونانیان مهمانان بر روی شکچه های تزئینی دراز کشیده و بر روی بازوی چپ تکیه می کردند. بنابراین شاگردی که در سمت راست عیسی موقعی که به طرف او خم می شود نزدیک به سینه او قرار می گیرد. این عارت همچینین به مفهوم سادگی و صداقت در روابط دوستانه است (ر.ک ۱۸:۱).

- ر.ک ۱۰:۱۸ توضیح <sup>n</sup> و ۲۷:۱۲ توضیح <sup>w</sup>. مجدد یوحنا با این تذکر یادآوری و تأکید می کند که عیسی ابتکار پذیرفتن مصائب و مصروف شدن را دارد. منظور از لقمه قطعه ای از غذا است و معلوم نیست که نان باشد. با این همه برخی از مفسران تصور می کنند که منظور نانی است که در دعای سپاسگزاری داده می شود. (کلمه یونانی *psomion* که در این مورد لقمه ترجمه شده بعدها در کلیساهای مشرق در مورد نان مقدس بکار برده شده است).

- این تذکر «شب بود» مخصوصاً جنبه رمز و اشاره دارد. ساعت قدرت ظلمات است (لو ۲۲:۵۳؛ ۳۵:۲؛ ۳:۳؛ ۲:۲؛ ۹:۴؛ ۱۰:۱۹؛ ۱۱:۱۰).

- ر.ک ۱۴:۱ توضیح <sup>u</sup> و ۱۱:۴ توضیح <sup>k</sup>. در نوشته های مقدس شکوه عبارت از تجلی و تظاهر خدا است. عیسی با دادن جان خود عملی را که پدر به او محول کرده است انجام داده و به پایان می رساند و این عمل در نهایت فرمانبرداری است که گواه وحدت او با پدر و نشانه الوهیت او است، ضمناً پدر را ظاهر ساخته و اورا شکوهمند می کند.

- جمله «اگر خدا در او شکوه یافته است» در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد.

- در کلمه اکنون که در آیه ۳۱ آمده و مربوط به سرنوشت نهایی بشریت است موضوع دوچانبه ای وجود دارد؛ بدین معنی که عیسی با اطاعت کامل در حملت تا مرحله مرگ که با فروتنی انجام می دهد خدا را شکوهمند می سازد و خدا با سهیم کردن او با خود یعنی شرکت دادن او در شکوه جاودانی خود و تجلیل او پاسخ می دهد (ر.ک ۱۷:۵، ۲۲، ۲۳:۱۲؛ ۲۴:۲؛ ۲۸:۱۵؛ ۱۳:۱۴).

- ترجمه تحت الفظی: برای اندکی. ر.ک ۷:۳۳ توضیح <sup>d</sup>.

به کجا می روی؟» عیسی پاسخ داد: «به جایی که می روم تو اکنون نمی توانی به دنبال من بیایی اما بعداً به دنبال من خواهی آمد.»<sup>۳۷</sup> پطرس به او گفت: «خداؤندا مکانی که می روم تو اکنون نمی توانی به دنبال تو بیایم؟ من لو چرا اکنون نمی توانی به دنبال تو خواهد بود.»<sup>۳۸</sup> عیسی جانم را به خاطر تو خواهم داد.»<sup>۳۹</sup> عیسی پاسخ داد: «تو جانت را به خاطر من خواهی داد؟ آمین، آمین، به تو می گویم خروس بانگ خواهد زد پیش از آن که تو سه بار مرا انکار کرده باشی.»<sup>۴۰</sup>

يهودیان گفته ام به جائی که من می روم، شما نمی توانید بیایید.<sup>m</sup> به شما نیز اکنون همان را می گویم.

<sup>۳۴</sup> به شما فرمانی نوین می دهم<sup>n</sup> که یکدیگر را محبت نمایید. همچنان که من شما را محبت نموده ام<sup>o</sup>، شما نیز یکدیگر را محبت نمایید.<sup>p</sup> بدین طریق همه خواهند دانست که شما شاگردان من هستید<sup>q</sup> از اینکه به یکدیگر محبت داشته باشید.»

لو ۱۵:۱۲، ۱۶:۲۷-۲۶:۱۰  
۱- یو ۲:  
۱۰:۱-۷  
۲۳:۱۱:۳  
۱۹:۱۰:۴  
۳:۱:۵  
۵- یو ۲:  
۲۳:۹:۲  
۲۶:۶  
۳۲:۴  
۱- یو ۱۴:۳

(متی ۳۱:۲۶؛ ۳۵-۳۱:۲۶؛ مرقس ۱۴:۲۷-۲۷:۳۱)

لو ۲۲:۲۲؛ ۳۴-۳۱:۲۶؛ ۳۶:۳۵:۷  
۱۹-۱۸:۲۱  
لو ۳۴-۳۱:۲۲

شمعون پطرس به او گفت: «خداؤندا

-شکوهمندی عیسی با عزیمت او یعنی با مرگ او (صعود او به آسمان) به نقطه اوج می رسد، توضیح آیه ۲۸:۸ را ملاحظه کنید. این عزیمت که به یهودیان اعلام شده (۲۱:۷ و ۲۱:۸) اورا از شاگردان خدا خواهد کرد: باستی ارزش و اهمیت این غیبت را در ک نمود (۱:۱۴، ۲۸:۲۸، ۱۶:۱۶، ۲۰:۲۲-۱۹). ولی عیسی به وسیله عزیمت و بازگشت به نزد پدر واقعاً در نزد شاگردان حضور خواهد داشت (۱:۱۴).<sup>m</sup>

<sup>n</sup>- در دنیای مشرکان نیز نظریه دنیای اسرائیل (۱۸:۱۹) به دلایل مختلف دوستی و خدمت متقابل را بین افراد سوده و توصیه می کردند. فرمان عیسی تارگی دارد، بدؤاً به این دلیل که برای ورود به جمعیتی که معتقد به واپسین روز داوری نهایی است شرط ضروری و اساسی می باشد. همچنین بدن سب که مستلزم ابراز فروتنی و اراده به خدمت می باشد به طوری که افراد پایین ترین مقام را گرفته و برای دیگران جان خود را فدا کنند. از این پس این محبت نشانه حضور خدا در جهان خواهد بود (ر.ک ۲۳-۲۱:۷).

<sup>o</sup>- طرز زندگی عیسی نه تنها شیوه و قواعدی را ارائه می کند بلکه امکان زندگی کامل با محبت برادرانه و تهدیب متقابل را پایه گذاری می کند. یوحنای برخلاف انجیل نظری از محبت نسبت به همنوع سخنی نمی گوید بلکه محبت متقابل بین شاگردان است.

<sup>p</sup>- محبت در جامعه ای به منتهای شکوفایی می رسد که در آن جامعه مبالغه بخشش و پذیرش وجود داشته باشد.

<sup>q</sup>- وقتی که محبت برادرانه وجود داشته باشد والترین نشانه حضور محبت خدا در زندگی آدمیان است (ر.ک ۱۷:۱۷، ۱۵:۲۳).

<sup>r</sup>- پطرس سخنان عیسی را درست در ک نکرده و به همان معنی می گیرد که یهودیان در ۳۵:۷ و ۲۲:۸ در ک می کردند (ر.ک ۲۲:۸ توضیح g): او متوجه بود که عزیمت عیسی بازگشت او به سوی پدر است. چنین به نظر می رسد دستوری را که در مورد فعالیت شاگردان پس از عزیمت عیسی است نشانده و مجددأ به اظهاراتی که در ۳۳:۱۳ مطرح شده برمی گردد (ر.ک مت ۳۱:۲۶-۳۳:۲۶، ۱۴:۲۹-۳۱:۲۶-۲۹:۱۴).

<sup>s</sup>- زیرا عیسی پس از شکوهمندی خواهد آمد تا او را بازیابد (۱:۱۴). پطرس در ایمان با همبستگی با عیسی خواهد زیست. ممکن است عیسی در اینجا اشاره به مرگ پطرس می نماید (۲۰-۱۸:۲۱) ولی کلمه «بعداً» به مطالب آیات ۳-۲:۱۴ برمی گردد یعنی بازگشت عیسی بین کسان خود به وسیله روح القدس.

<sup>t</sup>- عزیمت عیسی و دورنمای تنها ماندن در وسط دنیا ای از دشمنان در روحیه شاگردان اضطراب عمیقی ایجاد می کند که ممکن است به کلی آنان را فرآگیرد (۲۷:۱۴). عیسی به آنان دلگرمی داده و نشان می دهد که عزیمت او موجب خواهد شد ارتباط و همبستگی نزدیکتری با او و با پدر داشته باشند در حالی که روح القدس از ایشان حمایت خواهد کرد.

کجا می روی، پس راه را چگونه  
می دانیم!»<sup>۶</sup> عیسی به او گفت: «من هستم  
راه<sup>۷</sup> و راستی و زندگانی<sup>۸</sup> و هیچ کس  
به سوی پدر نمی آید مگر از طریق من.  
اگر مرا می شناختید، پدر مرا نیز  
می شناختید. از هم اکنون او را  
می شناسید و او را دیده اید.<sup>۹</sup>»<sup>۱۰</sup> فیلیپس  
به او گفت: «خداوندا، پدر را به ما نشان  
خروج<sup>۱۱</sup> ۱۸:۳۳

آورید.<sup>۱</sup> در خانه پدرم<sup>۷</sup> مسکن‌های بسیار است و گرنه آیا به شما می‌گفتم می‌روم تاجائی برایتان تهیه کنم<sup>۸</sup>؟<sup>۹</sup> و اگر بروم جائی برایتان تهیه کنم، باز آمده شما را به نزد خود خواهم برد تا آنجا که من هستم، شما نیز باشید.<sup>۱۰</sup> و به جایی که من می‌روم شما راه آن را می‌دانید.»<sup>۱۱</sup> توما به او گفت: «خداوندا نمی‌دانیم به

۱- این عبارت را می توان به طریق دیگر ترجیح کرد: به خدا / ایمان داشته باشید یا اینکه: شما به خدا / ایمان دارید و به من ایمان دارید. ایمان عبارت از اطمینان داشتن به خدا است که با کمکی که می دهد خود را آشکار می کند. به وسیله ایمان حتی بر اضطراب فایق می آیند. خصوصاً از این پس اطمینان نسبت به عیسیٰ خواهد بود که پسر مجسم خدا است و ظاهر نهاده است (رس. ک. ۳:۵؛ ۳۸:۸؛ ۴۶:۷-۸).

۷- چون خانه جایی است که به طور ثابت اقامت می‌کنند این کلمه در مورد معبد اورشلیم بکار برده می‌شد که محل حضور خدا در میان قوم خود بود (خروج ۳۳:۷؛ ۴۰:۳۴؛ ۳۸:۲؛ ۱۳:۱۴-۱۵؛ سمو:۷؛ ۶:۱۰) که در ۱۷:۲ نقل شده است؛<sup>۱</sup> بعداً این تصویر برای نشان دادن کبریائی وجود الهی بکار برده شده است: مثلاً خواهند گفت که خانه خدا در آسمانها مستقر شده است.

W- مفهوم این عبارت را می‌توان چنین استنباط کرد: وگرنه آیا به شما می‌گفتم می‌روم تا جایی را که شما در آنجا خواهید بود آماده کنم. یا اینکه وگرنه به شما می‌گفتم می‌روم... عیسی با گذشت در شکوه تضمنی می‌نماید که تمام ایمانداران جاودانه در همبستگی با پدر، در زندگی جدید باشند (ر. ک ۳:۳ توضیح n: ۱۴:۱، ۵:۱؛ ۲۱:۴؛ ۲۳-۲۱:۸؛ ۳۵:۸). در این متن تقاضی بین حبیگاه‌ها نظر نباشد.

X- بازگشت عیسی برای اینکه کسان و نزدیکان خود را در وضعیت شکوهمندی سهم کند به نظر بوحنا منحصر به پایان روزگار نخواهد بود (ر.ک مت ۱۶:۲۷؛ ۲۵:۳۱؛ ۲۵:۲۷؛ ۱-۱۶:۴؛ ۱-۱۶:۱۷-۱۷:۲۶؛ ۱۶:۲۲؛ ۱۶:۲۲؛ مکا ۲۰:۱۷؛ ۲۰:۱-۱-یو ۲۸:۲۸)، بلکه از زمان تشکیل کلیسا است (۱۴: ۱۸؛ ۲۳، ۲۳؛ ۲۸: ۱۵؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷؛ ۱۳، ۱۳-۱۶؛ ۳۰: ۳۰). افعالی که در این عبارت به طرز شکفت آوری به زمان حال و آینده به طوری که عیسی می گوید (یعنی وفایعی که پس از مرگ او برای جمعیت ایمانداران روی خواهد داد) برای بوحنا و خوانندگان او از هم اکنون زمان حال می باشد. ر.ک ۱۳: ۱ توضیح h.

- تصویر راه دراز و دشواری که اسرائیل پیموده و در این باره با ایمان به خدا و به پشتیبانی او به سرزمین موعود بر سرده تصویری کهن و اشاره به دوران خروج از مصر است (تث: ۳۰-۳۳؛ ۲-۱؛ ۸-۲؛ ۷-۱؛ ۲۰-۲۱؛ ۷۷-۷۷؛ ۱۰-۱۱). بعد این تصویر در مورد قوانین تورات بکار برده شده و نشان می دهد چه طریق را خداوند تعیین نموده است تا قوم خود را به پاداش جاودانی برساند (تث: ۴-۳۲؛ ۵-۲۵؛ ۱۰-۱۲۸؛ ۱۱-۱۴۷؛ ۱۲-۰-۲؛ باروخ: ۱۳-۳؛ ۳۷-۱۴؛ ۱۴-۳؛ ۱۵-۱) در نوشته های عهد جدید باز هم همین تصویر بکار برده شده ولی تغییر یافته است. بدین معنی که عیسی برای گام برداشتن بطبق دستور خدا و برای ملاقات با خدا روش جدیدی می آورد (مر: ۸-۳؛ مت: ۱۶-۲۴؛ لوق: ۹-۲۳؛ عبر: ۱۰-۲۰) به طوری که مسیحیت را در آغاز طریق یا راه می نامیدند (اع: ۲-۹؛ ۱۸-۲۲؛ ۲۴-۲۵؛ ۱۸-۲۲) ولی این اصطلاح در انگلی بوحنا معنی عمیق تری می گیرد، بدین معنی که عیسی فقط راهی نیست که به وسیله آموخت او به زندگی هدایت می شوند بلکه راهی است که به پدر هدایت می کند زیرا خود احقيقیت و زندگی است (و. ک: ۹-۱۰).

- عیسی حقيقة است زیرا به عنوان پسر مجسم خدا برای آدمیان ابراز کامل پدر می باشد و او را (۱۷:۱، ۱۴:۱، ۸:۱) به وسیله فعالیت خود و گفتار خود به آدمیان می نشاند. بدین گونه ایمانداران را در همبستگی با پدر وارد می کند که کمال و تحقق زندگی واقعی است (۱۷:۳؛ ۱:۶؛ ۳:۴؛ ۱:۶؛ ۶:۶؛ ۴:۳؛ ۴:۶؛ ۳:۷، ۴:۰، ۶:۳؛ ۱:۱؛ ۲:۵). به نظر یوحنا بازگشت عیسی به منظور شرآkt دادن کسان خود دشکه، متحصل به یهیان، وزگا، نیست.

۸- در بعضی از نسخه های خطی چینی آمده است: آنکه شبا مرا می شناسید پدر مرا هم می شناسید. در عیسی که بر روی زمین است و خود را در واقعیت عید گذر کاملاً می شناساند کاملاً خدا را می توان شناخت.

می‌گوییم آن کس که به من ایمان دارد، همان کارهایی را خواهد کرد که من می‌کنم و از آن بزرگتر نیز خواهد کرد زیرا مت ۱۰:۸ و آنچه به نام لو ۲۱:۲۱ من به سوی پدر می‌روم<sup>f</sup> و آنچه به نام لو ۶:۱۷ من درخواست کنید انجام خواهم داد<sup>g</sup> تا پدر در پسر شکوه یابد.<sup>h</sup> آگر شما ۲۳:۱۳ چیزی از من به نام من بخواهید آن را ۱۱:۷-۷:۷ اع ۱۶:۳ انجام خواهم داد.

### نوید روح القدس

۱۵ آگر مرا محبت می‌کنید، فرمانهایم را تث ۶:۴-۶:۹ رعایت خواهید کرد<sup>i</sup> و من از پدر ۱۶:۱۱-۱۱:۱۱ وی همانند پطرس (۳۸:۳۶-۱۳:۱۳) و توما ۱۶:۱۶ توضیح<sup>j</sup> واقعاً عیسی را نشناخته است و با آنکه با آنان درخواست خواهم کرد و او مدافعت<sup>k</sup> دیگری ۱۰:۱۵-۱۰:۱۱ یو ۲:۳-۳:۵ ایمان بیاورید.

۱۰ ۱۲:۱۲-۱۲:۴۵ با شما هستم و تو مرا نمی‌شناسی ای کول ۱:۱۵-۱:۱۵ فیلیپس؟ آن که مرا دیده است، پدر را ۳:۱-۳:۱ بنسی ۴:۱۴ دیده است. چرا می‌گویی: پدر را به ما نشان ده؟<sup>l</sup> آیا ایمان نداری که من در ۱۰:۳۸-۱۲:۴۹ پدر هستم و پدر در من است؟ سخنانی را که من به شما می‌گویم از خودم نیست<sup>m</sup> که آنها را بر زبان می‌آورم. پدر که در من می‌ماند، کارهای خود را انجام می‌دهد.<sup>n</sup>

۱۰ ۱:۱۰-۳۷:۳۸ به من ایمان آورید که من در پدر و پدر درمن است و گرنه به خاطر این کارها ۱۰:۱۷-۱۰:۱۱ آمین، آمین، به شما ایمان بیاورید.

b- در مورد دیدن و ایمان ر. ک ۳:۹ توضیح<sup>o</sup>. فیلیپس عمیق ترین اشتیاق آدمی را اظهار می‌کند (۱:۱۲-۱۲:۲۲)، اشتیاقی که فقط عیسی می‌تواند اجابت و تأمین نماید (۱:۱۱-۱۱:۶). ولی فیلیپس هنوز این نکته را در کم تکرده است. تفاوت دارد در مورد شخصیت عیسی در اشتیاه است.

c- سرتاسر زندگی عیسی، گفتار و عمل او موقعیتی برای تجلی و ظاهر کامل پدر است زیرا به وسیله همیستگی توصیف نابذیری با او یکی است (۱۷:۵-۱۰:۳۰). البته در اینجا گفته نشده است که از این پس به جای خدا عیسی بشر می‌باشد.

d- ر. ک ۱۷:۷-۱۷:۸؛ ۱۸:۱۲-۱۸:۵-۴۹:۸-۵۰:۴-۴۹:۷-۱۷:۷ ر. ک- در اینجا منظور مجموعه اعمال نجات است که حساس ترین آنها ارائه نشانه ها می‌باشد (۴:۱۱-۱۸:۵).

e- آنچه شاگردان انجام خواهد داد کارهای شگفت انگیز و حیرت آور نیست بلکه از روح القدس که مسیح اعطای می‌کند به فعالیت درمی‌آیند و به دنیا گواهی خواهند داد تا ایمان بیاورد (۱:۱۷-۲۱:۲۳). عمل مهم و بزرگی که در رسالت عیسی انجام می‌شود ایجاد جمعیتی از ایمانداران یعنی کلیسا است که در دنیا حضور داشته و بر او گواهی دهنده. «زیرا من به سوی پدر می‌روم» بدان معنی است که عمل خداوند از طریق شاگردان عیسی و به وسیله آنان گسترش خواهد شد (۱:۱۷-۱۷:۱۷).

g- کلمه نام در اینجا معرف شخصیت مسیح در موقعیت شکوهمندی او است و قدرتی که باید زندگی آدمیان را تغییر دهد. شاگردان اعمال مهی را که بتوانند انجام خواهند داد یا با انکا به او از او درخواست خواهند کرد انجام دهد (ر. ک ۱۶:۱۵-۱۶:۲۳-۲۴، ۲۴:۲۶، ۲۴-۲۳:۱۶) که در آنچا سخن از نیایش به پدر با یاد کردن نام عیسی است: ۱- یو ۱۴:۵-۱۰:۱-۱:۱۷-۱۷:۱۷ مشیت او است).

h- عمل مسیح که به نیایش پاسخ می‌دهد نشانه شکوهی است (یا قدرت روحی است) که پدر به پسر عطا نموده و بنابراین نشانه شکوه پدر است (۱:۱۷-۱:۱۶، ۱۴:۱-۵).

i- کلمه یونانی که در اینجا «تسلی بخش» ترجمه شده اصلاً واژه‌ای قضایی و به معنی کسی است که برای کمک به متهم و دفاع از او در دادگاه تعیین می‌شود. بنابراین نخستین مفهوم این کلمه و کل مدافع است و با توجه به این معنی مفاهیم تسلی بخش یا واسطه و میانجی پیدا می‌شود. این کلمه در عهد جدید فقط در نوشته‌های یوحنا آمده که گاهی به مفهوم روح القدس (۱:۱۴-۱۶:۱۴) و زمانی به معنی مسیح است (۱- یو ۱:۲-۶:۲۶-۲۶:۱۵-۱۶:۱۵-۱۶:۷) بعضی از مفسران این کلمه را نزدیک به کلمه دیگری که در اع ۴۰:۴ و ۱- ۱:۳-۳:۱ آمده دانسته اند که در مورد تشویق افراد مسیحی به پایداری در میان دشوارهایا است. در اینجل یوحنا بیشتر جنبه قضایی مفهوم کلمه مطرح است بدین معنی که در محاکمه گستره ای که دنیا علیه شاگردان بربرا کرده و بیرونی می‌کند روح القدس شاگردان را یاری می‌نماید (۱۶-۴:۱۵) ولی در هر مورد که این کلمه بکار برده شده ممکن است اثری از مفاهیم دیگر که در بالا ذکر شده کمابیش وجود داشته باشد.

پدرم خواهد بود و من به او محبت خواهم کرد و خود را به او نمایان خواهم ساخت.» اع ۴۱:۴۰-۴۱

۲۲ یهودا، نه آن اسخربوط<sup>۹</sup>، به او گفت: «خداوندا چه شده است که تو خود را به ما خواهی نمایاند و نه به جهان؟!»<sup>۱۳</sup> عیسی پاسخ داد و به او گفت: «اگر کسی به من محبت دارد سخن مرا رعایت خواهد کرد و مکا:۳:۲۰

امث:۸:۱۷؛ قرن:۶:۱۶؛ افس:۳:۱۷ پدرم به او محبت خواهد کرد و ما به سوی او خواهیم آمد و نزد او خواهیم ماند.<sup>۱۴</sup>

۲۴ آن که به من محبت نمی کند، سخنان مرا رعایت نمی نماید و سخنی که شما می شنوید از من نیست، بلکه از پدر که مرا فرستاده است. این را به شما گفته ام در حالی که نزد شما می ماندم<sup>۱۵</sup> اما آن مدافع،

۱۷ به شما خواهد داد تا جاودانه با شما باشد.<sup>۱۶</sup> روح حقیقت که جهان نمی تواند بپذیرد زیرا اورانه می بیند و نه می شناسد<sup>k</sup>، اما شما او را می شناسید زیرا نزد شما می ماند و در شما خواهد بود.<sup>۱۷</sup> من شما را یتیم خواهیم گذاشت. به سوی شما می آیم.<sup>۱۸</sup> بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا خواهد دید. اما شما مرا خواهید دید زیرا من زنده ام و شما نبایز زنده خواهید بود.<sup>m</sup><sup>۱۹</sup> در آن روز<sup>n</sup> خواهید شناخت که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.<sup>۲۰</sup> آن که فرمانهای مرا دارد و رعایت می کند<sup>p</sup> کسی است که مرا محبت می کند و آن که مرا محبت می کند مورد محبت بنسی<sup>۲۱</sup>:۱۷؛ ۲۷:۱۶؛ ۲۶:۱۷؛ ۱۴:۴

ز- اعطای روح القدس بدون محدودیت زمانی است، این موهبت همیستگی با مسیح را که روح القدس را عطا می کند تأمین می نماید (ر.ک مت ۲۰:۲۸).

ک- روح القدس به وسیله کسی که حقیقت است عطا شده و شاگردان را یاری می کند تا در امر معرفت پیشرفت کنند (۱۳:۱۶) و درباره او گواهی دهند (۲۷:۱۵)؛ ر.ک ۱-یو:۶:۵) و دروغ است (۴۴:۸) (۱-یو:۵) و دروغ است (۴۴:۸)

۱- در بعضی از نسخ خطی این عبارت چنین است: زیرا نزد شما جای دارد و در شما است.

m- در حالی که جهان فقط با وسائل خود قادر نخواهد بود عیسی را در ماورای مرگ او درک نماید (۳۴:۷؛ ۲۱:۸) شاگردان حضور مسیح برخاسته از مرگ را تجربه خواهد کرد (گاهی ترجمه می کنند: شما مرا زنده خواهید دید) و در زندگی جدید او سهیم خواهند شد: همچنین کسانی که بر مبنای گواهی ایمان خواهند آورد. این شناخت و این شرکت در زندگی مسیح برخاسته از مرگ در نظر یوحنا زندگی جاویدان بشمار می آید.

n- «در آن روز» عبارت و اصطلاح معمولی در نوشته های عتیق برای بیان فرارسیدن پایان روزگار و داوری نهایی است (اش:۲:۱۵؛ زک:۲:۱۴؛ ار:۴:۲-۱:۲). پایان روزگار با صعود عیسی و رستاخیز عیسی آغاز می شود و ایمانداران در آن شرکت دارند. آنچه مهم و اساسی است از هم اکنون داده شده ولی دورنمای پایان آن هنوز گشوده باقی می ماند.

o- فقط به وسیله روابطی که شاگردان را با عیسی پیوند می دهد می توان حقیقت رابطه ای را که عیسی را با پدر متحده می کند درک و کشف نمود.

p- در اینجا عباراتی را که بکار رفته و به معنی مضاعف شناختن و پایداری رعایت کردن فرمانها است می توان با کلمات مضاعف گوش دادن و به خاطر نگهداشتن (۴۷:۱۲) و گوش دادن و ایمان آوردن (۴:۵) مقایسه نمود. این اطاعت بیان محبت و ایمان است. بدین وسیله می توان عملآمحبت پدر را از ورای تظاهرات مسیح درک نمود. گاهی کلمه رعایت می کند را ترجمه می کنند: نگه می دارد.

q- ر.ک لو:۶:۱۶ توضیح h: اع ۱۳:۱؛ شاید منظور تدی است که در مت ۱۰:۳؛ مر:۳:۱۸ آمده است.

r- پیش از وقایع عید گذر شاگرد عیسی هنوز درک نمی کند که نوع دیگری از وجود هم امکان دارد که شناخت دیگری به همراه داشته باشد.

s- عیسی به طور غیرمستقیم به سوال پاسخ داده و اظهار می کند که او و پدرش جای خود را به نزد کسانی برقرار خواهد کرد که با رعایت سخن او محبت خود را واقعاً اظهار نمایند. بدین گونه آنچه ایمانداران عهد عتیق اشتیاق داشتند تحقق خواهد پذیرفت (ر.ک ۱-پاد:۸:۲۷؛ حرق:۳۷:۲۶؛ زک:۲:۱۴).

به شما گفته ام تا وقتی روی دهد ایمان بیاورید.<sup>x</sup> ۳۰ دیگر با شما زیاد سخن

نخواهم گفت زیرا رئیس این جهان<sup>۱۸:۱۰-۳۸:۶</sup> می آید.<sup>y</sup> البته علیه من هیچ [قدرت]<sup>z</sup><sup>۱۱:۱۶</sup>

ندارد<sup>۳۱</sup> اما برای اینکه جهان بشناسد که من پدر را محبت می کنم و برابر هر آنچه به

من فرمان داده است عمل می کنم.<sup>a</sup> مت ۲۶:۴۶-۴۲:۲۶ مر ۱۴:۴۲

برخیزید! از اینجا برویم.<sup>b</sup>

### عیسی، تاک راستین

۱۵ <sup>۱</sup> من تاک<sup>c</sup> راستین هستم و پدرم با غبان<sup>d</sup> است.<sup>e</sup> هر شاخه ای در من

این ارتباط کامل با رسالت او دارد. به نظر یوحنا روح القدس را گاهی پدر می فرستد (۱۴:۱۶، ۱۵:۱۴-۲۶) و گاهی مستقیماً به وسیله

شود عیسی فرستاده می شود (۲۶:۱۵).<sup>f</sup> ۱۶-شگردانی که در زندگی زمینی عیسی شرکت داشته اند (۲۷:۱۵؛ اع ۲:۱۱) آنچه را که گفته و انجام داده است به یاد دارند. روح مسیح برخاسته از مرگ آنان را هدایت خواهد کرد تا معنی عمیق اعمال اورا دریابند (۲۲:۲؛ ۱۶:۱۲). بدین گونه با راهنمایی به درک حقیقت عیسی و مفهوم چیزهایی که مربوط به او است، روح القدس همه چیز را می آموزد (ر.ک ۲:۱۵-۱۳:۱۶).

۱۷- درمورد مفهوم کلمه ای که آرامش ترجمه شده ر.ک لو ۹:۱۰ توضیح ز و روم ۵:۱ توضیح <sup>۱</sup> ا. در انجلیل یوحنا آرامش همواره با شخص عیسی و حضور او بیوسته است (۳۳:۱۶-۲۷:۱۴).

۱۸- این عبارت را نمی توان از محتوای مطالب دیگر و از مجموعه اندیشه های یوحنا جدا کرد؛ منظور روابطی نیست که پدر را با پسر در ارتباط کامل بپوند می دهدن (۳۰:۱۰-۱۹:۵)، بلکه اطاعت پسر که موجب شکوهمندی او به وسیله پدر خواهد

شد و منبع زندگی برای شگردان است (ر.ک ۷:۱۶).<sup>g</sup> ۱۹- مقایسه و سنجش سخنان عیسی و واقعی که روی می دهد شگردان را رهبری خواهد کرد درک جدیدی از حقیقت بیابند

یعنی روح القدس، که پدر به نام من خواهد فرستاد<sup>a</sup> وی همه چیز را به شما خواهد

آموخت و آنچه را به شما گفته ام به شما یادآوری خواهد کرد.<sup>b</sup> آرامش به شما

می دهم، آرامش<sup>c</sup> خود را به شما می بخشم.

چنان که جهان می دهد من به شما نمی دهم.. دلتان مضطرب و هراسان نشود.

۲۸ شنیده اید که به شما گفته ام: من می روم و به سوی شما می آیم. اگر به من محبت

می کردید شادی می کردید که نزد پدر

می روم، زیرا پدر از من بزرگتر است.<sup>w</sup>

۲۹ اکنون [این را] پیش از آن که روی دهد

۳۰- فرستادن روح القدس به وسیله پدر پاسخ به درخواست عیسی (یا به وسیله او) است (۱۴:۱۶-۱۳:۱۶؛ ۱۷:۲۰-۱۱:۱۳).

این ارتباط کامل با رسالت او دارد. به نظر یوحنا روح القدس را گاهی پدر می فرستد (۲۶:۱۵).

۳۱- شگردانی که در زندگی زمینی عیسی شرکت داشته اند (۲۷:۱۵؛ اع ۲:۱۱) آنچه را که گفته و انجام داده است به یاد دارند.

روح مسیح برخاسته از مرگ آنان را هدایت خواهد کرد تا معنی عمیق اعمال اورا دریابند (۲۲:۲؛ ۱۶:۱۲). بدین گونه با راهنمایی به درک حقیقت عیسی و مفهوم چیزهایی که مربوط به او است، روح القدس همه چیز را می آموزد (ر.ک ۲:۱۵-۱۳:۱۶).

۳۲- درمورد مفهوم کلمه ای که آرامش همواره با شخص عیسی و حضور او بیوسته است (۳۳:۱۶-۲۷:۱۴).

۳۳- این عبارت را نمی توان از محتوای مطالب دیگر و از مجموعه اندیشه های یوحنا جدا کرد؛ منظور روابطی نیست که پدر را با

پسر در ارتباط کامل بپوند می دهدن (۳۰:۱۰-۱۹:۵)، بلکه اطاعت پسر که موجب شکوهمندی او به وسیله پدر خواهد

شد و منبع زندگی برای شگردان است (ر.ک ۷:۱۶).

۳۴- مقایسه و سنجش سخنان عیسی و واقعی که روی می دهد شگردان را رهبری خواهد کرد درک جدیدی از حقیقت بیابند

۳۵- ر.ک ۲:۱۵-۱۳:۲؛ ۱۶:۱۹-۲۲:۲).

۳۶- جهان و کسی که آن را اداره می کند هیچ حقیقی بر عیسی ندارند زیرا بی گناه است (۱۷:۱۴؛ ۸:۸-۴:۴). مصائب و مصلوب شدن

نتیجه اراده آزادانه عیسی است که بدین گونه اطاعت کامل و محبت خود را نسبت به پدر ابراز می نماید (۴:۳-۳:۳؛ ۵:۳-۶:۳).

۳۷- ر.ک ۱۳:۳ توضیح <sup>i</sup>.

۳۸- در این بند نخستین گفتگوی عیسی با شگردانش به پایان رسیده و قاعداً روایت مصائب و مصلوب شدن (با بهای ۱۸-۱۹)

بایستی آغاز شود، ر.ک ۱۳:۱۱ توضیح <sup>j</sup> ۱:۴-۱:۱۴ و ۴:۲-۴:۲.

۳۹- تصویر درخت رُز (مو، تاک) اکثراً به قوم اسرائیل اطلاق می شده تا نشان داده شود که مورد محبت و قوم برگزیده است: این درخت که به وسیله خدا کاشته شده و محافظت می گردد بایستی شمره عدالت و تقدیس به بار آورد ولی اگر به انتظار الهی پاسخ

ندهد در داوری پایان روزگار تهدید به نابودی خواهد شد (اش ۱:۵-۷؛ ۲:۱۲؛ حرق ۸:۱۵-۱:۸؛ ۱۹:۱۰-۱:۱۴؛ مر ۱:۱۲-۱:۹؛ ۲:۱۶-۳:۲۱؛ لوق ۶:۹-۶:۱۰؛ مت ۱:۲۰-۱:۱۶؛ ۲:۲۱-۳:۲۸؛ ۲:۲۱-۳:۳۲؛ لوق ۱۳:۶-۶:۱۰). در انجلیل یوحنا این تصویر مشروحاً توضیح داده

شده و بسط یافته بدین معنی که درخت رُز حقیقی (که برخلاف اسرائیل کهن است) عیسی است و شگردان که به وسیله ایمان

اساساً به او وابسته اند بایستی شمارتی بار آورند.

۴۰- ر.ک ۱-۱ قرن ۳:۶-۹.

خشک می شود، و آنها را جمع کرده در آتش می اندازند و می سوزند.<sup>k</sup> اگر در

من بمانید و سخنان من در شما بماند آنچه:<sup>l</sup> ۲۳:۱۶؛ ۱۳:۱۴

می خواهید، بطلیید و به شما خواهد رسید.<sup>۱</sup> ۱۴:۵

این پدرم را شکوهمند می سازد که شما می بینید.<sup>m</sup> ۱۶:۵

میوہ بسیار بیاورید و شاگردان من خواهید فی<sup>n</sup> ۱۴:۱۵

بود.<sup>۹</sup> همچنان که پدر مرا محبت کرده،<sup>۱۰</sup> ۱۵:۱۴

من نیز شما را محبت کرده ام<sup>۱۱</sup> در محبت من بمانید.<sup>۱۰</sup> اگر فرمانهای مرا رعایت

کنید در محبت من خواهید ماند همچنان<sup>۱۲</sup> ۲۹:۸؛ ۳۸:۶

که من فرمانهای پدرم را رعایت کرده ام و<sup>۱۳</sup> ۱۵:۱۴

در محبت او می مانم.<sup>۱۰</sup>

که میوہ نیاورد<sup>e</sup> آن را می کند<sup>f</sup> و هر مت:۱۰:۳  
شاخه ای که میوہ آورد آن را هرس می کند ۱۳:۱۵

تا بیشتر شمر دهد.<sup>۳</sup> به خاطر سخنی که به

شما گفته ام شما هم اکنون پاک هستید.<sup>۹</sup> ۱۰:۱۳

در من بمانید همچنان که من در شما.<sup>۱۴</sup> ۵:۷-۵:۶

همان گونه که شاخه به خودی خود، اگر بر روم ۱۱:۱۷؛ ۱۸:۱۷

تاك نماند نمی تواند شمر دهد، شما نیز فی<sup>۱۳:۲</sup>

اگر در من نمانید!<sup>۱۵</sup> من تاک هستم<sup>۱</sup> شما

شاخه ها آن که در من بماند و من در او،<sup>۱۶:۱۵</sup> ۱:۱۲

میوہ بسیار می آورد زیرا جدا از من هیچ نمی توانید بکنید.<sup>۱۶</sup> اما اگر کسی در من

نماند او را مثل شاخه بیرون می اندازند و حرق ۱:۱۵

مت:۱۰:۳

۴۲:۱۳:۱۹:۷

- عبارت «در من» را می توان به دو نوع تعبیر و درک نمود: یا هر شاخه ای که در من شمره نمی آورد... در اینجا ثمره با اشاره به ایمان واقعی (ر.ک ۱۴:۲۱) و شهادتی است که ادا می کند (درمورد اهمیت رسالتی ثمره ها ر. ک ۳۸:۳-۳۰ و ۲۲:۱۲).

f- به همان گونه که شاخه درخت رز در زندگی تنہ درختی که به آن متصل است سهیم می باشد فرد ایماندار با پیوستن به مسیح در زندگی واقعی یعنی زندگی خدا شرکت دارد: این مشارکت او را ملزم می کند برطبق روش تازه ای که عیسی ابراز کرده است زندگی نماید.

g- واژه یونانی که «هریس کردن» ترجمه شده می توان پاک کردن یا تصفیه کردن ترجمه نمود. پاک کردن اساساً به وسیله ایمان به کلام یا آموزش عیسی انجام می شود که مشیت خدا را در مورد نجات عرضه می کرد (۱۰:۱۳).

h- ماندن برای آدمی عبارت از آن است که به آنچه در گذشته داده علاقمند بوده، در زمان حال به آن علاوه داشته و آینده را به اقتضای آن در نظر بگیرد. فرد ایماندار نیز به همین معنی در کلام می ماند (۸:۳۱) چنانکه در محبت (۱۰:۹-۱۵)، در روشنایی (۱۱:۱۰) و در خدا می ماند (۱۱:۴-۱۳:۱۰). بالعکس از نظر خدا و عیسی، ماندن به مفهوم ادامه موهبت های نجات است که به ایمانداران عطا شده است (۱۱:۳-۹:۳؛ ۲:۷؛ ۱۵:۴-۹:۳). فرد ایماندار به وسیله وفاداری زندگی خود را بلاعوض به مسیح می پیوندد که در او موبیت های خدا جاودانه عطا شده است، این وفاداری متضمن قدم برداشتن در راه ایمان است.

i- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده و رز ترجمه کرده ایم هم به معنی درخت مو و هم تنہ/ین درخت است.

j- البته نمی توان ارزش خاص اقدامات بشری را نفی کرد و نادیده گرفت، با این همه بایستی اذعان کنیم که این اقدامات به خلاء و پوچی می انجامد اگر کسانی که آنها را انجام می دهند در همیستگی با مسیح نباشد زیرا فقط مسیح می تواند به زندگی ایشان ارزش جاودانی بدهد (ر.ک ۳:۱). ر.ک ۶:۶ توضیح f.

k- همانظور که شاخه بی حاصل را بزیده و از بین می بزند به همان گونه شاگرد و پیرو بی وفا از جامعه مسیح برکنده می شود و از مشارکت در حقیقت دنیای فرامیان محروم خواهد شد.

l- فرد ایماندار به سبب پیروی ثابت از عیسی و فرمابنده ای از هیچ ترسی از آینده احساس نمی کند زیرا می داند که نیایش او بر مبنای معنویات الهی است مسلمان شیوه شده و پشتیبانی خواهد شد، ر.ک ۱۴:۱۳ توضیح g.

m- شکوه پدر که در عیسی تجلی می کند همچنین در کسانی که به سبب وابستگی به او شمره هایی بیار می آورند تجلی می نماید.

n- محبت عیسی نسبت به پدر که توانم با اطاعت است با محبت پدر که او را شکوهمند می کند تطبیق می نماید. این محبت پایه و والاترین نمونه زندگی مسیحی است که از این پس با محبت ابراز خواهد شد.

o- محبتی که پاسخ به محبت مسیح است عملاً به وسیله رعایت دستورات او اظهار می شود (۲۱:۱۵، ۱۴:۱۵)، یعنی اجرای فرمانی که درباره محبت متقابل است (۱۳:۱۲؛ ۳:۲۴؛ ۱:۲۲-۲:۸؛ ۳:۲-۳:۱؛ ۱:۲-۲:۲).

من شما را برگزیده‌ام<sup>۱۰</sup> و شما را گمارده‌ام<sup>۷</sup> تا بروید و میوه بیاورید و میوه<sup>۸</sup>:  
شما بماند.<sup>۹</sup> بدین طریق آنچه از پدر به تث<sup>۶</sup>:  
نام من بخواهد آن را به شما خواهد داد.<sup>۱۰</sup> روم<sup>۶</sup>:  
فرمان من به شما این است که یکدیگر<sup>۱۱</sup> ۲۳:۳-۲:  
را محبت کنید.<sup>۱۲</sup>

## نفرت جهان

اگر جهان از شما نفرت دارد، بدانید مت<sup>۹:۲۴</sup>:  
که پیش از شما از من نفرت داشته است.<sup>۱۳</sup>  
اگر شما از جهان بودید، جهان آنچه از آن او است<sup>۱۴</sup> دوست می‌داشت اما چون از جهان نیستید و من که شما را برگزیده‌ام،<sup>۱۵</sup> ۱۶:۱۶-۱:  
۱۷

<sup>۱۱</sup> این را به شما گفته‌ام تا شادی من در شما باشد و شادی شما به کمال برسد.<sup>۱۶:۱۳-۱۷</sup>  
<sup>۱۲</sup> این است فرمان من: یکدیگر را محبت کنید، همچنان که من شما را محبت کرده‌ام.<sup>۱۳</sup> هیچ کس محبتی بزرگتر از این ندارد که جانش را به خاطر دوستانش بدهد.<sup>۱۴</sup> شما دوستان من هستید، اگر همان بکنید که به شما فرمان می‌دهم.<sup>۱۵</sup>  
دیگر شما را خادمان<sup>۱۶</sup> نمی‌خوانم، زیرا خادم نمی‌داند خداوندش چه می‌کند، بلکه شما را دوستان خوانده‌ام زیرا هر آنچه از پدرم شنیده‌ام، آنها را به شما شناساندم.<sup>۱۷</sup> شما مرا بر نگزیده‌اید، بلکه

P- شادی نشانه زندگی شکوفا می‌باشد و در عهد عتیق از مختصات دوران نجات و آرامش پایان روزگار بشمار آمده است (اش<sup>۴:۹</sup>: ۱۰:۳۵؛ ۱۲:۵۵؛ ۱۰:۶۵؛ ۱۸:۶۵؛ ۴:۳؛ صف<sup>۲۶</sup>: ۱:۵-۳). همین موضوع مجدد در انجیل‌ها پیدا شده است (مت<sup>۹:۲۴</sup>: ۲۱:۲۵؛ ۲:۲۳؛ لع<sup>۱:۳</sup>: ۱۰:۲؛ ۱۰:۲)؛ به نظر یوحنا شاگردان از مرگ برخاسته است سهیم هستند زیرا زندگی جدیدی را می‌گذرانند؛ این شادی باستی آدمی را فرآگیرد و بدین گونه به نوعی تمامیت برسد (ر.ک<sup>۱:۱۳-۱۷</sup>: ۱-۲؛ ۴:۲؛ ۱۲:۱۶-۲۰؛ ۱۶:۱۴؛ ۲۸:۱۴).<sup>۱۸</sup>

Q- اگر مرگ مسیح بر روی صلیب آخرین اظهار محبت او نسبت به پدر بوده (۳۰:۱۴)، ضمناً اوج محبت او نسبت به کسانی است که به دوستی خود پذیرفته است (۱:۱۳). این نکته پایه و مبنای قواعد محبت برادرانه است.<sup>۱۹</sup>  
R- برده مجری دستوراتی است که اهمیت و معنی آنها را درک دوست با اطلاع کامل از دستورات اطاعت می‌نماید؛ عیسی با شاگردان خود همچون دوست رفتار کرده و تمام منوبات پدر یعنی محبت بی پایان اورا بر آنان آشکار کرده است. بنابراین اطاعت ایشان که عمل محبت است عملی آزادانه بشمار می‌آید (ر.ک<sup>۸:۳۶-۳۱</sup>: ۳۶-۳۱ با توجه به اختلاف خدمتگزار - پسر و ارتباط آزادی - شناخت حقیقت).

t- گرچه اظهارات عیسی به تمامی و کامل است ولی فقط به وسیله موهبت روح القدس درک خواهد شد (ر.ک<sup>۱۳:۱۶</sup>).  
U- گرچه وجود هر محبتی مستلزم انتخاب آزادانه متقابل است با این همه یوحنا امتیاز مطلق/انتخاب عیسی را بیاد آوری و تأکید نموده و بدین گونه نکته مهمی از عهد عتیق را بیاد آوری می‌کند (تث<sup>۷:۶-۷</sup>: عا<sup>۲:۳</sup>: ۷، ۱۵؛ اش<sup>۸:۴۱</sup>: ۲:۴۴؛ ۲۰:۴۳؛ ۲:۴۵؛ ۹:۶۵؛ ۴:۴۵؛ ۲۲، ۱۵، ۱۵؛ ۲:۱۷) که انجیل نظیر به خوبی می‌شناشد (مر<sup>۳:۳</sup>: لع<sup>۱:۱۳</sup>؛ ۱۲:۱۶). در انجیل یوحنا انتخاب عیسی بیان انتخاب پدر است (۴:۶-۷). انتخاب جاودائی در اینمانی که به ندای آسمانی پاسخ داده شده بارز می‌گردد.

V- فعلی که در اینجا بکار برده شده و «گماردن» ترجمه گردیده نظیر واژه برابر عبری به معنی «قباردادن کسی در مأموریتی» است در حالی که وسائل اجرای مؤثر آن را در اختیارش بگذارند (ر.ک<sup>۲:۲-۲؛ ۲۸:۲۰؛ ۱:۴؛ ۱۲:۱۶؛ ۱۱:۱</sup>). بنابراین شاگردان به وسیله موهبتی از سوی خداوند مأموریتی دریافت کرده‌اند (۲۲:۱۵).

W- هدف این رسالت شرکت دادن آدمیان در زندگی جاودان است که در عیسی عطا می‌شود (ر.ک<sup>۳۶:۴</sup>).  
X- نیایشی که با اعتماد و توکل عیسی را به کمک می‌طلبید جنبه اساسی دوستی و رسالت است. مؤثر بودن مأموریت رسولان اصولاً وابسته به این موضوع است (ر.ک<sup>۱۴:۱۶؛ ۲۴:۱۳؛ ۱۴:۱۳</sup>).

Y- شاگردان که پیوند حیاتی با عیسی دارند ستم‌هایی را که کینه و خصوصت مردم جهان علیه او می‌انگیزند با مشقت تحمل می‌کنند؛ دشمنی دنیا در برابر خدا منظره اصلی تاریخ نجات بشمار می‌رود و هیچکس را از آن گریزی نیست (ر.ک<sup>۴:۵</sup>: ۷:۷).  
Z- ر.ک<sup>۷:۷</sup>.

آنان<sup>f</sup> کارهای نکرده بودم که هیچکس مز:۴۱:۹؛۳۶:۶  
دیگر نکرده، گناهی نمی‌داشتند، اما اکنون مت:۱۰:۱۳  
دیده‌اند و از ما نفرت دارند، هم از من و مز:۲۵:۱۰  
هم از پدرم. <sup>۲۵</sup> اما این به خاطر تحقیق یافتن  
سخنی است که در تورات<sup>g</sup> آنان نوشته شده است: آنان بیهوده از من نفرت مز:۱۹:۳۵  
دارند.<sup>h</sup> روم:۴:۶  
<sup>۲۶</sup> چون آن مدافع که من از سوی پدر مز:۲۶:۱۴  
برایتان خواهم فرستاد بباید، روح راستی که مت:۲۰:۱۹:۱۰  
از پدر می‌آید<sup>i</sup> برای من شهادت خواهد داد.<sup>j</sup> اع:۳۲:۵  
لو:۲:۱؛۲۱:۱؛۲۲:۱؛۲۱:۵  
اع:۱؛۳:۲؛۵  
یو:۴:۴؛۱  
زیرا از آغاز با من هستید.<sup>k</sup>

از جهان برداشته‌ام، بدین سبب جهان از مت:۱۰:۲۴؛ شما نفرا دارد.<sup>a</sup> <sup>۲۰</sup> سخنی را که به شما گفته‌ام ببیاد آورید: خادم بزرگتر از خداوند نیست. اگر مرا آزار داده‌اند، شما را نیز آزار خواهند داد<sup>b</sup>، اگر سخن مرا رعایت کرده‌اند<sup>c</sup> سخن شما را نیز رعایت خواهند کرد.<sup>d</sup> اما همه اینها را به سبب نام من با شما خواهند کرد زیرا کسی را که اع:۱۱:۵؛ مت:۴:۵؛ اع:۴۰:۵  
مرا فرستاده است، نمی‌شناسند<sup>e</sup> اگر نیامده بودم و با آنان حرف نزده بودم، گناهی نمی‌داشتند اما اکنون عذری بر گناه خود ندارند.<sup>f</sup> هر که از من نفرت دارد، از لو:۱۶:۱؛۲۳:۵  
لو:۱۰:۱؛۲۳:۵  
یو:۲:۲ پدر من نیز نفرت دارد.<sup>g</sup> <sup>۲۴</sup> اگر در بین

- ر. ک ۱۴:۱۷ .a

- b رک ۱۶:۱۳؛ مت:۱۰:۲۴؛ ۲۵-۲۴:۱۰. ستم و شکنجه‌هایی را که شاگردان متحمل می‌شوند نشانه واقعی تعلق ایشان به مسیح است که در سرنوشت او سهیم شده‌اند. این وقایع آنان را به هیچ وجه دلسرد نکرده بلکه پا بر جا و استوارشان می‌نماید (ر. ک ۱-۷:۶؛ ۱۲:۴-۱۹).

- c ترجمه دیگر: اگر مواظب سخن من بوده‌اند مواظب سخن شما هم خواهند بود. d- شاگردان عیسی به وسیله وابستگی به او که آنان را برگزیده است با ذکر نام عیسی و به نام او سخن گفته و عمل می‌کنند، بنابراین وقتی که شاگردان را تعقیب و شکنجه می‌کنند می‌خواهند بر او صدمه وارد کنند (ر. ک مر:۱۳:۱۳؛ مت:۲۰:۱؛ لو:۱۷:۲۱؛ مک:۲:۳؛ ۳:۲؛ ۸:۳).

- e- بالاترین گناه عبارت از نفی خدا است که در عیسی تجلی می‌نماید (به وسیله سخنان و به وسیله اعمال خود؛ ر. ک ۸:۲۱؛ ۲۴:۲). زیرا گفتار عیسی که زندگی شاگردان بر آن گواهی می‌دهد آدمی و جهان را به طوری که در برابر خدا هستند نشان می‌دهد (ر. ک ۲۱:۳ توضیح:۵؛ ۱۶:۵-۵:۱۱). کسانی که ایمان ندارند با کیهنه توزی واکنش کرده و اظهار خواهند کرد.

- f- ترجمه دیگری که می‌توان تصویر کرد: در میان آنان، ر. ک ۱۴:۱۰؛ ۱۲:۸.

- g- منظور از این کلمه به مفهوم کلی مجموعه نوشته‌های مقدس است (ر. ک ۱۰:۳۴؛ ۸:۱۰).

- h- متنی که در اینجا تقل شده از دو منبع گرفته شده است: مز:۱۹:۳۵؛ ۵:۶۹؛ شکایت و ناله بینوایانی را که به وسیله قدرتمندان و شیران ستم کشیده و زنج می‌برند عیسی در مورد خود بکار می‌برد (در بعضی محاذی مزمو ۶۹ را با مفهوم مسیحایی تفسیر می‌کردند).

- i- روح القدس که منعیث از پدر است به وسیله مسیح شکوه یافته که بدان کاملاً پیوند دارد فرستاده شده است (ر. ک ۱۶:۵-۵:۱۵؛ ۱۷-۱۵:۱۴؛ ۲۶-۲۵؛ ۱-یو:۳:۲؛ ۲۴:۳؛ ۱۳:۴؛ ۶:۲؛ ۱:۲۶-۲۵؛ ۱:۲۶-۲۵؛ ۱:۲۶-۲۵ توضیح:۶). ر. ک ۱۴:۲۶

- j- روح القدس در برابر شاگردان بر عیسی گواهی می‌دهد و به وسیله ایشان در برابر جهانیان گواه است (۱۶:۵-۵:۱۵).

- k- گواهی این فرستادگان عمل کسانی است که از آغاز رسالت عیسی در زندگی او شرکت داشته‌اند (ر. ک ۲۱:۱؛ اع:۵-۵:۱۵)، ولی این گواهی در عین حال عمل روح القدس حققت است که برای ایشان ذکاوت عمیق مسیح را فراهم می‌کند و به گفتار این مردان نیزی واقعی و حقیقت را می‌دهد (ر. ک ۵:۳۲).

نمی پرسد: « به کجا میروی؟ »<sup>۶</sup> اما چون این را به شما گفتم، اندوه، قلبیتان را پُر می کرد.<sup>۷</sup> با این وجود من راستی را به شما می گویم: به نفع شماست که من بروم، زیرا اگر نروم، آن مدافعت به سوی شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را برایتان خواهم فرستاد.<sup>۸</sup> همین که او بباید، جهان را درباره گناه و عدالت و داوری سرزنش اع خواهد کرد.<sup>۹</sup> درباره گناه: زیرا به من ایمان ندارند.<sup>۱۰</sup> درباره عدالت: زیرا به سوی پدر می روم و شما دیگر مرا نخواهید دید.<sup>۱۱</sup> درباره داوری: زیرا رئیس این جهان داوری شده است.<sup>۷</sup> باز [سخنان] بسیار دارم که به شما

<sup>۱</sup> این را به شما گفتم تا دچار لغزش نشوید.<sup>۲</sup> شما را از کنیسه ها بیرون خواهند کرد<sup>m</sup> و حتی ساعتی فرا می رسد که هر کس شما را بکشد خواهد پنداشت که خدا را پرستش می کند.<sup>۳</sup> و این را خواهند کرد زیرا نه پدر را شناخته اند و نه مرا.<sup>۴</sup> اما این را به شما گفتم تا وقتی که ساعت آنها فرا برسد<sup>۵</sup>، به یاد آورید که من آن را به شما گفته ام.<sup>P</sup>

## عمل روح القدس

از آغاز این را به شما نگفتم زیرا باشما بودم.<sup>۵</sup> اکنون به سوی آن کسی می روم که مرا فرستاده است و هیچ یک از شما از من

- گاهی ترجمه می کنند: تا در آزمایش از پا در نیاید (ر. ک مر ۶:۴-۶:۹). کلمه یونانی skandalon که در اینجا بکار رفته به معنی دام، تله و به طور کلی هر مانع است که موجب سقوط شود. این کلمه در زبان کتاب مقدس به مفهوم چیزی است که ایمان را در معرض آزمایش قرار دهد. کینه توزی چهانیان علیه عیسی و نزدیکان او مشکلاتی بر می انگیرد که ممکن است ایمان شاگردان را به معرض آزمایش درآورند. عیسی پیشایش در گفتار خود معنی این آزمایش را در مشیت خدا بیان کرده و بنابراین خواهند توانست پیروزمند از این آزمایش بدر آیند (ر. ک ۶:۶-۶:۱۲).

- در روایتی که شاید مربوط به فرقه غبوران باشد گفته می شود: هر کس خون کافری را بریزد همچون کسی است که قربانی تقدیم نماید (لومری رایا ۴:۲۱)؛ به همین گونه ستم و شکنجه هایی که اعمال می شد شکل و صورت مذهبی می گرفت.

- در اینجا یوحنا اشاره به وقایعی می کند که خوانندگان او به خوبی با آنها آشنا هستند زیرا در معرض شکنجه و تعقیب قرار دارند (ر. ک ۱۲:۲۲-۱۲:۲۲).

- ر. ک ۲۲:۲ توضیح h و ۲۹:۱۴ توضیح x.

- دورنمای عزیست عیسی در بین شاگردان اندوهی ایجاد می کند (ر. ک ۲۰:۱۶-۲۲:۱۶) که هر اندیشه دیگری را تحت الشاعع قرار می دهد ولی هنگامی که بتوانند معنی و مفهوم این عزیست را درک نمایند بر اندوه فائق خواهند آمد.

- بهتر آن است که عیسی بروز زیرا با عزیمت او و بلند شدن بر روی صلیب باز می گردد تا به وسیله روح القدس شاگردانش را همراهی کرده و به آنان زندگی ببخشد (ر. ک ۱۴:۲۱-۱۴:۲۲).

- محکومیت و اعدام فجیع و ننگین عیسی قاعده ای به نظر مردم باستی دلیل شیادی و گناه او بشمار آمده باشد و در نتیجه حقانیت چهانیان باشد ولی مداخله روح القدس (که مخصوصاً گواهی شاگردان مشخص می نماید) وضعیت را دگرگون خواهد کرد بدین معنی که نشان می دهد عیسی پس از مرگ شکوه یافته و بدیسان حقیقت دعوی و حقانیت عیسی آشکار گردیده است و به طرز مسلم و قاطع نداه جهان و محکومیت اداره کننده جهان را ثابت خواهد کرد.

- گناه جهان قبل از هر چیز تپذیرفتن ایمان به عیسی و در نپذیرفتن روشناهی است (ر. ک ۳:۱۹-۱:۲۱، ۸:۳۶، ۸:۲۱-۲:۲۴، ۹:۴۱).

- واقعه گذر عیسی به نزد پدر به وسیله صلیب (۱۳:۱۳-۲:۲۰، ۲۰:۳-۳:۲) پایان دورانی است که در آن مدت شاگردان از دیدن بهره می برندند (۱۴:۱۶-۱۶:۱۹، ۱۷:۱۹، ۱۷:۳۴)، این واقعه گواه قاطعی بر بی گناهی و حقانیت عیسی (ر. ک ۸:۴۶) و بنابراین حقیقت آموزش او است.

- پیروزی عیسی الزاماً متضمن شکست و محکومیت قاطع کسی است که جهان را اداره می کرد (ر. ک ۱۲:۱۶-۱:۳۱، ۳:۳۳-۳:۱۶).

که به ما می‌گوید: بعد از اندکی<sup>c</sup> دیگر مرا مشاهده نمی‌کنید و بعد از اندکی مرا خواهید دید؟ و نیز من به سوی پدر می‌روم؟»<sup>۱۸</sup> پس آنان گفتند: «این اندک که می‌گوید چیست؟ نمی‌دانیم دربارهٔ چه می‌گوید.»<sup>۱۹</sup> عیسی که فهمید می‌خواهند از او بپرسند به آنان گفت: «در بین هم<sup>۱</sup> لو<sup>۴۵:۹</sup> درباره آنچه به شما گفتم جستجو می‌کنید.

من گفته‌ام: بعد از اندک [زمانی]<sup>d</sup> دیگر مرا مشاهده نمی‌کنید و بعد از اندکی مرا خواهید دید.<sup>۲۰</sup> آمین، آمین، به شما می‌گوییم: شما خواهید گریست و نوحه گری<sup>۱:۱۶</sup> مر<sup>۳۵:۵</sup> لور<sup>۱:۱۱</sup> خواهید کرد و جهان شادمانی خواهد نمود. مکا<sup>۱:۱۱</sup>

شما اندوه‌گین خواهید بود اما اندوه شما به شادی بدل خواهد شد.<sup>d</sup><sup>۲۱</sup> رون به هنگام اش<sup>۸:۱۳</sup> زادن، اندوه دارد زیرا ساعتش فرارسیده<sup>۱:۸-۱:۷:۲۶</sup> میک<sup>۹:۴</sup> است اما وقتی کودک تولد یافت دیگر رنج<sup>۱:۳:۵</sup> روم<sup>۲:۸</sup>

بگوییم<sup>w</sup> اما اکنون نمی‌توانید آن را تحمل کنید.<sup>۱۳</sup> پس وقتی بباید، آن روح راستی،<sup>۲۸:۱۴</sup> روم<sup>۴:۲۵</sup> شما را به سوی راستی<sup>x</sup> کامل رهنمون<sup>۳:۱:۱۲</sup> خواهد شد<sup>y</sup>. زیرا از خود نخواهد گفت<sup>۳:۲:۳</sup> بلکه آنچه را شنیده همان را خواهد گفت و<sup>۱:۳:۲۶</sup> آینده را به شما نوید خواهد داد.<sup>۲:۲۶:۱۵</sup> او مرا<sup>۲:۷:۲</sup> اش<sup>۱۳:۵:۲</sup> شکوه خواهد بخشید، زیرا آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما نوید خواهد داد.<sup>۱۰:۱۷</sup> همین سبب به شما گفتم آنچه از آن من است می‌گیرد و به شما نوید خواهد داد.

### از اندوه به شادمانی

<sup>۱۶</sup> «بعد از اندک [زمانی]<sup>d</sup> دیگر مرا مشاهده نمی‌کنید و بعد از اندکی خواهید دید.<sup>b</sup><sup>۱۷</sup> پس برخی از شاگردانش به یکدیگر گفتند: «منظورش از این چیست

- با آنکه عیسی همه چیز را به شاگردان اظهار کرده بود (۱۵:۱۵) روح القدس ایشان را در دورانی که فرامی‌رسد همراهی خواهد کرد و در مشکلاتی که بیش آید با توجه به سخنان عیسی راهنمایی خواهد کرد. فعل تاب آوردن اکثراً در اوضاع و احوال مصائب و مصلوب شدن عیسی بکار بردش شده است (۱۷:۱۹؛ لو<sup>۴:۴۶-۱۱:۲۷:۱۴</sup>؛ غلا<sup>۲:۲۵</sup>) و در اینجا بدان معنی است که شاگردان بایستی برطبق موهبت روح القدس مرگ و شکوهمند شدن عیسی را در ک نموده و در آن شرکت داشته باشند (ر. ک<sup>۷:۱۳</sup>، ۷:۱۳).

- در عهد عتیق این کلمه در مردم قانون تورات بکار بردش شده است: ر. ک<sup>۵:۲۵</sup>.

- موهبت روح القدس شاگردان را به درک کامل حقیقت که در پسر تجلی می‌کند خواهد رساند. به همان گونه مسیح پیوسته به پدر مراجعه کرده و از پدر سخن می‌گوید که او را فرستاده است (۱۸-۱۷:۷؛ ۲۰:۱۰-۱۹:۵؛ ۱:۱۴:۴۹؛ ۱:۱۲:۲۷؛ ۱:۱۳:۴۹).

- روح القدس به سر مراجعه می‌کند. الهام و اظهار جدید دیگری غیر از آنچه مسیح داده است وجود خواهد داشت.

- منظور این است که خواهد گفت با توجه به آنچه در عیسی تحقیق می‌یابد پایان روزگار چگونه صورت خواهد گرفت.

- روح القدس مسیح را شکوهمند می‌کند زیرا شاگردان را به شناختن حقیقت که در او تجلی می‌کند هدایت خواهد کرد و در عین حال با شکوهمند ساختن و متجلی کردن پدر عمل خود را به پایان می‌رساند. وحدت الهام کلام خدا بدین گونه پیدا شود.

- در این عبارت فعل دیدن با دو زمان مختلف بکار بردش شده: چنانکه گویی بوحنا یادآوری می‌کند طرز دیدن عیسی در این دوران که به پایان می‌رسد (ر. ک<sup>۱:۱۴</sup>؛ ۱۹:۱۴) غیر از منظره‌ای است که بس از شکوهمند شدن به شاگردان ارائه خواهد شد.

- دوران جدید دارای این مختصات خواهد بود که به طرز عمیق تر و نافذتری پسر تن یافته و شکوه یافته را خواهد شناخت.

ر. ک<sup>۲:۲</sup> توضیح<sup>h</sup>.

- در مورد کلمه/اندکی ر. ک<sup>۷:۲۱:۸؛ ۳۳:۱۳</sup>؛ عیسی با این عبارت تزدیک شدن پایان عمل خود بر روی زمین و بازگشت به سوی پدر را اعلام می‌کرد. در مورد عدم تفاهم شاگردان ر. ک<sup>۱:۳:۳۶</sup> توضیح<sup>i</sup>.

- ناپدید شدن عیسی موجب اندوه شدید شاگردان خواهد شد در صورتی که کسانی که عليه او هم پیمان شده بودند شادی و پیروزی را خواهند شناخت، ولی در پرتو روشنایی رستاخیز شاگردان متوجه خواهد شد که شکست ظاهري عیسی و مرگ او در حقیقت شکوه یافتن و پیروزی او است همچنان که داوری کسانی است که او را محکوم کرده بودند. بر اثر این وقایع وضعیت جدیدی برای عیسی و طرفداران او ایجاد خواهد شد که آنان را سرشار از شادی خواهد کرد.

سخن نخواهم گفت بلکه در آن وقت  
آشکارا از پدر به شما نوید خواهم داد.<sup>۱</sup>  
۲۶ در آن روز به نام من سؤال خواهید کرد و <sup>۲۳:۱۶</sup>  
به شما نمی‌گوییم که من از پدر برای شما  
سؤال خواهم کرد.<sup>۲۷</sup> زیرا خود پدر شما را  
<sup>:۲۳-۱۲:۱۴</sup>  
محبیت می‌کند چون که شما مرا محبت  
می‌کنید و ایمان دارید که من از نزد خدا  
بیرون آمدہ ام.<sup>۲۸</sup> من از پدر بیرون شده و <sup>۳:۱۳:۱۱</sup>  
به جهان آمدہ ام. باز جهان را ترک می‌کنم  
و به سوی پدر می‌روم.<sup>۲۹</sup> شاگردانش به او  
گفتند: «اینک حال آشکارا صحبت می‌کنی  
و دیگر هیچ مثل نمی‌گویی!»<sup>۳۰</sup> اکنون  
می‌دانیم که تو همه چیز را می‌دانی و نیازی <sup>:۴۸:۱</sup>  
نداری که از تو سؤال کنند.<sup>۱۱</sup> از این رو <sup>:۱۹:۱۶</sup>  
ایمان داریم که تو از خدا بیرون آمدہ ای.»

- دردهای شدید زایمان (اش ۴:۳-۲۱؛ ار. ۳:۳۰؛ هو: ۹:۴؛ میک ۹:۹) یا بدنبال آمدن انسان جدیدی به شادی تبدیل خواهد  
شد: این تصویر در نوشته‌های عهد عتیق در مورد وقایع در دنیاکی بکار برده شده که مقدمه دوران مسیحیاتی هستند  
(اش ۲۶:۱-۶؛ ۲۰:۲-۷؛ ۶۶:۱۴-۷؛ ر. ک مر ۱۳:۸؛ ۲۲:۱-۱-تس ۵:۳؛ روم ۸:۱؛ مکا ۱۲:۲). یوحنا این تصویر را در مورد وقایع  
مصالح و مصلوب شدن و شکوهمند شدن عیسی بکار می‌برد که شاگردان جریان آنها را طی خواهند کرد.

- شناختن مسیح برخاسته از مرگ که به شاگردان عطا خواهد شد موجب می‌سرت آنان خواهد شد (۲۰:۲۰؛ ۲۰:۱؛ ۱۳:۱۷-۱؛ ۱۰:۱-۱۲-۸؛ مت ۲:۸-۹؛ لو ۲۲:۱؛ ۴۱:۲) و این شادی بدان سبب بی‌آلایش خواهد بود که پیروزی قطعی عیسی وجود هرگونه تهدید  
واقعی را برای همیشه دور می‌کند.

- «یدان روز» آغاز دوران پایان روزگار است (ر. ک مر ۱۳:۱؛ ۱۱:۱۷، ۲۴؛ ۲؛ ۳۲؛ ۲۵:۱۴؛ اع ۱۷:۲؛ ۲۵:۱؛ ۱۲:۱؛ ۱۸ وغیره).

- این پرسش نشانه عدم ادراک است. ترجمه دیگر: شما دیگر از من نیایش نخواهید کرد.

- ر. ک ۱:۳-۱۳:۱؛ ۱۴:۱۵؛ ۱۶:۱۵؛ ۱۰:۱۵-۱۱:۱۳-۱۱؛ لوق ۱:۱۰؛ ۱۰:۱۰؛ ۶:۶. در تعدادی از نسخه‌های خطی آمده است: آن را به نام من به شما خواهد داد.  
- تا به این روز شاگردان درخواستی به نام او نکرده اند زیرا عیسی پس از گذشتن در شکوهمندی در نزد آنان حاضر خواهد بود و  
قدرت وساطت خود را اعمال خواهد کرد (۱۳:۱۴).

- ر. ک ۱:۱۵ توضیح p. این عبارت را می‌توان با مت ۷:۸-۷:۱؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۱:۱۰؛ لو ۱:۱۱؛ ۱۳:۹-۹ مقایسه کرد.  
- در انجیل نظریت آموزش به وسیله مثل ها یادآوری و تأکید شده است. این مثل ها که برای همگان گفته و ارائه می‌شد  
ایجاد می‌کرد که بعداً برای شاگردان توضیح داده شود تا به تدریج در ک نمایند (ر. ک مر ۱۲:۱۱-۱۱:۱۳؛ ۳۳-۳۴؛  
مت ۱۳:۱۱-۱۳:۱۳؛ لوق ۱:۱۰؛ ۱۰:۱۰؛ ۶:۶). ولی در اینجا گفته می‌شود که مجموعه آموزش‌های عیسی در مدت رسالت در  
فلسطین تا اندازه‌ای غیرقابل درک هستند تا لحظه‌ای که به وسیله پرتو روشنایی و قابع عیید گذر و موهبت روح القدس واقعاً به  
آنها پی ببرند (۱۳:۱۳).

- شفاعت مسیح به کلی فراتر از وساطت معقولی است. این شفاعت بدان سبب در مورد شاگردان تحقق می‌یابد که با ایمان  
گسترده و وسیع خود و به وسیله محبیت به اندازه‌ای با عیسی پیوند دارند که مستقیماً در همبستگی او با پدر شرکت دارند  
(ر. ک ۳:۳۵-۳:۳۵؛ لوق ۱:۱۰؛ ۱۰:۱۰؛ ۶:۶). مؤثر بودن نیایش به نام عیسی در چیزی منظره‌ای روش من می‌شود (ر. ک ۱۳:۱۴-۱۴:۱۳).

- کسانی که شروع کرده بودند ایمان بیاورند (۶:۶-۶:۶) با توجه به تحولاتی که در عید گذر رخ داد می‌توانستند عیسی را عییناً  
درک کرده و بشناسند: زیرا متوجه می‌شدند که عیسی از حوادث و درون دلها اطلاع کامل دارد و بدون اینکه منتظر سوالات  
ایشان باشد سخنانی اظهار می‌کند که پاسخ انتظار آنان است. کسانی که این نکته را درمی‌یابند قادرانباشی باشند و  
صراحت بیشتری از او پیروی کنند ولی یوحنا در مورد شاگردان نوعی طنز بکار می‌برد زیرا بالافصله کمی پس از ایمان قاطع،  
فرار ایشان روی می‌دهد.

خود را به یاد نخواهد داشت از شادی اینکه  
انسانی در جهان تولد یافته.<sup>۱۲</sup> پس شما  
نیز اکنون اندوه دارید اما باز شما را خواهیم  
دید و قلبستان شاد خواهد شد و هیچکس  
شادی شما را از شما نخواهد گرفت<sup>f</sup> و در  
اش ۱۴:۶؛ ۱۳:۱؛ ۱۹:۱؛ ۱۴:۱؛ ۱۱:۱۵  
یو ۱:۱۵؛ ۱:۱۱؛ ۲۰:۲۰  
اع ۴:۶؛ ۲:۱۷؛ ۲:۱۷  
ق ۱۴:۲؛ ۱۷:۴-۲

آن روز<sup>g</sup> دیگر هیچ چیزی از من درخواست  
خواهید کرد. آمین، آمین، به شما می‌گوییم  
آنچه از پدر سؤال کنید آن را به نام من به  
شما خواهد داد.<sup>۱۳</sup> تاکنون هیچ چیز به نام  
من سؤال نکرده‌اید، سؤال کنید و دریافت  
خواهید کرد تا شادی شما کامل شود.<sup>k</sup>

### پیروزی بر جهان

<sup>۲۵</sup> همه اینها را با امثال به شما گفته ام،  
مت ۱۳:۱۳؛ ۳۴:۳؛ ۳۵:۳  
 ساعتی فرام رسد که دیگر با امثال با شما

- دردهای شدید زایمان (اش ۴:۳-۲۱؛ ار. ۳:۳۰؛ هو: ۹:۴؛ میک ۹:۹) یا بدنبال آمدن انسان جدیدی به شادی تبدیل خواهد  
شد: این تصویر در نوشته‌های عهد عتیق در مورد وقایع در دنیاکی بکار برده شده که مقدمه دوران مسیحیاتی هستند  
(اش ۲۶:۱-۶؛ ۲۰:۲-۷؛ ۶۶:۱۴-۷؛ ر. ک مر ۱۳:۸؛ ۲۲:۱-۱-تس ۵:۳؛ روم ۸:۱؛ مکا ۱۲:۲). یوحنا این تصویر را در مورد وقایع  
مصالح و مصلوب شدن و شکوهمند شدن عیسی بکار می‌برد که شاگردان جریان آنها را طی خواهند کرد.

- شناختن مسیح برخاسته از مرگ که به شاگردان عطا خواهد شد موجب می‌سرت آنان خواهد شد (۲۰:۲۰؛ ۲۰:۱؛ ۱۳:۱۷-۱؛ ۱۰:۱-۱۲-۸؛ مت ۲:۸-۹؛ لو ۲۲:۱؛ ۴۱:۲) و این شادی بدان سبب بی‌آلایش خواهد بود که پیروزی قطعی عیسی وجود هرگونه تهدید  
واقعی را برای همیشه دور می‌کند.

- «یدان روز» آغاز دوران پایان روزگار است (ر. ک مر ۱۳:۱؛ ۱۱:۱۷، ۲۴؛ ۲؛ ۳۲؛ ۲۵:۱۴؛ اع ۱۷:۲؛ ۲۵:۱؛ ۱۲:۱؛ ۱۸ وغیره).

- این پرسش نشانه عدم ادراک است. ترجمه دیگر: شما دیگر از من نیایش نخواهید کرد.

- ر. ک ۱:۳-۱۳:۱؛ ۱۴:۱۵؛ ۱۶:۱۵؛ ۱۰:۱۵-۱۱:۱۳-۱۱؛ لوق ۱:۱۰؛ ۱۰:۱۰؛ ۶:۶. در تعدادی از نسخه‌های خطی آمده است: آن را به نام من به شما خواهد داد.  
- تا به این روز شاگردان درخواستی به نام او نکرده اند زیرا عیسی پس از گذشتن در شکوهمندی در نزد آنان حاضر خواهد بود و  
قدرت وساطت خود را اعمال خواهد کرد (۱۳:۱۴).

- ر. ک ۱:۱۵ توضیح p. این عبارت را می‌توان با مت ۷:۸-۷:۱؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۱:۱۰؛ لو ۱:۱۱؛ ۱۳:۹-۹ مقایسه کرد.  
- در انجیل نظریت آموزش به وسیله مثل ها یادآوری و تأکید شده است. این مثل ها که برای همگان گفته و ارائه می‌شد  
ایجاد می‌کرد که بعداً برای شاگردان توضیح داده شود تا به تدریج در ک نمایند (ر. ک مر ۱۲:۱۱-۱۱:۱۳؛ ۳۳-۳۴؛  
مت ۱۳:۱۱-۱۳:۱۳؛ لوق ۱:۱۰؛ ۱۰:۱۰؛ ۶:۶). ولی در اینجا گفته می‌شود که مجموعه آموزش‌های عیسی در مدت رسالت در  
فلسطین تا اندازه‌ای غیرقابل درک هستند تا لحظه‌ای که به وسیله پرتو روشنایی و قابع عیید گذر و موهبت روح القدس واقعاً به  
آنها پی ببرند (۱۳:۱۳).

- شفاعت مسیح به کلی فراتر از وساطت معقولی است. این شفاعت بدان سبب در مورد شاگردان تحقق می‌یابد که با ایمان  
گسترده و وسیع خود و به وسیله محبیت به اندازه‌ای با عیسی پیوند دارند که مستقیماً در همبستگی او با پدر شرکت دارند  
(ر. ک ۳:۳۵-۳:۳۵؛ لوق ۱:۱۰؛ ۱۰:۱۰؛ ۶:۶). مؤثر بودن نیایش به نام عیسی در چیزی منظره‌ای روش من می‌شود (ر. ک ۱۳:۱۴-۱۴:۱۳).

- کسانی که شروع کرده بودند ایمان بیاورند (۶:۶-۶:۶) با توجه به تحولاتی که در عید گذر رخ داد می‌توانستند عیسی را عییناً  
درک کرده و بشناسند: زیرا متوجه می‌شدند که عیسی از حوادث و درون دلها اطلاع کامل دارد و بدون اینکه منتظر سوالات  
ایشان باشد سخنانی اظهار می‌کند که پاسخ انتظار آنان است. کسانی که این نکته را درمی‌یابند قادرانباشی باشند و  
صراحت بیشتری از او پیروی کنند ولی یوحنا در مورد شاگردان نوعی طنز بکار می‌برد زیرا بالافصله کمی پس از ایمان قاطع،  
فرار ایشان روی می‌دهد.

درآمد: «ای پدر، ساعت فرا رسیده است،  
پسرت را شکوه ده تا پسرت تو را شکوه  
دهد.<sup>۱</sup> و همان گونه که او را بره بشیری  
اقتلدار داده ای، تا آنچه به او داده ای، به  
اینان زندگانی جاودان دهد.<sup>۲</sup> و زندگانی  
جاودان چنین است که تو را بشناسند، تو  
ای یگانه خدای حقیقی و کسی را که تو  
فرستاده ای، عیسی مسیح را.<sup>۳</sup> من بر روی  
زمین تو را شکوه دادم و کاری را که به من  
داده ای تا انجام دهم به اتمام رساندم.<sup>۴</sup> و  
اکنون ای پدر، مرا به نزد خود شکوه ده،  
شکوهی که به نزد تو داشتم پیش از آنکه  
جهان وجود داشته باشد.<sup>۵</sup>

۵- ایمانی کنونی شاگردان کافی نیست زیرا نمی توانند آزمون مصائب و مصلوب شدن عیسی را کاملاً تحمل نمایند و نیروهای شر آنان را متفرق خواهد کرد (ر.ک زک ۱۳:۷؛ مرت ۲۷:۱۴؛ مر ۶:۳۱؛ یو ۱۰:۱۲) و هر کدام به طرفی خواهد رفت (زیرا عیسی آنان را گرداند و حدت ایشان، اتحاد کده است).

p- ر. ک ۸:۶، ۱۰:۲۹، ۳۰: تاریکترین لحظات مصائب و رنجهای عیسیٰ خدا حضور دارد.

٢٧:١٤ ر.ك: توضیح v. q

۲- کلمه‌ای که در اینجا «مصبیت» ترجمه کرده این گاهی به معنی ازماشیهای است که پیش از فرار سیدن پیروزی مسیحیان روی

-**د**- این حرکت که در سیاری از آینه‌های برسته، وجود دارد نشان می‌دهد که در عزمیت به سوی آن که در آسمانها است تمام و مستحب است بسیار رسانی پذیر و روزگار است. پروردی این کار بر این دلیل است که در آسمان همچنان که در زمین می‌توانیم برابر باشد.

وجود آدمی متمن کر می باشد (مر ۶:۴۱؛ لو ۱۳:۱۸؛ رک ۱۱:۴۱ توضیح a).

**۵- انتظار و امیدواری یهودیان معطوف به ساعتی بود که در پایان روزگار دخالت قطعی خدا باشیست فرا رسد (دان: ۸: ۱۷- ۱۹؛ ۲: ۴- ۶، ۳۶- ۳۸، ۴۴- ۴۵). این ساعت که پدر قرر کرد بیوسته در افق فعالیت عیسی است (۲: ۴- ۶، ۲۵: ۵- ۱۱).**

شکوهمندی پسر انسان است (بر. ک. ۲۸:۱۹؛ ۳۱:۲۵؛ ۳۸:۴؛ ۴۶:۱۳؛ ۴۸:۱۰). ولی شکوهمند شدن به وسیله اطاعت کامل، به وسیله محبت و در عین خوار شدن بررس مصلیب انجام می شود: بدین گونه مسیح پدر را شکوهمند می کند.

کوشش‌های بشری حاصل نمی‌شود بلکه همچون موهبت رایگان خدا دریافت می‌گردد (۳:۵؛ ۴:۱۹؛ ۵:۳۰؛ ۶:۱۳؛ ۷:۳۱؛ ۸:۴۲).

- زندگی جاویدان در شناسایی فوری بدر تحقق می‌پذیرد (که متضمن محبت متقابل است) و به دست نمی‌آید مگر به وسیله شناسایی مسیح که تعجلی والائی خدا ییگانه است (۱۴:۴ - ۳۶:۳ - ۲۷:۶ - ۲۵:۱ - ۲:۲ - ۱:۳ - ۵:۲ - ۳۰:۱).

۵- ر. ک ۳۴:۴ ۳۸:۶ ۳۰:۵ ۴:۹ ۲۹:۸ ۳:۱۳ ۱:۱۳ ۰:۳۷-۳۸ ۱:۱۹ ۰:۴ .  
۶- منظور شکوهی است که پسر در وجود اصلی خود بی نزد پدر داشته (ر. ک ۱:۱) یا شکوهی که پدر از آغاز برای او مقدار کرده بود. این شکوه که در سراسر زندگی زمینی عیسی آشکار می شد (۱:۱۱-۱:۱۲) از زمان بالا شدن بر روی صلیب و رستاخیز

۳۱ عیسیٰ به ایشان پاسخ داد: «اکنون ایمان  
دارید؟<sup>۳۲</sup> اینک ساعتی فرا می‌رسد - و هم  
اکنون آمده است! - که همه شما به سوی  
[خانه]<sup>۳۳</sup> خود متفرق می‌شوید و مرا تنها  
خواهید گذاشت<sup>۳۴</sup>، اما من نه، تنها نیستم  
زیرا پدر با من است.<sup>۳۵</sup> این را برای آن  
به شما گفته ام تا در من آرامش<sup>۳۶</sup> بیابید. در  
جهان مصیبت<sup>۳۷</sup> دارید. اما اعتماد داشته  
باشید، من بر جهان پیروز شده ام.<sup>۳۸</sup>

روم ۳۷:۸ - تیموس ۱۲:۳ - یوحنا ۴:۱ - ۱:۱۴ - ۱:۱۲ - ۳:۱ - ۳:۰ - ۳:۳ - ۳:۰ - ۳:۱ - ۲:۲ - ۲:۷ - ۲:۷ - ۲:۲ - ۲:۷ - ۲:۶ - ۲:۷ - ۲:۱۳ - ۲:۹ - ۲:۸

نیا شہ عسیٰ

۱۷ عیسیٰ چنین گفت و چشمانش را  
به آسمان بلنگ کرده<sup>a</sup> به سخن

دو مفہوم این کلمہ را تلفیق کرده است بدین معنی کہ ستم ہای کے بے ایمانداران می رسد (ر. ۱۵:۱-۱۸:۳) نظری رجھا و مصلوب شدن عیسیٰ آزمائش یا بار روزگار ہستند کہ پیروزی نہیا را اعلام کرده و تحقق می بخشد موجب شادی ہستند۔

<sup>۵۰</sup>- انتظار و امیدواری یهودیان معمولی به علت روزگار دخالت قطعی خدا بایستی فرا رسد (دان:۸:۱۷-۱۹)؛ وجود ادمی متمرکز می باشد (مر:۲۱:۱۱-۲۱؛ لو:۸:۱۳-۱۴؛ ر.ک:۱۱:۲۱ توضیح (۵)).

اطاعت کاما، به وسیله محبت و دعه خواه شدن در ورو، صلب انجام می شد: گونه مسیح بد، شکوهمند شدن به وسیله شکوهمندی پسر انسان است (ر.ک مت ۲:۸؛ ۲۵:۳؛ ۳۱:۴؛ مر ۳:۶؛ روم ۱:۱۸) ولی شکوهمند شدن به وسیله شکوهمندی پسر بزرگ پیوسته در این طلاق علیمات عجیب است (مت ۱:۱۷-۱۹، ۲:۷-۸، ۳:۰-۳؛ ۴:۱-۲؛ ۵:۱-۲؛ ۶:۷) و آن را به خوبی می شناسد و در کمال آزادی می پذیرد (۲:۳-۴؛ ۲۶:۱۳؛ ۲۷:۲). این ساعت لحظه شکوهمندی پسر انسان است.

۷- شکوهمندی عیسی متضمن قدرتی است که همه آدمیان را در وضعیت جدید خود شرکت دهد. زندگی جاویدان به وسیله کوشش‌های بشری حاصل نمی‌شود بلکه همچون موهبت رایگان خدا دریافت می‌گردد (۳:۳۵؛ ۳:۳۰؛ ۵:۱۹؛ ۶:۳؛ ۱۳:۳).

- زندگی جاویدان در شناسایی فوری بدر تحقق می‌پذیرد (که متضمن محبت مقابل است) و به دست نمی‌آید مگر به وسیله شناسایی مسیح که تعجلی والائی خدا ییگانه است (۱۴:۴ - ۳۶:۳ - ۲۷:۶ - ۲۵:۱ - ۲:۲ - ۱:۳ - ۵:۲ - ۳۰:۱).

۵- ر. ک ۳۴:۴ ۳۸:۶ ۳۰:۵ ۴:۹ ۲۹:۸ ۳:۱۳ ۱:۱۳ ۰:۳۷-۳۸ ۱:۱۹ ۰:۴ ۴:۹ ۲:۱۰ ۰:۱۳ ۱:۱۳ ۰:۳۰ ۵- ر. ک

۶- منظور شکوهی است که پسر در وجود اصلی خود بی نزد پدر داشته (ر. ک ۱:۱) یا شکوهی که پدر از آغاز برای او مقدار کرده بود. این شکوه که در سراسر زندگی زمینی عیسی آشکار می شد (۱:۱۱ ۴:۱۱ ۱:۱۲) از زمان بالا شدن بر روی صلیب و رستاخیز

ایشان شکوه یافته ام<sup>۱۱</sup> و من دیگر در جهان نیستم و ایشان در جهانند و من به سوی تو می آیم. ای پدر قدوس<sup>d</sup> در نام خود که به من داده ای<sup>e</sup> آنان را نگه دار تا همچون ما یکی گردند.<sup>f</sup> وقتی با آنان<sup>۱۲</sup> می بودم آنان را در نام خود که به من داده ای، نگه می داشتم<sup>g</sup> و مراقبت کرده ام مز<sup>۹:۴۱</sup> و هیچ یک از آنان هلاک نشده<sup>h</sup> مگر پسر اع<sup>۱۶:۱</sup> هلاکت<sup>i</sup> تا نوشته مقدس به تحقق برسد.<sup>j</sup>

اما اکنون به سوی تو می آیم و این چنین در جهان سخن می گویم تا آنان در خود شادی مرا به کمال داشته باشند.<sup>k</sup> من سخن تورا به آنان داده ام و جهان از آنان نفرت کرده است، زیرا از این جهان<sup>۱:۱۵</sup> ۲:۸-۱۸:۱۵

<sup>۶</sup> نام<sup>z</sup> تورا به مردمانی که از جهان خروج<sup>۱۳:۳</sup> عیز<sup>۱۲:۲</sup> برگرفتی تا به من دهی نمایاندم، آنان از آن تو بودند که تو به من داده ای و آنان سخن تو را رعایت کرده اند.<sup>a</sup> اکنون می دانند که هر آنچه به من داده ای از نزد تو می آید.<sup>b</sup> زیرا کلامی را که به من داده ای، به ایشان داده ام و ایشان آن را پذیرفته اند و به راستی دانستند که من از نزد تو آمده ام و ایمان آوردند که تو مرا فرستاده ای.<sup>c</sup> من برای آنان درخواست می کنم، بلکه برای آنان که تو درخواست نمی کنم، به من داده ای زیرا از آن تو هستند.<sup>d</sup> و آنچه از آن من است از آن تو است و آنچه لول<sup>۳:۱۵</sup> از آن تو است از آن من است و من در<sup>۱۰:۱</sup> تسا<sup>۲:۱</sup> از آن تو است از آن من است و من در<sup>۲:۳</sup> ۳۰، ۲۸:۱۶

- رسالت عیسی اصولاً آن نیست که گفتار و سخنان تازه ای بیان نماید بلکه به وسیله سخنانی که می گوید و اعمالی که انجام می دهد و به وسیله وجود خود حقیقت پدر را بهفهماند (ر. ک ۲:۱۲؛ ۲۸:۱۰؛ ۳۸:۱۰؛ ۱۱-۷:۱۴؛ ۳۸:۱: ۱۱-۷: ۱۴).

- a آدمی فقط به وسیله استعدادهای فطری قادر نیست آنچه را در عیسی تجلی می نماید در کنند؛ بلکه با یستی قبل<sup>۱۰</sup> تحت نفوذ پدر باشد: (ر. ک ۳:۳۹، ۲:۱۷؛ ۴:۴۴؛ ۲:۱۲، ۹؛ ۲:۱۷؛ ۴:۱۰؛ ۲:۱۷؛ ۴:۱۰) (۴:۱:۳).

- b کلمه جهان در اینجا به مفهوم مجموعه آدمیانی است که به سبب خودبینی خدا را نمی پذیرند؛ تیايش عیسی در اینجا فقط درباره کسانی است که از جهان گرفته شده اند تا جمعیت شاگردان عیسی را تشکیل دهند، (ر. ک ۱:۱۰؛ ۱:۱۵ توضیح ۱:۱۵).

- c با اینکه موهبت های معنوی که عیسی آورده است حقیقت همیستگی او را بدر نشان می دهد با این همه شکوه واقعی ارائه قدرت نیست بلکه تظاهر وحدت و اشتراک محیت پدر و پسر است که شاگردان در آن سهیم بوده و بر آن گواهی می دهند.

- d قدوسیت پدر پایه و مبنای قدوسیت عیسی و تقاضی شاگردان است که در آیات ۱۷، ۱۹ ذکر خواهد شد (ر. ک ۱:۱۱؛ ۴:۱۰؛ ۲:۱:۹)؛ این طرز دعا کردن خیلی زود جزو آینین پرسش مسیحیان معمول گشت (دیداک ۲:۱۰).

- e شاگردان با پذیرفتن عیسی و بیوستن به او که مظهر نام پدر است چنان در همبستگی او هستند که هیچ اقدام نیروهای این جهان قادر نخواهد بود آنان را از او جدا کند.

- f اتحاد و یگانگی در محیت مقابله نتیجه همبستگی و بیوتدی است که پدر و پسر را متحد می کند (آیات ۲۱-۲۳).

- g اضافة بر حیاتی که شاگردان در وقایع زیتها و مصلوب شدن عیسی خواهند داشت (ر. ک ۴:۸-۱۸؛ ۱:۱۸) م neurop از این گفتار تأیین و محافظت آنان در آزمایشهای پایان روزگار است که امکان دارد گناهکاران را در وضعیت مخالف زندگی واقعی مخصوص نمایند.

- h در اینجا یوحنا اصطلاحی مرسوم بکار برده (۱:۱۶؛ ۶:۳۹؛ ۱:۱۰؛ ۲:۲۸؛ ۱:۱۲؛ ۲:۲۵؛ مت ۱:۱۳؛ ۷:۲۵؛ روم ۹:۲۲؛ فی ۳:۱۹) که آن را تصریح نمی کند.

- i پسر هلاکت [طرز بیان و اصطلاحی مختص زبانهای سامی است و در مورد کسی واجد صفتی و یا وابسته به چیزی است او را با عنوان پسر آن صفت با پدر آن می نامند مثل این وقت، این السیل، ابوالهول، ابوجهل و غیره]. در اینجا منظور یهودای اسخريوطی است که تمام رفشار او به سوی هلاکت و نیستی متمایل است. ضمناً این اصطلاح جنبه مکاشفه ای دارد (ر. ک ۱:۱۳-۲:۷؛ ۲:۱۸-۲:۲۰؛ ۱:۲۲، ۲:۳؛ ۱:۱۸؛ ۲:۱-۱:۲۰).

- j ر. ک ۱:۱۳ که مز<sup>۱۰:۴۱</sup> را نقل می کند.

- k شادی و سروری که از شنیدن گفتار عیسی حاصل می شود (۲۹:۳) به هیچ وجه به سبب عزیمت او به سوی پدر تهدید نمی شود زیرا انجیل همواره این شادی را در جمعیت ایمانداران تأمین می کند و روح القدس این جمعیت را هدایت کرده و از آن حمایت می نماید.

۲۰ من فقط برای اینان درخواست نمی کنم، بلکه همچنین برای کسانی که روم ۱۷:۱-۳:۱ بودند.<sup>۱</sup> به وسیله سخن ایشان به من ایمان آورند<sup>۲</sup> تا همگی یکی گردند اع ۲۸:۳ علاوه<sup>۳</sup> همچنان که تو، ای پدر، در من هستی و من در تو، آنان نیز در ما باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده ای.<sup>۴</sup> و شکوهی را که به من داده ای، به آنان دادم تا آنان یکی باشند همچنان که ما یکی هستیم.<sup>۵</sup>

۲۳ من در ایشان و تو در من، تا کاملاً یکی شوند، تا جهان بشناسد که تو مرا افس ۵-۴:۱ فرانس ۱:۶-۱۷

نیستند<sup>۶</sup> همچنان که من از این جهان مت ۶:۱۳؛ نیستم.<sup>۷</sup> برای آن درخواست نمی کنم که آن را از جهان برگیری، بلکه از شریر<sup>۸</sup> نگه داری.<sup>۹</sup> آنان از این جهان نیستند، آن ۲۲:۱ همچنان که من از این جهان نیستم.<sup>۱۰</sup> آنان ۲۱:۲۰ را در راستی تقدیس<sup>۱۱</sup> فرمایند: سخن تو راستی<sup>۱۲</sup> است.<sup>۱۳</sup> همچنان که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنان را به جهان فرستادم<sup>۱۴</sup> و به خاطر ایشان خود را تقدیس می کنم<sup>۱۵</sup> تا آنان نیز در راستی<sup>۱۶</sup> تقدیس می کنم<sup>۱۷</sup> عبر ۱۱:۲ تقدیس گردند.<sup>۱۸</sup>

۱- این گفتار عکس العملی علیه انتظار غیرعادی ایمانداران است و یادآوری و تأکید می نماید وظیفه جمعیت شاگردان آن است که در بین مردمان مظہر دنیا و فراموشی باشند. این وظیفه مسلمان منجر به برخورد و مقابله با نیروی شرارت و کینه می شود و فقط با پاری بد بر آن فائق خواهد شد (۱۵:۱۶-۲۰).

m- ر.ک ۱۱:۱۶ کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده می تواند به صورت تحتاللفظی «بد» یا «شریر» ترجمه کرد. [گاهی این کلمه را سلطان/این جهان ترجمه کرده اند.] یوحنای نیروی بدی که آدمیان را تهدید می کند به صورت مجسم ذکر می نماید ر.ک ۳۱:۱۲؛ ۳۰:۱۴؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۳:۳۸؛ ۱۹:۱۳؛ مت ۱۳:۶؛ ۲-تسا ۳:۲؛ افس ۶:۱۶؛ ۱-تسا ۳:۲؛ ۱۴-۱۳:۲؛ ۱۲:۳؛ ۱۴-۱۸:۵.

n- تقدیس کردن یا متبرک کردن کسی عبارت از آن است که او را از دنیا کفر و بی دینی خارج کرده و در دایره و قلمرو خدا وارد نمایند. تقدیس کردن عمل پدر قفوی است (۱۷:۱۱).

o- وسیله و ابزار تقدیس کردن شاگردان، حقیقت خداست که در کلام مجسم او تجلی کرده است و با ایمان به او پیوسته اند.

p- تقدیس و متبرک شدن شاگردان را قادر می سازد رسالت خود را به انجام رسانند (ر.ک ۳۶:۱۰؛ ار ۵:۱؛ بنسی ۴:۴۵)، زیرا کسانی که برای بردن کلام اعزام می شوند از بین مردان دنیا انتخاب می شوند بدون اینکه به کلی از آنان مجزا باشند (روح القدس آنان را قادر خواهد کرد گواهی دهنده). ر.ک ۱۵:۲۷-۲۶:۲۰؛ ۲۱:۲۰؛ ۲۲:۱۰).

q- با توجه به اینکه کسی را به خدا تخصیص دادن و نذر کردن شامل تمام وجود او و اعمال و رفتار او می شود تغفیض مرگ را نیز در بر می گیرد. در اینجا موضوع قربانی شدن به سبب تزدیک بودن تاریخ مصلوب شدن و با بکار بردن کلمات «به خاطر ایشان» یادآوری و تشذیب شده است. عیسی با این گفتار اراده خود را بیان می کند که آزادانه زندگی خود را تقدیم می نماید (۱۰:۱۸؛ ۱۵:۱۸؛ ۱۰:۱۳؛ ۱۱:۱۶؛ ۱-تسا ۳:۲؛ قرن ۱:۵؛ مر ۱۴:۱۵؛ ۲:۲۴؛ ۱۵:۱۴؛ لوق ۲:۲۰؛ عبر ۹:۲؛ ۲:۷؛ ۹:۱؛ ۵:۱۰). بدین سبب اکثرآ باب ۱۷ انجیل یوحنا را «نبایش کهانی» نامیده اند.

r- تقدیس شاگردان سراج‌جام براساس قربانی بر روی صلیب و موهبت روح القدس به وسیله مسیح شکوهمند انجام می شود؛ بعضی از مفسران در مورد تقدیس پیشتر به مسئله تعصیه از گناه تأکید می کنند (۳:۱۵)؛ مفسران دیگر برای موهبت روحانی که به شاگردان عطا می شود اهمیت قائل می شوند زیرا آنان را به انجام رسالت خود قادر می سازد (۱۷:۲۰-۲۱).

s- عیسی در زمایش خود کسانی را منظور می کند که در انجام رسالت او شرکت دارند، همچنین کسانی را که به وسیله گفتار خود در طی زمانهای مختلف و در سراسر جاهای دیگر جمیعت ایمانداران کلیسا را تشکیل خواهند داد (ر.ک ۴:۳-۵:۴؛ ۱۰:۱۶؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۲:۵؛ ۱۲:۲۰؛ ۳:۳۲؛ ۲۰:۱۲؛ ۵:۲۱؛ ۱:۱۷) این نکته متنضم نظریه انجیل است.

t- ایمانداران با پیوستن به عیسی در همیستگی محیت که پدر و پسر را پیوند می دهد شرکت دارند (۵:۱۹-۱:۲۰؛ ۱:۱۵؛ ۱:۳۰؛ ۱:۲۰-۱:۳). از این پس ایمانداران به یکدیگر پیوسته اند که در نظر مردمان دنیا والاترین نشانه مداخله فراموشی خدا و نشانه صحت و واقعیت رسالت عیسی بشار می رود.

u- شکوهی که عیسی از ورای صلیب از پدر دریافت می کند (آیات ۱-۵) همیستگی و پیوند او را با پدر به مردمان نشان می دهد. ایمانداران که این نکته را دریافته و احساس می کنند خودشان در آن سهیم هستند و به نوبه خود مظہر و تجلی شکوه مسیح می شوند؛ این امر عملاً با اتحادی که در محبت به یکدیگر دارند انجام می گردد.

### دستگیری عیسی

(متی:۲۶:۴۷-۵۶؛ مرقس:۱۴:۴۳-۵۰؛  
لوقا:۲۲:۴۷-۵۳)

**۱۶** <sup>۱</sup> عیسی این را گفته با شاگردانش مرت:۳۰:۲۶  
لوب:۳۲-۲۶:۱۴  
لوس:۳۹:۲۲  
لوس:۱۵:۲ به سوی دیگر مسیل قدردن <sup>z</sup>  
رفت. در آنجا باغی بود که با شاگردانش  
وارد آن شد.<sup>a</sup> ۲ یهودا که او را تسلیم  
می کرد نیز آنجا را می شناخت، زیرا عیسی  
اغلب با شاگردانش در آنجا گرد هم  
می آمدند. <sup>b</sup> ۳ پس یهودا دسته ای <sup>b</sup> با خود  
برداشت و به همراه نگاهبانان کاهنان  
اعظم و فریسان، با فانوسها و مشعل ها و  
اسلحه به آنجا آمد.<sup>c</sup> ۴ پس عیسی که  
می دانست بر او چه خواهد آمد<sup>c</sup>، بیرون  
آمده به آنان گفت: «که را می جوئید؟»<sup>d</sup>  
<sup>e</sup> ۵ به او جواب دادند: «عیسای ناصری.»

فرستاده ای و به آنان محبت کرده ای  
همچنان که به من محبت کرده ای.<sup>f</sup> ۱۴ ای  
پدر آنچه به من داده ای، می خواهم در  
آنجایی که من هستم، اینان نیز با من  
باشند.<sup>g</sup> ۷ ت شکوه مرا ببینند که تو به من  
داده ای<sup>w</sup> زیرا تو پیش از پی افکنی جهان<sup>x</sup>  
به من محبت داشته ای.<sup>y</sup> ۱۵ ای پدر عادل<sup>z</sup>  
اگر جهان تورا نشناخته، من تو را  
شناخته ام و اینان شناخته اند که تو مرا  
فرستاده ای.<sup>۱۶</sup> من نام تورا به آنان  
شناسانده ام و به آنان خواهم شناساند تا  
خروج<sup>۱۷</sup> روم<sup>۱۸</sup>:۳:۳ محبتی که مرا به آن محبت کرده ای در آنان  
باشد و من هم در آنان.»

۷- شاگرد در وضعیت خداوند سهیم می باشد بدین معنی که در پذیرفتن تحکیر و سرافکنندگی اطاعت می کند (۳۳:۱۳) و در شکوه و جلال شور و هیجان دارد (۲۶:۱۲؛ ۳:۱۴).

۸- تأمل و تعمق در شکوه مسیح (ر. ک ۲-قرن:۳-۴:۶) ضمناً شناختن (شرکت در) محبتی است که پدر را با پسر می پیوندد: این امر پایه و انتهای هر وجود بشری است.

۹- ر. ک ۱-۱:۵-۵:۱۷

y- اطلاق کلمه «عادل» در مورد خدا بیان راستی و اصالت داوری او است (مز:۱۱۹:۱۳۷؛ تث:۴:۳۲) ضمناً مسکن است به مفهوم درستی و رحمت او باشد (مز:۱۸:۷؛ ۵:۹؛ ۱۳:۹۶؛ ۵:۱۱۶؛ ۴:۱۲۹؛ ۵:۱۴۵؛ ۱۷:۱۴۵). ظاهراً در اینجا به معنی اخیر است (ر. ک روم:۳:۲۶؛ مکا:۱۶:۵).

z- دره ای که مسیل قدرtron، شهر اورشلیم را از باغ زیتون جدا می کند (۲-سمو:۲۳:۱۵؛ مت:۲۶:۲۶؛ مرت:۳۰:۲۶؛ مرت:۱۴:۲؛ لو:۳۹:۲۲).

a- در مت:۳۶:۲۶ و مرت:۳۲:۱۴ سخن از ملکی به نام جنسیمانی است. یوحنا از این که عیسی در آنجا نیایش کرده چیزی نمی گوید (با این همه ر. ک ۲:۲۷؛ ۱۸:۱۱).

b- کلمه یونانی speira که در متن اصلی آمده و دسته ترجمه شده معمولاً در مورد یک فسمت از سربازان رومی (۱۰۰ نفر) بکار می رود و چنین می نماید که به نظر یوحنا سربازان رومی در دستگیری عیسی شرکت داشته اند: ولی از همین عبارت می توان استنباط کرد که منظور دستجات یهودی و مخصوصاً افراد چریک وابسته به معبد است (یهودیه ۱۱:۱۴-مک ۲:۲۳؛ ۸:۲۰-۲۲:۲۰؛ با توجه به نشانه های مختلفی می توان گفت که ابتکار عمل از جانب بعضی مقامات یهودی بوده است. به هر صورت یوحنا به طرز استهرا آمیزی پادآوری می کند برای دستگیری عیسی که خودش را شخصاً تسلیم می کند چه نیرویی تجهیز شده است: ضمناً نظاهر شگفت انگیز نیروی الهی عیسی را که در آیه ۶ ذکر شده آمده می کند.

c- عیسی به هیچ وجه غافلگیر نشده بلکه از اهمیت و فریب الوقوع بودن رتبها و مصلوب شدن خود آگاه است و بر این وقایع مسلط می باشد (ر. ک ۱:۱۳، ۳:۲۰-۲۸؛ ۱۰:۱۷-۱۸).

گفت: «دشنه را در غلاف کن. آیا جامی را  
که پدر به من داده است ننوشم؟»<sup>g</sup>  
۱۲ آنگاه دسته، فرمانده و نگاهبانان  
یهودیان، عیسی را گرفتند و بستند.

### در کاخ کاهن اعظم حنا (متی:۲۶-۵۷؛ مرقس:۵۳-۱۴؛ ۵۴-۵۷؛ لوقا:۵۴:۲۲)

۱۳ و نخست او را نزد حنا<sup>h</sup>، پدر زن<sup>۲:۳</sup> لوقا که در آن سال کاهن اعظم بود<sup>i</sup> هدایت کردند.<sup>j</sup> قیافا همان کسی بود که این نصیحت را به یهودیان کرده بود که برای شما مفیدتر است که تنها یک انسان در راه قوی بمیرد.<sup>۱۱</sup>

به آنان گفت: «من هستم.<sup>d</sup>» یهودا نیز که او را تسلیم می کرد با آنان ایستاده بود.<sup>۶</sup> پس وقتی به آنان گفت: «من هستم» آنان عقب رفته به زمین افتادند.<sup>۷</sup> پس باز از آنان پرسید: «که را می جوئید؟» گفتند: ۲۴:۸:۴۶:۷ «عیسای ناصری.»<sup>k</sup> عیسی پاسخ داد: «به شما گفتم که «من هستم»، پس اگر در ۱۲:۱۷:۳۹:۶ جستجوی من هستید اینان را بگذارید بروند»<sup>۹</sup> تا سخنی که گفته بود تحقق یابد:  
۲۸:۳۶:۲۲ «از آنان که به من داده ای هیچ یک را از دست نداده ام.<sup>e</sup>»<sup>۱۰</sup> پس شمعون پطرس که دشنه ای داشت، آن را کشید و به برده کاهن اعظم زده گوش راستش را برید. این برده نامش ملوک<sup>f</sup> بود.<sup>۱۱</sup> عیسی به پطرس

d- در مورد وسعت و دامنه معنی این جمله ر. ک ۲۴:۸، عیسی با این پاسخ هویت حقیقی خود را آشکار می کند و برای کسانی که مظہر نیروی اهربینی هستند تزدیک شدن به او امری هولناک می شود. به همان گونه که در کوه مقدس خدا خود را به اسرائیل ظاهر می کرد (خروج:۱۹) یا در مورد صندوقجه پیمان که مقر او بشمار می رفت (۲-سmove:۷). یوحنا به همان گونه که در روایت عیسی ذکر می کند در اینجا قدرت، مقام والا و الوهیت عیسی را ظاهر ساخته و درخشان می نماید. در هر دو مورد قدوسیت از هرگونه کفر و پلیدی به دور است. اگر شاگردان می توانند در خلوص و صمیمیت عیسی وارد شوند بدان سبب است که به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند (۱۷:۱۷).

e- ر. ک ۱۲:۱۷؛ ۳۹:۶؛ ۲۸:۱۰؛ ۳۲:۱۶. f- ر. ک مر:۱۴:۳۶؛ ل: ۴۲:۲۲. یوحنا نظری آنچه در مت ۳۹:۲۶ ذکر شده یادآوری می کند عیسی پطرس را به سبب این عمل سرزنش کرده است: زیرا عیسی نه با خشونت بلکه با اختیار کامل در اطاعت عمل خود را به پایان خواهد رساند.

g- در مهمانی یهودیان به هنگام صرف غذا، پدر خانواده جام مهمانان را پُرمی کرد. بدین سبب کسی که الهام خدا را دریافت می کند به مانند جامی تصویر شده است (مز:۱۱:۵:۵). در نوشه‌های عهد عتیق اکثرآ برای نشان دادن آزمونهای نهایی از جام تلغیاد می شود (اش:۵:۱، ۱۷:۵:۱، ۱۷:۲۲، ۱۷:۲۸، ۱۷:۲۲؛ ار:۵:۱۷، ۱۵:۲۵:۲۲؛ مرا:۴:۱۷؛ حزق:۲۱:۲۳-۳۲). این اصطلاح را عیسی در مورد رنجها و مصلوب شدن خود بکار می برد (مت:۲۰:۲۲-۲۳؛ مز:۳۸:۱؛ لوقا:۳۹-۳۸:۱؛ مر:۳۶:۱۴؛ ۳۶:۳۶؛ ۳۹:۲۶). یوحنا این نیایش را روایت نکرده ولی مخصوصاً درباره اراده و تصمیم آزادانه عیسی تأکید می نماید (۲۷:۱۲). k- یوحنا نظری متی و مرقس دادرسی یهودیان را در دو مرحله مشخص کرده است که جلسه اولی بدون اینکه صریحاً نام ساندھرین را ذکر کند به ریاست حتا برگزار شده (۲۳-۱۳:۱۸) و سپس از شورایی سخن می گوید که به ریاست قیافا تشکیل گردید (۲۸-۲۴:۱۸) و انگهی جلسات این دادرسی منحصر به بازپرسی های سریع بوده است. به نظر یوحنا دادرسی واقعی در سرتاسر دوران رسالت عیسی انجام گردیده و تصمیم قبلاً اتخاذ شده بود (۱۴:۱۸ که یادآوری ۱۱:۱۱، ۵۳-۴۹:۱۱، ۵۷، ۵۳-۴۹:۱۲، ۱۰:۱۲).

i- حتا که به خانواده ای از صدو قیان تعلق داشته مقام کاهن اعظم را بین سالهای ۶ الی ۱۵ میلادی عهده دار بوده و پس از اینکه مقامات رومی او را برکنار کردند با این همه نفوذ مهمی بر امور داشته و کسانی که پس از او سمت کاهن اعظم را عهده دار شدند از خانواده او بودند. یوحنا قیافا را به عنوان داماد او معرفی می کند که محتمل و ظاهراً مقرر به حقیقت است.

j- ر. ک ۵۱-۴۹:۱۱.

او پاسخ داد: «من آشکارا به جهان سخن <sup>۷</sup>:  
<sup>۱۹:۴۵</sup><sup>۶</sup> اش کار <sup>۱۶:۴۸</sup>، من همواره در کنیسه و معبد در <sup>۲۳:۴</sup>  
<sup>۵۵:۲۶</sup> گفته‌ام<sup>n</sup>، می‌آیند آموزش <sup>۵۵:۲۶</sup>  
<sup>۵۴:۲۲</sup> لوازام داده ام و هیچ چیزی در نهان نگفته‌ام.<sup>۲۱</sup> <sup>۲۶:۲۶</sup> اع  
<sup>۱۶:۴۸</sup> چرا از من پرس و جو می‌کنی؟ از آنان بپرس  
<sup>۵۴:۲۲</sup> که شنیده‌اند چه گفته‌ام، اینک ایشان آنچه  
<sup>۵۵:۲۶</sup> من گفته‌ام می‌دانند.<sup>۰</sup><sup>۲۲</sup> چون این را  
<sup>۵۴:۲۲</sup> گفت، یکی از نگاهبانان که در آنجا ایستاده  
<sup>۵۵:۲۶</sup> بود به عیسی سیلی زده<sup>p</sup> گفت: «این طور به اع  
<sup>۴:۵</sup> مت:۲۲۳

کاهن اعظم جواب می‌دهی؟» <sup>۲۳</sup> عیسی به او  
<sup>۴:۵</sup> پاسخ داد: «اگر بد گفته‌ام، شهادت بدی چه  
<sup>۴:۵</sup> بدی گفتم، اما اگر درست گفته‌ام برای چه  
<sup>۴:۵</sup> مرا می‌زنی؟» <sup>۲۴</sup> سپس حنا اورا بسته نزد <sup>۱۳:۱۸</sup>  
<sup>۲:۳</sup> لوازام قیافا کاهن اعظم فرستاد.

(متی:۲۶:۷۵-۷۱؛ مرقس:۱۴:۶۹-۷۲)  
 (لوقا:۲۲:۵۸-۶۲)

<sup>۲۵</sup> شمعون پطرس در آنجا ایستاده بود و  
<sup>۱۸:۱۸</sup> خود را گرم می‌کرد.<sup>r</sup> پس به او گفتند: «آیا تو نیز از شاگردان او نیستی؟» او

(متی:۲۶:۷۰-۶۹؛ مرقس:۱۴:۶۸-۶۶)

(لوقا:۲۲:۵۷-۵۵)

<sup>۱۵</sup> شمعون پطرس همراه با شاگرد  
<sup>۵۴:۱۴</sup> دیگری<sup>k</sup> به دنبال عیسی رفت. این شاگرد  
<sup>۵۵:۲۲</sup> با کاهن اعظم آشنا بود و با عیسی وارد  
<sup>۵۸:۲۶</sup> حیاط کاهن اعظم شد.<sup>۱۶</sup> در حالی که  
<sup>۵۴:۱۴</sup> پطرس در خارج نزدیک در ایستاده بود،  
<sup>۵۵:۲۲</sup> شاگرد دیگر که با کاهن اعظم آشنا بود  
<sup>۵۸:۲۶</sup> خارج شد و به دربان زن سخنی گفت و  
<sup>۵۴:۱۴</sup> پطرس را به درون آورد.<sup>۱۷</sup> پس آن کنیز  
<sup>۵۸:۱۸</sup> دربان به پطرس گفت: «آیا تو نیز از  
<sup>۵۸:۱۸</sup> شاگردان این مرد نیستی؟» او گفت: «از  
<sup>۵۸:۱۸</sup> آنان نیستم.<sup>۱۸</sup> بردگان و نگاهبانان که  
<sup>۵۸:۱۸</sup> در آنجا بودند به خاطر سرما زغال افروخته  
<sup>۵۸:۱۸</sup> بودند و خود را گرم می‌کردند. پطرس نیز  
<sup>۵۸:۱۸</sup> در کنار آنان بود و خود را گرم می‌کرد.

(متی:۲۶:۵۹-۶۶؛ مرقس:۱۴:۵۵-۵۹)

(لوقا:۲۲:۶۶-۷۱)

<sup>۱۹</sup> پس کاهن اعظم از عیسی درباره  
<sup>۵۸:۱۸</sup> شاگردان و آموزش او پرسید.<sup>m</sup> عیسی به

- چندان اسان نیست که بتوان هویت این شاگرد را تعیین نمود که می‌تواند به کاخ حنا وارد شود. بعضی از مفسران او را رفیق و همتشیین پطرس می‌دانند، شاگردی که عیسی به او محبت داشت.  
 - چنین به نظر می‌رسد که انکارهای سه گانه پطرس (آیات ۱، ۷، ۲۶ و ۲۷) که در ۱۳:۳۸-۳۶:۳۶ اعلام شده در برابر سه بار اظهار عیسی است که گفته‌من هستم (آیات ۵، ۷ و ۸)، همچنین به سه بار گواهی یعنی تعمیددهنده (من نیستم ۱:۲۰-۲۱) و اظهارات سه گانه پطرس (۱۷:۱۵-۲۱) مراجعه کنید.  
<sup>m</sup>- در انجیل نظیر که حضور عیسی در برابر سانحه‌رین روایت شده جنبه مسیحیابی فعالیت‌های عیسی و موضوع کفر گفتن مورد توجه است (در. ک. مت:۲۶:۵۷-۵۸؛ مر:۱۴:۶۶-۶۷؛ لو:۲۲:۴۶-۴۷). یوحنا حضور او را در برابر حنا یاد کرده و در آنجا سوالها درباره آموزش عیسی است و اینکه شاگردان را به دور خود جمع می‌کند (در. ک. مر:۱۴:۴۸-۴۹//۲۹). اتهام کفر گفتن در طی دوران زندگی در میان مردم بر او وارد شده است (۱۰:۴۲-۲۲).  
<sup>n</sup>- آموزش عیسی که در ملاع عام بدون تمایز به تمام آدمیان خطاب شده شامل عقاید و نظریات مخفی و باطنی نیست (۲۶:۷)، گرچه فقط به وسیله موهبت روح القدس می‌توان واقعاً به اعماق آنها پی برد (در. ک. ۱۶:۵-۵۱).  
<sup>o</sup>- عیسی که پیشنهاد می‌کند به کسانی مراجعه کنند که سخنان اورا شنیده اند تقاضا دارد داوری واقعی انجام گردد (در. ک. ۵۱:۷-۵۲). مخصوصاً تاکید می‌نماید که تصمیم گرفته شده و اکنون فقط با یک داوری ساختگی صحنه سازی می‌کنند. ممکن است در این مورد یوحنا می‌خواهد به خوانندگان مسئولیت شان را در «داوری عیسی» که در سرتاسر تاریخ ادامه خواهد داشت یادآوری نماید.  
<sup>p</sup>- ر. ک. مت:۲۶:۲۷؛ مر:۱۴:۶۵.  
<sup>q</sup>- ر. ک. ۸:۴۶؛ وسائل خشونت به هیچ وجه ارتباطی با شناسایی حقیقت ندارد.  
<sup>r</sup>- مت:۱۴:۶۹-۶۸؛ مر:۱۳:۷۲-۷۱؛ لو:۲۲:۵۸-۵۷.

بخارند.<sup>۷</sup> پس پیلاطس<sup>W</sup> به سوی آنان بیرون آمده گفت: «چه اتهامی به این مرد وارد می کنید؟»<sup>۸</sup> در پاسخ به او گفتند: «اگر بدکار نبود او را به تو تسلیم نمی کردیم.»<sup>۹</sup> آنگاه پیلاطس به آنان گفت: «شما او را بگیرید و بربطق تورات خود او را داوری کنید.»<sup>۱۰</sup> پس یهودیان به خود او را داوری کنید.<sup>۱۱</sup> پس یهودیان به او گفتند: «ما اجازه نداریم کسی را بکشیم.<sup>۱۲</sup>»<sup>۱۳</sup> نا سخن عیسی که گفته بود به تحقق بر سر تاشان دهد به چه نوع مرگی می بايست بمیرد.<sup>۱۴</sup>

<sup>۱۳</sup> باز پیلاطس به دیوان خانه داخل شد.

عیسی را فراخوانده به او گفت: «آیا تو پادشاه یهویان هستی؟»<sup>۱۵</sup> عیسی پاسخ

مت ۵۱:۲۶؛ میر ۴۷:۱۴؛ لو ۴۰:۴۹-۲۲؛ یو ۱۰:۱۸

انکار کرده گفت: «از آنان نیستم.»<sup>۱۶</sup> یکی از برگان کاهن اعظم، خویشان آن کسی که پطرس گوش او را بریده بود گفت: «آیا من تو را با او در باغ ندیدم؟»<sup>۱۷</sup> باز پطرس انکار کرد و در دم خروssi<sup>۱۸</sup> بانگ زد.<sup>۱۹</sup>

### عیسی در برابر پیلاطس<sup>t</sup>

(متی ۲۷:۱۱، ۲-۱:۱۴-۱۵؛ مرقس ۱۵:۱-۵؛ لوقا ۲۳:۱-۵)

<sup>۲۸</sup> پس عیسی را از نزد قیافا به دیوان خانه<sup>u</sup> هدایت کردند. صبح بود اما آنان به دیوان خانه داخل نشدند مبادا نجس شوند بلکه بتوانند [بره] جشن گذر را

- ر. ک ۱۳:۳۶-۳۷

t- یوحنا در مورد حاضر شدن عیسی در برابر پیلاطس خیلی بیشتر از انجیل نظر اهمیت قائل می شود (۱۶:۱۹-۲۸:۱۸) بدین معنی که پیلاطس می آید و می رود (خارج می شود: ۲۹:۱۸، ۳۸:۴؛ ۳۳:۱۸ و وارد می شود: ۹:۱۹؛ ۳۳:۱۸). در میان جمعیتی که رفته رفته خشن تر شده عیسی با آرامش کامل بر اوضاع مسلط است. در حقیقت عیسی سرتاسر این داوری را با سخنان و با سکوت خود رهبری می کند. یوحنا نشان می دهد که عیسی گرچه متمهم است ولی کسانی را که ظاهراً متهم کننده هستند داوری می نماید؛ ر. ک ۱۹:۱۳ توضیح p.

u- دیوان خانه محل اقامات رسمی حکمران رومی بوده است. در اینکه دیوان خانه در کجا قرار داشته نظریات مختلفی وجود دارد. بعضی از مفسران معتقدند دیوان خانه در کاخ هیرودیس بوده و برخی دیگر محل آن را در دژ آتنوبیا در نزدیکی معبد اورشلیم می دانند.

v- به نظر یهودیان محل سکونت مشرکان نجس بشمار می آمد (۱۱:۱۱؛ می ۸:۸)؛ یهودیان که می خواستند از هرگونه آلودگی برطبق شرع یهود برکنار باشند، مخصوصاً در وقتی که عید گذر یهود را جشن می گرفتند به محل اقامات حکمران وارد نمی شدند. یوحنا این موضوع را به طنز بادآوری می کند.

w- پنهانیوس پیلاطس از سال ۲۶ تا ۳۶ میلادی حکمران یهودی بود. تاریخ نویسان قرن اول میلادی او را همچون کارمند عالی رتبه ای توصیف کرده اند که نسبت به ملت یهود نظر مساعدی نداشته است (ر. ک همچنین لو ۱:۱۳).

x- با توجه به قرائت و امارات بسیاری می توان تصور کرد که یهودیان در زمان عیسی در بعضی موارد حق اجرای حکم اعدام (سنکسار کردن) را حفظ کرده بودند (۱۱:۱-۸) ولی به طوری که از آیه ۲۲:۱۸ بر می آید مصلوب کردن فقط در اختیار مقامات رومی بوده است.

y- ر. ک ۱۲:۳-۲۲؛ ۱۳:۳ توضیح W؛ ۲۸:۸. یوحنا در روایت رنجها و مصلوب شدن عیسی بارها بادآوری می کند که سرنوشت عیسی مطابق مطابقی است که در نوشته مقدس آمده است. قانون تورات که به استناد آن یهودیان عیسی را رد می کردن در حقیقت به نفع او شهادت می داد.

z- شاه، این عنوان را عیسی در مورد خود بکار برده ولی در آیات ۶ و ۱۵:۱ به او نسبت داده شده است. برابر آنچه در انجیل نظری ذکر شده (مرقس ۲:۱۱؛ می ۱۱:۲۷؛ لو ۳:۲۳) این عنوان خلاصه اتهامی است که مقامات یهود بر او وارد می کرند (۱۸:۳۰، ۳۵). پیلاطس قاعده ای باشی این عنوان را به مفهوم سیاسی درک و تعییر نماید؛ بدین معنی که محتمل است عیسی آشوبی برپا کرده و طرفدارانی جمع نماید تا رهبران یهودیان را که طرفدار رومیان هستند براندازند. به نظر یوحنا در رنجها و مصائب عیسی (بازگشت او به سوی پدر) و بر روی صليب به طرز شکفت انجیزی سلطنت عیسی تأیید می شود، سلطنتی که مفهوم آن دیگر ابهامی ندارد (ر. ک ۱۵:۶ توضیح W).

(متی ۲۷:۳۱-۱۵؛ مرقس ۱۵:۶-۲۰؛  
لوقا ۲۳:۲۵-۱۳)

این را گفته باز به سوی یهودیان بیرون رفت و به آنان گفت: «من هیچ تقصیری نمی‌یابم: اما شما رسمی دارید که برای جشن گذر کسی را رها کنم. آیا می‌خواهید پادشاه یهودیان را برای شما رها کنم؟»<sup>a</sup> از سر نو فرباد برآورده گفتند: «نه او را، بلکه بربا را!» باری بربا راهزن بود.<sup>f</sup> اع ۱۴:۳

**۱۹** <sup>۱</sup>پس پیلاطس عیسی را گرفته [دستور داد] او را شلاقش بزنند. مت ۲۰:۱۹-۲۳؛<sup>b</sup> قرن ۱:۱۱-۲۳؛<sup>c</sup> سریازان تاجی از خار بافته آن را بر سرش نهادند و ردائی ارغوانی بر تنش کردند.<sup>d</sup> و به سویش آمده می‌گفتند: «سلام ای پادشاه یهودیان!<sup>e</sup>!» و سبیلی هائی بر او می‌زدند.<sup>f</sup> پیلاطس باز خارج شد و به ایشان گفت: «اینک اوران نزد شما بیرون می‌آورم تا بدانید که در او هیچ تقصیری نمی‌یابم.»<sup>g</sup> پس عیسی بیرون آمد در حالی که تاج خار و ردائی ارغوانی دربرداشت و

داد: «این را از خودت می‌گوئی یا دیگران درباره من به تو این را گفته‌اند؟»<sup>a</sup> پیلاطس پاسخ داد: «مگر من یهودی هستم؟ ملت تو و کاهنان اعظم تو را به من تسليم کرده‌اند. چه کرده‌ای؟»<sup>b</sup> عیسی پاسخ داد: «ملکوت من از این جهان نیست، اگر ملکوت من از این جهان بود، برای آنکه به یهودیان تسليم نگردم،<sup>c</sup> نگهبانان من می‌جنگیدند، ولی درواقع ملکوت من از این دنیا نیست.»<sup>d</sup> پس پیلاطس به او گفت: «پس تو پادشاه هستی؟» عیسی پاسخ داد: «این را تو می‌گوئی که من پادشاه هستم، من برای همین زاده شده‌ام و برای همین به جهان آمده‌ام تا بر راستی شاهد دهم.<sup>e</sup> هر که از راستی است صدای مرا گوش می‌کند.<sup>f</sup>»<sup>e</sup> پیلاطس به او گفت: «راستی چیست؟»<sup>g</sup>

- پیلاطس که قبول می‌کند فقط طبق اطلاعاتی که مقامات یهودی داده‌اند عمل نماید در وضعیت نادرستی قرار دارد و نخواهد توانست از این وضع خارج شود.

- سلطنتی را که عیسی به طور غیرمستقیم به خود نسبت داده و ادعا می‌کند کاملاً غیر از سلطنتی است که هدفها و وسائل آن مربوط به این دنیا است. سلطنت او را نیازی به نیرو و روش‌های معمولی در اقدام سیاسی نیست، بلکه این سلطنت را از خدا می‌گیرد. این پادشاهی را می‌توان ملکوت یا فرمانروایی ترجمه کرد.

- برابر نظریاتی که در کتاب مقدس ابراز شده بین پادشاهی و حکمت ارتباطهای وجود دارد (ر.ک ۲-سمو ۱۷:۲۰-۲۰) سلطنت پایان روزگار را که در این ساعت عیسی در دنیا افتتاح می‌کند خشونت بکار نخواهد برد؛ بلکه برابر مشت پدر که به او رسالت داده است با یزدیرقتن حقیقت خدا تحقق خواهد بخشید، حقیقت خدا که در او یعنی در کلام مجسم تجلی می‌نماید (ر.ک ۱۴:۶-۶:۳۲، ۱۳:۸-۱۱:۳). در مورد کلمه حقیقت ر.ک ۱۴:۶ توضیح Z.

- کسانی که به فرستاده خدا می‌پیوندند از هم اکنون در حیطه نفوذ او هستند زیرا برابر حقیقت عمل می‌نمایند (ر.ک ۳:۲۱).

- این سوال که پاسخی نمی‌طلبید نشان می‌دهد که کارمند رومی شخصاً فردی در دل شکاک است از سوی دیگر نیروی سیاسی قادر نیست نظریه عیسی را درباره حقیقت درک نماید. به همان گونه که در ۱:۶، ۱۴، ۲۲، ۲۳:۶ و لو ۱:۱۹ قابل نظریه عیسی را تشخیص داده و با عباراتی که در ۱۸:۳۳ توضیح c ذکر شده بیان خواهد کرد.

- ر.ک مت ۷:۱۵-۱۵:۲۶؛ مرقس ۱۵:۶-۱۵؛ لو ۱۵:۱۵-۲۷؛ ۱۷:۱-۱۷:۲۳. یوحنا این قسمت را خیلی به اختصار ذکر کرده و بادآوری می‌نماید که یهودیان دزد راهزنی را بر عیسی که اورا شورشی معرفی می‌کردند ترجیح داده‌اند زیرا دنیا طرفداران خود را می‌شناسند. ضمناً لازم به بادآوری است کلمه بونانی lèstès که در اینجا راهزن ترجمه شده اکثرأ در مورد فرقهٔ غیوران بکار می‌رفته که اقدامات سیاسی و مذهبی خشونت‌آمیز بکار می‌برندند (ر.ک ۱۰:۱-۸).

- ر.ک مت ۲۷:۲۷-۳۱؛ مرقس ۱۵:۱۵-۲۷؛ ۲۰:۱۶-۲۰ و همچنین توضیح Z مربوط به ۳۳:۱۸ را ملاحظه کنید.

...مگر نمی‌دانی که اقتدار دارم تو را رها کنم و اقتدار دارم تو را مصلوب کنم؟»<sup>a</sup>

<sup>۱۱</sup> عیسی به او پاسخ داد: «تو هیچ اقتداری بر من نمی‌داشتی اگر از بالا<sup>m</sup> به تو داده<sup>n</sup> بیمو<sup>۱۳:۶</sup> نشده بود. به همین جهت آن که مرا به تو تسلیم کرده گناهی بس بزرگتر دارد<sup>n</sup>.»<sup>۱۲</sup>

از این به بعد پیلاطس در جستجوی رهایی او برآمد اما یهودیان فریاد کرده<sup>۳۷:۱۸</sup> می‌گفتند: «اگر این را رها کنی دوست<sup>۷:۱۷</sup> اع قیصر نیستی<sup>۰</sup>، هر که خود را پادشاه کند با قیصر ضدیت می‌کند.»

<sup>۱۳</sup> پس چون پیلاطس این سخنان را شنید، عیسی را بیرون آورد و او را بر مسند داوری که لیتوستروتوس<sup>۹</sup> و به عبری گباتا

<sup>۲۶، ۲۹:۱</sup> [پیلاطس] به آنان گفت: «اینک این انسان<sup>h</sup>!»<sup>۶</sup> پس همین که او را دیدند، کاهنان اعظم و نگاهبانان فریاد برآورده<sup>۱:۱۳</sup> گفتند: «بر صلیب! بر صلیب!» پیلاطس به آنان گفت: «خودتان او را گرفته مصلوبش کنید، زیرا من در او تقصیری نمی‌یابم.»<sup>۷</sup>

<sup>۱۴:۵</sup> یهودیان به او پاسخ دادند: «ما قانونی<sup>۱:۱۸</sup> داریم و برابر این قانون او باید بمیرد زیرا<sup>۳۶:۳</sup> خود را پسر خدا کرده است<sup>i</sup>.»<sup>۸</sup> پس همین که پیلاطس این سخن را شنید ترسان گردید.<sup>j</sup> و مجدداً به دیوان خانه وارد شد و به عیسی<sup>k</sup> گفت: «تو از کجا هستی؟» اما عیسی به او پاسخی نداد.<sup>۱۰</sup> پس پیلاطس<sup>۹:۲۳</sup> به او گفت: «با من حرف نمی‌زنی؟

- در انجیل متی و مرقس موضوع تازیانه زدن و ناسزا گفتن به عیسی پس از محکومیت او ذکر شده است. در لو<sup>۲۲:۱۶-۲۳:۱۶</sup> پیلاطس پیش از محکومیت عیسی پیشنهاد می‌کند او را گوشمالی دهد. به طوری که یوحنا روایت می‌کند چنین می‌نماید پیلاطس امیدوار بوده است این عمل وسیله‌ای برای منصرف کردن یهودیان شود: بدین معنی که متنظره مردی با وضعیت رقت انگیز و مسخره کافی خواهد بود که پیچ بودن ادعاهای احتمالی سلطنت او را نشان دهد. ولی مسلمان یوحنا به این وقایع با چشم دیگری نگریسته و تلقین می‌کند در وجود عیسی انسان واقعی را تشخیص دهنده که در عین همین تحکیر شدن سلطنت مسیحیایی را آغاز می‌نماید.

- در اینجا موضوع اتهام جنبه مذهبی می‌گیرد و به مسئله اصلی یعنی اظهار پسر خدا/ بودن پرداخته می‌شود (ر.ک ۲۰:۱۸:۵).

- پیلاطس با شنیدن آخرین سخنان عیسی<sup>۳۷:۱۸</sup> بیشتر احساس می‌کند که در برابر پدیده‌های فوق بشری قرار گرفته که تهدید کننده و خطرناک می‌باشد.

- یعنی اصلاً اهل کجا هستی؟ از اصل و نسب می‌توان سرشت کسی را شناخت<sup>۱:۹</sup>؛<sup>۱۱:۴</sup>؛<sup>۲۸:۲۷</sup>؛<sup>۱۴:۸</sup>؛<sup>۳۰-۲۹:۹</sup>؛<sup>۱۴:۲۷</sup>.

- سکوت عیسی را بدین گونه می‌توان توضیح داد که شرایط ایمان واقعی و شناخت حقیقت وجود ندارد (ر.ک مت ۱:۱۴:۲۷).

- پیلاطس درباره آنچه در بالا/ است چیزی نمی‌داند، در مورد دامنه قدرتی که به گمان او قدرت مطلق است نیز اشتباه می‌کند

- زیرا این قدرت به وسیله اراده بالاتری به او تفویض شده است (ر.ک ۱۸:۱۷-۲۰)؛ در اینجا نیایستی به جستجوی نظریه منتشر قدرت‌ها برآمد.

- پهودا و رهبران یهودی مسلمان امکان بیشتری داشتند که حقیقت عیسی را دریابند<sup>۶:۴-۶</sup>؛<sup>۲:۱۳:۴</sup>؛<sup>۱۲:۷</sup>؛<sup>۷:۱</sup>؛<sup>۳۰:۱۸:۲۱</sup>؛<sup>۳:۱۸</sup>؛<sup>۳:۱۰</sup>؛<sup>۳:۵</sup> در مورد گناه به عنوان شناختن ر.ک ۲۱:۸؛<sup>۲۴-۲۱</sup>؛<sup>۴:۹</sup>؛<sup>۲۲:۱۵</sup>؛<sup>۴:۱</sup>؛<sup>۲۴-۲۲</sup>؛<sup>۸:۱۶</sup>؛<sup>۴:۹-۸:۱۶</sup>؛<sup>۳:۶:۳</sup>.

- ممکن است دشمنان عیسی عنوان رسمی دوست امپراطور یا ایادآوری می‌کنند که پیلاطس احتمالاً به سبب دوستی و نزدیکی با سزان (Sejan) وزیر قیصر دریافت کرده بود. یهودیان با پیش آوردن جنبه سیاسی موقعیت پیلاطس را مطرح ساخته و اورا مجبور می‌کنند راه خود را انتخاب کند. به این ترتیب با آنکه بی‌گناهی عیسی بارها شناخته شده است (۱۸:۱۸؛<sup>۳:۹</sup>؛<sup>۶:۱۹</sup>)

- دعوی اتهام به عیسی پذیرفته می‌شود.

- ترجمۀ دیگر: بر مسند داوری نشست (ولی این وقایع در خارج از کاخ روى می‌دهد چنانکه گویی قضاؤت و رأی داوری وجود ندارد). ممکن است در اینجا انجیل نگار مجدداً اصطلاحی دوبلو بکار می‌برد. در نظر مردمان دنیا پیلاطس داوری می‌کند: در صورتی که ایمان مفهوم عمیق تری درک می‌کند بدین معنی که پیلاطس بدون اینکه متوجه باشد عیسی را که داور واقعی است بر مسند می‌نشاند؛ بدینسان دنیا در اشتباه و حیرت است (۱۸:۱۱-۸:۱۱) و اکنون نوبت داوری دنیا است (۳۱:۱۲).

ر.ک ۱۱:۵-۱۲ توضیح<sup>j</sup>؛ ۱۹:۵ توضیح<sup>h</sup>؛ ۱۹:۲۲ توضیح<sup>x</sup>.

در آنجا مصلوبش کردند. همچنین دو تن خروج ۵۳:۱۲ دریگر را با او، هر کدام در یک طرف و عیسی در میان.<sup>۷</sup> پیلاطس اعلامیه ای نوشته بود که آن را بالای صلیب بگذارند. [برآآن] نوشته شده بود: «عیسای ناصری<sup>۸</sup> پادشاه یهود»<sup>۹</sup> پس این اعلامیه را بسیاری از یهودیان خواندند زیرا محلی که عیسی در آنجا مصلوب شده بود نزدیک شهر بود و به عبری، لاتین و عبری ۱۲:۱۳-۱۳:۱۲ بود. پس یونانی نوشته شده بود.<sup>۱۰</sup> پس کاهنان اعظم یهودیان به پیلاطس می‌گفتند: «نباید بنویسی پادشاه یهودیان، بلکه این مرد گفته بود: من پادشاه یهودیان هستم.»<sup>۱۱</sup> پیلاطس پاسخ داد: «آنچه نوشت نوشت.<sup>۱۲</sup>»<sup>۱۳</sup> پس وقتی سربازان عیسی را مصلوب کردند، لباسهایش را گرفته چهار بخش

می‌نامند، نشاند.<sup>۱۴</sup> هنگام تهیه [جشن]<sup>۱۵</sup> گذر و نزدیک به ساعت ششم بود.<sup>۱۶</sup> او به ۳۳:۳۳-۳۷:۳۷ یهودیان گفت: «اینک پادشاه شما.»<sup>۱۷</sup> پس فریاد برآوردن: «مرگ!<sup>۱۸</sup> مصلوبش کن.» پیلاطس به آنان گفت: «آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟» کاهنان اعظم پاسخ دادند: «پادشاهی جز قیصر نداریم!»<sup>۱۹</sup> پس او را به ایشان تسليم کرد تا مصلوب شود.

### مصلوب شدن و مرگ عیسی (متی ۲۷:۴۴-۳۲:۲۷؛ مرقس ۱۵:۳۲-۲۱:۳۲) لوقا ۲۳:۲۶-۴۳)

پس عیسی را با خود بردن.<sup>۲۰</sup> و او که بید ۶:۲۲ خود صلیب را حمل می‌کرد<sup>۲۱</sup> به سوی محلی مسمی به «جمجمه» که به عبری «جلجتا<sup>۲۲</sup>» نامیده می‌شد بیرون رفت<sup>۲۳</sup> و

- ۹- ترجمه تحتاللفظ: سکگفرش؛ احتمالاً جایی است که با قطعات سنگی مفروش شده و یا موزائیک می‌باشد. کلمه جباتا (جباتا) که بعداً آمده نشان می‌دهد که محلی بلندتر از سطح زمین است.
- ۱۰- تصمیم در موقع ظهر به هنگام تهیه جشن گذر یهودیان گرفته شده است: چنین می‌ناید که از این لحظه به بعد بره‌ها برای تهیه جشن در معبد ذبح می‌کردند؛ تطبیق این تاریخها در نظر یوحنا ارزش نمادین دارد (ر.ک ۲۶:۱۹؛ ۲۹:۱).
- ۱۱- [ فعل یونانی که در این مورد بکار رفته و به مرگ ترجمه شده کلمه ای است که به معنی تحتاللفظی باید ترجمه کرد: بردار، ناید کن، از بین بین، از میان بردار].
- ۱۲- پذیرفتن عیسی توأم با شناسایی قدرت عالیه و انحصاری امپراتور روم است: در این لحظه قطعی مقامات یهودی فرمانروایی مطلق خدا را بر اسرائیل انکار می‌کنند (داور ۸:۲۳؛ ۱:۷-۸).
- ۱۳- برابر قوانین جاری محاکوم بایستی شخصاً وسیله شکنجه را حمل می‌کرد. انجیل نظری روایت کرده‌اند که شخصی به نام شمعون قیروانی را وادار کرده بودند مدتی صلیب را حمل نماید (مت ۲۷:۲۱؛ مر ۱۵:۲۱؛ لو ۲۳:۳۲)؛ یوحنا این موضوع را عمداً حذف نموده است. آیا روایت یوحنا عکس العملی علیه نظریه ای است که در قرن اول میلادی پیدا شده بود و کسانی تصور می‌کردند عیسی مصلوب نشده و شمعون قیروانی را به جای او به صلیب کشیده‌اند؟
- ۱۴- این نقطه بلندی کوچکی است که به فاصله کوتاهی از دیوار شهر قرار دارد (مت ۲۷:۲۷؛ مر ۱۵:۲۰؛ عبر ۱۲:۱۳-۱۳:۱۲). نام جلجتا (جمجمه) بدان سبب است که این محل داده شده بود که این بلندی سخره‌ای به شکل جمجمه است.
- ۱۵- مر ۱:۱۵؛ مت ۲۷:۲۷؛ ۳۸:۲۷؛ لو ۲۳:۳۳ تصریح می‌کنند که این دو نفر راهزن بوده‌اند در صورتی که بنا بر نوشته یوحنا مردان بینوایی هستند که عیسی در سرنوشت آنان سهیم شده است. کلمه «در میان» نشان می‌دهد جایی است که پادشاه در آنجا قرار می‌گیرد (ر.ک ۱۸:۳۳ توضیح Z).
- ۱۶- یوحنا امالی کلمه ناصری را که بر روی لوحه نوشته شده nazoreen روایت می‌کند (ر.ک مت ۲۷:۳۷؛ مر ۱۵:۲۶؛ ۱۵:۱۲؛ ۲۷:۳۸؛ ۲۷:۳۸؛ ۲۷:۳۸) در مورد این کلمه به مت ۲۳:۲ توضیح b مراجعه نمایید.
- ۱۷- معمولاً نوشته‌ای علت محاکومیت را تعیین می‌کرده است. یوحنا با بادآوری و با اصرار در مورد این نوشته جنبه اشاره‌ای آن را تأکید می‌کند: عیسی به وسیله صلیب پادشاه مسیحیان می‌شود و این واقعه باید به تمام زبانهای جهان اعلام گردد (ر.ک ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۳۲؛ ۱۰:۱۰-۱۶؛ ۵۲:۵۰).
- ۱۸- مجدد پیلاطس بدون اینکه بداند نبوت می‌کند.

می کرد به مادرش گفت: «ای زن اینک پسر تو<sup>d</sup>.»<sup>۲۷</sup> سپس به شاگرد گفت: «اینک مادر تو» و از آن ساعت به بعد، آن<sup>۲۸</sup> اع<sup>۲۹</sup>:۶-۲۱ شاگرد او را نزد خویش برد.<sup>e</sup>

(متى ۴۱-۴۵:۵۶؛ مرقس ۱۵:۲۷؛  
لوقا ۴۹-۴۴:۲۳)

پس از آن عیسی که می دانست همه<sup>f</sup>  
چیز تحقق یافته است<sup>f</sup> برای آنکه نوشته  
[مقدس] به تحقق رسید<sup>g</sup> گفت:  
«تشنه ام.<sup>h</sup>» در آنجا ظرفی پر از سرکه  
بود. پس بر سر شاخه ای از زوفا<sup>i</sup>، اسفنجی  
پر از سرکه به نزدیک دهانش بردند.<sup>j</sup> در  
لحظه ای که عیسی سرکه را چشید<sup>k</sup> گفت:

کردند. هر بخش برای یک سرباز<sup>۲۲</sup>،  
همچنین پیراهنش را، اما پیراهن دوخت  
نداشت و یک تکه از بالا به پائین بافته  
شده بود.<sup>۲۴</sup> پس به یکدیگر گفتند:

من ۱۹:۲۲ «پاره اش نکنیم بلکه برای این قرعه  
بیندازیم تا از آن که بشود.» تا نوشته  
مقدس به تحقق رسد: «لباسهای مرا بین  
خود بخش کرده بر جامه من قرعه  
افکندند<sup>۲۵</sup>»، درست همان که سربازان  
کردند.

۲۵ نزدیک صلیب عیسی، مادرش، خواهر  
مادرش، مریم [زن]<sup>۲۶</sup> کلوبیا و مریم مجده<sup>۲۷</sup>  
ایستاده بودند.<sup>b</sup> عیسی با دیدن مادرش<sup>c</sup>  
و به همراه او شاگردی که او را محبت

۲۶-۵۵:۲۷-۴۱:۱۵  
۴۹:۲۳-۲۳:۴:۲  
۲۳:۱۳-۲:۲۰  
۲۰، ۷:۲۱

۲۷-۴۲:۲۷-۴۱:۲۳  
لوا ۴۹:۲۳-۲۳:۴:۲  
۲۳:۱۳-۲:۲۰  
۲۰، ۷:۲۱

۲۸-برطبق قانون رومیان.  
۲۹-یوحنا لباسهای رویی را از پیراهن زیر متبايز کرده است. پیراهن زیر یک پارچه است و پاره کردن آن مسخره و نامعقول خواهد  
بود. بعضی از مفسران این پیراهن را اشاره ای به عنوان کاهن اعظم تصور کرده اند زیرا وی از این پس کهانت  
جدید را عهده دار خواهد بود ولی این تفسیر چندان حقیقی به نظر نمی رسد. بلکه یوحنا این موضوع را روایت کرده تا نقل قول  
از نوشته مقدس را در آیه ۲۵ ذکر نماید. در این مورد ر.ک ۳۲:۱۸ توضیح <sup>۲۵</sup> ا.

a-۱۹:۲۲

b-اناجیل نظری حضور زنان و از جمله مریم مجده<sup>۲۷</sup> را ذکر کرده اند که در فاصله ای از صلیب بر روی تیه جلجتا ایستاده بودند  
(مت ۴۹:۲۳-۵۵:۵۶؛ مر ۴۰:۵-۴۱:۲۷؛ لو ۲۳:۴۹). یوحنا تنها انجیل نگاری است که روایت می کند زنانی در نزدیکی صلیب بودند.  
وی سه یا چهار زن را نام می برد، بسته به اینکه خواهر مادر عیسی و مریم زن کلوبیا یک نفر یا دو نفر به حساب آورده شود.

c- ترجمه تحت الفظی: مادر. از آیه ۲۶ به بعد یوحنا دیگر نامی از زنان نیاورده و فقط از مریم و شاگرد مورد محبت عیسی سخن  
می گوید ر.ک ۲۳:۱۳ توضیح <sup>e</sup>.

d- ر.ک ۴:۲

e- عیسی مریم و شاگرد محبوب خود را به یکدیگر می سپارد. برای این آیه تفسیرهای مختلفی قائل شده اند: ۱- عیسی به مریم  
مقام مادر ایمانداران داده است. روایات کاتولیک و ارتکس از مریم به عنوان مادر روحانی سخن می گویند که در اینجا شاگرد  
عیسی نماینده آنان است. ۲- به طوری که بعضی از مفسران تصور می کنند این شاگرد فرد مشرک بوده که به مسیحیت گرویده  
است و عیسی بدین وسیله مسیحیانی را که قبلًا مشرک بوده اند با مسیحیانی که یهودی بوده اند آشناشی می دهد. ۳- ایمان  
واقعی که در بای صلیب پدید آمده آغاز روابط جدیدی می باشد.

f- یعنی عملی را که پدر به او مأموریت رسالت داده بود تا تحقیق بخشد (۳۴:۳؛ ۳۸:۶؛ ۳۸:۱۷؛ ۱:۱۳) و بتاریخ تحقیق نوشته  
مقدس در جایی که اعلام شده بود.

g- ترجمه تحت الفظی: برای آنکه نوشته [مقدس] به پایان برسد...

h- ر.ک ۱۶:۲۲؛ ۲۲:۶۹

i- این گیاه [که به عربی زوفا و در فارسی مژنگوش نامیده می شود] دارای برگهای پر زدار است و در مراسم مذهبی برای  
افشاندن آب بکار می رفته است (لاو ۱۴:۴؛ مز ۹:۵). ارتفاع آن از یک متر تجاوز نمی کند. بکار بردن آن در این موارد  
عجبی نیست و مسلمًا به عنوان نشانه و رمزی از مراسم مذهبی عید گذرا مده است (خروج ۲۲:۱۲). کلمه یونانی javelot که  
در این مورد بکار رفته با تغییر جزوی می توان نیزه خواند. در مورد سرکه ر.ک مت ۴۸:۲۷ توضیح b و مر ۱۵:۳۶ توضیح x.

وقتی دیدند که قبلاً مرده است ساق پاهای او را نشکستند. اما یکی از سربازان نیزه اش را به پهلوی او فرو برد که در دم از آن خون و آب بیرون آمد.<sup>n</sup> و آن کس که دیده است شهادت می‌دهد و شهادت او راست<sup>o</sup> است، وانگهی وی می‌داند که راست می‌گوید<sup>p</sup> تا شما هم ایمان بیاورید. زیرا برای آنکه نوشته مقدس به تحقق رسید این روی داده است: هیچ یک از استخوان هایش شکسته نخواهد شد.<sup>q</sup> و باز نوشته مقدس دیگری می‌گوید: آن کس را که نیزه زده اند خواهند نگریست.<sup>r</sup>

ایوب:۲۶-۲۷؛ لوقا:۱۲؛ تیمو:۴؛ اع:۱۵؛ یو:۴

سرش را خم می‌کرد، روح را تسليم نمود.<sup>k</sup>

## خون و آب

<sup>۳۱</sup> چون روز تهیه عید بود، برای آنکه در روز سیست بدنهای روى صلیب باقی نماند - زیرا این سیست روز بزرگی بود<sup>۱</sup> - یهودیان از پیلاطس درخواست کردند که ساق پاهای آنها را بشکنند<sup>m</sup> و آنها را بردارند. <sup>۳۲</sup> پس سربازان آمدند و ساقهای پای اولی را بشکستند، بعد دیگری را که با او مصلوب کرده بودند. <sup>۳۳</sup> چون به عیسی رسانیدند،

ز- فعلی که به صورت معلوم آمده (فاعل عیسی است) نشان می‌دهد که عیسی تا آخرین لحظه بر اجرای رسالت خود تسلط کامل دارد (ر. ک. ۱۰:۱۸).

k- یوحنا با آنکه اعطای روح القدس را به کلیسا در طرق ظاهر شدن عیسی و در واقعی عید گذر تعیین می‌کند (۲۰:۲۲)، در اینجا شاید خواسته الفا کند که عیسی با مرگ خود می‌تواند روح القدس را به جهان منتقل سازد (۷:۵-۱۶).

l- در انتظاق با تث ۲۱-۲۲:۲۳-۲۳.

m- برای اینکه مرگ تسریع شود.

y- مطالibi که در آیات ۳۱-۳۳ آمده نقطه اوج گواهی و تأیید نوشته مقدس است که در آیه ۳۶ ذکر شده است (۱۸:۳۲ توضیح <sup>۷</sup>) را ملاحظه کنید). چنین به نظر می‌رسد که آیات ۳۴-۳۵ بعدها در این انجیل وارد شده است. از آنجا خون و آب بیرون آمد: این پدیده را می‌توان به طریق طبیعی توضیح داد بدین معنی که بلا فاصله پس از مرگ ممکن است هنوز خون جاری شود و آب نتیجه ترشح غشاء داخلی سینه باشد. بنابر یکی از روایات کاهنان بدنه انسان از آب و خون تشکیل شده است: و جاری شدن این دو ماده نشانه واقعیت مرگ می‌باشد: بنابراین نظریه ای که در قرن اول میلادی به وجود آمده و کسانی معتقد بودند عیسی فقط ظاهر یک انسان را داشته و مصلوب نشده و نمرده است منتفی خواهد بود (ر. ک. ۶:۵۱ توضیح <sup>y</sup>). یوحنا این پدیده را نشانه ای از موهبت روح القدس می‌شمارد: ر. ک آب در برابر روح القدس: ۱۴:۴؛ ۳۸:۷؛ ۳۹:۳؛ خون در برابر زندگی جاویدان: ۶:۵-۶. در همین معنی همچنین ۱-یو:۶ را ملاحظه کنید. مفسران متعددی قلم فراتر نهاده و آن را رمز و نشانه تقدیس می‌شمارند: آب - تعمید و خون - آیین سپاسگزاری؛ مفسران دیگری در اینجا پیدایش کلیسا را می‌بینند که حوای جدید از پهلوی آدم جدید بوجود می‌آید.

o- شاهد درباره واقعه ای که از آن سخن می‌گوید باید آشنایی مستقیم و بلا واسطه داشته باشد و در عین حال عمیق آن را درک کرده باشد (ر. ک. ۱:۷؛ ۱۵:۱؛ ۲۶:۲۶-۲۷). در اینجا ظاهراً همان شاگرد محبوب عیسی است (۱۹:۲۷-۲۶) که گواهی او مبنای روایات انجیل یوحنا است (۲۱:۲۴).

P- بنابر عادت یهودیان (۱۳:۸) یوحنا شاهد دیگری در نظر دارد که حقیقت مطلق شهادت اولیه را تصدیق و تأیید کند. و در اینجا مسلمان شکوهمند است (که یوحنا اکنtra درباره او ضمیر مجلل ekeinos را بکار می‌برد: ۲۸:۹؛ ۳۰، ۱۱:۷؛ ۳۰:۲۸؛ ۳:۱۱:۷؛ ۱۶:۵، ۵:۱۶؛ ۴:۱۷؛ ۶:۱۷؛ ۴:۱۶ و در اینجا «وی» ترجیمه شده است)، به همان گونه که عیسی گواهی را که پدر درباره او داده است دارد، شاگردی که گواهی می‌دهد به خوبی می‌داند مسیح که اورا فرستاده سخن اورا تصدیق می‌نماید (ر. ک. ۱۳:۸-۳۲:۵). بعضی از مفسران این گواهی را تأیید پدر تصور کرده اند: مفسران دیگری آن را تفسیر و توضیحی از جانب کاتب انجیل پنداشته اند که واقعیت گواهی را که ذکر می‌کند تأیید می‌نماید.

q- چنین می‌نماید که این عبارت نقل قول ترکیبی از مز ۳:۴ (درباره اینکه دادگر رنجور حفاظت می‌شود) و خروج ۴:۶ و اعد ۱:۲۹ (درباره بره عید گذر) است: ر. ک. ۱:۲۹.

r- ر. ک زک ۱:۱۰؛ کسی را که دوران مسیحیان را پایه گذاری می‌کند در خدمتگذاری بینوا و نیزه زده تشخیص می‌دهند (ر. ک. ۱:۱۴-۱۵؛ ۸:۲۸؛ ۱۲:۳۲)؛ و این وضع منظره سعادت ایسانداران و داوری گناهکاران خواهد بود (ر. ک. ۱:۷).

## شاگردان بر سر قبر

(متی ۱:۲۸؛ مرقس ۱:۱۶؛ ۸-۱:۱۰؛ لوقا ۱۲-۱:۲۴)

<sup>۱</sup> نخستین روز هفته، بامدادان <sup>۱۹:۲۰</sup> <sup>۷:۲۰</sup> <sup>۱۰-۱:۲۸</sup> وقتی که هنوز هوا تاریک بود، <sup>۱۱:۱۶</sup> <sup>۸-۱:۱۶</sup> مریم مجده<sup>۱۱</sup>، به سر قبر آمد و دید که <sup>۱۲-۱:۲۴</sup> سنگ قبر برداشته شده است. <sup>۲</sup> پس دویده نزد شمعون پطرس و شاگرد دیگری <sup>۲۳:۱۳</sup> <sup>۱۵:۱۸</sup> که عیسی او را محبت می کرد<sup>۷</sup> آمد و به آنان گفت: «خداؤند را از قبر برداشته اند و نمی دانیم<sup>۸</sup> اورا کجا گذاشته اند.» <sup>۳</sup> پس پطرس خارج شد، همچنین آن <sup>۲۰</sup> <sup>۷:۲۱</sup> تندتر از پطرس می دوید و نخست بر سر <sup>۲۴:۲۴</sup> <sup>۱۵:۱۸</sup> قبر آمد. <sup>۵</sup> خم شده نظر کرد که نوارها<sup>۹</sup> در آنجا مانده بود. با وجود این داخل نشد. <sup>۶</sup> سپس شمعون پطرس نیز که به دنبال او بود آمد و به درون قبر وارد شده دید که نوارها در آنجا صاف گذاشته شده است، <sup>۷</sup> همچنین دستمالی که بر سرش بود، نه با نوارها، بلکه جداگانه در جای دیگر پیچیده شده بود. <sup>۸</sup> پس آنگاه شاگرد دیگر

## خاکسپاری

(متی ۲۷:۲۷-۵۷؛ مرقس ۱۵:۴۲-۴۷؛ لوقا ۲۲:۵۶-۵۰)

<sup>۳۸</sup> پس از آن، یوسف اهل رامه که به سبب ترس از یهودیان، در پنهان شاگرد عیسی بود، از پیلاطس درخواست کرد بدن عیسی را بردارد. و پیلاطس اجازه داد، پس <sup>۶۱-۵۷:۲۷</sup> <sup>۴۷-۴۲:۱۵</sup> <sup>۵۵-۵۰:۲۳</sup> <sup>۱۳:۷</sup> <sup>۱۹:۲۰:۲۲:۹</sup> مت ۶۱-۵۷:۲۷ آمده بدنش را برداشت. <sup>۳۹</sup> نیقدیموس - همان کسی که در آغاز شبانه نزد عیسی <sup>۹:۴۵</sup> <sup>۱۱:۲</sup> آمده بود<sup>۸</sup>- نیز آمد، با خود مخلوطی از مر و عود آورده بود که قریب صد رطل بود.<sup>۱۰</sup> <sup>۴۰</sup> پس بدن عیسی را برداشته آن را به رسم خاکسپاری یهودیان با مواد خوشبو با پارچه بستند. <sup>۴۱</sup> در جایی که او مصلوب شده بود، باعی بود و در آن باع قیری تازه که هرگز کسی درون آن گذاشته نشده بود. <sup>۴۲</sup> به علت تهیه [عید] یهودیان، چون قبر نزدیک بود عیسی را همانجا گذاشتند.

۸- ر. ک ۱:۳؛ ۵۰:۷.

t- مر ماده صمعی خوشبوی است که برای معطر کردن مردگان بکار می رود (ر. ک مت ۱۱:۲)؛ ماده دیگری که ذکر شده عود است (امت ۷:۷؛ مر ۹:۴-۵)؛ وزن مواد معطر که صد رطل تعیین شده برابر ۳۲/۷۰۰ کیلوگرم بوده است.

۱۱- ر. ک ۲۵:۱۹؛ در انجیل نظیر سخن از چندین زن است که در بین آنان همواره نام مریم مجده<sup>۱۰</sup> ذکر شده است (این زن اهل دهی در ساحل دریاچه طبریه بوده است، ر. ک مت ۱:۲۸؛ مر ۱:۱۶، ۹:۶؛ لو ۲:۲۴-۱۰) او در جلجتا حضور داشته (مت ۱۷:۵۶، ۴۷:۱۵؛ مر ۴۰:۱۵)؛ لوقا شاید او را همان زن گناهکاری می داند که در خانه شمعون عیسی را با عطر تدهین کرده بود (لو ۲:۸).

۷- ر. ک ۱۳:۲۳ توضیح.

W- فعلی که در اینجا به صورت جمع آمده ممکن است اثرب از روایت قدیمی تری باشد که بر طبق آن چندین زن بر سر گور آمده بودند (ر. ک ۱۳:۲۰). مریم درباره خالی بودن گور توضیحی می دهد و شاید این توضیح در محاذ فلسطینیان تا اندازه ای مورد استقبال قرار گرفته بوده است.

X- کلمه یونانی othonia که در اینجا بکار برده شده ممکن است به معنی نوارها یا یک تکه کتان نسبتاً گرانبها باشد که برای کفن مردگان بکار می برند.

گذاشته‌اند.»<sup>۱۴</sup> این را گفت و چون روى برگرداند عيسى را ديد که در آنجا ايستاده است. اما نمى دانست که او عيسى است.  
 عيسى به او گفت: «ای زن چرا گريه مى کنى؟ که را مى جوئى؟» چون<sup>۱۵</sup> لوعن<sup>۱۶</sup> قرن<sup>۱۷</sup> می پنداشت او باغبان است به وى گفت: «خداوندا، اگر تو او را برده‌اي به من بگو وى را کجا گذاشته‌اي تا او را ببردارم.»  
 عيسى به او گفت: «مریم!» و او روى برگردانده<sup>۱۸</sup> به عيري به وى گفت: «ربونی» مر<sup>۱۹</sup> مز<sup>۲۰</sup> عير<sup>۲۱</sup> مز<sup>۲۲</sup> ایستاد. عيسى به او گفت: «ديگر مرا لمس مکن<sup>d</sup> زيرا هنوز نزد پدر بالا نرفته‌ام اما نزد برادرانم برو و به ايشان بگو: به سوي پدر من و پدر شما، به سوي خدای من و خدای شما بالا مى روم.»<sup>e</sup> عير<sup>۲۳</sup> مز<sup>۲۴</sup> روم<sup>۲۵</sup> عير<sup>۲۶</sup>  
 مریم مجده‌لیه آمده به شاگردان نوید داد: «من خداوند را دیدم و به من چنین گفته است.»<sup>۱۸</sup>

كه نخست بر سر قبر آمده بود به درون آمد و دید و ايمان آورد.<sup>a</sup> زيرا هنوز نوشته مقدس<sup>Z</sup> را درک نکرده بودند که برابر آن مى بايس است از ميان مردگان بريخيزد.<sup>b</sup> پس شاگردان از آنجا رفته به خانه خود بازگشتند.

### مریم مجده‌لیه خداوند را مى بیند (مرقس ۱۶:۹-۱۱)

مریم بیرون، نزدیک قبر ایستاده مى گریست. پس همان طور گريان به سوي عير<sup>۱۴</sup> قبر خم شد.<sup>c</sup> و دید که دو فرشته سپيد پوش، درجایي که بدن عيسى گذاشته شده بود نشسته‌اند، يكى نزدیک سر و دیگرى نزدیک پاهای<sup>b</sup>.

آنان به او گفتند: «ای زن چرا گريه مى کنى؟» به آنان گفت: «خداوندم را برداشته‌اند و نمى دانم او را کجا

y- اين شاگرد برخلاف مریم مشاهده مى کند که در داخل گور خالي، پارچه‌ها با دقت تا شده است و متوجه مى شود که بدن عيسى را نه دزدیده و نه به جاي دیگر برده‌اند بلکه به وسیله ايمان دوباره زنده شدن او را درمي يابد.  
 Z- با توصل به نوشته‌های مقدس مى توان واقعه رستاخيز عيسى را درک نموده و تفسير کرد (ر.ک ۱-۱۵:۱۵؛ اع<sup>۲۴</sup>:۴؛ مز<sup>۳۱</sup>-۳۲:۱۳؛ لوعن<sup>۲۷</sup>:۲۷، ۲۷:۲۴).

a- ترجمه تحت الفظى: بريما مى ایستاد: آنکه در خواب مرگ دراز کشیده بود بريما مى ایستد (آدم زنده به حال ایستاده است).  
 b- دو فرشته در دو انتهای سکویی که جسد را بر روی آن گذاشته بودند نشسته‌اند. يوحنا اين موضوع را که جزو روایات آنجليل نظری است حفظ کرده بدون آنکه درباره آن توضیح بیشتری بدهد (ر.ک مز<sup>۲۸</sup>:۵، ۲۳:۲۴؛ لوعن<sup>۱۶</sup>:۵؛ مز<sup>۲۴</sup>:۵؛ درباره مرد جوانی سخن مى گويد).

c- ر.ک ۱۰:۵؛ چون عيسى او را به نام مى خواند، مریم او را مى شناسد.  
 d- گاهی ترجمه مى کنند: مرا نگه مدار. به هرسورت عيسى مى خواهد به مریم يادآوري کند تغييراتی که در او ايجاد مى شود به منظور اينکه به نزد پدر برود موجب ايجاد نوع جديد روابط خواهد شد (ر.ک ۱۶:۵؛ ۲۰-۲۳؛ ۱۴:۲۸؛ ۱۹:۲۷).  
 e- تا اينجا هر وقت عيسى از خدا سخن مى گفت کلمه يارم را بكار مى برد ولي اكتون در عين اينکه تفاوت قائل مى شود برای نخستين بار از ارتباط پدر فرزندی خدا نسبت به شاگردان سخن گفته و آنان را برادران خود مى نامد (مت<sup>۲۸</sup>:۱۰؛ اع<sup>۲۸</sup>:۱۰) در لابلای اين عبارات که مورد پذيرفتن به فرزندی بيان مى شود از عهد و پيمان جديد ياد شده که شاگردان به سبب پيوستگى با عيسى که در شکوه پدر وارد شده در عهد جديد سهيم هستند (۱:۲-۱:۳).

## شهادت شاگردان و ایمان

٤ توما یکی از دوازده تن، مشهور به ۱۱:۱۴؛ ۱۶:۱۱  
۲:۲۱ «دیدیموس<sup>m</sup>» وقتی عیسیٰ آمد با آنان نبود. ۲۵ دیگر شاگردان به او می‌گفتند: ۱۶:۱۶-۲۰؛ مرقس ۱۴:۱۶؛ ۱۸-۱۴:۲۸ (متى ۲۸:۲۸-۱۶:۲۰) اما به آنان ۱- ۱:۹:۳۶-۴۹ لوقا ۳۶:۲۴ (متى ۲۸:۲۴-۳۶:۴۹)

ما خداوند را دیده‌ایم! اما به آنان ۱- ۱:۹:۲۰-۳۴:۱۹ قرن ۱- ۱:۹:۱-۱:۹:۲۰ گفت: «اگر در دستهای او جای میخها را نبینیم، اگر انگشت خود را در جای میخها فرو نیرم و اگر دست خود را پهلویش نگذارم، یقین نخواهم کرد.» ۲۶ هشت روز بعد باز شاگردان در درون بودند و توما با آنان درها بسته بود که عیسیٰ وارد شد و در میان آنان قرار گرفت و گفت: «آرامش بر شما باد!» ۲۷ سپس به توما گفت: «انگشت خود را اینجا جلو بیاور، این دستهای من است. دست خود را جلو بیاور و در پهلوی من بگذار. بی ایمان مباش، بل

## شاگردان خداوند را می‌بینند

(متى ۲۸:۲۸-۱۶:۲۰؛ مرقس ۱۴:۱۶؛ ۱۸-۱۴:۲۸)

لوقا ۳۶:۲۴ (متى ۲۸:۲۴-۳۶:۴۹)

شامگاه همان روز که نخستین روز هفته بود<sup>f</sup> از ترس یهودیان، شاگردان در مکانی در بسته بودند که عیسیٰ آمد<sup>g</sup> و در میان ایستاده به آنان گفت: «آرامش بر شما باد!» ۲۰ و این را گفته، دستها و پهلویش را به آنان نشان داد<sup>h</sup>. پس شاگردان به دیدن خداوند شاد شدند.<sup>i</sup> ۲۱ پس باز به آنان گفت: «آرامش بر شما باد! همچنان که پدر مرا فرستاد من نیز شما را می‌فرستم.<sup>j</sup>» ۲۲ این را گفته، دمید<sup>k</sup> و به آنان گفت: «روح القدس را دریافت دارید.<sup>l</sup> ۲۳ گناهان حکمی را که بخشید برا ایشان بخشیده خواهد شد و بر کسانی که باقی بگذارید باقی خواهد ماند.<sup>m</sup>» ۲۴

- وقتی شاگردان در شب نخستین روز هفته به دور هم گرد آمده‌اند احساس می‌شود که مسیح در میان آنان حاضر است (شاید در اینجا منتظر اشاره‌ای به جلسات روز یکشنبه مسیحیان است).

g- در مورد علت ترس از یهودیان ر. ک. ۱۹:۱؛ ۲۲:۹؛ ۴۲:۱۲؛ ۲۰:۲۰-۳۴:۱۹ می‌گیرد و آنان را دام‌هماره‌ی کرده و راهنمایی خواهد نمود (ر. ک. ۳:۳-۱۸؛ ۱۹:۱۸). h- آنچه لوقا در ۳۹:۲۴ ذکر کرده جنبه سنتایشی دارد: در صورتی که در اینجا یادآوری و تأکید می‌شود که بین عیسیٰ که مصائب را تحمل کرده و آن که همواره با ایشان خواهد بود تداوم وجود دارد (ر. ک. عبر ۲:۱۸)، خداوند شکوهمند کلیسا کسی جز عیسی مصلوب نیست.

i- دیدار با مسیح برخاسته از مرگ سرچشمه شادی است (ر. ک. ۱۱:۱۵؛ ۱۳:۱۷؛ ۲۰:۱۶؛ ۲۴-۲۰:۱۷؛ ۱۳:۱۷؛ ۸:۲۸؛ لو ۴:۲۰-۲۴؛ ۵:۲۰). j- رسالت شاگردان پس از صعود پسر به آسمان آغاز می‌شود: ر. ک. ۱۴:۱۲؛ ۱۵:۱۴-۱۶:۱۲؛ ۱۷:۱۷؛ ۲۰:۲۰-۲۹:۱۷. یوحنا در مورد جهانی بودن این رسالت یادآوری و تأکید می‌نماید (ر. ک. ۴:۳-۳۵:۳؛ ۱۲:۱۲-۱۹:۱۶). k- فعل یونانی که در اینجا آمده یادآوری آفرینش نخستین انسان است (پید ۷:۷) و چنین القا می‌کند که خلفت جدید و رستاخیزی واقعی می‌باشد (خرق ۹:۶؛ روم ۴:۲۶-۲۷؛ ۲۷:۱۷؛ ۱۷:۱۷-۲۶:۲۷). l- روح القدس نیروی نجات بخشی خواهد بود که شاگردان در همیستگی با عیسی متجلی خواهد کرد (ر. ک. ۱۵:۱۵؛ ۱۷:۱۷؛ ۲۷:۱۷؛ ۲۶:۲۷؛ ۹:۶).

1- یوحنا عبارتی را که در روایات دیگر آمده است (ر. ک. مت ۱۶:۱۶ و ۱۸:۱۸) در روایت خود می‌آورد و بایستی مفهوم آن را تا حد امکان با توجه به نظریات خداشناسی خود او درک کرد: بدین معنی که شاگردان در تداوم و انتشار رسالت عیسی در جهان گناهان را بخشیده با باقی خواهند گذاشت. بنابر روایات کاتولیک و ارتودکس، قدرت بخشایش گناهان به اعضای گروه رسولان داده شده است که در همیستگی با عیسی مأموریت رسالت دارند (۱۵:۲۱-۱۷). بنابر روایات پرتوستان این قدرت و مأموریت رسالت به تمام شاگردان یعنی به همه ایمانداران در همه دورانها اعطای گردیده است (ر. ک. ۱۷:۱۷-۲۰:۲۰ توضیح ۵) و تنها به پطرس (مت ۱۶:۱۶) یا هر انجمن کهانی دیگری داده نشده است (لو ۴:۲۴-۳۶)؛ مردمان با شنیدن گواهی آنان ایمان خواهند اورد (گناهانشان بخشیده خواهند شد) یا دچار لغزش می‌شوند (خودشان درباره خود داوری خواهند کرد و گناهانشان باقی خواهد ماند).

m- ر. ک. ۱۱:۱۶؛ ۱۴:۵؛ ۲۱:۲۰. n- ر. ک. ۲۷:۱۴ توضیح ۷.

جلیل، پسران زبده و دو تن دیگر از شاگردانش با هم بودند.<sup>۳</sup> شمعون پطرس به آنان گفت: «برای صید [ماهی] می روم.» به او گفتند: «ما نیز به همراه تو می آئیم.» به راه افتاده سوار قایق شدند و در آن شب لو<sup>۵:۵</sup> چیزی نگرفتند.<sup>۴</sup> چون صبح شد، عیسی در ساحل ایستاده بود. با وجود این شاگردان نمی دانستند که او عیسی است.<sup>۵</sup> پس عیسی به آنان گفت: «بچه ها آیا چیزی برای خوردن دارید؟» به او پاسخ دادند: «خیر!»<sup>۶</sup> به آنان گفت: «تور را به طرف لو<sup>۴۱:۲۴</sup> راست قایق بیندازید و خواهید یافت.»<sup>۷</sup> لو<sup>۷-۴:۵</sup> پس انداختند و به سبب زیادی ماهی ها، دیگر توان کشیدن آن را نداشتند. آن شاگردی که عیسی او را محبت کرد به پطرس می گوید: «این خداوند است!»<sup>۸:۲۳-۱۳</sup> پس شمعون که شنید او خداوند است،<sup>۹:۲۶-۱۹</sup> لنگی به کمر بست - زیرا برهنه بود - و به مت<sup>۱۰:۲۰</sup> دریا پرید.<sup>۷</sup> شاگردان دیگر با قایق آمدند زیرا از خشکی زیاد دور نبودند، مگر قریب

ایمان آور.»<sup>۲۸</sup> توما به وی پاسخ داد: «ای خداوند من و ای خدای من!»<sup>۲۹</sup> عیسی به وی گفت: «چون مرا می بینی ایمان می آوری، خوش آن کسانی که ندیده اند و ۱- پطر<sup>۸:۱</sup> ایمان آورده اند.»<sup>P</sup>

## هدف نویسنده انجیل

<sup>۳۰</sup> عیسی در برابر شاگردانش بسیار نشانه های دیگر به انجام آورد<sup>۹</sup> که در این کتاب نوشته نشده است،<sup>۳۱</sup> اما آنها که نوشته شدند برای آن است تا ایمان آورید<sup>۱</sup> که عیسی، مسیح و پسر خداست و ایمان ۱ یو<sup>۱۶:۳</sup> آورده در نام<sup>۵</sup> او زندگانی داشته باشد.

## پیوست.

### ظاهر شدن در کنار دریاچه

<sup>۲۱</sup> پس از آن<sup>۱</sup> عیسی باز در ساحل دریای طبریه خود را به شاگردان چنین نمایان کرد.<sup>۱۱</sup> شمعون پطرس، توما مشهور به «دیدیموس»، ننتائیل از قانای مت<sup>۱۴:۵</sup> ۲۴:۲۰<sup>۱۱:۱۱</sup> می<sup>۴:۵</sup> ۴۱:۴ می<sup>۳۷:۱۲</sup> ۲۵:۲۱

- در این بیان ایمان که آخرین بیان ایمان در انجیل است عنوانین خداوند و خدا در یک جا آمده است (ر. ک ۱:۱، ۱۸:۱).
- ر. ک روم<sup>۹:۶</sup> شاید انعکاس هله و فریادی است که در تبیاش اظهار می شده است.
- p از این پس ایمان برمنای دیدن نیست بلکه برمنای گواهی کسانی است که دیده اند؛ به وسیله این ایمان، مسیحیان با مسیح برخاسته از مرگ در همبستگی عمیق هستند (۲۰:۱۷).
- q شکی نیست که این قسمت (آیات ۳۲، ۳۱) پایان و نتیجه گیری انجیل بوده و یوحنا اظهار می کند منظور و هدف او از نوشتند انجیل چه بوده است.
- r منظور پیشرفت در امر ایمان است در مورد کسانی که به جمیعت ایمانداران تعلق دارند؛ ولی ممکن است قصد و منظور پیشرفت در امر رسالت باشد.
- s ایمان، اساساً درباره شناختن عیسی به عنوان پسر خدا و رسالت مسیحایی او است، به کسانی که به او ایمان می آورند در همبستگی با او زندگی جاودایی می دهد (ر. ک ۱۶:۱-۲۰؛ ۱۶:۳ و غیره).
- t آخرین باب انجیل که پس از آیات ۳۰-۳۱ قرار گرفته به صورت ضمیمه ای بشمار می رود، در مورد منبع و منشأ این ضمیمه بحث و تردید وجود دارد زیرا در کنار قرائی ادبی که مختص یوحنا است عبارات و نظریات نسبتاً خاصی آمده است. می توان تصور کرد این ضمیمه را شاگردان انجیل نگار انشاء کرده اند و شاید همان شاگردانی که دو آیه قبلی را نوشته اند و به هر صورت آیات مذکور مسلماً به انجیل ضمیمه شده اند.
- u این قسمت را می توان با روایت صید معجزه آمیز لو<sup>۱:۱</sup> در آغاز رسالت در جلیل مقایسه کرد.
- v نظری آیات ۰-۱۰ شاگردی که عیسی به او محبت داشته (و نمونه شاگردان واقعی است) اولین کسی است که خداوند را شناخته و به پطرس اطلاع می دهد که به عجله می آید.

## وظیفه شبانی پطرس

<sup>۱۵</sup> پس از خوردن غذا، عیسی ب شمعون می کشیدند.<sup>۱۶</sup> پس چون به خشکی پیاده شدند نگاه کردند در آنجا آتشی افروخته بود و بر آن ماهی ها، و نان.<sup>۱۷</sup> عیسی به آنان گفت: «از آن ماهی ها که هم آکنون گرفته اید بیاورید.»<sup>۱۸</sup> پس شمعون پطرس سوار قایق شده تور پر از ماهیان بزرگ را به خشکی کشید: صد و پینچاه و سه! و با وجود آن همه تور شکافته نشد.<sup>۱۹</sup> عیسی به آنان گفت: «بیائید غذائی بخورید.» هیچ یک از شاگردان جرأت نمی کرد از او بپرسد: «تو کیستی؟» درحالی که می دانستند او خداوند است.<sup>۲۰</sup> عیسی نزدیک آمده نان را گرفته به آنان داد و همچنین ماهی را.<sup>۲۱</sup> این بار سوم بود که عیسی قیام کرده از میان مردگان، خود را به شاگردان نمایان کرد.

به دویست زراع<sup>w</sup> و تور ماهیان را می کشیدند.<sup>۲۲</sup> پس چون به خشکی پیاده شدند تور از همه تور شکافته بود و بر آن ماهی ها، و نان.<sup>۲۳</sup> عیسی به آنان گفت: «آری خداوندا، می دانی که تو را دوست دارم.» به او گفت: «بره های مرا بچران.<sup>۲۴</sup> باز بار دوم به او گفت: «شمعون [پسر] یوحنا آیا مرا محبت می کنی؟» به او گفت: «آری خداوندا، می دانی که تو را دوست دارم.» [عیسی] به او گفت: «گوسفندان مرا شبانی کن.<sup>۲۵</sup>»<sup>۲۶</sup> بار سوم به او گفت: «شمعون [پسر] یوحنا آیا مرا دوست داری؟» پطرس غمگین شد از اینکه بار سوم پرسیده بود آیا مرا دوست داری، و به او گفت: «خداوندا تو از همه چیز آگاهی. می دانی که تو را دوست دارم.» عیسی به او گفت: «گوسفندان مرا بچران.<sup>۲۷</sup> آمين، آمين، به

w- اندکی کمتر از یکصد مت.

x- ممکن است منظور یوحنا از این نکته اشاره به کلیسا باشد بدین معنی که شاگردان به دستور مسیح برخاسته از مرگ عمل کرده و دست بکار می شوند و برخلاف انتظار از هر طرف جمعیتی واحد و متحده گرد هم می آورند (یوحنا برخلاف لوقا یادآوری و تأکید می کند که تور ماهیگیری پاره نشد [و شاید پاره شدن تور هم اشاره ای به جدایی و تفرقه باشد]). در مورد عدد ۱۵۳ منظور و جنبه اشاره ای این رقم روشن نیست. به نظر زروم قویس، علمای علوم طبیعی دنیا قدمی ماهیان را به ۱۵۳ نوع تقسیم می کردند: بدین ترتیب تور ماهیگیری رسولان بایستی تمام خانواده های بشریت را در کلیسای واحدی گرد آورند (ر. ک مت ۴۷:۱۳-۵۰).

y- ممکن است اشاره ای به صرف غذای سپاسگزاری باشد (ر. ک ۱:۶-۱۳): شاگردان دعوت شده اند و در غذایی که خداوند برپایخاسته از مرگ به آنان می دهد شرکت می کنند.

z- شکی نیست که تکرار این سخنان یادآور اطهارات تند پطرس (۳۷:۱۳؛ م ۳۰-۳۵؛ مر ۱:۲۶-۳۱؛ لو ۲:۲۲-۳۱) و سه بار انکار کردن او است (۳۸:۱۸-۳۷:۱۳).

a- پطرس محبت خود را اعتراف می کند بدون اینکه ادعا داشته باشد که در این امر بیش از دیگران است، ضمناً یادآوری می نماید که مسیح از دلها آگاه است.

b- عیسی در عین حال فرستاده پدر و شبان منحصر به فرد است (ر. ک ۰:۱۰-۱۶؛ لو ۱۲:۳۲ توضیح a)، بر مبنای محبت واقعی که پطرس اظهار و اعتراف کرده است وظیفه شبانی گله خود را به او وگزار می کند (ر. ک ۱:۱۰-۱۶). به همان گونه که مأموریت رسالت مفهومی ندارد مگر اینکه در پیوستگی با رسالت «پسر» مجسم باشد (۱۷:۱۷؛ ۲۰:۲۱)، به همان گونه وظیفه شبانی به وظیفه شبانی عیسی پیوستگی دارد (مت ۱:۶-۲۸:۲؛ ۱-۴:۱-۵ پطرس ۴-۱:۲۹-۲۸:۲). در اینجا چنین می نماید که محبت به مسیح شرط چنین وظیفه ای است و روح این وظیفه خواهد بود و در روایات کاتولیک با توجه و اتكاء به این متن به تدریج نظریه وظیفه رسالت مجمع رسولان و پاپ که رئیس این مجمع است ایجاد شده است (ر. ک مت ۱۶:۱۷-۱۹؛ لو ۲۲:۳۱-۳۲).

c- تفاوتی که در واژه ها وجود دارد چندان اهمیتی نداشته و فقط به منظور زیبایی انشاء و نگارش است.

عیسی گفت: «خداوندا برای او چه [خواهد شد]؟»<sup>۲۲</sup> عیسی به او گفت: «اگر می خواهم تازمانی که می آیم<sup>۲۳</sup> او بماند تو را چه؟ تو به دنبال من بیا». <sup>۲۴</sup> پس این حرف بین برادران شایع شد که: «این شاگرد نمی میرد». اما عیسی به پطرس نگفته بود: «او نمی میرد». بلکه: «اگر می خواهم تازمانی که بیایم او بماند تو را چه؟»<sup>۲۵</sup>

<sup>۲۴</sup> این همان شاگردی است که درباره اینها شهادت می دهد و آنها را نوشته است <sup>۲۷:۱۵</sup> <sup>۳۵:۱۹</sup> <sup>۱۲:۳</sup> <sup>یو</sup> و ما می دانیم که شهادت او حقیقی است.<sup>h</sup> <sup>۲۵</sup> همچنین بسیاری چیزهای دیگر عیسی کرده است که اگر یکایک آنها را می نوشتند به گمانم کتابهایی که از آنها نوشته می شد جهان گنجایش آنها را نداشت.<sup>i</sup>

تو می گوییم وقتی جوان تر بودی، خودت کمر مت ۱۶:۱۱:۲۱ خود را می بستی و به هر جا که می خواستی قدم بر می داشتی. اما وقتی پیر شدی، ۲:۲۲:۱۶ ۳:۲۶:۲۶ ۱۴:۱ دستها را دراز خواهی کرد و دیگری کمر تو را خواهد بست و تو را به جایی خواهد برد که نمی خواهی.<sup>۱۹</sup> <sup>۳۳:۱۲</sup> <sup>۱:۱۷</sup> <sup>۳۶:۱۳</sup> <sup>۳۹:۷</sup> بددهد [پطرس] خدا را با چه مرگی شکوه خواهد داد.<sup>d</sup> این را گفته به او گفت: «به دنبال من بیا».

**شاگرد محبوب عیسی و گواهی او**  
<sup>۲۰</sup> پطرس سر برگردانده آن شاگرد دیگر را که عیسی وی را محبت می کرد دید که به دنبال ایشان می آید - همانی که در سر شام به سینه اش تکیه داشت و گفته بود: «خداوندا کیست آن کس که تو را تسلیم می کند؟» - <sup>۲۱</sup> پس پطرس با دیدن او به

<sup>d</sup>- به خوبی روش است که نویسنده، این باب را پس از مرگ پطرس نوشته است. او می داند که زندگانی پطرس با شکنجه ای به پایان رسیده که در اینجا عیسی اعلام می کند. به نظر نویسنده این باب، و حتی اگر یوحنا نویسنده این باب باشد (ر.ک ۳۶:۱۳ توضیح ۸) آیه ۱۳ حتماً اشاره به مرگ پطرس است: و بین گونه خواهد توانست خدا را شکوهمند سازد. دراز کردن دستها ممکن است اشاره به مصلوب شدن باشد.

<sup>e</sup>- یعنی تا بازآمدن مسیح: ر.ک به عبارتی که در پایان مراسم سپاسگزاری است (۱-قرن ۱۱:۲۶) و کتاب مکافه هم با این عبارت پایان می باید (مکا ۲۲:۷، ۱۲، ۲۰).

<sup>f</sup>- این عبارت مبهم و مرموز است و مفهوم آن به دشواری درک می شود. می توان چنین دریافت که پطرس باید بدون اینکه به آنچه تصریح نشده توجه نماید رسالت خود را تعقیب کند. همچنین می توان تصور کرد که شاگرد محبوب عیسی که بهتر از هر کس دیگر به راز عیسی آشنا است همچنان حضور خود را در کلیسا ادامه خواهد داد به وسیله گواهی که در این کتاب ثبت شده است.

<sup>g</sup>- در تعدادی از نسخه های خطی کلمات «تورا چه؟» وجود ندارد.

<sup>h</sup>- جمعیت مسیحیان که این نوشه را جمع آوری کرده به خوبی می داند که گواهی دائمی و واقعی شاگرد محبوب عیسی است. لازم به یادآوری است تهها در باب ۲۱ ذکر شده که شاگرد محبوب همان گواهی است که جمعیت مسیحیان وابسته به یوحنا به او وابسته است: با وجود این به ۳۵:۱۹ توضیح ۹ مراجعه نمایید.

<sup>i</sup>- این آیه در تعداد زیادی از نسخه های خطی حذف شده است. مدرک نوشه موجود نمی تواند تمام فعالیت های عیسی را ذکر کرده و روشن نماید و بنابراین ما را به خود مسیح احواله می کند.